

شناخت مکی و مدنی قرآن

اثر علمی و تحقیقی:

پوهندوی دوکتور عبد القدوس «راجی»

عنوان کتاب:

شناخت مکی و مدنی قرآن

اثر علمی و تحقیقی:

پوهندوی دوکتور عبدالقدوس «راجی»

موضوع:

قرآن - علوم قرآنی و تحقیقات و مطالب قرآنی - نزول

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

دی (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری

منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست موضوعات

فهرست موضوعات ۱

پیشگفتار ۱

خلاصهٔ اثر ۲

مقدمه ۷

اهداف تحقیق: ۷

پیشینهٔ تاریخی موضوع: ۸

مروری بر مراجع: ۱۱

روش تحقیق: ۱۲

بخش نخست: تعریف و فواید شناخت مکی ومدنی ۱۵

تعریف مکی و مدنی ۱۷

الف - تعریف لغوی: ۱۷

ب - مفهوم عام این دو واژه: ۱۸

ج - تعریف اصطلاحی مکی و مدنی: ۱۸

د - فواید مهم آگاهی از علم مکی و مدنی: ۲۳

مناقشه: ۲۵

بخش دوم: نشأت علم مکی و مدنی ۲۷

مکی و مدنی از عصر نبوت تا عصر تدوین ۲۹

الف - علم مکی و مدنی در عصر نبوت: ۲۹

ب - مکی و مدنی در عصر صحابه: ۳۱

ج - تحول و تکامل این علم در عصر تابعین: ۳۳

- تألیفات جداگانه در این موضوع..... ۳۵
- الف - عصر تدوین: ۳۵
- ب - در عصر طلایی و شگوفایی علم: ۳۶
- مکی و مدنی به عنوان بابی از باب‌های علوم اسلامی ۴۱
- الف - کتاب‌های غیر تخصصی: ۴۱
- ب - کتاب‌های علوم القرآن: ۴۲
- مکی و مدنی از دیدگاه علمای تفسیر ۴۵
- الف - تفسیر به مأثور: ۴۵
- ب - تفسیر به رأی: ۴۶
- ج - تفاسیر جدید: ۴۷
- مکی و مدنی در تحقیقات معاصر ۵۱
- الف - تألیفات مستقل در «علم مکی و مدنی»: ۵۱
- ب - بررسی موضوع در ضمن مباحث علوم القرآن: ۵۲
- ج - مشخصات تحقیقات معاصر: ۵۳
- د - پاسخ به ایراد، و ردّ تلاش‌های منحرفانه خاورشناسان: ۵۴
- هـ - ملاحظات و کاستی‌ها: ۵۵
- مناقشه: ۵۷
- بخش سوم: قواعد و ضوابط ۵۹
- قواعد و ضوابط ۶۱
- ۱- تعریف لغوی و اصطلاحی قاعده و ضابطه: ۶۱
- تعریف اصطلاحی: ۶۱
- ۲- فرق بین قاعده و ضابطه: ۶۱
- الف - قواعد ۶۲
- قاعده اول: ۶۲
- قاعده دوم: ۶۳
- قاعده سوم: ۶۴

- قاعدهٔ چهارم: ۶۵
- قاعدهٔ پنجم: ۶۶
- ب- ضوابط و خصایص سوره‌های مکی و مدنی ۶۶
- ۱- ویژگی‌های سوره‌های مکی: ۶۷
- الف- ویژگی‌های کلی و قطعی: ۶۸
- ب- ویژگی‌های غیر قطعی سوره‌های مکی: ۷۰
- ۲- ویژگی‌های سوره‌های مدنی: ۷۱
- الف- ویژگی‌های قطعی و خطوط کلی سوره‌های مدنی: ۷۱
- ب- علایم غالبه: ۷۱
- مناقشه: ۷۳
- بخش چهارم: تقسیمات دیگر آیه‌های قرآنی** ۷۵
- الف- شناخت آیه‌های سفری و حضری ۷۷
- ب- شناخت آیاتیکه شب یا روز نازل شده ۷۷
- ج- آیات تابستانی و زمستانی ۷۸
- مثال آیات تابستانی: ۷۸
- د- آیات فراشی و نومی ۸۰
- هـ- آیات زمینی و فضائی ۸۱
- مناقشه ۸۱
- بخش پنجم: شناخت و ترتیب آیه‌ها و سوره‌ها** ۸۳
- ۱- معنی آیه ۸۵
- الف- مفهوم لغوی: ۸۵
- ب- معنی اصطلاحی: ۸۵
- ج- شناسایی آیه: ۸۶
- ۲- ترتیب آیه‌ها ۸۷
- ۳- شناخت نخستین آیه ۹۰
- بررسی آرا و نظریات فوق: ۹۳

- الف - حدیث جابر: ۹۳
- ب - روایت ابومیسره: ۹۳
- ج - استدلال قول چهارم: ۹۴
- نخستین آیه در چند موضوع ۹۴
- شناخت آخرین آیه ۹۶
- علت اختلاف: ۹۸
- تحقیق و بررسی این اقوال: ۹۸
- مناقشه: ۹۹

۱- معنی سوره ۱۰۱

- الف - حکمت تجزیه قرآن به سوره‌ها: ۱۰۱
- ب - تعریف لغوی: ۱۰۱
- ج - معنی اصطلاحی: ۱۰۲
- د - مناسبت معنی اصطلاحی سوره با مفهوم لغوی: ۱۰۲
- ۲- ترتیب سوره‌ها ۱۰۳
- ۳- اقسام سوره‌ها ۱۰۵
- انواع سوره‌های مکی و مدنی ۱۰۶
- ۴- نام و شماره سوره‌ها ۱۰۷
- الف - شماره سوره‌ها: ۱۰۷
- ب - اسامی سوره‌ها: ۱۰۷
- مناقشه: ۱۰۸

بخش ششم: تحقیق روایات در تحدید سوره‌های مکی و مدنی ۱۰۹

- ۱- روایت زهری در تنزیل القرآن ۱۱۱
- الف - سند این کتاب (صحیفه): ۱۱۲
- ب - درجه ثبوت این صحیفه: ۱۱۲
- ۲- روایت ابوعبید ۱۱۳
- الف - معرفی راویان اثر: ۱۱۳
- ب - درجه اثر: ۱۱۳
- ۳- روایت حارث بن اسد محاسبی ۱۱۴

۱۱۴ معرفی راویان اثر و درجه آن:
۱۱۴ ۴- روایت ابن ضریس
۱۱۵ الف- شناخت راویان اثر:
۱۱۶ ب- درجه اثر:
۱۱۶ ۵- روایت ابوجعفر نحاس در کتاب الناسخ و المنسوخ
۱۱۷ الف- معرفی راویان اثر:
۱۱۷ ب- درجه اثر:
۱۱۸ ۶- روایت ابن عبد الکافی
۱۱۸ معرفی راویان حدیث:
۱۱۸ درجه حدیث:
۱۱۹ ۷- روایت ابوعمرو دانی
۱۱۹ بررسی سند:
۱۲۰ درجه اثر:
۱۲۰ ۸- روایت بیهقی در دلایل النبوه
۱۲۱ راویان اثر:
۱۲۱ درجه اثر:
۱۲۲ نتیجه تحقیق
بخش هفتم: دلایل تفصیلی سوره های مکی و مدنی و سوره های مورد اختلاف. ۱۲۳	
۱۲۵ دلایل تفصیلی سوره های مکی
۱۲۵ تعداد و ترتیب سوره های مکی
۱۲۶ سوره انعام:
۱۲۸ سوره اعراف:
۱۲۸ سوره یوسف:
۱۲۹ سوره ابراهیم:
۱۳۱ سوره فرقان:
۱۳۲ سوره الشعراء:
۱۳۲ سوره روم:
۱۳۳ سوره لقمان:

۱۳۴	سوره یس:
۱۳۴	سوره غافر:
۱۳۵	سوره فصلت:
۱۳۵	سوره شوری:
۱۳۶	سوره زخرف:
۱۳۶	سوره دخان:
۱۳۷	سوره احقاف:
۱۳۷	سوره نجم:
۱۳۸	سوره قمر:
۱۳۸	سوره قلم:
۱۳۹	سوره جن:
۱۴۰	سوره مدثر:
۱۴۰	سوره مرسلات:
۱۴۰	سوره عبس:
۱۴۰	سوره اقرأ:
۱۴۱	سوره مسد:
۱۴۱	سوره اخلاص:
۱۴۲	ب- انواع سوره های مکی
۱۴۲	۱- خصایص سوره های مرحله نخستین مکی:
۱۴۳	۲- ویژگی های سوره های مرحله میانی مکی:
۱۴۴	۳- ویژگی های سوره های مرحله پایانی مکی:
۱۴۴	ج- آیات مکی در سوره های مدنی
۱۴۴	سوره بقره:
۱۴۶	سوره مائده:
۱۴۷	سوره انفال:
۱۴۸	سوره توبه:
۱۵۰	سوره مجادله:
۱۵۰	سوره تحریم:
۱۵۰	مناقشه:

۱۵۱	اسامی و ترتیب نزول سوره‌های مدنی
۱۵۱	دلایل تفصیلی مدنی بودن این سوره‌ها:
۱۵۱	سوره بقره:
۱۵۱	سوره آل عمران:
۱۵۲	سوره نساء:
۱۵۳	سوره مائده:
۱۵۵	سوره انفال:
۱۵۶	سوره توبه:
۱۵۶	سوره نور:
۱۵۷	سوره احزاب:
۱۵۹	سوره فتح:
۱۵۹	سوره حجرات:
۱۶۰	سوره مجادله:
۱۶۰	سوره حشر:
۱۶۱	سوره ممتحنه:
۱۶۱	سوره صف:
۱۶۲	سوره جمعه:
۱۶۲	سوره منافقون:
۱۶۲	سوره طلاق:
۱۶۳	سوره تحریم:
۱۶۳	سوره مطففین:
۱۶۴	سوره نصر:
۱۶۴	۲- انواع سوره‌های مدنی
۱۶۵	۳- آیات مدنی در سوره‌های مکی
۱۶۶	آیات مدنی در سوره انعام:
۱۶۶	سوره هود:
۱۶۷	سوره نحل:
۱۶۷	سوره اسراء:
۱۶۷	سوره حج:

۱۶۷	سوره قصص:
۱۶۷	سوره سجده:
۱۶۸	سوره سبأ:
۱۶۸	سوره زمر:
۱۶۹	سوره احقاف:
۱۶۹	سوره واقعه:
۱۶۹	سوره ماعون:
۱۷۰	مناقشه:

تحقیق و بررسی سوره‌های مورد اختلاف

۱۷۱	سوره فاتحه:
۱۷۲	سوره نساء:
۱۷۲	سوره یونس:
۱۷۳	سوره رعد:
۱۷۵	سوره حج:
۱۷۶	سوره الفرقان:
۱۷۷	سوره ص:
۱۷۷	سوره الرحمن:
۱۷۸	سوره حدید:
۱۷۸	سوره صف:
۱۷۹	سوره تغابن:
۱۷۹	سوره انسان:
۱۷۹	سوره مطففین:
۱۸۰	سوره‌های: الفجر، البلد، اللیل والقدر:
۱۸۰	سوره لم یکن:
۱۸۰	سوره عادیات:
۱۸۱	سوره الهاکم:
۱۸۱	سوره ماعون:
۱۸۱	سوره کوثر:

۱۸۲	سوره اخلاص:
۱۸۳	سوره معوذتان:
۱۸۳	مناقشه:
۱۸۵	نتایج تحقیق
۱۸۸	مناقشه
۱۹۱.....	نتیجه گیری
۱۹۳	سفارشات
۱۹۵	فهرست منابع و مآخذ

پیشگفتار

علم مکی و مدنی قرآن کریم یکی از مهم‌ترین موضوعات علوم القرآن به شمار می‌رود، علوم القرآن هر چند نام برای علم مشخصی است که موضوعات متعددی را در بردارد، ولی هر موضوعی از موضوعات آن درخور آنست که طی کتاب مستقل و تحقیقات جداگانه‌ای مورد بحث و بررسی قرار گیرد، همانگونه که علمای سلف حتی در آغاز تدوین علوم اسلامی پیرامون هریک از این موضوعات تألیفات مستقلی طبق فرهنگ و شیوه آن عصر داشتند.

موضوع شناخت مکی و مدنی قرآن نیز مانند سایر موضوعات قرآنی اهمیت ویژه‌ای در فهم معانی قرآن دارد، و از سوی دیگر تحقیقاتی در این علم از طرف علمای متأخر و معاصر به شکل وسیع، گسترده و فراگیر - بویژه در زبان دری - صورت نگرفته است، در حالیکه از موضوعات عمده مضمون «علوم القرآن» و «تاریخ تشریح اسلامی» به شمار می‌رود، پس تحقیق ویژه و تخصصی در همچو یک موضوع نه تنها برای شاگردان و استادان قابل استفاده است، بلکه برای سایر پژوهشگران و علاقه‌مندان رشته علوم القرآن مفید بوده آن‌ها را در فهم و درک درست تفسیر قرآن یاری می‌رساند. بنابراین این موضوع را عنوان اثر علمی خود برای ترفیع از رتبه «پوهنملی» به رتبه پوهندوئی «قرار دادم، به امید اینکه خدمت کوچکی در عرصه تخصص خود انجام داده باشم.

و خداوند مهربان و توانا را سپاس‌گزارم که تهیه و ترتیب این اثر را برایم آسان نموده و در تکمیل آن مرا یاری داد، همانگونه که زمینه تحصیل و آموزش را برایم میسر ساخت، و توفیق سپاس‌گزاری نعمت‌های خود را عنایت فرمود، و شکر و سپاس را مایه فزونی نعمت، کفران و ناسپاسی را موجب فناى آن قرار داده فرمود: ﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾ [ابراهیم: ۷].

«پروردگار شما اعلام کرد: اگر شکر نعمت‌های مرا بجا آورید، من به طور قطع نعمت‌های شما را افزون می‌کنم، و اگر کفران کنید، عذاب و مجازات من شدید است.»

بر مبنای حدیث صحیح^۱ پیامبر اسلام ﷺ: «لا یشکر الله من لا یشکر الناس»^۲.
 «کسی که از مردم تشکر و سپاسگزاری نکند، شکر خدا را هم ادا نمی‌نماید».
 و باتأسی از اخلاق عالی و سنت‌های عملی پیامبر ﷺ که اشخاصیکه به او نیکی
 می‌کرد، از آن‌ها تقدیر و سپاس‌گزاری می‌نمود.

با توجه به سنت‌های قولی و فعلی پیامبر اکرم ﷺ به خود لازم می‌دانم که از محترم
 استاد عالی قدر پوهاند نعمت الله «شهرانی» صمیمانه سپاس‌گزاری نمایم؛ چون ایشان
 با وجود مسؤولیت‌های سنگین اداری، مصروفیت‌های علمی خود، لطف نموده رهنمائی
 این اثر را پذیرفته و با رهنمودهای ارزشمند و سازنده علمی و مشوره‌های مفید و سالم
 خویش به ارزش و معنویت این اثر افزوده و در تکمیل آن همکاری لازم نموده‌اند.
 از خداوند متعال عاجزانه درخواست می‌نمایم که برایشان اجر جزیل، پاداش عظیم،
 سعادت و موفقیت دو جهان را نصیب گرداند.

و همچنان از همکاری استاد محترم پوهاند سید عمر منیب نهایت سپاس‌گزاری
 نموده و برایشان سعادت و فلاح دارین را از کریم توانا خواهانم.

و از جمندان عزیز: معاویه و خالد که بهترین یار و یاورم در این راه بودند و سایر
 برادران و دوستانی که در انجام این رسالت به نحوی بامن همکار بوده و سهم
 گرفته‌اند، اظهار سپاس و قدر دانی می‌نمایم و از خداوند متعال برایشان اجر سترگ و
 پاداش بزرگ می‌خواهم.

پوهنمل دوکتور عبد القدوس «راجی»

استاد پوهنتون/دانشگاه تخار

خلاصه اثر

علوم القرآن بهترین وسیله است برای تفسیر قرآن که بدون دسترسی کامل به آن،
 دست به تفسیر قرآن زدن اشتباه بزرگی تلقی می‌شود.

علوم القرآن - از نام آن پیدا است که - تمام مباحث و مسایلی را که در فهم و
 توضیح آیات قرآنی پیوند مستقیم دارد، دربر می‌گیرد که علم مکی و مدنی قرآن از
 مهمترین موضوعات مهم آن شمرده می‌شود؛ چون این علم زمان نزول وحی الهی را

۱- صحیح سنن ابو داود ج ۱ ص ۱۸۵

۲- سنن ابوداود ج ۱ ص ۱۵۷

بیان نموه، آیات قرآنی را از نظر مکان نزول و اشخاص مورد نظر تقسیم‌بندی می‌کند و فایده بزرگی در شناخت ناسخ و منسوخ قرآن داشته، سیر تدریجی تعالیم قرآن و بیان معارف اسلامی را بازگو می‌کند؛ پس شناسایی این علم در حقیقت شناسایی تاریخ تشریح و حکمت در چگونگی نزول و کشف مراحل مختلفه‌ای است که دعوت اسلامی گذرانده است.

و این علم مانند سایر علوم قرآنی بامداد خود را در همان عصر پرمیمت پیامبر اکرم ﷺ طی نمود، سپس اصحاب گرامی پیامبر ﷺ و علمای تابعین و سایر دانشمندان - اعم از علمای پیشین و معاصر - با درک اهمیت این موضوع کمره‌مت را در ره توضیح و تبیین آن بستند، و طبق فرهنگ و شیوه عصر خود تألیفات ارزشمندی در این موضوع نگاشته‌اند.

و با به وجود آمدن نهضت علمی جدید تحقیقات در موضوعات علوم القرآن نیز آغاز گردید، موضوع مکی و مدنی نیز از این نهضت علمی بی‌بهره نماند، علمای معاصر تحقیقاتی در عرصه موضوعات علوم قرآنی بویژه موضوع مکی و مدنی انجام دادند.

این اثر تحقیقی «خصوصیات و فواید شناخت آیات و سوره‌های مکی و مدنی قرآن» ادامه همان نهضت علمی است که در تهیه آن نقاط ذیل در نظر گرفته شده است:

- از منابع مهم و اولیه علوم القرآن و مصادر موثق و معتمد تفسیر و حدیث استفاده به عمل آمده است.
- در بخش روایات به منابع اصلی و معتمد چون کتاب‌های شش گانه و... مراجعه نموده، هر روایت و اثر بابیان درجه آن به نقل از علمای پیشین و معاصر تخریح گردیده است.
- قبول، رد، تأیید و ترجیح هر موضوع به اساس روایت‌های صورت گرفته است که از لحاظ سند مراحل دقیق جرح و تعدیل را پیموده و نزد علمای حدیث به درجه صحت یا حسن قرار گرفته باشد.
- کوشش شده که روش تحقیق و نگارش علمی از قبیل: تحقیق موضوع بصورت تخصصی و فراگیر جوانب موضوع، رعایت نشانه‌گذاری‌ها چون: قوس آیات، نشانه اقتباس، نشانه اعتراض و نشانه‌ها و قواعد دیگر قدر توان مراعات گردد. مطالب عمده و نتیجه این تحقیق به طور فشرده از این قرار است:

- موضوع مکی و مدنی قرآن فایده بزرگی در شناخت ناسخ و منسوخ قرآن داشته، سیر تدریجی تعالیم قرآن، و بیان معارف اسلامی را بازگو می‌کند.
- تعریف جامع و مانع مکی و مدنی همان تعریف مشهور است: «الْمَكِّي مَا نَزَلَ قَبْلَ الْهَجْرَةِ، وَالْمَدْنِي مَا نَزَلَ بَعْدَ الْهَجْرَةِ سِوَاءَ كَانِ بِالْمَدِينَةِ أَوْ بغيرِهَا مِنْ أَيْ الْبِلَادِ كَانِ حَتَّىٰ وَلَوْ كَانِ بِمَكَّةَ أَوْ عَرَفَةَ».
- یگانه راه مطمئن و معتمد در شناخت جزئیات و تفصیل موضوع مکی و مدنی نقل است، و طریق اجتهاد یکی از راه‌های شناخت موضوع است، ولی مطمئن نیست، و همچنان جزئیات موضوع به طور مفصل از راه اجتهاد دانسته نمی‌شود.
- استثنای آیات مدنی از سوره‌های مکی، و آیات مکی از سوره‌های مدنی بستگی به روایات صحیح دارد.
- آیات مدنی ناسخ آیات مدنی سابق، و هم ناسخ آیات مکی شده می‌تواند.
- علما و دانشمندان علوم قرآن برای تشخیص سوره‌های مکی از مدنی - علاوه بر طریق روایت، از طریق درایت نیز - خصایص و ویژگی‌های تعیین کرده‌اند، و این ویژگی‌ها ما را به شناسائی مکی از مدنی رهبری می‌کند.
- ترتیب آیه‌ها وابسته به توقیف نبی اکرم ﷺ و فرود آمده از جانب خدای تعالی است، برای رأی و اجتهاد، در این زمینه مجالی نیست.
- همچنان نظریه قابل قبول، مستدل و مستند در ترتیب سوره‌های قرآن اینست که: ترتیب سوره‌های قرآن بهمین ترتیبی که امروز در دسترس ما قرار دارد، مانند ترتیب آیات در هر سوره قرآن «توقیفی» است، و در زمان حیات پیامبر ﷺ به همین ترتیب مشخص و معلوم بوده است.
- سوره‌های قرآن به اجماع امت یکصد و چهارده سوره است که اولش «فاتحة الكتاب» و آخرش «الناس» می‌باشد.
- در تحدید تمام سوره‌های مکی و مدنی هشت روایات از طرق متعدد از ابن شهاب، علی ابن ابی طلحه، قتاده، ابن عباس، عکرمه و حسن بن ابی الحسین، نقل گردیده است که برخی از این آثار از لحاظ سند به درجه ثبوت نرسیده است، و برخی دیگر آن از نظر سند بدرجه ثبوت رسیده، ولی اثر مقطوعی بوده

که در همچو موضوع قابل استدلال نمی‌باشد. ولی در صورت نبود روایت صحیح و حسن قابل استئناس می‌باشد.

- با توجه به روایات وارده و استناد به محکم‌ترین و قوی‌ترین آن‌ها تعداد سوره‌های که به اتفاق مکی‌اند (۷۵) سوره است. و (۱۸) سوره به اتفاق مدنی، و (۲۱) سوره مورد اختلاف است.
- بیشتر سوره‌ها به صورت جدا گانه مورد بحث و تحقیق قرار گرفته و در روشنی روایات صحیح یا حسن و ضوابط کلی سوره‌ها به مکی و مدنی بودن آن حکم شده است، به استثنای برخی از سوره‌ها که در مورد آن‌ها جز بعضی از آثار - که آن‌هم خالی از ضعف نبوده - وجود نداشته؛ بناءً از حکم مشخص در مورد آن‌ها صرف نظر گردیده است.

و بالله التوفیق

مقدمه

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على خاتم الأنبياء والمرسلين، وعلى آله وصحبه أجمعين. وبعد:

علوم القرآن، از نام آن پیدا است که تمام مباحث و مسایلی را که در فهم و تفسیر قرآن پیوند و ارتباط مستقیم دارد دربر می‌گیرد، اساس این علم در عصر نبوت پی‌ریزی شد؛ چون قرآن کریم به شکل وحی به پیامبر ﷺ نازل می‌گردید و او قبل از همه به کتابت آیه‌های آن فرمان داده برای کاتبان وحی اشاره می‌نمود که طبق ترتیب مطلوب به کتابت آیه‌های قرآنی بپردازند.

و همچنان پیامبر اکرم ﷺ با بیان قولی و فعلی با اشاره و یا صریح در تفسیر آیات قرآنی می‌پرداخت، بدین‌گونه اساس این علم در زمان خود وی پی‌ریزی شد؛ زیرا کتابت قرآن، ترتیب آیه‌ها و سوره‌ها و توضیح مشکلات کلمات قرآنی از اصول علوم القرآن به شمار می‌رود.

اهداف تحقیق:

موضوع شناخت مکی و مدنی قرآن بنابر اهمیتی که در فهم معانی قرآن دارد و اینکه تحقیقاتی در این علم از طرف علمای متأخر و معاصر به شکل وسیع، گسترده و فراگیر - بویژه در زبان دری - صورت نگرفته است و از موضوعات عمده مضمون «علوم القرآن» و «تاریخ تشریح اسلامی» است که این دو مضمون در دیپارتمنت‌های تعلیمات اسلامی و فقه و قانون پوهنحی شرعیات در جمله مضامین اساسی آن تدریس می‌گردد، پس تحقیق ویژه و تخصصی در همچو یک موضوع نه تنها برای شاگردان و استادان این پوهنحی قابل استفاده است، بلکه برای سایر پژوهشگران و علاقه‌مندان رشته علوم القرآن مفید بوده آن‌ها را در فهم و درک درست تفسیر قرآن یاری می‌رساند. بنا برآن این موضوع را عنوان اثر علمی خود قرار دادم که از بخش‌های مهم ذیل تشکیل یافته است:

در مقدمه: اهمیت، سبب انتخاب و پیشینه موضوع و روش تحقیق گنجانیده شده است.

بخش نخست: تعریف لغوی و اصطلاحی مکی و مدنی و فواید شناخت آن را در بر دارد.

بخش دوم: در مورد نشأت و ظهور این علم و مراحل رشد آن.

بخش سوم: در باره قواعد و ضوابط مکی و مدنی، شناخت قاعده و ضابطه و فرق این دو واژه تخصیص یافته است.

در بخش چهارم: تقسیمات دیگری که به موضوع مکی و مدنی پیوند مستقیم دارند، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

بخش پنجم: شناخت آیه‌ها و سوره‌ها.

بخش ششم: تحقیق روایات در تحدید سوره‌ها طبق موازین علم حدیث.

بخش هفتم: آیات و سوره‌های مکی و مدنی و سوره‌های مورد اختلاف با دلایل..

و با بیان نتایج گیری، مناقشه، نتیجه گیری و پیشنهادات خاتمه یافته است.

پیشینه تاریخی موضوع:

دقت و تأمل در موضوع «مکی و مدنی آیات و سوره‌های قرآنی» و بررسی روایات اسلامی که در این عرصه ثابت شده، واضح می‌سازد که نشأت این علم نیز در عصر پرمیمت نبوت برمی‌گردد، هر چند در این مورد روایتی از خود پیامبر ﷺ نقل نشده است، ولی در عصر نزول وحی و در حیات پیامبر ﷺ شاگردان مکتب نبوت، و یاران گرامی وی، نه به عنوان یک موضوع، بلکه به عنوان: یاد داشت زمان و مکان نزول قرآن به این موضوع توجه نموده، زمان و مکان نزول آیه‌ها و سوره‌های قرآنی را ثبت و ضبط نموده‌اند که بعدها آن روایات اسلامی دلایل مکی و مدنی بودن آن آیات و سوره‌ها شمرده شد.

بدین‌گونه اساس این علم در عصر نبوت پی‌ریزی شد، و علم مکی و مدنی مانند سایر علوم قرآنی بامداد خود را در همان عصر پرمیمت پیامبر اکرم ﷺ طی نمود.

سپس اصحاب گرامی پیامبر ﷺ که شاهد نزول وحی الهی بوده، زمان و مکان آن را خوب می‌دانستند، بادرک اهمیت این موضوع کمرهمت را در ره توضیح و تبیین آن

بستند، آنچه را که در این قسمت می‌دانستند، بیان کرده و اهمیت آن را برای مردم توضیح نمودند:

از خلیفه دوم عمر بن خطاب رضی الله عنه در مورد نزول آیه: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ﴾ [المائدة: ۳] چنین نقل است:

«إني لأعلم حيث أنزلت، وأين نزلت، وأين رسول الله صلى الله عليه وسلم حين أنزلت يوم عرفه، وإنا والله بعرفة»^۱.

«من می‌دانم که این آیه چه وقت؟ و در کجا نازل گردید؟ و در وقت نزول آن پیامبر صلى الله عليه وسلم در کجا بود؟ روز عرفه هنگامیکه ما در میدان عرفات بودیم این آیه نازل گردید».

عبد الله بن مسعود علم مکی و مدنی را بخش مهم از علوم قرآنی دانسته می‌فرماید: «والله الذي لا إله غيره ما أنزلت سورة من كتاب الله إلا أنا أعلم أين نزلت، ولا أنزلت آية من كتاب الله إلا أنا أعلم فيمن نزلت، ولو أعلم أحداً أعلم مني بكتاب الله تبلغه الإبل لركبت إليه»^۲.

«سوگند به خداییکه جز او خدایی نیست، سوره‌ای از کتاب خدا فرود نیامده جز اینکه من می‌دانم کی نازل شد؟ و آیه‌ای از کتاب خدا نازل نشده، مگر اینکه می‌دانم در باره چه بوده؟ اگر شخصی را سراغ داشته باشم که کتاب خدا را بهتر از من می‌داند، و امکان سفر در آن بوده باشد، بخاطر کسب علم قرآن به سوی آن رخت سفر خواهم بست».

خلیفه چهارم علی بن ابی طالب رضی الله عنه می‌گوید: «سلوني عن كتاب الله، فوالله ما من آية إلا وأنا أعلم بليل نزلت أم بنهار، أم في سهل أم في جبل»^۳.

«در باره تفسیر قرآن از من پرسید؛ سوگند به خداوند هر آیه‌ای که در شب یا در روز، در زمین هموار و یا درکوه نازل گردیده است، من می‌دانم».

۱- صحیح البخاری ج ۸ ص ۱۱۹

۲- همان مأخذ ج ۸ ص ۶۲۲

۳- تفسیر عبد الرزاق ج ۳ ص ۲۴۱

عصر تابعین مرحله تکمیلی عصر صحابه است، تابعین وصف و تفصیل تمام روایات را در این قسمت مانند دیگر موارد علوم قرآنی از یاران پیامبر ﷺ شنیده‌اند، و باکمال امانت داری آن را ثبت و ضبط نموده و برای نسل بعدی انتقال داده‌اند.

و با حلول قرن دوم هجری، نهضت تألیف و تدوین علوم اسلامی نیز آغاز گردید، دانشمندان اسلامی در ابواب و موضوعات مختلف علوم دینی احادیث نبوی، و روایات اسلامی را جمع‌آوری نمودند که حرکت تألیف و تدوین شامل موضوعات علوم قرآنی نیز بود، علمای این فن چون عکرمه، حسن بصری، ابن شهاب زهری، ضحاک بن مزاحم هلالی و... طبق شیوه آن زمان به تألیفات مستقل در موضوع علم مکی و مدنی قرآن پرداختند.

در قرن سوم هجری که عصر طلایی و شگوفایی علوم اسلامی محسوب می‌گردد، نهضت تألیف و ترجمه مرحله ابتدائی خود را سپری نموده، به مرحله پختگی رسیده بود، کتاب‌ها به صورت جامع، مرتب، موضوعی، منقح و تصحیح شده تألیف می‌گردید. دانشمندان فن علوم القرآن نیز با استفاده از این نهضت علمی تألیفاتی را در موضوعات علوم القرآن بخصوص «علم مکی و مدنی» با نظر داشت فرهنگ عصر خود به شکل جامع و موضوعی در رشته تحریر درآوردند که از آن جمله می‌توان کتاب‌های ذیل را نام برد:

۱- «فضائل القرآن وما أنزل بمكة وما أنزل بالمدينة» تألیف ابن ضریس یکتن از محدثان بزرگ.

۲- «بیان عدد سور القرآن و آیاته و کلماته و مکیه و مدنیه» تألیف ابن عبد الکافی از علمای قرن چهارم.

۳- «التنزیل و ترتیبه» تألیف ابوالقاسم نیشاپوری از علمای قرن پنجم.

۴- کتاب «المکی و المدنی» تألیف امام مکی بن ابی طالب از علمای قرن ششم.

۵- کتاب «المکی و المدنی فی القرآن» تألیف عز الدیرینی.

از قرن هشتم به بعد تا اواخر قرن چهاردهم تألیف در علوم القرآن به شمول موضوع مکی و مدنی دچار یک وقفه طولانی گردید و موضوعات مختلف این علم کمتر بصورت ویژه مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته، بلکه همه تحقیقات در اطراف کتاب البرهان زرکشی و اتقان سیوطی دور می‌زد.

و با به وجود آمدن نهضت علمی جدید تحقیقات در موضوعات علوم القرآن نیز آغاز گردید، موضوع مکی و مدنی نیز از این نهضت علمی بی بهره نماند، علمای معاصر تحقیقاتی در عرصه موضوعات علوم قرآنی بویژه موضوع مکی و مدنی دارند که کتاب‌های آتی از آن جمله قابل یاد آوری است:

۱- أهم خصائص السور والآيات المكية.

۲- خصائص السور والآيات المدنية.

۳- المكي والمدني في القرآن.

در آینده توضیح داده خواهد شد که یک بحث ویژه باید چه خصایصی را دارا باشد؟ کتاب‌هاییکه در موضوع مورد بحث ما تألیف شده - اعم از تألیفات علمای پیشین و معاصر - بیشتر آن بنا بر دلایلی فرا گیر جوانب موضوع نبوده و برخی از این تحقیقات دقت علمی را کمتر در نظر گرفته است، جز کتاب «المكي والمدني في القرآن» که این کتاب در موضوع مورد بحث کتاب جامعی شمرده می‌شود، ولی ناقص است، تنها سوره‌های نیم اول قرآن را در بر دارد.

و از سوی دیگر اهمیت خاصی که شناخت مکی و مدنی در فهم تفسیر آیات قرآنی دارد درخور آنست که در این مورد بحث و بررسی ویژه‌ای صورت بگیرد؛ زیرا علم بازشناسی آیات و سوره‌های مکی و مدنی قرآن از یک سو زمان نزول وحی الهی را بیان می‌کند و از سوی دیگر آیات را چه از نظر مکان نزول و یا اشخاص مورد نظر و یا از جهت زمان نزول، تقسیم‌بندی می‌کند و وسیله شناخت ناسخ و منسوخ می‌باشد.

با توجه به مطالب فوق خواستم اثریکه غرض ترفیع علمی تهیه می‌نمایم عنوان آن: «خصوصیات و فواید شناخت آیات و سوره‌های مکی و مدنی قرآن» باشد، تا به لطف و یاری پروردگار مهربان خدمتی در علوم قرآن - بویژه در زبان دری - انجام داده باشم. از خالق متعال استدعا دارم که مرا در تکمیل این رسالت توفیق و یاری رسانده و این عمل اندک و نا چیز را مورد پذیرش خود قرار دهد.

مروری بر مراجع:

- چون موضوع مورد بحث ما علاوه بر جنبه درایتی جنبه روایتی نیز دارد؛ بنابراین در بخش روایات به منابع اصلی و معتمد چون کتاب‌های شش گانه حدیث (صحیح البخاری، صحیح مسلم و سنن چهار گانه) و همچنان مسند

احمد، مستدرک حاکم و... مراجعه نموده، هر روایت و اثر از منابع اصلی آن با بیان درجه هر حدیث و اثر تخریح گردیده است.

- کتاب‌های علوم القرآن - بخصوص کتاب‌های که در مورد مکی و مدنی - در عصر تابعین چون نزول القرآن از ضحاک، عکرمه و حسن بصری، و تنزیل القرآن از ابن شهاب زهری، و کتاب‌هایی که در عصر شگوفایی علم در قرن‌های دوم تا پنجم تألیف گردیده است، چون فضایل القرآن از ابن ضریس، و بیان عدد سور القرآن و آیات و کلماته و مکیه و مدنیه تألیف ابن عبدالکافی، و التنزیل و ترتیبه تألیف ابوالقاسم حسن بن محمد بن حبیب نیشاپوری بعد از کتاب‌های حدیث منابع دیگر روایتی این اثر به شمار می‌رود.
- بیشترین و بزرگترین منابع این اثر بعد از روایات اسلامی کتاب‌های علوم القرآن چون البرهان فی علوم القرآن از زرکشی، الاتقان فی علوم القرآن از سیوطی، مناهل العرفان فی علوم القرآن از زرقانی، مباحث فی علوم القرآن از مناع القطان و... است.
- همچنان کتاب‌های تفسیر - اعم از تفسیر سلف و تفاسیر علمای معاصر - و برخی از شروحات حدیث چون فتح الباری و... نیز از منابع این اثر است، ولی حکم و ترجیح بر مبنای روایت‌های صحیح و یا حسن بوده، نه براساس آرا و نظریات اشخاص.

روش تحقیق:

بنابر رعایت روش علمی تحقیق و نگارش، نقاط ذیل در تهیه این اثر در نظر گرفته شده است:

- ۱- ذکر آیات قرآن با حواله و ترجمه فارسی آن.
- ۲- تخریح احادیث و آثار از منابع اصلی با بیان درجه هر حدیث و اثر با نقل از علمای فن حدیث، جز احادیث صحیح البخاری و صحیح مسلم که در صحت احادیث این دو کتاب هیچ تردیدی نزد علمای حدیث وجود ندارد.
- ۳- قبول و بارد یک مسأله، تأیید و ترجیح آن به اساس روایت‌هایی صورت گرفته است که از لحاظ سند مراحل دقیق جرح و تعدیل را پیموده و نزد علمای حدیث به درجه صحت یا حسن رسیده باشند.

اما روایاتی که به درجهٔ ثبوت نرسیده ضعیف یا پایین تر از آن بوده - حتی در صورت نقل این گونه روایات - مورد اعتماد و استدلال قرار نگرفته است؛ زیرا چنین روایات از نظر علمی قابل استدلال نمی باشد.

۴- به حد توان کوشش شده که روش تحقیق و نگارش علمی از قبیل: تحقیق موضوع بصورت تخصصی رعایت نشانه گذاری ها چون: { قوس آیات و " نشانهٔ اقتباس و - - نشانهٔ اعتراض و نشانه ها و قواعد دیگر با دقت مراعات گردد.

۵- بیشتر سوره ها به صورت جدا گانه مورد بحث و تحقیق قرار گرفته و در روشنی روایات صحیح یا حسن و ضوابط کلی سوره ها به مکی و مدنی بودن آن حکم شده است، به استثنای برخی از سوره ها که در مورد آن ها جز بعضی از آثار - که آنهم خالی از ضعف نبوده - وجود نداشته؛ بناءً از حکم مشخص در مورد آن ها صرف نظر نمودم.

۶- از ویژگی های این تحقیق شمولیت، فراگیری و بررسی جزئیات موضوع به صورت علمی و همه جانبه است.

۷- ترتیب فهرست های ذیل:

فهرست منابع و مراجع.

فهرست مطالب.

وما توفیقی إلا بالله علیه توکلت وإلیه أنیب

بخش نخست:
تعریف و فواید
شناخت مکی ومدنی

تعریف مکی و مدنی

الف - تعریف لغوی:

اصطلاح "مکی" و "مدنی" از دو کلمه ترکیب یافته است:

۱- مکی: منسوب به "مکه"، شهر مکه، سرزمین وحی و زادگاه پیامبر اسلام ﷺ است.

به اساس قاعده نسبت حرف "ة" از آخر کلمه "مکه" حذف و حرف "یای" نسبتی علاوه گردیده است. ابن مالک در همچو مورد می گوید:

ومثله مما حواه احذف و تا تأنیث أو مدته لا تثبتاً^۱

"و همچنان از آخر کلمه - در حالت نسبت - حرف تا و حرف مد حذف کرده می شود".

۲- مدنی: منسوب به مدینه، شهر پیامبر ﷺ است.

مدینه: جمع آن: مدن و مداین است، به معنی: شهر، ولی شهر مدینه منوره به این نام شهرت دارد.

طبق قاعده نسبت هر اسمی که برون "فَعِيلَة" باشد، در حالت نسبت، حرف "ی" و "ة" از آن حذف شده، و کسره عین (حرف دوم). به فتحه تبدیل گردیده بر وزن "فَعْلَى" خوانده می شود، مانند صَحْفَى، مَدْنَى، جَرَشَى و...

وَفَعْلَى فِي فَعِيلَةِ التَّزْمِ وَفَعْلَى فِي فَعِيلَةِ حَتْمِ^۲

"فَعِيلَة" در حالت نسبت "فَعْلَى" خوانده می شود، و همچنان نسبت "فَعِيلَة" به طور لازم "فَعْلَى" می باشد

۱- شرح ابن عقیل علی ألفیة ابن مالک ج ۴ ص ۱۵۴.

۲- همان مأخذ ج ۴ ص ۱۵۹.

ب- مفهوم عام این دو واژه:

برخی از واژه‌های علمی - مانند واژه‌های: "علوم القرآن"، "ناسخ و منسوخ" و... - علاوه بر مفهوم لغوی و قبل از تشخیص کاربرد علمی و اصطلاحی آن، به معنی سوم که گسترده‌تر از مفهوم اصطلاحی آن است، نیز اطلاق می‌گردد.

واژه "مکی و مدنی" نیز از دیدگاه علمای پیشین مفهوم شامل‌تری نسبت به معنی اصطلاحی آن دارد. ابوالقاسم حسن بن محمد بن حبيب نیشاپوری مفهوم عام "مکی و مدنی" را چنین مشخص نموده است: "علم يبحث منازل القرآن المکی والمدنی وکل ما يتعلق بذلك من ملابسات الأحوال".^۱

"علمیست که در باره موارد نزول قرآن (آیات و سوره‌های). مکی و مدنی، اوضاع، احوال و متعلقات آن بحث می‌کند".

ج- تعریف اصطلاحی مکی و مدنی:

آیات و سوره‌های قرآن از لحاظ تفاوت زمان و مکان نزول دو قسم هستند:

۱- سوره‌های مکی که قبل از هجرت و در دوره سیزده ساله اول رسالت در مکه و حومه‌های آن بر پیامبر ﷺ فرود آمده‌اند.

۲- سوره‌های مدنی که بعد از هجرت و در دوره ده ساله رسالت در مدینه و دیگر جاها بر پیامبر ﷺ نازل گردیده‌اند و این دو نوع سوره‌ها (مکی و مدنی) نه تنها از راه روایت، بلکه از راه درایت و وجود ویژگی‌ها نیز از هم جدا شده‌اند که در بحث‌های بعدی به طور مشروح خواهد آمد.

منظور از مکی و مدنی بودن سوره:

تعیین اینکه سوره‌ای مکی و یا مدنی است، به تبعیت از اکثر آیات و یا به پیروی از آغاز سوره می‌باشد. حافظ ابن حجر در این ارتباط می‌گوید: "فلا يلزم من نزول آية أو آيات من سورة طويلة بمكة إذا نزل معظمها بالمدينة أن تكون مكية، بل الأَرْجَحُ أَنْ جَمِيعَ مَا نَزَلَ بَعْدَ الْهَجْرَةِ مَعْدُودٌ مِنَ الْمَدَنِيِّ"^۲.

۱- حسین احمد، المکی والمدنی فی القرآن ج ۱ ص ۴۱

۲- فتح الباری ج ۸ ص ۶۵۶.

"از نزول یک یا چند آیه از سوره‌های طویل که اکثریت آن در مدینه نازل شده باشد، لازم نمی‌آید که آن سوره مکی شمرده شود، بلکه آنچه در مدینه نازل گردیده، مدنی شمرده می‌شود".

چون آغاز سوره‌ای در مکه نازل می‌گشت، نوشته می‌شد: "مکیه"، سپس آیات بعدی بدنبال آن قرار می‌گرفت، و هم‌چنان در صورتیکه بیشتر آیات سوره مدنی بوده، به اساس آن سوره را مدنی شمرده‌اند، و یا عکس آن.

بنابراین اصل سوره اسرا مکی شمرده می‌شود؛ چون اکثر آیات آن قبل از هجرت نازل گردیده است، و سوره مطفین مدنی محسوب می‌گردد؛ چون آغاز آن به دلیل روایت صحیح^۱ از عبدالله بن عباس در مدینه نازل گردیده است:

"لما قدم النبي ﷺ المدينة كانوا من أخبث الناس كيلا، فأنزل الله سبحانه: ﴿وَيَلِّ لِّلْمُطَفِّينَ﴾ فَأَحْسِنُوا الْكَيْلَ بَعْدَ ذَلِكَ".^۲

"هنگام ورود پیامبر ﷺ در مدینه، باشندگان مدینه، از لحاظ وزن و پیمانانه کردن از بدترین مردمان بودند، خداوند این آیه: ﴿وَيَلِّ لِّلْمُطَفِّينَ﴾ را نازل فرمود، بعد از نزول این آیه پیمانانه‌های خود را اصلاح نمودند".

گرچند آیات بعدی آن از لحاظ دقت تعبیر، ایجاز بیان و محتوی به آیات مکی می‌ماند؛ و این امر واداشته است که برخی از سلف این سوره را مکی بشمارند. ملاک تشخیص مکی و مدنی:

علما ودانشمندان فن در اصطلاح مکی و مدنی بودن سوره‌ها و آیات قرآنی، سه ملاک وضابطه دارند:

۱- پاره‌ای مکان و محل نزول را در نظر گرفته آن را معیار بازشناسی مکی و مدنی

قرار داده‌اند، یعنی چنان‌که از خود عنوان مکی و مدنی مستفاد می‌شود:

"مکی آنست که در مکه نازل شده باشد، اگر چه نزول آن پس از هجرت بوده باشد".

و "مدنی آنست که نزول آن در دوران اقامت مدینه صورت گرفته است".^۳

۱- صحیح سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۹.

۲- سنن ابن ماجه ۲: ۱۸۱، مستدرک حاکم ج ۲ ص ۳۳.

۳- صبحی صالح، مباحثی در علوم قرآن ص ۲۵۵.

البته کلمه مکه شامل اطراف و جوانب آن؛ چون منی، عرفات و حذیبیه نیز می‌باشد، اطراف مدینه از قبیل بدر، احد، سلع و... ملحق به مدینه است.^۱ اما این تعریف جامع و مانع نیست؛ زیرا آیاتی که در تبوک، بیت المقدس و دیگر سفرهای پیامبر ﷺ نازل شده، آن‌ها را نمی‌توان جزوی هیچ یک از این تقسیم‌بندی قرار داد.^۲

۲- دسته‌ای اشخاص را پایه و اساس تقسیم‌بندی قرار داده می‌گویند: "مکی آن سوره‌ها، یا آیاتی است که روی خطاب با مردم مکه دارد، و مدنی آنست که مردم مدینه را مخاطب می‌سازد".

از اینجا گفته‌اند: آنچه در قرآن ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾ آمده مکی است، و آن جائیکه به لفظ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ خطاب شده، مدنی است؛ چه در زمان اقامت پیامبر ﷺ در مکه کفر و بی‌ایمانی غالب بوده، خطاب به مردم مکه چنان می‌باشد.

ولی در دوران زندگی آن حضرت به مدینه، مردم آن زمان بیشتر به او گرویده بودند و خطاب به اکثر و اغلب رساتر و گیراتر است.^۳

ابو عبید در فضایل القرآن و ابوبکر بن ابی شیبه در مصنف از ابراهیم نخعی چنین نقل می‌کنند:

"كل شيء في القرآن يا أيها الذين آمنوا أنزل بالمدينة، وكل شيء في القرآن يا أيها الناس نزل بمكة".^۴

این تعریف هم کامل نیست، جای گفتگو، ایراد و مجال بحث زیادی را دارد؛ چه بسیار زیاد است در قرآن که به هیچیک از این دو نوع خطاب نشده، و نمونه‌های آن اوایل سوره‌های احزاب، منافقون و غیره می‌باشد.

گذشته از آن آیاتی است که به اتفاق گفته‌اند: مکی است و در آن به ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ خطاب شده چون آیه ۷۷ سوره حج، هم چنین در آیاتیکه مسلماً در مدینه

۱- سیوطی، الاتقان ج ۱ ص ۴۷

۲- زرکشی، البرهان ج ۱ ص ۱۹۰، سیوطی، الاتقان ج ۱ ص ۴۷ زرقانی، مناهل العرفان ج ۱ ص ۱۸۷

۳- محمود رامیار، تاریخ قرآن ص ۶۰۲.

۴- فضایل القرآن ص ۳۶۷، مصنف ابن ابی شیبه ج ۶ ص ۱۳۶ با سند صحیح.

نازل شده، ﴿يَنَاءُيْهَا النَّاسُ﴾ بکار رفته است مانند: اول سوره نساء و آیه‌های: ۲۱ و ۱۶۸ سوره بقره؛ پس این تقسیم‌بندی نیز کامل نیست.^۱

۳- اصطلاح مشهور:

جمعی زمان نزول، ترتیب زمانی و مراحل تدریجی پشرفت و گسترش اسلام را محور قرار داده می‌گویند: "مراد از مکی: نزول آیات قرآنی پیش از هجرت رسول اکرم ﷺ به مدینه است، اگرچه نزول آیه‌ای در جائی جز مکه باشد.

و منظور از مدنی: آیات و سوره‌های است که بعد از این هجرت نازل شده باشد.

"المکی ما نزل قبل الهجرة، و المدنی ما نزل بعد الهجرة سواء كان بالمدينة أو بغيرها من

أی البلاد کان حتی ولو کان بمکه أو عرفة".^۲

چنان‌که خود تعریف نشان می‌دهد که این تقسیم‌بندی خط فاصل زمانی را در نظر گرفته و بنحوی قطعی و روشنی میان دو زمان را تفکیک و انقسام می‌نماید و جای اختلاف و گفتگو نمی‌گذارد.

بنا بر این تعریف آیاتی که پس از هجرت در مکه نازل شده، مدنی شمرده می‌شود؛ مانند آیه: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾ [المائدة: ۳] که روز جمعه در سال حجة الوداع در میدان عرفات نازل شد.

و آیه: ﴿وَإِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ [النساء: ۵۸] در سال فتح مکه در داخل کعبه نازل گردید.

ترجیح اصطلاح مشهور:

تعریف سوم (تعریف مشهور) برای مکی و مدنی بادر نظرگرفتن عنصر زمان بر تقسیمات و تعریفات دیگر بنا بر دلایل زیر قابل ترجیح است:

الف- این تعریف جامع و مانع بوده شامل تمام آیه‌ها و سوره‌های قرآنی است، و هیچ آیه و یا سوره‌ای از این تقسیم‌بندی خارج نمی‌ماند.

ب- مطالعه روایات اسلامی و دقت در آن نیز نشان می‌دهد که منظور صحابه از مکی و مدنی همین اصطلاح مشهور (در نظرگرفتن عنصر زمان) بود؛ بدلیل اینکه

۱- تاریخ قرآن ص ۶۰۲.

۲- ابن کثیر، فضایل القرآن ص ۱۱.

سوره‌های: توبه، فتح و منافقون - طوریکه در بحث‌های آینده توضیح داده خواهد شد - از دیدگاه علمای سلف از سوره‌های مدنی به شمار می‌رود، در حالیکه سوره توبه کاملاً در مدینه نازل نگردیده، بلکه قسمت بیشتر آن در برگشت از تبوک در مسیر راه نازل شده است.

و همچنان سوره فتح در برگشت از سفر حدیبیه، سوره منافقون در غزوه بنی المصطلق نازل گردید.^۱

ج- موضوع مکی و مدنی پیوند استواری با تاریخ دارد و در چنین مواردی ما نمی‌توانیم تقسیم‌بندی مکانی داشته باشیم، بویژه اگر بخواهیم آیات و سوره‌هایی را که در آغاز، میانه و پایان دوران اقامت پیغمبر اکرم ﷺ در مکه یا در مدینه نازل شده‌اند، دقیقاً مشخص سازیم؛ زیرا پیگیری این دوران‌های پیاپی طبعاً گزینش یک ترتیب زمانی را بدیهی می‌سازد، بطوریکه جای هیچ‌گونه تردیدی باقی نمی‌ماند.^۲

د- امتیاز دیگر بکار گرفتن این روش تاریخی - زمانی در تقسیم‌بندی آیات و سوره‌های مکی و مدنی قرآن - اینست که: حالات روانی مسلمانان، شرایط و تحولات اجتماعی در جامعه نوبنیاد اسلامی از نظر دور نمی‌ماند، و تأثیرات محیط زیست در زندگی انسان بدست فراموشی سپرده نمی‌شود.^۳

بنابراین صاحب‌نظران و محققان علوم قرآنی این اصطلاح (اصطلاح مشهور) را انتخاب نموده و مورد اعتماد قرار داده‌اند:

ابن عطیه در تفسیر خود می‌نویسد: "کل ما نزل من القرآن بعد هجرة النبي ﷺ فهو مدنی، سواء ما نزل بالمدينة، أو في سفر من الأسفار أو بمكة وإنما يرسم بالمکی ما نزل قبل الهجرة".^۴

علامه بقاعی، زرکشی و سیوطی نیز اصطلاح سوم را تعریف مشهور مکی و مدنی و نظر مورد اعتماد جمهور علمای تفسیر و علوم القرآن قرار داده‌اند.^۵

۱- صحیح البخاری با شرح فتح الباری ج ۸ ص ۴۴۶، ۵۱۲.

۲- صحی صالح، مباحثی در علوم قرآن ص ۲۵۶.

۳- همان مأخذ.

۴- ابن عطیه، المحرر الوجیز ج ۵ ص ۵.

۵- مصادد النظر ج ۱ ص ۱۶۱، البرهان فی علوم القرآن ج ۱ ص ۱۸۷، الاتقان ج ۱ ص ۲۶.

د- فواید مهم آگاهی از علم مکی و مدنی:

۱- علم بازشناسی آیات و سوره‌های مکی و مدنی قرآن از یک سو زمان نزول وحی الهی را بیان می‌کند، و از سوی دیگر آیات را چه از نظر مکان نزول و یا اشخاص مورد نظر و یا از جهت زمان نزول، تقسیم‌بندی می‌کند، و خود روشن است که این تقسیم‌بندی‌ها برای تعیین زمان نزول آیات عامل بس مهمی شمرده می‌شود.

۲- هرگاه دو آیه‌ای از قرآن مجید در یک موضوع باشد و حکم یکی با دیگری اختلاف داشته باشد و بدانیم که یکی مکی و دیگری مدنی است، می‌توانیم بگوییم که: آیه مدنی ناسخ حکم مکی است؛ چه از نظر زمان آیه مکی پیش از مدنی نازل شده است.

ابوجعفر نحاس فواید این علم را برشمرده می‌گوید: "وإنما يذكر منازل بمكة والمدینة؛ لأن فيه أعظم الفائدة في الناسخ والمنسوخ؛ لأن الآية إذا كانت مكية، وكان فيها حكم، وكان في غيرها مما نزل بالمدينة حكم غيره، علم أن المدنية نسخت المكية".^۱

"شناخت مکی و مدنی فایده بزرگی در ناسخ و منسوخ دارد؛ زیرا آیه مکی اگر حکمی برخلاف آیه مدنی داشته باشد، در آن صورت مدنی را ناسخ مکی گرفته می‌شود".

۳- چون علم مکی و مدنی سیر تدریجی تعالیم قرآن، و بیان معارف اسلامی را بازگو می‌کند؛ بنابراین شناسایی آن در حقیقت شناسایی تاریخ تشریح و حکمت در چگونگی نزول و کشف مراحل مختلفه‌ای است که دعوت اسلامی گذرانده است.

۴- فایده دیگر علم مکی و مدنی اطمینان و اعتمادی است که در دل ما ایجاد می‌کند؛ چه این کار اهتمام مسلمانان را در تمام جهات مختلفه قرآن می‌رساند که حتی نزول پیش و پس از آن را نیز نقل کرده‌اند، و آنچه در سفر و یا حضر آمده، و آنچه به شب و یا روز نازل شده، آنچه به زمستان و یا تابستان بوده، آنچه به زمین و یا آسمان، آنچه مجمل و یا مفسر، آنچه از مکه به مدینه رفته، و آنچه از مدینه به مکه و یا به حبشه برده‌اند.

وقتیکه دقت و ضبط تا این حد بود، دیگر سلامت آن و مصونیت از تغییر و تحریف مسلم و روشن می‌گردد، از اینجاست که علوم فراوانی از قرآن بوجود آمده که برای درک درست مفاهیم قرآنی باید آن‌ها را قبلاً دانست.^۱

بهمین جهت محققان علوم قرآنی از دیر باز به اهمیت این موضوع تأکید نموده، و آنچنان کار را سخت گرفته گفته‌اند که: کسیکه مراحل مختلف دعوت را دقیقاً باز نشاخته است، حق ندارد به تفسیر کتاب خدا پردازد.^۲

بلکه توجه علمای اسلام به این کتاب بزرگ آسمانی فراتر از این‌ها بوده است و بالاترین درجهٔ تدقیق، تحقیق، کاوش و پژوهش را در این راه بکار گرفته‌اند و گسترده‌ترین تفصیلات و کوچکترین جزئیات از نظر تیزبینشان دور نمانده است.

به عنوان مثال: وقتی به طور کلی دیده‌اند که بیشتر آیات قرآن در وقت روز نازل شده‌اند؛ بنابراین توجه خود را معطوف این نکته گردانیده‌اند که پیگیری کنند که نزول کدامیک از آیات و سوره‌های قرآن از این قاعده مستثنا هستند، و مثلاً به سورهٔ مریم رسیده‌اند و دیده‌اند که آری، سورهٔ مریم شب هنگام نازل شده است.

آیات نخستین سورهٔ فتح نیز شب هنگام نازل شده‌اند، در صحیح البخاری از عمر نقل شده است که گفت: پیامبر اکرم ﷺ فرمود: "امشب سوره‌ای بر من نازل شد که از هر آنچه خورشید بر آن می‌تابد برای من ارزشمندتر است! آنگاه، شروع به خواندن فرمود: ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا﴾ [الفتح: ۱].

آیات نخستین سورهٔ حج طبق روایت صحیح نیز شبانه بر آنحضرت نازل شد:

﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ أَنْفُورًا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ﴾ [الحج: ۱]

این آیات شبانگاه، هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ از جنگ با قبیلهٔ بنی المصطلق

بازمی‌گشت و مسلمانان به فرمان پیغمبر ﷺ در حال حرکت بودند، نازل شد.^۳

اگر این چنین، روایات صحیح را مأخذ کار خویش قرار دهیم، به آنجا می‌رسیم که حتی می‌توانیم دریابیم که آیات قرآنی در آغاز شب یا در ساعات نیمهٔ شب و یا سحرگاهان بر پیغمبر اکرم ﷺ نازل شده است!^۱

۱- تاریخ قرآن ص ۶۰۳.

۲- البرهان ج ۱ ص ۱۹۲، اتقان ج ۱ ص ۱۲-۱۳.

۳- الاحسان فی تقریب صحیح ابن حبان ج ۲ ص ۳۵۲.

محقق معاصر داکتر صبحی صالح فواید شناسائی مکی و مدنی را چنین توضیح داده است:

"علم باز شناسی آیات و سوره‌های مکی و مدنی قرآن، سزاوار آن همه توجهی که به آن مبذول شده است، بوده است و درخور آنست که بحق، مسیر اصلی پژوهش علمای اسلام برای تحقیق در مراحل مختلف پیشرفت و گسترش آیین اسلام به شمار آید، و محققان و صاحب‌نظران از این راه گام‌های حکیمانه وحی آسمانی قرآن را همراه با وقایع و حوادث و زمینه‌ها و شرایط جامعه نو بنیاد اسلامی بازشناسند، و از همین راه نیز، چگونگی و هماهنگی و تأثیر متقابل آیین اسلام و جاهلیت را در یکدیگر، در محیط عربستان و در مکه و مدینه و در زندگی بیابان نشینان و شهرنشینان و نیز شیوه‌های گوناگون سخن گفتن قرآن را با مسلمانان و مشرکان و یهودیان و مسیحیان بشناسند. بدیهی است، وقتی این علم بخواهد همه آن معارف گسترده‌ای را که به اختصار از آن‌ها یاد کردیم، به انسان بدهد، طبعاً مباحث متنوع و مختلفی پیدا می‌کند، از یکسو تحقیق در ترتیب زمانی نزول آیات قرآن را لازم می‌آورد و از سوی دیگر تحقیق به منظور مشخص گردانیدن مکانی که هر قسمت از آیات قرآن در آن نازل شده است، در دستور کار این علم قرار می‌گیرد.

همچنین دسته‌بندی موضوعی آیات قرآن لازم می‌آید، و نیز تعیین نام و مشخصات کسانی که آیات قرآن در رابطه به آنان نازل شده است، جزو برنامه این پژوهش‌های علمی قرارداد.^۲



مناقشه:

منظور از مکی و مدنی بودن سوره، به تبعیت از اکثر آیات و یا به پیروی از آغاز سوره می‌باشد.

علما و دانشمندان فن علوم القرآن در اصطلاح مکی و مدنی بودن سوره‌ها و آیات قرآنی، سه ملاک و ضابطه دارند که پاره‌ای مکان و محل نزول را در نظر گرفته آن را اساس بازشناسی مکی و مدنی قرار داده‌اند، و دسته‌ای، اشخاص را پایه و اساس

۱- صبحی صالح، مباحثی در علوم القرآن ص ۲۵۹-۲۶۰.

۲- همان مأخذ.

تقسیم‌بندی قرار داده، و جمعی زمان نزول، ترتیب زمانی و مراحل تدریجی پیشرفت و گسترش اسلام را محور قرار داده‌اند.

تعریف سوم قابل ترجیح است؛ زیرا این تعریف جامع و مانع بوده شامل تمام آیه‌ها و سوره‌های قرآنی است، و هیچ آیه و یا سوره‌ای از این تقسیم‌بندی خارج نمی‌ماند. چون علم مکی و مدنی سیر تدریجی تعالیم قرآن و بیان معارف اسلامی را بازگو می‌کند؛ بنابراین شناسائی آن در حقیقت شناسائی تاریخ تشریح و حکمت در چگونگی نزول و کشف مراحل مختلفه‌ای است که دعوت اسلامی گذرانده است و از سوی دیگر شناخت مکی و مدنی فایده بزرگی در ناسخ و منسوخ دارد.



بخش دوم:
نشأت علم مکی و مدنی

مکی و مدنی از عصر نبوت تا عصر تدوین

الف - علم مکی و مدنی در عصر نبوت:

نخستین مرحله حفظ و جمع‌آوری قرآن در سینه‌ها، تفسیر و علوم قرآنی از شخص پیامبر ﷺ آغاز می‌گردد، رسول خدا ﷺ همه همت خود را بر آن گماشته بود که خود، قرآن را فرا گیرد، حفظ کند و در معانی آن دقت نماید، سپس آن را با درنگ و تأنی بر مردم فرو خواند و تفسیر نماید؛ تا آنان نیز آن را فرا گیرند و حفظ کنند و بدان عمل نمایند و به آیندگان بسپارند:

﴿لَا تُحْرِكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتُعْجَلَ بِهِ﴾ (۱۶) ﴿إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ﴾ (۱۷) ﴿فَإِذَا قَرَأْتَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ﴾ (۱۸) ﴿ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ﴾ (۱۹) [القیامة: ۱۶-۱۹].

"زبان خود را با شتاب به قرآن مجنبان، برماست گرد آوردن آن به سینه تو، و توانایی بخشیدن برای خواندن آن، پس هرگاه ما قرآن را توسط جبریل بر تو خواندیم، تو خواندن آن را پیروی و پیگیری کن، سپس بیان و توضیح آن برعهده ماست".

پیامبر ﷺ در بدو امر در فراگیری آیات قرآنی شتاب می‌ورزید، پروردگار جهان در این آیات او را مطمئن ساخت و بدو وعده کرد که قرآن را در سینه‌اش جمع کند و قرائت لفظ و فهم معنایش را بر او آسان سازد. ﴿بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۴۴]

"و قرآن را بر تو نازل کردیم تا اینکه چیزی را برای مردم روشن‌سازی که برای آنان فرستاده شده است (که احکام و تعلیمات اسلامی است). و تا اینکه آنان در باره مطالب آن بیندیشند".

از اینجا بود که رسول اکرم ﷺ در سینه خود قرآن را جای داد، جامع قرآن سید حافظان و مرجع مسلمانان در تفسیر و علوم قرآنی گشت.

وقتی رسول الله ﷺ در مسجد و یا خارج مسجد می‌نشست، اصحاب گرد او حلقه می‌زدند و از او قرآن، احکام و معانی قرآن را می‌آموختند.

بدین ترتیب پیامبر ﷺ علاوه بر حفظ و ضبط قرآن در تفسیر و فهم معانی آن توجه کامل داشت و این توجه و اهتمام به قرآن و علوم قرآنی را در یاران خود و مسلمانان دیگر نیز دمیده بود.

صحابی جلیل القدر عبد الله بن مسعود می گوید: " كان الرجل منا إذا تعلّم عشر آيات لم يجاوزهن حتى يعرف معانيهن والعمل بهن".^۱
 "شیوهٔ تعلیم ما این بود که ده ده آیات قرآنی را همراه با معنی و جنبهٔ تطبیقی آن می آموختیم".

این اثر نشان می دهد که شیوهٔ تعلیم پیامبر ﷺ و یاران گرامی وی چگونه بود؟ شیوهٔ نبوی در تعلیم قرآن تنها خواندن لفظ قرآن نبود، بلکه تدبر در معانی آیه و عمل بر آن را نیز لازم می شمرد.

دقت و تأمل در موضوع "مکی و مدنی آیات و سوره های قرآنی" و بررسی روایات اسلامی که در این عرصه ثابت شده، واضح می سازد که نشأت این علم در عصر پرمیمنت نبوت برمی گردد، گرچه در این مورد روایتی از شخص پیامبر ﷺ نقل نشده است؛ زیرا که به آموزش این فن امر نشده ایم و خداوند دانستن آن را از فرایض امت قرار نداده است، هرچند دانستن قسمتی از آن به جهت شناخت ناسخ و منسوخ بر اهل علم واجب است.^۲

در عصر نزول وحی و در حیات پیامبر ﷺ شاگردان مکتب نبوت و یاران گرامی وی، نه به عنوان یک حکم، بلکه به عنوان: یاد داشت زمان و مکان نزول قرآن به این موضوع توجه نموده، زمان و مکان نزول آیه ها و سوره های قرآنی را ثبت و ضبط نموده اند که بعدها آن روایات اسلامی دلایل مکی و مدنی بودن آن آیات و سوره ها شمرده شد به عنوان مثال:

۱- عن ابن عباس رضی الله عنهما قال: "لما قدم النبي ﷺ المدينة كانوا من أخبث الناس كيلاً،

فأنزل الله سبحانه: ﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ﴾ فَأَحْسَنُوا الْكَيْلَ بَعْدَ ذَلِكَ".^۳

۱- حکمت بشیر، التفسیرالصحيح ج ۱ ص ۱۰۱.

۲- اتقان ج ۱ ص ۴۷.

۳- سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۷۴۸، مستدرک حاکم ج ۲ ص ۳۳ باسند حسن.

"عبدالله بن عباس می گوید: هنگامیکه پیامبر ﷺ به مدینه آمد، باشندگان مدینه فاسدترین مردم در پیمودن پیمان به شمار می رفتند، با نزول این آیه: ﴿وَيُلِّمُ الْمُطَفِّينَ﴾ خود را اصلاح نمودند و به شکل درست پیمودند".

۲- عن أنس قال: "بينما رسول الله ﷺ ذات يوم بين أظهرنا، إذ أغفي إغفاء، ثم رفع رأسه متبسماً. فقلنا: ما أضحكك يا رسول الله؟! قال: أنزلت عليّ آتفا سورة. فقرأ: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ﴾ [الكوثر: ۱].^۱

"انس می گوید: روزی پیامبر ﷺ در میان ما نشسته بود که حالت وحی بروی طاری گشت، سپس تبسم نموده سر خود را بالا نمود. ما از وی پرسیدیم که باعث خندهات چیست؟ وی فرمود: هم اکنون سوره ای برای من نازل شد، سپس سوره کوثر را تلاوت نمود...".

هدف از راندش روایت عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما بیان انحطاط اقتصادی و اخلاقی اهل مدینه قبل از نزول سوره مطفین و تحول اخلاقی آن ها با نزول این سوره است، همانگونه که روایت انس رضی الله عنه اشاره به نزول سوره کوثر و بیان مصداق واقعی آن دارد. ولی از روایت ابن عباس رضی الله عنهما - که از واقعه عصر نبوت حکایت دارد - زمان و مکان نزول اوایل این سوره که پس از تشریف آوری پیامبر ﷺ نازل گردیده است، استفاده می شود.

وهمچنان حدیث انس رضی الله عنه دلیل بر مدنی بودن سوره کوثر می باشد؛ چون انس انصاری، خزرجی و مدنی است و جمله: "بین أظهرنا" در این موضوع صراحت دارد و این مطلبی است که دانشمندان فن علوم القرآن از آن تعبیر به "علم مکی و مدنی" می نمایند.

ب- مکی و مدنی در عصر صحابه:

علم مکی و مدنی مانند سایر علوم قرآنی بامداد خود را در همان عصر پرمیمنت پیامبر اکرم ﷺ طی نموده، اساس و زیربنای آن در همان زمان نهاده شد، سپس اصحاب گرامی پیامبر ﷺ که شاهد نزول وحی الهی بوده، زمان و مکان آن را خوب می دانستند

و بادرک اهمیت این موضوع کمر همت را در ره توضیح و تبیین آن بستند، آنچه را که در این قسمت می‌دانستند، بیان کرده و اهمیت آن را برای مردم توضیح نمودند:

از خلیفه دوم عمر بن خطاب رضی الله عنه در مورد نزول آیه: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [المائدة: ۳]^۱ چنین نقل است: "إني لأعلم حيث أنزلت، و أين نزلت، و أين رسول الله صلى الله عليه وآله حين أنزلت يوم عرفه، و إنا والله بعرفة".^۲

"من می‌دانم که این آیه چه وقت و در کجا نازل گردید؟ و در وقت نزول آن پیامبر صلى الله عليه وآله در کجا بود؟ روز عرفه هنگامیکه ما در میدان عرفات بودیم این آیه نازل گردید".

عبدالله بن مسعود علم مکی و مدنی را بخش مهم از علوم قرآنی قرار داده می‌فرماید:

"و الله الذي لا إله غيره ما أنزلت سورة من كتاب الله إلا أنا أعلم أين نزلت، ولا أنزلت آية من كتاب الله إلا أنا أعلم فيمن نزلت، ولو أعلم أحداً أعلم مني بكتاب الله تبلغه الإبل لركبت إليه".^۳

"سوگند به خداییکه جز او خدایی نیست، سوره‌ای از کتاب خدا فرود نیامده جز اینکه من می‌دانم کی نازل شد؟ و آیه‌ای از کتاب خدا نازل نشده، مگر اینکه می‌دانم در باره چه بوده؟ اگر شخصی را سراغ داشته باشم که کتاب خدا را بهتر از من می‌داند و امکان سفر در آن بوده باشد، بخاطر کسب علم قرآن بسوی آن رخت سفر خواهم بست".

خلیفه چهارم علی بن ابی طالب - یکتن از مفسران صحابه - به اهمیت این موضوع اشاره نموده می‌گوید: "سلوني عن كتاب الله، فوالله ما من آية إلا و أنا أعلم بليل نزلت أم بنهار، أم في سهل أم في جبل".^۴

۱- سوره مایده: ۳.

۲- صحیح البخاری ج ۸ ص ۱۱۹.

۳- همان مأخذ ص ۶۲۲

۴- تفسیر عبدالرزاق صنعانی ج ۳ ص ۲۴۱

"در باره تفسیر قرآن از من بپرسید؛ سوگند به خداوند هر آیه‌ای که در شب یا در روز، در زمین هموار و یا در کوه نازل گردیده است، من می‌دانم".
این همه روایاتی‌اند که از مفسران صحابه نقل و ثابت شده و این روایات توجه صحابه را به شناخت زمان و مکان نزول آیات قرآنی از یکسو، نقش و اهمیت این شناخت را در فهم تفسیر قرآن از سوی دیگر برای ما بازگو می‌کند.
علاوه بر بیان اهمیت این موضوع، از تعدادی از صحابه چون: ابی بن کعب، جابر بن عبدالله، زید بن ثابت، عبدالله بن عباس و عبدالله بن زبیر روایاتی نقل است که مکی و مدنی بودن هریک از سوره‌های قرآنی، بلکه برخی از آیات را مشخص می‌سازد که تفصیل آن در بخش ششم خواهد آمد.

ج - تحول و تکامل این علم در عصر تابعین:

عصر تابعین مرحله تکمیلی عصر صحابه است، تابعین وصف و تفصیل تمام روایات را در این قسمت مانند دیگر موارد علوم قرآنی از یاران پیامبر ﷺ شنیده‌اند و باکمال امانت‌داری آن را ثبت و ضبط نموده و برای نسل بعدی انتقال داده‌اند.
ابونعیم اصفهانی با سند حسن از ایوب سختیانی نقل می‌کند که: مردی در باره آیه‌ای از قرآن از عکرمه پرسید، عکرمه گفت: "در پایین آن کوه نازل شد". و به کوه سلع - در مدینه - اشاره کرد.^۱

در عصر تابعین برخی از مباحث علوم القرآن از جمله موضوع مکی و مدنی توسط علمای آن عصر مورد بحث و بررسی قرار گرفت و جمعی از این علما به تألیف کتاب‌های مستقلی در این فن (مکی و مدنی) پرداختند.



تألیفات جداگانه در این موضوع

الف - عصر تدوین:

باحلول قرن دوم هجری، نهضت تألیف و تدوین علوم اسلامی نیز آغاز گردید، دانشمندان اسلامی در ابواب و موضوعات مختلف علوم دینی، احادیث نبوی و روایات اسلامی را جمع‌آوری نمودند.

حرکت تألیف و تدوین شامل موضوعات علوم قرآنی نیز بود، علمای این فن طبق شیوه آن زمان تألیفات و تصنیفاتی در این زمینه داشتند که موضوع علم مکی و مدنی جزو آن به شمار می‌رود.

اینک برخی از مشهورترین کتاب‌هایی که در عصر تدوین در ارتباط موضوع "مکی و مدنی" تألیف گردیده است:

۱- نزول القرآن:

تألیف ضحاک بن مزاحم هلالی از علمای تابعین (ت ۱۰۴هـ).

این ندیم این کتاب را از مؤلفات آن عصر شمرده، و به ضحاک منسوب نموده است.^۱

۲- نزول القرآن:

تألیف عکرمه: ابو عبد الله قرشی، بربری، از شاگردان عبد الله بن عباس، و از مفسران تابعین (م ۱۰۴ هـ یا ۱۰۵ هـ).

۳- نزول القرآن:

از مؤلفات حسن بن یسار بصری، از فقها و پارسایان تابعین (م ۱۱۰هـ).

این ندیم در سلسله مؤلفات آن عصر این دو کتاب فوق را نیز بر شمرده، و به عکرمه و حسن بصری نسبت داده است.^۲

۴- تنزیل القرآن:

۱- الفهرست ص ۴

۲- همان مأخذ

تألیف امام محمد بن مسلم بن عبیدالله بن شهاب زهري، از بزرگترین علمای تابعین در حدیث و فقه (م ۱۲۴هـ).

این رساله از مهمترین و عمده‌ترین رسایل متذکره فوق به حساب می‌رود؛ چون ابن شهاب زهري نخستین شخصیتی است که علمبردار تألیف و جمع‌آوری روایات در این زمینه بود.

رساله ابن شهاب در ضمن چند رسایل دیگر به تحقیق دکتور صلاح الدین منجد به چاپ رسیده است.

و همچنان توسط دکتر حاتم صالح ضامن در جلد هشتم مجله مجمع علمی عراقی به نشر سپرده شده است.

شیوه تألیف این رسایل:

در آغاز نهضت علمی تألیف و تدوین عبارت از جمع‌آوری یک و یا چند روایات در یک موضوع و یا چند موضوع بود که از آن صحیفه می‌نامیدند، و گاهی هم روایات متعددی را در موضوعات گوناگون با ترتیب و یا بدون ترتیب با اسناد آن گرد می‌آوردند، مانند:

جمع‌آوری حدیث در موضوعات مختلف توسط محمد بن شهاب زهري.

مطالعه کتاب "تنزیل القرآن" ابن شهاب زهري، و همچنان رساله‌های: "نزول القرآن" عکرمه و حسن بصری - که محتویات آن را امام بیهقی در ضمن کتاب بزرگ و ارزشمند خود "دلائل النبوه" گنجانیده است - نشان می‌دهد که این رساله‌ها نیز عبارت از چند روایاتی است در ترتیب مکی و مدنی سوره‌های قرآن که متن آن روایات در بخش ششم خواهد آمد.^۱

ب- در عصر طلایی و شگوفایی علم:

در تاریخ اسلامی قرن سوم هجری از بهترین ادوار تاریخی به حساب می‌رود، در این برهه از زمان حرکت‌های باغیانه و شورش‌ها همه درهم کوبیده شد، صلح و امنیت در سرتاسر قلمرو خلافت اسلامی - که ثلث جهان را تشکیل می‌داد - حکمفرما بود، تمدن اسلامی آخرین مدارج صعودی خود را می‌پیمود، در جهان اسلام دانشمندان و مخترعانی در علوم و فنون مختلف بروز نمودند.

این عصر، عصرطلایی و شگوفایی علوم اسلامی نیز بود، عصر احمد بن حنبل، اسحاق بن راهویه، علی بن المدینی، یحیی بن معین، ابوبکر بن ابی شیبه، بخاری، مسلم، ترمذی، نسایی و ابو داودها بود.

نهضت تألیف و ترجمه نیز مرحله ابتدایی خود را سپری نموده، و به مرحله پختگی خود رسیده بود، کتابها به صورت جامع، مرتب، موضوعی، منقح و تصحیح شده تألیف می گردید.

دانشمندان فن علوم القرآن نیز با استفاده از این نهضت علمی تألیفاتی در موضوعات علوم القرآن بخصوص "علم مکی و مدنی" بانظرداشت فرهنگ عصر خود به شکل جامع و موضوعی در رشته تألیف درآوردند که از آن جمله می توان کتابهای آتی را نام برد:

۱- فضایل القرآن وما أنزل بمكة وما أنزل بالمدينة:

از مؤلفات امام عبد الله بن محمد بن ایوب بن ضریس یکتا از محدثان بزرگ قرن سوم.^۱

کتاب ابن ضریس از مهمترین منابع این فن، و از مراجع عمده حافظ ابن حجر در فتح الباری و سیوطی در اتقان، و به دلایل ذیل جایگاه ویژه ای در این موضوع دارد:
الف- نخستین تألیفی است که جوانب موضوع را در بر گرفته، و اما تألیفات پیشین جز چند روایاتی بیش نبود.

ب- همه روایات را با سند آن ثبت نموده است.

ج- جایگاه مؤلف کتاب که از محدثان ثقه و مفسران بزرگ، و از معاصران ائمه شش گانه حدیث محسوب می گردد.

این کتاب به تحقیق: غزوه بدیر در مطبعة دار الفکر، بیروت و به تحقیق دکتر مسفر غامدی در مطبعة دار حافظ، بیروت به چاپ رسیده است.

۲- بیان عدد سور القرآن وآياته وکلماته ومکیه ومدنیه:

تألیف ابن عبدالکافی از علما ومفسران قرن چهارم (م ۴۰۶ هـ).

این کتاب از نام آن پیدا است که در مورد تعداد سوره ها و آیات قرآنی و از مکی و مدنی آن بحث می کند، نسخه قلمی آن در کتابخانه دار الکتب المصریه به شماره (۷۴)

و نقل آن در کتابخانه پوهنتون اسلامی مدینه منوره بخش مخطوطات به شماره (۱۴۸۶) موجود است.

۳- التنزیل و ترتیبه:

تألیف ابوالقاسم حسن بن محمد بن حبیب نیشاپوری از علمای قرن پنجم.^۱ کتاب ابوالقاسم کتاب مختصریست که نسخه قلمی آن در مکتبه ظاهریه دمشق در ضمن مجموعه از رسایل علوم القرآن تحت شماره (۲۶) و در بخش مخطوطات پوهنتون اسلامی مدینه منوره نیز به شماره (۹۶۵). در دوازده صفحه قرار دارد.

رساله مزبور به طور عمده بدو بخش تقسیم گردیده است:

بخش نخست: تقسیم آیات و سوره‌های قرآنی از نظر نزول:

ابوالقاسم نیشاپوری آیات و سوره‌های قرآن را از نظر نزول به شش مرحله زمانی تقسیم نموده است که سه مرحله ابتدایی، میانی و پایانی در مکه و سه مرحله ابتدایی، میانی و پایانی در مدینه.

و نیز جزئیات دیگری را در رابطه با نزول مکی و مدنی قرآن که عبارت از بیست و پنج وجه است، یاد آور شده و دانستن همین جزئیات و وجوه قرآنی را برای کسیکه می‌خواهد به تفسیر قرآن بپردازد، واجب می‌شود.

بخش دوم: وجوه مخاطبات قرآن: از قبیل: عام، خاص، مدح، ذم، تعبیر از جمع باصیغه مفرد و عکس آن و....

زرکشی این رساله را به طور کامل در بخش مکی و مدنی کتاب "البرهان فی علوم القرآن" و سیوطی قسمت عمده آن را در "الإتقان فی علوم القرآن" نقل کرده‌اند.^۲

۴- کتاب "المکی و المدنی":

مؤلف این کتاب امام مکی بن ابی طالب از بزرگترین مفسران قرن پنجم و از دانشمندان و محققان فن علوم القرآن است که در موضوعات متعدد تفسیر و علوم قرآنی تألیفات ارزشمندی دارد.

امام سیوطی در جمله کسانی که در موضوع مکی و مدنی قرآن، کتاب تألیف نموده‌اند، کتاب مکی ابن ابی طالب را یاد آور شده می‌فرماید:

۱- فهرس مخطوطات مکتبه ظاهریه- علوم القرآن ص ۴۱۹.

۲- البرهان فی علوم القرآن ج ۱ ص ۱۹۲.

۳- اتقان ج ۱ ص ۴۵-۴۶.

"برخی از دانشمندان کتاب‌های جداگانه‌ای در این زمینه تدوین کرده‌اند، از جمله آن‌ها: مکی و عز الدیرینی می‌باشند."^۱

این اثر علمی - که فقدان آن ضایعه علمی بزرگی است - در جمله کتاب‌های مفقود الاثر بحساب می‌رود که محققان و پژوهشگران تا هنوز - نه در کتاب خانه‌های عامه و نه در کتاب خانه‌های خصوصی - دست به آن نیافته‌اند.

۵- کتاب "المکی و المدنی فی القرآن":

این کتاب منسوب به عبد العزیز احمد بن سعید بن عبدالله عزالدین شافعی مشهور به دیرینی است.

امام سیوطی اشاره به کتاب وی نموده، عزالدین دیرینی را از مؤلفان موضوع مکی و مدنی قرآن می‌داند و جز سیوطی هیچ یکی از آن نام نبرده، و نه سراغی از آن در مکتبات اسلامی است.

البته قابل یاد آوری است که عزالدین دیرینی تفسیری در قالب نظم به عنوان: "التیسیر فی علم التفسیر" تألیف نموده است که مشتمل بر سه هزار بیت می‌باشد و در آن تفسیر ضمن سایر موضوعات قرآنی از موضوع مکی و مدنی نیز بحث می‌کند.

در کتاب "اتقان" یکی از ابیات آن در بیان ضوابط مکی و مدنی چنین آمده است:

و ما نزلت کلا بیثرب فاعلمن و لم تأت فی القرآن فی نصفه الأعلى^۲

"کلمه (کلا) در مدینه نازل نشده، و در نصف اول قرآن این کلمه نیامده است".

برخی از علمای متأخرین چون بدر الدین حلبی (م ۷۱۵هـ)، برهان الدین جعبری (م ۷۳۲هـ) و... نیز تألیفاتی به شکل نظم در این زمینه دارند که جز تسهیل و آسانی حفظ، کدام فایده و نوآوری در آن‌ها دیده نمی‌شود.

علمای معاصر با استفاده از ابزار عصری و با در نظر داشت اوضاع، تألیفات و تحقیقات مفیدی در عرصه موضوعات علوم قرآنی بویژه موضوع مکی و مدنی دارند که در بحث‌های بعدی تحت عنوان: "مکی و مدنی در تحقیقات معاصر" توضیح داده خواهد شد.



۱- اتقان ج ۱ ص ۴۵.

۲- اتقان ۱: ۴۵.

مکی و مدنی به عنوان بابی از باب‌های علوم اسلامی

در بحث‌های گذشته توضیح گردید که جمعی از علما، مؤلفات مستقلی در موضوع مکی و مدنی قرآن در رشته‌تحریر درآوردند، افزون برآن تعداد دیگری از علما این موضوع را به عنوان بابی از باب‌های مؤلفات خود مطرح کرده، و روایات متعددی را جمع‌آوری نموده‌اند.

همانگونه که عده‌ای از متأخرین و معاصرین تحقیقات مفید و ارزشمندی را در این زمینه ارائه نموده‌اند.

کتاب‌هایی که "علم مکی و مدنی" بابی از باب‌ها، یا فصلی از فصول آن قرار گرفته است، به دو بخش تقسیم می‌گردد:

الف - کتاب‌های غیر تخصصی:

برخی از دانشمندان و مؤلفان اسلامی قبل از استقلال "علوم القرآن" منحیث یک علم، و یابعد از استقلال و تسمیه‌گذاری آن، نظر به اهمیت موضوع "مکی و مدنی" و یا مناسبت آن به موضوعات کتاب تألیف شده، بابی از باب‌های کتاب خود را در این موضوع تخصیص داده‌اند، از آن جمله:

۱- کتاب فضائل القرآن و معالمه وأدبه: ^۱

تألیف امام ابو عبید قاسم بن سلام هروی (م ۲۲۴هـ) است که یکی از باب‌های این کتاب را به "باب منازل القرآن بمكة و المدينة و ذکر أوائله و أواخره" عنوان‌گذاری نموده، روایات متعددی را در این ارتباط نقل کرده است. ^۲

۲- کتاب "المصنف في الأحاديث والآثار":

این کتاب بزرگیست در علم حدیث، مؤلف آن امام ابوبکر عبد الله بن محمد بن ابی شیبه (م ۲۳۵هـ) در بخش فضائل القرآن بابی به عنوان: "باب ما نزل من القرآن بمكة

۱- این کتاب توسط وهبی غارجی تحقیق، و درمطبعه دارالکتب العلمیة- بیروت به نشر رسیده است.

۲- فضائل القرآن ص ۲۱۹-۲۲۴

والمدينة" دارد که در آن باب روایات و آثار چندی در مورد ضوابط مکی و مدنی آورده است.^۱

الفهرست:

ابن ندیم محمد بن اسحاق نیز یکی از باب‌های کتاب "الفهرست" را در این موضوع اختصاص داده روایاتی در این مورد نقل کرده و به عنوان: "باب نزول القرآن بمكة والمدينة و ترتیب نزوله" نامگذاری نموده است.^۲

۳- کتاب "دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة":

امام ابو بکر احمد بن حسین بیهقی یکی از باب‌های این کتاب بزرگ و مشهور خود را با تعبیر: "باب ذكر السور التي نزلت بمكة والتي نزلت بالمدينة" در این موضوع تخصیص داده و روایات بسیار ارزشمند و مفیدی را در آن نقل کرده است.^۳

۴- كشف الأستار عن زوائد البزار على الكتب الستة ومسنده أحمد:

مؤلف کتاب نور الدین علی بن ابی بکر هیثمی (م ۸۰۷ هـ). یکی از باب‌های آن را تحت عنوان: "باب ما نزل بمكة والمدينة" تخصیص داده، روایات متعددی را در این موضوع جمع‌آوری نموده است.^۴

ب- کتاب‌های علوم القرآن:

قبل از ظهور "علوم القرآن" به عنوان یک علم مستقل، دانشمندان این فن تألیفاتی در یک و یا چند موضوع آن داشتند، موضوع مورد بحث ما نیز یکی از موارد مهم این علم مطرح بحث آن‌ها قرار گرفته است.

و اما پس از ظهور و نامگذاری اصطلاح علوم القرآن در اوایل قرن چهارم با توجه به اهمیت خاص این موضوع، و جایگاه ویژه آن در فهم معانی قرآن هیچ کتابی از کتاب‌های این فن را سراغ نداریم که بحثی در این باره نداشته باشد.

به عنوان مثال به برخی از کتاب‌های علوم القرآن و نحوه طرح موضوع مورد بحث در آن به صورت اجمال اشاره می‌گردد:

۱- المصنف ج ۱۰ ص ۵۲۲-۵۲۳.

۲- الفهرست ص ۲۸.

۳- دلائل النبوة ج ۲ ص ۱۴۲-۱۴۵.

۴- كشف الاستار ج ۳ ص ۳۹.

۱- فهم القرآن:

این کتاب با کتاب دیگر حارث محاسبی بنام "العقل" توسط حسین القوتلی تحقیق شده و مطبوعه دار الفکر، بیروت به نشر سپرده است.

حارث بن اسد محاسبی مؤلف این کتاب، بخش ششم آن را در موضوع مکی و مدنی اختصاص داده، از فواید شناسایی آن و برخی از خصائص هریک از مکی و مدنی سخن گفته است.^۱

۲- "البیان فی عدّ آی القرآن:

این کتاب از کتاب‌های مهم و ویژه علوم القرآن بخصوص علم قرائت بحساب می‌رود. امام ابوعمر و دانی از بزرگترین قرای عصر خود بوده، و تألیفات متعددی در موضوعات علوم قرآنی دارد، وی در کتاب فوق‌الذکر به موضوع مکی و مدنی اهتمام خاص داده، علاوه بر اینکه در آغاز هرسوره به مکی و مدنی بودن آن اشاره نموده، باب مستقلی نیز در این کتاب خود به عنوان: "باب ذکر المکی والمدنی من القرآن" دارد که در آن روایاتی را در این زمینه نقل کرده است.

۳- "جمال القراء و کمال الإقراء":

کتاب جمال القراء از مهمترین منابع علوم القرآن محسوب می‌گردد، امام ابوالحسن علی ابن محمد علم الدین سخاوی بخش اول کتاب خود را در موضوع مکی و مدنی تخصیص داده و در این مورد به روایات عطای خراسانی اعتماد کرده است. و همچنان زرکشی در "البرهان فی علوم القرآن" و برهان الدین بقاعی در کتاب "مصاعد النظر للاشراف علی مقاصد السور" و مجد الدین فیروزآبادی در کتاب "بصائر التمییز فی لطائف الکتاب العزیز" و سیوطی در "الاتقان فی علوم القرآن" طی باب جداگانه‌ای موضوع "مکی و مدنی قرآن" را با تفصیل مورد بحث و بررسی قرار داده و بسیاری از جزئیات آن را با دلایل توضیح نموده‌اند.



مکی و مدنی از دیدگاه علمای تفسیر

علم مکی و مدنی بنا بر اهمیتی که در فهم معانی قرآن دارد، از همان آغاز ظهور علم تفسیر مورد توجه علمای این فن بوده است و هریک از مؤلفان فن تفسیر مطابق تخصص و شیوه تألیف خود بحثی پیرامون این موضوع دارد، و به طور اجمال کتاب‌های تفسیر در این مورد به سه دسته تقسیم می‌گردد:

الف - کتاب‌های تفسیر به مأثور.

ب - کتاب‌های تفسیر به رای.

ج - تفاسیر جدید.

الف - تفسیر به مأثور:

۱- جامع البیان عن تأویل آی القرآن:

تفسیر ابن جریر طبری ارزنده‌ترین تفسیر به مأثور به شمار می‌آید، شیوه وی در موضوع مکی و مدنی قرآن به نقاط آتی خلاصه می‌گردد:

* روایاتی از اقوال صحابه و تابعین در باره مکی یا مدنی بودن سوره همواره با ثبت کامل سلسله سند آن نقل می‌کند.

* امام ابن جریر به نقل روایات از صحابه و تابعین در این مورد می‌پردازد، ولی به نقد روایات و تشخیص صحیح و سقیم آن‌ها نپرداخته است.^۱

۲- تفسیر القرآن العظیم از ابن کثیر:

شیوه ابن کثیر در بحث و تحقیقات علم مکی و مدنی شبیه شیوه ابن جریر طبری، بلکه برتر و بالاتر از آنست، از مزایای تفسیر ابن کثیر دقت در اسناد روایات است؛ بنابراین بسیاری از روایاتی که در آن از مکی و یامدنی بودن سوره و یا آیه‌ای ادعا شده، ابن کثیر آن روایات را با معیارهای دقیق حدیثی از لحاظ سند و یا متن نقد نموده، نظر صحیح و سالم را با دلایل ترجیح می‌دهد. در تفسیر آیه‌های ذیل مراجعه شود: مایده، ۶۷، انعام، ۵۲، انفال، ۶۴.

۳- الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور:

این تفسیر ارزشمند و دایرة المعارف بزرگی در فن تفسیر به مأثور محسوب می‌گردد.

* امام سیوطی در تفسیر قرآن چنان‌که از عنوان آن دانسته می‌شود، احادیث و اقوال صحابه و تابعین را با حذف اسناد جمع‌آوری نموده است.

* سیوطی مانند ابن جریر روایات متعددی را در ارتباط موضوع صرف ظر از صحت وضعف آن و بدون آنکه یکی از نظرات را در صورت اختلاف ترجیح بدهد، نقل می‌کند.^۱

* همچنان به نقل برخی از روایات در ضوابط مکی و مدنی قرآن می‌پردازد.^۲

* ولی عدم دقت در مورد برخی از روایات ضعیف و چشم پوشی از آن و نقل آرا و نظریات مختلف احیاناً بدون نقد و ترجیح، انتقاد و ملاحظه ای است بر شیوه سیوطی در این تفسیر.

ب - تفسیر به رأی:

علم مکی و مدنی قرآن در کتاب‌های تفسیر به رأی - اعم از تألیفات علمای پیشین و پسین - به عنوان یکی از موضوعات مهم قرآنی با تمام جزئیات و ریزه کاری‌های آن مطرح گردیده است که بر سبیل تمثیل و استشهاد به نمونه‌های از مساعی علما در این بخش اشاره می‌گردد:

ابن عطیه از مفسران قرن هفتم زمان نزول آیه و سوره را ملاک تشخیص مکی قرارداده، اصطلاح مشهور را در تعریف مکی و مدنی انتخاب نموده می‌گوید:

"وما نزل بعد الهجرة فإنها هو مدنی، وان نزل بمكة أو في سفر من أسفار النبي ﷺ".^۳

* برخی از مفسران چون ابن جوزی در زاد المسیر، ابن عطیه در المحرر الوجیز و آلوسی در روح المعانی و... تمام روایات و جزئیات دقیقی را که کتاب‌های تفسیر به مأثور، و برخی از کتاب‌های حدیث با اسناد نقل کرده‌اند، در اوایل سوره‌ها و گاهی هم در تفسیر بعضی آیات با حذف سند آن آورده‌اند.^۴

* تشخیص آیه‌های مکی در سوره مدنی یا عکس آن:

۱- در المنثور ج ۱ ص ۴۷، ۷۳.

۲- همان مأخذ.

۳- المحرر الوجیز ج ۴ ص ۵.

۴- نگا: ابن جوزی، زادالمسیر ج ۱ ص ۱۰، ابن عطیه، المحرر الوجیز ۹: ۳.

در مقام تعیین سوره‌های مکی بعضی آیات مدنی که در آن سوره قرار دارد و یا در تعیین سوره‌های مدنی، آیات مکی که از این سوره مستثنا است، مشخص می‌سازند. به عنوان مثال ابن جوزی در آغاز سوره اعراف می‌گوید: "عن ابن عباس و قتاده: أنهما مکیة إلا خمس آیات، أولها قوله تعالی: ﴿وَسَأَلَهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ﴾ إلى قوله: ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ﴾^۱.

* بکار انداختن فکر و نیروی اجتهاد:

دانشمندان و مؤلفان این عصر به پیروی از روایات، اسناد و مدارک سوره‌ها و آیه‌های مکی و مدنی را مشخص می‌سازند و سپس آن‌ها را به ترتیب نزول مرتب می‌گردانند و در مواردیکه روایات بصراحت در باره آن‌ها سخن نمی‌گویند و یا اختلاف روایات وجود داشته باشد، در چنین موارد برای ترجیح و انتخاب فکر و نیروی اجتهاد را بکار می‌اندازند که این اجتهاد صورت‌ها و اشکال گوناگونی به خود می‌گیرد:

* برخی از مفسران ویژگی‌های آیات مکی و مدنی قرآن را از نظر سبک بیان و از نظر موضوع مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند.

* احياناً صحیح و سقیم بودن روایت مورد بحث، دلیل ترجیح می‌باشد.

* گاهی مستندات عقلی و اجتهادی - نه نقل - مورد اعتماد آن‌ها قرار می‌گیرد.

* جمعی از مفسران چون ابن جوزی به نقل روایات مختلف و نظرهای متفاوت بدون آنکه به ترجیح یکی از نظرها بپردازد اکتفا می‌نماید.^۲

ج - تفاسیر جدید:

توجه مفسران علمای معاصر در علم مکی و مدنی و کوشش‌های‌شان در جهت نوآوری کمتر از علمای گذشته نیست.

از مهمترین تفاسیر جدید: تفسیر "محاسن التأویل" از علامه جمال الدین قاسمی، تفسیر "المنار" از شیخ رشید رضا، تفسیر "في ظلال القرآن" از سید قطب و تفسیر "المنیر" از دکتور وهبه الزحیلی است.

۱- زادالمسیر ۳: ۱۶۴.

۲- نگا زادالمسیر ۱: ۱۰، الجامع الأحكام القرآن ۹: ۲۹۹، المحرر الوجیز ۱۰: ۳۳۸.

ارائه اقوال و نظریات علما در مورد مکی و مدنی به صورت اجمال و گاهی به صورت تفصیلی نقطه مشترک در میان تفاسیر فوق است. علاوه برآن هریک از این تفاسیر شیوه ویژه‌ای دارد که ذیلاً توضیح می‌گردد:

۱- تفسیر "المنار":

شیخ رشید رضا در تفسیر "المنار" غالباً به آثار سلف رجوع کرده، روایات را در مکی و مدنی بودن بعضی از سوره‌ها و یا استثنای برخی از آیات سوره‌های مکی و عکس آن، بادقت بحث و بررسی نموده، گاهی با انتخاب اصطلاح مشهور در تعریف "مکی و مدنی"، و گاهی از نظر اسناد به نقد نظریه مرجوح می‌پردازد. به طور مثال در رد نحاس که سوره نساء را مکی پنداشته است می‌گوید:

"و زعم النحاس انها كلها مكية؛ لماورد في سبب نزول هذه الآية من قصة مفتاح الكعبة، وهو وهم بعيد، واستدلال باطل؛ فإن نزول آية من السورة في مكة بعد الهجرة لا يقتضي كون السورة كلها مكية".^۱

"نحاس با استدلال به داستان تسلیم داد ن کلید کعبه تمام این سوره را مکی می‌داند، ولی این پندار غلط است؛ چون از نزول یک آیه‌ای از سوره در مکه، مکی بودن تمام آیات سوره لازم نمی‌آید".

و در مورد روایاتی که سه آیات نخست سوره یوسف را از مکی بودن مستثنا می‌گرداند چنین می‌فرماید: "و هو واه جداً، فلا يلتفت إليه".^۲

شیوه مخصوصیکه صاحب تفسیر "المنار" در ترجیح بین اقوال اتخاذ کرده، وحدت موضوعی است. از نظر رشید رضا عنصر "وحدت موضوعی" از مهمترین مسایلی است که در مکی و مدنی آیات و سوره‌های قرآن در نظرگرفته می‌شود و از عمده‌ترین دلایل ترجیح نزد او است.^۳

۲- محاسن التأویل:

۱- تفسیر المنار: ۴: ۳۲۰.

۲- همان مأخذ: ۱۲: ۲۵۰.

۳- همان مأخذ: ۱۱: ۱۴۱.

تفسیر علامه جمال الدین قاسمی^۱ مشهور به "محدث شام" تفسیر جامع و ارزنده‌ای است که علاوه بر روایات اسلامی و نظریات سلف در تفسیر آیات، با حسن استنباط و گسترش معلومات همراه می‌باشد.

شیوه‌ای که در این موضوع او را از دیگران جدا می‌سازد توجه و اعتماد از حد بیشتر او است به یکی از قواعد اسباب نزول.

علامه قاسمی در مقدمه تفسیر خود از ص ۲۳ تا ۲۸ تحقیقات مفیدی در باره اسباب نزول دارد و در مورد عبارت مشهور در ارتباط با مکی و مدنی: "نزلت الآیة فی هذا" و امثال آن می‌گوید: "این تعبیرها در مورد سبب نزول صریح نیست، و از آن زمان و مورد مشخص نزول آیه دانسته نمی‌شود".

علامه قاسمی به این قاعده چنان تأکید و تمرکز دارد که حتی گاهی از حد اعتدال تخطی کرده، از برخی روایات صحیح که از آن مدنی بودن بعضی آیات سوره‌های مکی استفاده می‌شود، چشم پوشی نموده است.

به طور مثال علامه قاسمی آیه‌های: ۱۲۶-۱۲۸ سوره نحل را از آیات مکی می‌شمارد، در حالیکه مدنی بودن آیات با صراحت از ابوهریره، ابی بن کعب و عبدالله بن عباس با سند قوی ثابت است.^۲

۳- فی ظلال القرآن:

سید قطب - گرچند تخصص در علوم اسلامی ندارد - با آن هم در تفسیر "فی ظلال القرآن" کوشش نموده است که در جنبه‌های موفق در فهم اسلوب قرآن از حیث تعبیر، تصویر و ساده سازی قرآن برای نسل جوان از خود نشان دهد.

شیوه وی در موضوع مورد بحث شبیه شیوه رشید رضا است که در آغاز هر سوره به بیان محتویات سوره و ارتباط آیات و جزئیات آن از لحاظ وحدت موضوعی می‌پردازد و به اساس آن مکی و مدنی بودن آیات و سوره‌ها را مشخص می‌سازد.

اهتمام و مبالغه سید قطب به عنصر "وحدت موضوعی" باعث شده که احیانا بعضی روایات و احادیث صحیح را در مورد مکی و مدنی نادیده بگیرد.

۱- محمد جمال الدین فرزند محمد بن سعید قاسمی از علمای بزرگ معاصر به شمار می‌رود. و از مؤلفات وی: محاسن التأویل وقواعد التحدیث است. و در سال ۱۳۳۲ هـ درگذشت. معجم المفسرین (۱/۱۲۷).

۲- نگا: محاسن التأویل ج ۱۰ ص ۲۴۵، فتح الباری ج ۷ ص ۴۳۰.

از نمونه‌های بارز آن آیه (۱۱۴). سوره هود است که طبق روایات صحیح و صریح صحیح البخاری (۷۰: ۲۰۶) نزول این آیه در مدینه بود، ولی سید قطب با در نظر داشت وحدت موضوعی و هماهنگی در میان آیات این آیه را مکی می‌شمارد.^۱

۴- تفسیر "المنیر":

تفسیر دکتور وهبه زحیلی دایرة المعارف بزرگ در علم تفسیر محسوب می‌گردد. دکتور زحیلی تمام بخش‌های تفسیر - اعم از روایات تفسیری، ربط آیات، جنبه‌های فقهی، لغوی و...- را در این تفسیر به زبان عصر باعناوین جالب به طور مرتب گرد آورده است.

علم مکی و مدنی مانند سایر موضوعات قرآنی در این تفسیر با تفصیل و تبسیط مطرح بحث قرار گرفته است که نقاط بارز آن قرار آتی است:

- ۱- در آغاز هر سوره مکی و مدنی بودن و ترتیب سوره‌ها را که چه سوره‌ای قبل از آن و چه سوره‌ای به ترتیب بعد از آن قرار گرفته؟ با دلایل بیان می‌دارد.
- ۲- در صورت اختلاف آرا به نقل دلایل هر دو جانب پرداخته و گاهی به نظر راجح اشاره گذرای دارد بدون اینکه دلایل ترجیح را ارائه نماید.
- ۳- آیات مدنی که از سوره‌های مکی مستثنا گردیده و یا عکس آن، استثناهای آن را نا دیده نگرفته، روایاتی که در این مورد نقل شده ثبت و ضبط نموده است.^۲



۱- في ظلال القرآن ج ۶ ص ۴۴۱.

۲- نگا: تفسیر المنیر ج ۲ ص ۵۵۲ و ج ۶ ص ۴۹۵، ۴۹۶، ۳۳۱، و ج ۱۵ ص ۸۲۷.

مکی و مدنی در تحقیقات معاصر

مسأله "مکی و مدنی" در آثار قدما - چنان که توضیح گردید - به بهترین وجهی بررسی شده است. در مورد حفظ زمان، مکان و حتی کیفیت نزول آیه‌ها نهایت دقت و فحسی را در نظر گرفتند و به همان دقت و کیفیت ضبط نموده و برای ما نقل کرده‌اند. این دقت و ژرف نگری نهایت توجه و اهتمام دانشمندان این فن را نسبت به این موضوع نشان می‌دهد. پس باید ما به فضل پیشینیان اعتراف نموده باور داشته باشیم که: علمای معاصر هرچه در تحقیقات خود پیش بروند، دست شان بسوی آن‌ها دراز بوده، مرهون احسان علمی و فرهنگی آن‌ها می‌باشند.

پیشرفت و موفقیت آن‌ها در این است که آثار آنان را بهتر بفهمند و از آن بیشتر کسب روشنایی نمایند و در پرتوی نصوص و متون پیشینیان به نیازهای عصر خود پاسخ دهند.

و در عین حال نباید فراموش کنیم که شیوه تحقیق قدما نمی‌تواند آنچنان که باید و شاید از عهده کند و کار و بررسی همه جانبه موضوع بدر آید؛ زیرا در برخی از جزئیات موضوع تحقیقات قدما کافی نبوده، دانشمندان معاصر با توجه با نصوص شرعی و با در نظر داشت شرایط عصر ناگذیر به بحث و بررسی مسایلی شدند و می‌شوند که در گذشته هیچ مطرح نبوده و نیازی به آن دیده نمی‌شد. مساعی و تحقیقات معاصر در این موضوع به پنج قسمت بگونه زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف - تألیف مستقل در موضوع.

ب - بررسی موضوع در ضمن مباحث علوم قرآنی.

ج - مشخصات تحقیقات معاصر.

د - پاسخ به ایراد، و ردّ تلاش‌های منحرفانه خاورشناسان.

ه - ملاحظات و کاستی‌ها.

الف - تألیفات مستقل در «علم مکی و مدنی»:

تعدادی از محققان معاصر و دانشمندان علوم القرآن با تأسی از علمای پیشین و با درک اهمیت آن، کتاب‌های جداگانه‌ای در علم "مکی و مدنی" تصنیف نموده، با

تفصیل و با ذکر دلایل این موضوع را بررسی نموده‌اند که از آنجمله سه کتاب قابل ذکر است:

۱- المکی والمدنی فی القرآن الکریم:

این کتاب رسالهٔ ماستری است که توسط عبد الرزاق حسین احمد در پوهنتون اسلامی مدینهٔ منوره تهیه گردیده و از طرف مطبعة دار ابن عمان، مصر به طبع رسیده است.

کتاب فوق الذکر بدون تردید مفیدترین کتاب در این موضوع است، مؤلف کتاب علاوه بر اینکه جزئیات موضوع را به صورت گسترده مورد بحث قرار داده، آیات کریمه و سوره‌های شریفهٔ قرآن را از نظر مکی و مدنی بودن با دقت بررسی می‌کند، آثار و روایات را در ارتباط موضوع نقل می‌کند، بر احادیث و روایات صحیح که از بوتةٔ آزمون و میزان نقد حدیثی سلامت بیرون آمده باشد، تکیه نموده و به اساس آن ترجیح می‌دهد.

ولی متأسفانه این تحقیق علمی تنها هفده سورهٔ قرآنی را - از سورهٔ فاتحه تا سورهٔ اسراء - در بردارد.

۲- أهم خصائص السور والآیات المکیة ومقاصدها:

این کتاب پایان نامهٔ دکتورا است که توسط دکتور احمد عباس بدوی در پوهنتون ام القرى مکه مکرمه تهیه گردیده، و هنوز به نشر نرسیده است.

۳- أهم خصائص السور والآیات المدنیة ضوابطها ومقاصدها:

این تحقیق نیز یک تحقیق علمی است که توسط دکتور عادل ابی العلا غرض حصول دیپلوم ماستری در پوهنتون ام القرى تهیه و ترتیب گردیده و از طرف دار القبلة در جدّه به چاپ رسیده است.

موضوع اساسی این دو اثر اخیر الذکر - چنان که از نام آن‌ها پیدا است - خصایص و بیان ویژگی‌های سوره‌ها و آیات مکی و مدنی است و سایر جزئیات موضوع در این دو اثر به طور ضمنی آمده است.

ب- بررسی موضوع در ضمن مباحث علوم القرآن:

موضوع مورد بحث ما در کتاب‌های معاصر علوم القرآن نه تنها به عنوان باب مهمی از باب‌های این علم مورد بحث و بررسی قرار گرفته، بلکه تعدادی از مؤلفان این دوره با ابتکار و نوآوری که در این زمینه دارند، در بیشتر کوشش‌های خود دست در دست

موفقیت بوده‌اند. نمونه‌های از نوآوری آن‌ها در قسمت بعدی «مشخصات تحقیقات معاصر» توضیح داده خواهد شد.

ج - مشخصات تحقیقات معاصر:

در گذشته اشاره شد که علمای معاصر - چه در تألیفات جداگانه و چه در ضمن مباحث علوم قرآنی - دستاوردها و نوآوری‌های در عرصه علم مکی و مدنی دارند، اینک شرح و تفصیل و مشخصات این تحقیقات:

۱ - تنظیم و ترتیب جزئیات موضوع:

مطالب و جزئیات موضوع در کتاب‌های پیشین به شکل پراکنده، و به صورت روایات و نظریات غیر هماهنگ وجود داشت که مراجعه به این کتب و نوشته‌ها برای افراد غیرمتخصص کار آسان نبود. ولی در تحقیقات معاصر این موارد به طور منظم و با عبارت سهل و ساده و با شیوه عصری گرد آورده شده که از نمونه‌های بارز آن کتاب "مباحث في علوم القرآن" تألیف دکترمناع القطان است.

این کتاب در ترتیب، جمع بندی و فراگیری جزئیات موضوع، اختصار و اقتباس از متون قدیم، تعبیر عالی و مطابق با زبان عصر مزیت ویژه‌ای دارد و این شایستگی‌ها مجامع علمی را واداشته است تا به عنوان کتاب درسی در معاهد و پوهنتون‌ها بگنجانند.

۲ - تعدیل و گسترش بحث در موارد مکی و مدنی:

خصایص سوره‌های مکی و مدنی وضابطه‌هایی که سوره‌های مکی را از مدنی تشخیص می‌دهد، از همان عصر صحابه مورد بحث دانشمندان این فن بود، و روایاتی هم در این ارتباط از صحابه و تابعین نقل و به ثبوت رسیده است.

و همچنان در قرن‌های بعدی - بعد از صحابه و تابعین - این مسأله به عنوان فرعی از فروع موضوع مکی و مدنی در کتاب‌های علوم قرآنی ثبت و ضبط و بررسی شده، ولی این جزئیات موضوع کتاب مستقلی در آثار قدما قرار نیافته است.

تحقیقات معاصر مفهوم این اصطلاح را قدری تعدیل و تلطیف نموده، مجال بحث و تحقیق را در این زمینه گسترش داده و کتاب‌های جدا گانه‌ای در این مورد تقدیم کرده‌اند از آن جمله:

- أهم خصائص السور والآيات المكية ومقاصدها از دکتر احمد عباس بدوی.

• خصائص السور والآيات المدنية، ضوابطها ومقاصدها از دکتر عادل ابو العلاء.

۳- ابداع و نوآوری:

مسأله "مکی و مدنی" در آثار قدما - چنان که بیان شد - به بهترین وجهی بررسی شده است، و در لابلاهی بررسی‌های علمای پیشین خواندیم که آیات قرآن از نظر زمان و مکان نزول به مکی و مدنی تقسیم می‌شوند، ولی بررسی‌های آن‌ها در مورد اینکه: هریک از این دو دوران تنزیل قرآن به سه مرحله ابتدایی، میانی و پایانی تقسیم می‌شوند، جز اشاره‌ای در کلام ابو القاسم نیشاپوری دیده نمی‌شود.

محقق معاصر دکتر صبحی صالح در کتاب "مباحث فی علوم القرآن" ابتکاری از خود نشان داده به پیگیری جزئیات این مسأله پرداخته توضیح می‌دهد که: هر مرحله از این مراحل شش گانه تنزیل مشتمل بر چه اندازه بیان عقاید و احکام بوده؟ و در هر مرحله در تعبیرکلمات و فواصل آیات چه تغییراتی رخ داده؟ و نحوه ترسیم صحنه‌ها با مراحل دیگر چه تفاوتی داشته است؟^۱

د- پاسخ به ایراد، و ردّ تلاش‌های منحرفانه خاورشناسان:

خداوند متعال، قرآن کریم، این نسخه آسمانی و برنامه زندگی را بخاطر سعادت دوجهان بشر فرستاده، حفظ و مصونیت آن را از دستبرد دشمنان و از هرگونه تغییر و تبدیل به عهده خود گرفته باکمال تأکید اعلام می‌دارد: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ [الحجر: ۹]

"ما قرآن را نازل نمودیم و ما خود پاسدار آن می‌باشیم".

و نیز می‌فرماید: ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ﴾ [فصلت: ۴۲].

"هیچ‌گونه باطلی، از هیچ جهتی متوجه قرآن نمی‌گردد".

تاریخ اسلام شاهد این حقیقت است که دشمنان قرآن از همان فجر نزول آن تا امروز به گونه‌های مختلف سعی و تلاش نموده‌اند تا این معجزه جاویدان آفریدگار جهان را در نظر مردم باطل جلوه دهند و یا از مقام والای آن در دل مسلمان‌ها بکاهند، ولی نصیب دشمنان قرآن در مبارزات خود در طول تاریخ جز شکست، رسوائی و شرمندگی نبوده و تلاش‌های‌شان همه نقش بر آب گردیده است.

در سال‌های اخیر دشمنی با اسلام و قرآن شکل دیگری بخود گرفت، خاورشناسان و مستشرقان به بهانه آشنایی با اوضاع و احوال ملل مشرق زمین به بحث و بررسی آثار و علوم اسلامی پرداختند، تحقیقات و تألیفاتی در علوم و فنون مختلف از جمله علوم قرآنی داشتند نه بخاطر خدمت علمی، بلکه - بنا برنظر خود آن‌ها - نقطه‌های ضعف اسلام را کشف نموده، برای دیگران نمایان سازند و از طرف دیگر با تحریف مفاهیم نصوص حقیقت را دگرگون جلوه دهند و با ایراد شبهات و شکوک افراد ناپهیم و ضعیف الایمان، از دین منحرف گشته و کسانیکه تازه به اسلام علاقه می‌گیرند، از پذیرش آن منصرف شوند.

موضوع مورد بحث ما (علم مکی و مدنی) نیز از تلاش‌های تحریف آمیز و نظرهای مغرضانه و ایرادهای حسودانه خاورشناسان مستثنا نبوده؛ لذا دانشمندان اسلامی مسؤولیت دارند که به شبهات آن‌ها پاسخ دهند، معارف و علوم قرآنی را از لوٹ تحریف آن‌ها پاک سازند.

محققان و مؤلفان معاصر علوم القرآن مسؤولیت خود را در این زمینه درک نموده، به ایرادهای پوشالی آن‌ها پاسخ داده واضح ساختند که در روش‌ها و شیوه‌های مجدد پیشنهادی آن‌ها چه اهداف و اسراری نهفته است؟

به طور مشخص تحقیق و تلاش شیخ عبدالعظیم زرقانی در "مناهل العرفان"، دکتور محمد محمد ابو شهبه در "المدخل إلى علوم القرآن"، دکتور محمد عبدالله دراز در "النبأ العظيم" و دکتور صبحی صالح در "مباحث في علوم القرآن" در این بخش، شایان ذکر و قابل تقدیر است.

ه- ملاحظات و کاستی‌ها:

در گذشته به گوشه از مزایا و شایستگی‌های تحقیقات معاصر اشاره گردید و هیچ جای شک و تردید نیست که کارکرد انسان خالی از کاستی‌ها نمی‌باشد؛ چون انسان موجود ضعیف و ناتوان است، کمال مطلق درکارهای پروردگار و از آن مخصوص اوست:

﴿وَلَوْ كَانِ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ [النساء: ۸۲]

"اگر از جانب غیر خدا می‌بود، قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند".

انتخاب موضوعی از موضوعات علوم قرآنی در یک تحقیق ویژه و یا اثر علمی باید خصایص ذیل را داشته باشد:

۱- شمولیت:

باید تمام جوانب و جزئیات موضوع را به تفصیل و با ذکر دلایل و همه جانبه احتوا کند.

۲- دقت:

علوم القرآن بخشی از علوم اسلامی است که بر مبنای نقل استوار می‌باشد، پس تحقیق در این زمینه باید طبق معیارهای مسلم علمی و موافق با قواعد نقد حدیثی که دانشمندان فن در صحیح و سقیم بودن روایات اسلامی در نظر گرفته‌اند، بوده باشد؛ بنابراین قبول و یارد یک مسأله و همچنان تأیید و ترجیح آن به اساس روایت‌های صورت بگیرد که از لحاظ سند مراحل دقیق جرح و تعدیل را پیموده به اثبات برسد.

۳- ابتکار و اجتناب از تقلید:

باید پژوهشگر علوم قرآنی با استناد به روایات صحیح، و با استفاده از افکار و نظریات علمای پیشین آرای مختلف را در روشنی دلایل بررسی نموده، تأیید و ترجیح دهد.

تمایل به نظریات اشخاص - بدون در نظر داشت دلایل آن - با استناد به روایات ضعیف و بدون سند به تقلید از کتاب‌ها و قدما نه تنها شایسته یک محقق و پژوهشگر نیست، بلکه از اهمیت تحقیق آن می‌کاهد.

۴- ابداع و نوآوری:

یک تحقیق ویژه بادر نظر داشت اوضاع و شرایط باید ابداع و نوآوری در بعدی از ابعاد موضوع داشته باشد.

با توجه به امور فوق می‌بینیم که هیچ یک از تحقیقات معاصر خالی از ملاحظات و کاستی‌ها نبوده، اما این ملاحظات بدین معنی نیست که این بحث‌ها و تحقیقات مزایای نداشته باشد.

به طور مثال "علم مکی و مدنی" در کتاب‌های علوم القرآن به صورت عموم از دقت و شمولیت برخوردار نیست همانگونه که مؤلفان کتاب‌های:

"اهم خصائص السور والآیات المکیه" و "خصائص السور والآیات المدنیه" در ترجیح، تحلیل و نقدهای خود دقت و استقلال نداشته و به تأسی از علمای پیشین - صرف نظر از صحت و سقم روایات از نظر قواعد علم جرح و تعدیل - حکم می‌کنند.

کتاب "المکی و المدنی فی القرآن" کتاب ارزنده و مفید و شرایط تحقیق ویژه را دارا است، ولی این کتاب - قسمیکه قبلاً اشاره گردید - فقط ۱۷ سوره قرآن را به صورت مفصل مورد بحث قرار داده است.

مناقشه:

- نشأت این علم در عصر پرمیمنت نبوت برمی‌گردد، در عصر نزول وحی و در حیات پیامبر ﷺ شاگردان مکتب نبوت و یاران گرامی وی، نه به عنوان یک موضوع، بلکه به عنوان: یاد داشت زمان و مکان نزول قرآن به این موضوع توجه نموده، زمان و مکان نزول آیه‌ها و سوره‌های قرآنی را ثبت و ضبط نموده‌اند که بعدها آن روایات اسلامی دلایل مکی و مدنی بودن آن آیات و سوره‌ها شمرده شد.
- عصر تابعین مرحله تکمیلی عصر صحابه است، تابعین تمام روایات را در این قسمت مانند دیگر موارد علوم قرآنی از یاران پیامبر ﷺ شنیده و باکمال امانت‌داری آن را ثبت و ضبط نموده و برای نسل بعدی انتقال داده‌اند. با حلول قرن دوم هجری، نهضت تألیف و تدوین علوم اسلامی نیز آغاز گردید که این حرکت شامل موضوعات علوم قرآنی نیز بود، علمای این فن طبق شیوه آن زمان تألیفات و تصنیفات در این زمینه داشتند که موضوع علم مکی و مدنی جزو آن به شمار می‌رود.
- دانشمندان فن علوم القرآن - اعم از علمای پیشین و معاصر - با درک اهمیت این موضوع کمرهمت را در ره توضیح و تبیین آن بستند و بانظرداشت فرهنگ عصر خود تألیفات ارزشمندی در این موضوع نگاشته‌اند که از آن جمله می‌توان کتاب‌های آتی را نام برد:
 - ۱- بیان عدد سور القرآن و آیات و کلماته و مکیه و مدنیه: تألیف ابن عبدالکافی از علما و مفسران قرن چهارم (م ۴۰۶ هـ).
 - ۲- التنزیل و ترتیبه: تألیف ابوالقاسم حسن بن محمد بن حبیب نیشاپوری از علمای قرن پنجم.
 - ۳- کتاب المکی و المدنی: تألیف امام مکی بن ابی طالب.



بخش سوم:
قواعد و ضوابط

قواعد و ضوابط

۱- تعریف لغوی و اصطلاحی قاعده و ضابطه:

قاعده: مؤنث "قاعد" و جمع آن قواعد است به معنی: اصل و اساس هر چیز. قاعده ریاضی: دستور و قانون آن. قاعده البيت: اساس و زیر بنای خانه ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ﴾ [البقرة: ۱۲۷].

قاعده اليهودج: چوبی از چوب‌های هودج. قاعده البلد: بزرگترین شهر کشور و قاعده الطائرات به معنی: فرودگاه هواپیما و قاعده عسکرية: پایگاه نظامی.

و در اصطلاح خطاطان سرمشق و نمونه خط را می‌گویند.^۱

ضابطه: اسم فاعل مؤنث به معنی: نگهدارنده، حفظ کننده. از مصدر "ضبط" گرفته شده که به محکم کردن، بادقت و خوب انجام دادن، تسلط یافتن، منظم و مرتب کردن و خوب نگهداری کردن اطلاق می‌گردد.^۲

تعریف اصطلاحی:

قاعده در اصطلاح: اصل و قانون و ضابطه کلی را می‌گویند که تمام جزئیات یک مورد را شامل شود. "هی قضیه کلیه منطبقه علی جمیع جزئیاتها".^۳

ضابطه: نیز به معنی قاعده و دستور بکار رفته است: "حکمی است کلی که منطبق باشد باتمام جزئیات"^۴

۲- فرق بین قاعده و ضابطه:

این دو کلمه از واژه‌های علمی است که برخی از علما هیچ فرقی در میان این هردو قایل نیستند، و از نظر آن‌ها: کلمات مترادف‌اند که یک مفهوم کلی را افاده می‌کند.^۵

۱- نگا: جوهری، الصحاح ج ۲ ص ۵۲۵، این منظور، لسان العرب ج ۱۱ ص ۲۳۶ عبدالنبی قیم، فرهنگ فارسی و عربی ص ۸۰۴.

۲- لسان العرب ج ۸ ص ۱۶، فرهنگ فارسی و عربی ۶۷۲.

۳- تعریفات جرجانی ص ۱۷۱.

۴- علی اکبر دهخدا، لغت نامه ج ۱۰ ص ۱۵۱۲۵.

۵- نگا: خالدالسبت، قواعد التفسیر ج ۱ ص ۳۲.

و جمعی از دانشمندان فرق بین این دو واژه را به گونه زیر توضیح داده‌اند:
 ۱- قاعده را فروعی از ابواب مختلفه است، و ضابطه را جز از یک باب فروعی نباشد.^۱

طبق این فرق قاعده گسترده‌تر از ضابطه است، و موارد استثنا در قاعده بیشتر از مواردی است که از ضابطه استثنا می‌گردد.^۲

۲- قاعده به شکل عموم امریست مسلم، بحث و گفتگو در جزئیات و تفصیل آن می‌باشد، نه در اصل قاعده.

اما ضابطه چون حیثیت جزئی را نسبت به قاعده دارد؛ بناء اصل خود ضابط مورد بحث و مورد اختلاف علما قرار می‌گیرد.^۳

الف - قواعد

قاعده اول:

"القول في تفاصيل المكي والمدني موقوف على نقل من شاهدوا التنزيل".^۴

توضیح قاعده:

منظور از این قاعده اینستکه: یگانه راه مطمئن و معتمد در شناخت جزئیات و تفصیل این موضوع نقل است و طریق اجتهاد یکی از راه‌های شناخت موضوع است، ولی مطمئن نیست و همچنان جزئیات موضوع به طور مفصل از راه اجتهاد دانسته نمی‌شود.

گرچند در شناخت مکی و مدنی هیچ روایتی از شخص پیامبر ﷺ نقل نشده است و این فن بدون روایتی از پیامبر ﷺ شناخته می‌شود، باوجود آن تنها راه مطمئن برای شناخت جزئیات و تفصیل این موضوع، اعتماد به روایات و نقل صحیح از محفوظات صحابه است که در مکان نزول وحی شاهد بوده و از نزول آیات دقیقاً باخبر بودند و بسیاری از صحابه تسلط کاملی بر بازشناسی آیات مکی و مدنی قرآن داشته‌اند و

۱- قواعد التفسیر ج ۱ ص ۳۱، لغت نامه دهخدا ج ۱ ص ۱۵۱۲۵.

۲- قواعد التفسیر ج ۱ ص ۳۱.

۳- همان مأخذ.

۴- قواعد التفسیر ج ۱ ص ۷۷، المکی والمدنی فی القرآن الکریم ج ۱ ص ۱۴۶.

توانسته‌اند در این رابطه آن جزئیات دقیقی که کتاب‌های تفسیر به مأثور و همچنین کتاب‌های علوم قرآنی مملو از آن‌ها است، بدست آورند.

فراوانی معلومات صحابه پیامبر ﷺ را در این موضوع، می‌توانیم از سخن صحابی بزرگ عبدالله ابن مسعود استنباط کنیم که می‌گوید: " و الله الذي لا إله غيره، ما أنزلت سورة من كتاب الله إلا أنا أعلم فيما أنزلت...."^۱.

"سوگند به خدائی که جز او خدائی نیست، هیچ آیه‌ای نازل نشده مگر اینکه من می‌دانم: کجا و در باره چه کسی نازل شده است".

قاعده دوم:

"الأصل في السورة التي ثبت نزولها بمكة تكون جميع آياتها مكية، ولا يقبل القول بمدنية بعض آياتها إلا بدليل صحيح، كما أن السورة التي يثبت نزولها بالمدينة يحكم لجميع آياتها بأنها مدنية، إلا ما دلّ الدليل على استثنائه"^۲.

"استثنای آیات مدنی از سوره‌های مکی و آیات مکی از سوره‌های مدنی بستگی به روایات صحیح دارد".

توضیح قاعده:

گاه سوره‌ای بتمامی مکی است مانند سوره المدثر، بعضی از سوره‌ها چون سوره آل عمران کاملاً مدنی است.

و هنگامی هم سوره مکی شمرده شده، ولی یک و یا چند آیات آن در مدینه بعد از هجرت نازل شده است. و گاه سوره مدنی می‌باشد که آیات مکی در آن گنجانیده شده است.

تعیین دقیق استثنای آیات مکی از سوره مدنی و عکس آن بستگی به دلیل قطعی از روایت صحیح دارد، با روایت‌های ضعیف و یا با عقل و اجتهاد نمی‌توان آیه‌ای از سوره مکی را مدنی، و یا آیه‌ای از سوره مدنی را مکی شمرد.

۱- صحیح البخاری با فتح الباری ج ۸ ص ۱۱۹.

۲- زرکشی البرهان ج ۱ ص ۱۸۸ سیوطی، اتقان ج ۱ ص ۶۲-۶۳، رشید رضا، تفسیر المنار ج ۷ ص ۲۸۴،

خالد السبیت، قواعد التفسیر ج ۱ ص ۷۷-۷۸.

ابن الحصار می‌گوید: "هریک از دونوع مکی و مدنی آیاتی دارند که از آن‌ها استثنا شده است، ولی عده‌ای بدون اینکه بر روایتی اعتماد کند، در استثنای آیات اجتهاد می‌نمایند."^۱

الف - امثلة استثنا بادلیل صحیح:

سوره اسرا به اتفاق علمای این فن مکی است، ولی آیه ۸۵ این سوره طبق روایت صحیح که امام بخاری از عبدالله بن مسعود^{رضی الله عنه} نقل کرده، در پاسخ پرسش یهودیان مدینه پس از هجرت نازل گردیده است.^۲

و هچنان سوره هود از سوره‌های مکی به شمار می‌رود، ولی آیه ۱۱۴ آن به اساس روایت عبدالله ابن مسعود در صحیح البخاری و صحیح مسلم از این حکم مستثنا و مدنی محسوب می‌گردد.^۳

ب- امثلة استثنای مردود:

سوره انفال به اتفاق مدنی است، برخی از علما آیه ۳۰ این سوره را از این حکم استثنا نموده، مکی شمرده است.^۴

و این استثنا چون مبنی بر دلیل صحیح نبوده؛ طبق قاعده فوق مردود است.

همانگونه که مدنی شمردن آیه‌های ۱۴ و ۱۵ سوره اعلی: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى﴾^{۱۴} و ذکر اسم ربّه^{۱۵} ﴿فَصَلِّ﴾ [الأعلى: ۱۴-۱۵]. به اساس روایت‌های ضعیف از عبدالله بن عمر و عبدالله بن عباس و استثنای این دو آیه از حکم مکی بودن سوره مردود است.^۵

قاعده سوم:

"المدنی من السور یكون منزلاً في الفهم على المکی، وكذا المکی بعضه مع بعض، والمدنی بعضه مع بعض على ترتیبه في التنزیل".^۶

۱- اتقان ج ۱ ص ۶۲.

۲- صحیح البخاری ج ۸ ص ۴۰۱.

۳- صحیح مسلم ج ۴ ص ۲۱۱۵-۲۱۱۶.

۴- فتح الباری ج ۸ ص ۶۵۶-۶۵۷.

۵- قواعد التفسیر ج ۱ ص ۷۹.

۶- شاطبی، الموافقات ج ۳ ص ۴۰۶، شیخ الاسلام امام ابن تیمیّه، مجموع الفتاوی ج ۱۵ ص ۱۶۰.

"فهم سوره‌های مدنی بستگی به سوره‌های مکی دارد و همچنان فهم سوره‌های پسین مکی و مدنی - از لحاظ نزول - بستگی به سوره‌های پیشین دارد".
توضیح این قاعده:

قرآن کریم نه به صورت مجموعه یکدست و یکجا، بلکه به صورت تدریجی در مدت بیست و سه سال بر پیامبر ﷺ نازل گردید و در این مدت کار ترسیم و تبیین گام‌های حکیمانه و تدریجی اسلام را در مسیر قانونگزاری و پیاده کردن مقررات و جایگزین کردن معارف خود برعهده داشت.

در مکه با مردم سخت معاند و جنگنده مواجه می‌شود که با خدا و رسول او نبرد دارند و از هیچ نوع ظلم، تجاوز، نیرنگ و حتی توطئه قتل پیامبر ﷺ باکی نداشتند، همانگونه که اسلام در مکه در دوره تشریحی ابتدائی خود قرار داشت.

اما در مدینه محیط جدیدی به وجود می‌آید که پذیرائی تفصیلات مقررات آیین اسلام است، مردم در انتظار ساختن یک جامعه نوین و پیامبر اسلام ﷺ در صدد ساختار جامعه و دولت اسلامی است، حال و مقام دوره مدنی با دوره مکی تفاوت دارد، همانطور که مراحل مختلف (ابتدائی، میانی و پایانی) هر دو دوره مکی و مدنی از هم متفاوت می‌باشند.

با توجه به مطالب فوق برای فهم دقیق قرآن، شناخت مراحل مختلف دعوت اسلامی و شناخت حال و اوضاع نزول قرآن و ترتیب نزولی آیه‌ها و سوره‌ها و شناخت مراحل مختلف نزول آیه‌های قرآن ضروری است.^۱

قاعده چهارم:

"المدنی ینسخ المدنی الذی قبله، وینسخ المکی ایضاً".^۲

"آیات مدنی ناسخ آیات مدنی سابق و هم ناسخ آیات مکی شده می‌تواند".

توضیح قاعده:

یکی از شرایط ناسخ و منسوخ اینستکه: زمان و تاریخ ناسخ بعد از منسوخ بوده باشد؛ بنابراین آیات مدنی ناسخ آیات مدنی دیگر که قبل از آن نازل شده و هم ناسخ آیه‌هایی که در مکه نازل شده، می‌باشد. مثلاً حکم وصیت در حق پدر و مادر که از

۱- همان مأخذ (با اندک تصرف).

۲- مکی بن ابی طالب، الايضاح ص ۲۰۲، ۱۱۳.

آیه ۱۸۰ سوره بقره استفاده می‌شود، به آیه میراث (سوره نساء: ۱۱) منسوخ گردیده است. و این هر دو سوره مدنی بوده، و نزول سوره بقره قبل از آن است.

حکم اباحت شراب که در آیه ۶۷ سوره نحل ﴿وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا﴾ [النحل: ۶۷] بدان اشاره رفته است، با آیه ۹۰ سوره مایده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْحُمُرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [المائدة: ۹۰]. منسوخ گردیده که سوره نحل مکی و سوره مایده از سوره‌های مدنی می‌باشد.



قاعده پنجم:

"یستمر نزول بعض السور، فتنزل في أثناء مدة نزولها سور أخرى".^۱

توضیح این قاعده:

گاهی نزول برخی از سوره‌های قرآنی مدت طولانی را در بر می‌گیرد که از آغاز نزول تا پایان یافتن آن چند سوره دیگر نازل می‌گردد.

از مثال‌های واضح و روشن این قاعده سوره بقره است که - طبق نظر صحیح بعد از مطفین - و براساس نظر اکثر علما نخستین سوره مدنی است، ولی نزول آن ادامه داشت که آیه‌های ۱۹۶-۲۰۳ آن که متعلق به مسایل حج است، در سال‌های ۶-۸ هجرت نازل شده و آیه ۲۸۱ سوره بقره ﴿وَأَتَقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۲۸۱] آخرین آیه قرآنی از حیث نزول به شمار می‌رود.



ب- ضوابط و خصایص سوره‌های مکی و مدنی

علما و دانشمندان علوم قرآن برای تشخیص سوره‌های مکی از مدنی - علاوه بر طریق روایت، از طریق درایت نیز - خصایص و ویژگی‌های تعیین کرده‌اند و این ویژگی‌ها که بعضی از آن‌ها مربوط به موضوع و بعضی دیگر مربوط به اسلوب بیان‌اند،

۱- ابن عاشور، التحرير والتنوير ج ۱ ص ۲۰۲.

عبارت از نشانه‌ها، امارات و قرآینی‌اند که: "ما را به شناسائی مکی از مدنی رهبری می‌کند و از سوی دیگر همین نوع تفاوت‌های موجود، در کمیت و کیفیت آیه‌ها و سوره‌های مکی و مدنی همهٔ اندیشمندان ژرف نگر را به الهی بودن طبیعت مکتب اسلام هدایت می‌نماید؛ زیرا می‌بینند که این مکتب به شیوهٔ کاملاً طبیعی در مکه بایی ریزی بخش اصول دین (زیر بنای مکتب) و برخی از بخش‌های رو بنای دین مانند انجام دادن عبادت‌های فردی و اتصاف به فضایل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی و در نتیجه انجام یافتن مرحلهٔ فرد سازی، و در مدینه بخش‌های دیگر فروع دین (رو بنای مکتب) یعنی روابط اجتماعی و قواعد حقوقی و روابط بین المللی، و در نتیجه جامعه‌سازی تحقق پیدا کرده است"^۱

۱- ویژگی‌های سوره‌های مکی:

دورهٔ مکی آغاز یک مبارزهٔ مکتبی و فرهنگی بود و ایجاب می‌کرد که بخش زیر بنای دین و اصول اساسی آن مانند: ایمان به توحید، معاد، نبوت، کتب آسمانی و فرشتگان پی‌ریزی شود و برحقانیت یکایک آن‌ها براهین حسی و عقلی اقامه گردد و از اقسام پنج گانهٔ رو بنای مکتب اسلام (اخلاق، عبادت فردی، عبادت جمعی، روابط اجتماعی و مقررات بین المللی) تنها دو قسم آن‌ها (توضیح فضایل اخلاقی... و عبادت‌های فردی و وجوب انجام دادن آن‌ها) را بیان نماید.

و از سوی دیگر در مقابل برخورد تند و خشونت آمیز گروه سرکش ولجاجت پیشهٔ مردم بی‌سواد مکه در برابر پیامبر ﷺ و یارانش فرود آمدن آیه‌های لازم بود که تهدید شدید معانی آن‌ها همراه قرع صداها و تشدید حرف‌ها که از غضب خدای عزیز منتقم حکایت کند و با نزول آیه‌های صبر و استقامت و حکایت سرگذشت پیامبران گذشته، رهروان راه حق را تسلّی و دلداری دهد.

اهل مکه و حومهٔ آن به علت شرکت هر ساله در کنگره‌های ادبی "عکاظ"، "مجنه" و "ذی المجاز" در سخن سنجی و فصاحت شناسی و فهم نکته‌های دقیق بلاغت سرآمد تمام قبایل عرب بودند؛ بنا براین حال و مقام مقتضی بود که در مکه اعجاز قرآن در ایجاز آیه‌ها و کوچکی سوره‌ها تبلور یابد.^۲

۱- ملا احمدیان، قرآن شناسی ص ۵۱.

۲- همان منبع ص ۴۹.

وهمچنان جامعه مکه ترکیبی بود از اکثریت قاطع کفار و اقلیتی از مؤمنان؛ مطابق به مقتضیات چنین حال و اوضاع باید سوره‌های مکی ویژگی‌های ذیل را داشته باشند:

الف - ویژگی‌های کلی و قطعی:

۱- هر سوره که سجده داشته باشد، مکی است.^۱

در مکه جهت رد سخیف‌ترین اعتقاد کفار مکه (شرک و بت پرستی) لازم بود علاوه بر فرود آمدن آیه‌های توحید و یکتاپرستی و اقامه براهین عقلی، بحکم وجود سجده در اواسط و اواخر برخی از سوره‌ها، عملاً در برابر دیدگان آن‌ها سرتعظیم برای خدا فرود آورده شود.^۲

۲- هر سوره‌ای که در آن لفظ "کلاً" باشد، مکی است.

این کلمه فقط در نیمه دوم قرآن بکار رفته است.^۳

دیرنی در "تیسیر فی علم التفسیر" گفته است:

وما نزلت کلاً بیثرب فأعلمن ولم تأت فی القرآن فی نصفه الأعلى
کلمة "کلاً" در یثرب (مدینه) نازل نشده این را بدان و در نصف اول قرآن این کلمه
نیامده است.

حکمتش اینست که: بیشتر سوره‌های نصف آخر قرآن در مکه نازل شده و بیشتر مردم مکه متکبر و طغیانگر بودند؛ لذا این کلمه بخاطر نکوهش و تهدید آن‌ها تکرار شده است، بر خلاف نیمه اول قرآن کریم که بیشتر در باره یهود (در مدینه) نازل شده است و با توجه به خواری و ناتوانی یهودیان در مدینه نیازی به کلمه (کلاً) نبوده است.^۴

۳- هر سوره‌ای که در آن ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾ بکار رفته باشد و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

ءَامَنُوا﴾ در آن سوره نباشد، مکی است، مگر سوره حج که در آیه ۷۷ آن می‌خوانیم:

۱- اتقان ج ۱ ص ۷۲ مباحثی در علوم القرآن ص ۲۷۵.

۲- قرآن شناسی ص ۴۸.

۳- البرهان ج ۱ ص ۱۸۸، مساعد النظر ج ۱ ص ۱۶۱، اتقان ج ۱ ص ۷۲.

۴- اتقان ج ۱ ص ۷۲.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَرْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [الحج: ۷۷] که در مکی و مدنی بودن آن اختلاف است.^۱

حاکم در مسندک، بیهقی در دلایل النبوه و بزار در مسند خود از طریق اعمش از ابراهیم از عبدالله بن مسعود روایت کرده‌اند که: هر آیه‌ای که با

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾ آغاز شده، در مدینه نازل شده و هر آیه‌ای که با ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾ ابتدا گردیده، در مکه فرود آمده است.^۲

چون ساکنین مکه قبل از هجرت ترکیبی بودند از اکثریت قاطع کفار، اقلیتی از مؤمنان؛ بنابراین حال و مقام مقتضی بود که عبارت ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾ مخاطب به حکم آیه‌ها شوند، نه به عبارت: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾ که خطاب به جامعه ایمانی خالص در مدینه است.^۳

۴- هر سوره‌ای که در آن داستان آدم و ابلیس آمده باشد، مکی است، به استثنای سوره بقره.^۴

۵- هر سوره‌ای که در آن داستان پیامبران و امت‌های پیشین باشد، مکی است، مگر سوره بقره.^۵

علت این دو ویژگی اینستکه: بازگوئی قصص انبیا صحنه‌های از واقعیت عینی مقاومت مؤمنان در برابر شکنجه و آزار ستمگران و بالاخره غلبه حق و اهل حق بر باطل و باطلگران و غلبه اهل ایمان بر فریب خوردگان و سوسه شیطان را در طول تاریخ نشان می‌دهد.^۶

۶- هر سوره‌ای که با حروف مقطعه رمزی مانند: ﴿الْم﴾، ﴿الر﴾، ﴿ص﴾، ﴿ق﴾ و... شروع شده باشد، مکی است، مگر زهراوین (بقره و آل عمران).

۱- البرهان ج ۱ ص ۱۸۹، اتقان ج ۱ ص ۷۰-۷۱.

۲- مسترک حاکم ج ۳ ص ۱۸، دلایل النبوه ج ۷ ص ۱۴۴.

۳- قرآن شناسی ص ۴۹.

۴- البرهان ج ۱ ص ۱۸۹، اتقان ج ۱ ص ۷۲، مساعد النضر ج ۱ ص ۱۶۱.

۵- همان مأخذ.

۶- قرآن شناسی ص ۴۸ (با اختصار و تصرف).

و در مورد سورهٔ رعد اختلاف است ولی طبق نظریهٔ صحیح آن سوره نیز مکی است.^۱

این ویژگی‌های شش گانه نشانه‌های قطعی و تخلف ناپذیری از سوره‌های مکی و مدنی بدست می‌دهند.

ب- ویژگی‌های غیر قطعی سوره‌های مکی:

علاوه برگزیده برخی ویژگی‌های دیگر نیز است که حیثیت قراین را دارد و غالباً در سوره‌های مکی وجود دارد و در عین حال کلی و قطعی نیست از آن جمله:

۱- در این دوره آیات و سوره‌های کوتاه است. ایجازی در بیان و حرارتی در تعبیر و هماهنگی خاصی در کلمات دیده می‌شود.

۲- در این زمان مدار دعوت اسلامی بیشتر بر اصول ایمان به خداوند یکتا و روز رستاخیز و تصویر بهشت و دوزخ دور می‌زند.

تمسک به اخلاق نیک و پسندیده و پایداری بر نیکی مورد دعوت خاص است. با مشرکان مجادله و مبارزه در گرفته و رؤیاهای و احلام آنان به ریشخند گرفته می‌شود به شرک و بت پرستی سخت حمله می‌شود، شبهات آنان را پاسخ می‌دهد، با آنان از هرگونه سخنی به میان می‌آورد، دلیل و حجت اقامه می‌کند، محسوس و مشهود را به گواهی می‌گیرد، داستان می‌سراید و ضرب المثل می‌گوید، ناتوانی و زبونی معبودان‌شان را به ریشخند می‌کشد، زشتی تقلید و سخافت رأی‌شان را آشکار می‌سازد و تمسک‌شان را به دین پدری سخت به ریشخند می‌گیرد، عادت زشت زمان جاهلیت که مدار زندگی‌شان بود چون آدمکشی، زنده بگور کردن دختران، مباح شمردن ناموس دیگران، خوردن مال یتیمان، بسختی مورد حمله قرار می‌گیرد و در برابر آن، اصول عالی اخلاقی و حقوق اجتماعی به رساترین وجهی تشریح می‌گردد.

۳- در این دوران به روش عرب، سوگندها که مقام خاصی در قرآن دارد ذکر می‌شود.

کم کم و قدم بقدم آنان را به اصول نو و تازهٔ زندگی آشنا می‌سازد، اول پایهٔ عقاید و اخلاق و عادات را محکم بنا می‌کند تا بعد به عبادات و روش معاملات برسد.^۲

۱- البرهان ج ۱ ص ۱۸۹، مصاد النظم ج ۱ ص ۱۶۱، اتقان ج ۱ ص ۷۲.

۲- تاریخ قرآن ص ۶۰۶-۶۰۷.

۲- ویژگی‌های سوره‌های مدنی:

ویژگی‌ها و خصایصی که برای تشخیص سوره‌های مدنی برگزیده‌اند، نیز بر دوگونه است:

الف- ویژگی‌های قطعی و خطوط کلی سوره‌های مدنی:

- ۱- هر سوره‌ای که در آن مسئله "جهاد" باشد، خواه اذن جهاد باشد یا در پیرامون جهاد و بایبان احکام و مقررات جهاد باشد، آن سوره مدنی است.
- ۲- هر سوره‌ای که در آن تفصیلات احکام کیفری و فرائض دینی و حقوقی و قوانین مدنی و اجتماعی و بین‌المللی آمده باشد، آن سوره مدنی است.
- ۳- هر سوره‌ای که در آن شرحی راجع به منافقان آمده باشد، آن سوره مدنی است، به استثنای سوره عنکبوت که با وجود آنکه در ۱۰ آیه نخستین آن مطالبی در رابطه با منافقان دارد، مکی است.

البته می‌توان گفت که این سوره هم از قاعده کلی خارج نیست و شرح مربوط به منافقان در ۱۰ آیه اول سوره آمده است که این ۱۰ آیه دارای ویژگی‌های قطعی آیات مدنی هستند.

- ۴- مجادله با اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان). و دعوت آنان به سوی حذف تجلیل‌های مبالغه‌آمیز از پیامبران و شخصیت‌های برجسته مذهبی (غلو در دین).^۱

ب- علایم غالبه:

نشانه‌های عمومی (امارات غالبه) که ترجیحاً از ویژگی‌های سوره‌های مدنی هستند و در اغلب و بیشتر شامل سوره‌های مدنی می‌باشند، از این قرار است:

- ۱- طولانی بودن بیشتر سوره‌ها و بعضی آیات است و اطناب در تعبیرات و اسلوب آرام و متین قانونگذارانه آن‌ها.^۲

برای اثبات حقایق دینی، دلایل و براهین لازمه اقامه می‌گردد.^۳

۱- مباحثی در علوم القرآن ص ۲۷۷.

۲- مباحثی در علوم قرآن ص ۲۷۸، تاریخ قرآن ص ۶۰۸.

۳- همان مأخذ.

این خصایص چه از نظر موضوعی و چه از نظر اسلوبی، خواه قطعی و همه جانبه باشد، و خواه بر بیشتر، اکثر و اغلب شامل گردد، روش تدریجی پیشرفت دعوت اسلامی را روشن و آشکار می‌سازد؛ زیرا خطاب به مردم مدینه، نمی‌توان همچون خطاب به مردم مکه باشد، در بنیان‌گذاری و پی‌ریزی آیین و کیش نو، گسترشی پیش آمده بود و تفصیل بیشتری را در قانون‌گذاری و بنای اجتماع جدید اقتضا می‌کرد، بخصوص که مردم سخت‌گیر مشرکان مکه، جای خود را به مردمی داده بودند که در مدینه می‌زیستند و آمادگی بیشتری برای پذیرفتن آیین نو داشتند، اینست که لحن کلام از تندى به آرامی می‌گراید و پس از ایجاز راه اطناب می‌پیماید و آنچه را که مجمل گذارده بود، تفصیل می‌دهد و بهر حال جانب مردم طرف خطاب را از دست نمی‌دهد.

در مکه مردمی سخت‌معاند و جنگنده بودند که با خدا و رسول او نبرد می‌کردند و از هیچ فریب و نیرنگ، تجاوز و ستم، دزدی و خونریزی باکی نداشتند، زبان درازی می‌کردند و از اسائهٔ ادب خود داری نداشتند، تا کار را بدانجا کشاندند که برای کشتن پیامبر اسلام ﷺ گردهم آمدند و توطئه آراستند، در آنجاست که خدا رسول خود را دل‌داری می‌دهد و او را به گذشت و بخشش فرا می‌خواند... اما در مدینه سه گروه مردم بودند:

۱- گروندگان پیامبر اسلام ﷺ از مهاجر و انصار.

۲- دو رویان منافق که از روی ترس و یا طمع تظاهر به اسلام داشتند ولی درونشان تاریک و سیاه بود.

۳- دستهٔ دیگر یهود بود.

در بارهٔ یهود قرآن به آنان مجادله می‌کرد و آنان را به " کلمهٔ سواء " و سخن مشترکی می‌خواند.

منافقان را رسوا می‌ساخت و مؤمنان را دل‌می‌داد، از یکسو راه آیین و کیش نو را هموار می‌ساخت و از دیگر سو، کار زندگی فردی و اجتماعی آنان را می‌پرداخت.

مثلاً همین "زکات" را بنگرید، وجوب آن در مکه و میان مردم بی‌چیز بی‌معنی می‌شد، ولی در مدینه پایه و اساس اجتماع تازه قرار گرفت.

و یا در مکه که روش اصلی صلح و سلم و مدارا بود، جهاد و حرب و نماز خوف برقرار نگشت، و در قرآن مجید، هر جا سخنی از این معنی پیش آید، ناگزیر سوره را مدنی می‌شمردند.

به هرصورت، اسلوب و روش گفتار قرآنی، بستگی و پیوستگی بسیاری با حال شنوندگان دارد و رعایت حکمت بالغه‌ای شده که تربیت یک چنان قومی را در درجه اول اهمیت می‌شناخت.^۱



مناقشه:

فرق قاعده با ضابطه اینکه: قاعده را فروعی از ابواب مختلفه است، و ضابطه را جواز یک باب فروعی نباشد.

یگانه راه مطمئن و معتمد در شناخت جزئیات و تفصیل موضوع مکی و مدنی نقل است، طریق اجتهاد یکی از راه‌های شناخت موضوع است، ولی مطمئن نیست. استثنای آیات مدنی از سوره‌های مکی و آیات مکی از سوره‌های مدنی بستگی به روایات صحیح دارد.

آیات مدنی ناسخ آیات مدنی سابق و هم ناسخ آیات مکی شده می‌تواند. گاهی نزول برخی از سوره‌های قرآنی مدت طولانی را در بر گرفته که از آغاز نزول تا پایان یافتن آن چند سوره دیگر نازل گردیده است.

علما و دانشمندان علوم قرآن برای تشخیص سوره‌های مکی از مدنی - علاوه بر طریق روایت، از طریق درایت نیز- خصایص و ویژگی‌های تعیین کرده‌اند که: ما را به شناسائی مکی از مدنی رهبری می‌کند، و از سوی دیگر همین نوع تفاوت‌های موجود، در کمیت و کیفیت آیه‌ها و سوره‌های مکی و مدنی همه اندیشمندان ژرف نگر را به الهی بودن طبیعت مکتب اسلام هدایت می‌نماید.



بخش چهارم:
تقسیمات دیگر آیه‌های قرآنی

الف - شناخت آیه‌های سفری و حضری

دانشمندان علوم قرآنی بالاترین درجه تحقیق و تدقیق، کاوش و پژوهش را در نظر گرفته‌اند، گسترده‌ترین تفصیلات و کوچکترین جزئیات از نظر تیز بینشان دور نمانده است، علاوه بر تقسیم سوره‌ها و آیه‌ها به مکی و مدنی، تقسیمات و جزئیات دیگری که در ارتباط با این موضوع است، نیز به عمل آمده است که نمونه‌های آن شناخت آیات حضری و سفری است.

نزول بیشتر آیات در حضر بود که از آن تعبیر به "حضری" می‌شود، ولی تلاش، کوشش و رفت و آمد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در راه تبلیغ آیین اسلام لازم‌اش این بوده است که گاه در حال سفر نیز به آن حضرت وحی نازل گردد، تا قوت قلبی برای او باشد و او را در جهاد با کفار پابرجای ترگرداند، در حدیث صحیح از عمر رضی الله عنه در مورد آیه سوم سوره مایده چنین نقل است: "إنما نزلت عشية عرفة، يوم الجمعة عام حجة الوداع".^۱

"شامگاه عرفه، روز جمعه در حجة الوداع نازل گردید".

و هم چنان آیات نخستین سوره انفال در جنگ بدر، بدنبال پایان پذیرفتن جنگ بدر نازل گردید.^۲

ب - شناخت آیاتیکه شب یا روز نازل شده

بیشتر آیات قرآن در وقت روز نازل شده است.^۳ ولی پاره‌ای از آیه‌ها در شب نزول یافته است؛ بنابراین علما توجه خود را معطوف این نکته گردانیده‌اند تا پیگیری کنند که نزول کدام یک از آیات و سوره‌های قرآن از این قاعده مستثنا هستند.^۴

سیوطی از موارد آیات و سوره‌هایی که هنگام شب نازل شده، جمعا ۱۴ مورد آن را با روایات ذکر کرده است (۱۲۰: ۸۳-۸۷). از آن جمله به نقل روایات صحیح آن می‌پردازیم:

۱- صحیح البخاری با شرح فتح الباری ج ۸ ص ۱۱۹.

۲- همان مأخذ ج ۸ ص ۱۵۶، صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۳۶۷.

۳- البرهان ج ۱ ص ۱۹، اتقان ج ۱ ص ۸۳.

۴- مباحثی در علوم قرآن ص ۲۵۹.

۱- آیه ۱۱۸ سوره توبه: ﴿وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا﴾ [التوبة: ۱۱۸] در خانه‌ام سلمه دو

سوم شب گذشته بود، و ساعت پس از نیمه شب بر پیامبر ﷺ نازل گردید.^۱

۲- سوره فتح:

در صحیح البخاری ضمن حدیثی از پیامبر ﷺ چنین آمده است:

"لقد أنزل عليّ الليلة سورة هي أحب إليّ مما طلعت عليه الشمس، ثم قرأ: إنا فتحنا لك

فتحاً مبيناً".^۲

"امشب بر من سوره‌ای نازل شده که از تمام چیزهایی که خورشید بر آنها می‌تابد

خوشایندتر است، سپس ﴿إِنَّا فَتَحْنَا﴾ را تلاوت نمود".

۳- اواخر سوره آل عمران:

ابن حبان در صحیح خود باسند حسن^۳ از عایشه رضی الله عنها نقل کرده است که: بلال به

خدمت پیامبر اکرم ﷺ آمد، تا اذان صبح بگوید، سپس دید که پیامبر ﷺ در حالت

گریان است، پرسید: باعث گریه شما چیست؟ فرمود: چه چیز مانع گریه‌ام شود، و حال

آنکه امشب این آیه بر من فرود آمد: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافِ اللَّيْلِ

وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ [آل عمران: ۱۹۰].

سپس فرمود: وای بر کسیکه این آیه را بخواند و نیاندیشد".^۴



ج- آیات تابستانی و زمستانی

گاه نزول وحی در سرمای سخت زمستان و زمانی در گرمای طاقت شکن تابستان

عربستان بود، یاران گرامی پیامبر ﷺ از این سرما و گرما به هنگام نزول سخن گفته‌اند:

مثال آیات تابستانی:

۱- صحیح البخاری با فتح الباری ج ۸ ص ۱۹۳، صحیح مسلم ج ۴ ص ۲۱۲.

۲- صحیح البخاری با شرح فتح الباری ج ۸ ص ۴۴۶.

۳- موسوعة التفسير الصحيح ج ۱ ص ۴۹۲.

۴- ابن حبان، الإحسان ج ۲ ص ۳۲۹.

۱- آیه کلاله: واحدی در اسباب النزول خود می‌گوید: خداوند در باره "کلاله" دو آیه نازل فرموده است: یکی از آنها را در زمستان که در اول سوره نساء (آیه: ۱۲) می‌باشد و دیگری در تابستان که در آخر این سوره (آیه: ۱۶۸) می‌باشد.^۱

امام مسلم از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت نموده است: " ما را جعت رسول الله صلی الله علیه و آله في شيء ما راجعته في الكلاله، وما أغلظ في شيء ما أغلظ لي فيه، حتى طعن في صدري، وقال: يا عمر، ألا تكفيك آية الصيف التي في آخر سورة النساء."^۲

"در هیچ موردی مانند موضوع کلاله به پیامبر صلی الله علیه و آله مراجعه نکردم و پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ‌گاه مانند این موضوع بامن به تندی سخن نگفت حتی اینکه انگشتانش را به سینم زد و فرمود: ای عمر، برای تو آیه تابستانی که در آخر سوره نساء است، بسنده نیست؟"

۲- آیات مربوط به غزوه تبوک:

آیاتی که متعلق به غزوه تبوک است - آیات سوره توبه - نیز از این فسم است؛ زیرا نزول این آیات در شدت گرمای تابستان بود، در آیه ۸۱ این سوره چنین آمده است:

﴿وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ﴾ [التوبة: ۸۱]

"منافقان می‌گویند: در این هوای سوزان به جنگ نروید، بگو: آتش دوزخ سوزان‌تر است."^۳

مثال آیات زمستانی:

از مثال‌های آیات زمستانی آیات: ۱۰ - ۲۶ سوره نور است که طبق روایات صحیح از عاشیه این آیات در یک روز سرد زمستانی نازل شد.^۳

و نیز نزول آیه ۹ سوره احزاب در سرمای زمستان بود، چنان‌که در حدیث حدیفه آمده: "در شب جنگ خندق مردم همه از اطراف رسول خدا صلی الله علیه و آله پراکنده شدند، بجز دوازده نفر.

پیامبر صلی الله علیه و آله حدیفه را مخاطب قرار داده فرمود: برخیز، سری بر اردوی دشمن بزن و خبری از آنجا برای ما بیاور. حدیفه گفت: یا رسول الله، قسم به آنکه تو را بحق مبعوث گردانیده است، از جایم برنخاستم مگر از حیا و شدت سرما..."^۱

۱- واحدی، اسباب النزول ص ۱۲۴.

۲- صحیح مسلم ج ۱ ص ۱۲۳۶.

۳- صحیح البخاری با فتح الباری ج ۸ ص ۳۰۶-۳۰۹.

د- آیات فراشی و نومی

گاهی نزول وحی وقتی بود که پیامبر اکرم ﷺ در بستر خواب بود، از جمله آیاتیکه در رخت خواب نازل شده آیه: ﴿وَاللَّهُ يَعِصْمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾ [المائدة: ۶۷] را شمرده‌اند.

در این مورد اما م ترمذی از عاشیه رضی الله عنها با سند حسن^۲ چنین روایت نموده است:

"كان النبي ﷺ يُحْرَسُ حَتَّى نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: ﴿وَاللَّهُ يَعِصْمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾"^۳

"تا زمان نزول این آیه: ﴿وَاللَّهُ يَعِصْمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾ پیامبر ﷺ حراست می‌شد." منظور از حراست در این روایت پاسداری در شب است، چنان‌که در روایت بخاری با صراحت چنین آمده است که پیامبر ﷺ آرزوی پاسداری را در شب نموده فرمود: "ليت رجلاً صالحاً يحرسني الليلة..."^۴

وآیه ۱۱۸ سوره توبه: ﴿وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا﴾ [التوبة: ۱۱۸] نیز در حالی نازل شد

که دو سوم شب گذشته بود، پیامبر ﷺ در خانه ام المؤمنین ام سلمه بود.^۵

زمانی هم بود که - طبق تعبیر برخی از علما- وحی در خواب بر پیامبر ﷺ فرود می‌آمد و مثال آیاتی که در خواب نازل شده، از جمله: سوره "الکوثر" را ذکر کرده‌اند؛ بدلیل روایتی که امام مسلم از انس نقل کرده که گفت: در اثنای که پیامبر ﷺ میان ما بود، او را چرتی در ربود، سپس باتبسم سر برداشت، گفتیم: یا رسول الله، چه چیزی شما را به خنده آورد؟ فرمود:

«هم اکنون سوره‌ای بر من نازل شد» آنگاه سوره را چنین خواند ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَكَ

الْكَوْثَرَ ﴿۱﴾ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ﴿۲﴾ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ﴿۳﴾﴾ [الکوثر: ۱-۳]^۶

۱- صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۴۱۴.

۲- صحیح الترمذی (۲۴۴۰).

۳- سنن ترمذی ج ۵ ص ۲۵۱.

۴- صحیح البخاری با فتح الباری ج ۶ ص ۹۵.

۵- صحیح البخاری با فتح الباری ج ۸ ص ۱۹۳، صحیح مسلم ج ۴ ص ۲۱۲.

۶- صحیح مسلم ج ۱ ص ۳۰۰.

پاره‌ای از علما از این حدیث چنین فهمیده‌اند که این سوره در همان حالت خواب بر آن حضرت ﷺ نازل شده و گفته‌اند که: قسمتی از وحی در خواب بر او نازل می‌شد؛ زیرا خواب پیامبران وحی است".

بلکه صحیح آنست که این تعبیر "أغفی إغفاء" در این حدیث بر آن حالتی که به هنگام نزول وحی بر پیغمبر اکرم ﷺ عارض می‌شد حمل گردد که آن را (برحاء الوحی). نیز گفته می‌شود.^۱

سیوطی می‌گوید: آن حالت مخصوص وحی بوده و این چشم برهم نهادن خواب نبود، بلکه همان وضعی بود که به هنگام وحی بر آن حضرت ﷺ عارض می‌شد.

ه- آیات زمینی و فضائی

مفسر بزرگ و دانشمند علوم قرآن ابوبکر بن العربی از هبة الله (مفسر) چنین نقل کرده است: "قرآن در مکه و مدینه نازل شد، مگر شش آیه که نه در زمین نازل شده و نه در آسمان..."^۲

ابن العربی عبارت فوق را توضیح داده می‌گوید: شاید منظور هبة الله این باشد که این آیات در فضا بین زمین و آسمان نازل شده‌اند.

دلیل اینکه دو آیه آخر سوره بقره در فضا نازل شده، روایت امام مسلم از عبدالله بن مسعود است که می‌گوید: "هنگامیکه رسول الله ﷺ به معراج برده شد، به سدره المنتهی رسید... به رسول الله ﷺ سه چیز داده شد: نمازهای پنج گانه، اواخر سوره بقره و آموزش گناهان برای آن‌ده از امت وی که به خدا شرک نمی‌ورزد."^۳



مناقشه

- نزول بیشتر آیات در حضر بود که از آن تعبیر به "حضری" می‌شود، در سفر نیز به آن حضرت ﷺ وحی نازل گردیده است و آن آیات را سفری می‌نامند، آیه

۱- اتقان ج ۱ ص ۹۲.

۲- همان مأخذ.

۳- صحیح مسلم ج ۱ ص ۱۵۷.

سوم سوره مایده وهم چنان آیات نخست سوره انفال از آیات سفری شمرده می‌شود.

بیشتر آیات قرآن در وقت روز نازل شده، ولی پاره از آیه‌ها در شب نزول یافته است.

گاه نزول وحی در سرمای سخت زمستان و زمانی هم در گرمای طاقت شکن تابستان عربستان بود. مثال آیه تابستانی آیه کلاله و آیه ۸۱ سوره توبه، و آیه ۱۰ - ۲۶ سوره نور از مثال‌های آیه‌های زمستانی است.

• گاهی نزول وحی وقتی بود که پیامبر اکرم ﷺ در بستر خواب بود، از جمله آیاتیکه در رخت خواب نازل شده آیه ۶۷: ﴿وَاللَّهُ يَعَصُّكَ مِنَ النَّاسِ﴾ [المائدة: ۶۷] را شمرده‌اند.

دو آیه آخر سوره بقره از آیات فضائی به شمار می‌رود.

بخش پنجم:

شناخت و ترتیب آیه‌ها و سوره‌ها

۱- معنی آیه

الف - مفهوم لغوی:

آیه به آیات جمع بسته شده، در لغت به معانی زیر آمده است:

۱- معجزه: مثلاً در آیه: ﴿سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ﴾ [البقرة:

۲۱۱]. "از بنی اسرائیل بپرس که چه معجزه‌های روشن فرستادیمشان".

۲- نشان و علامت: مثال آن در آیه: ﴿إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ

سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ﴾ [البقرة: ۲۴۸]. "نشان پادشاهی وی این است که تابوت آید به

شما و در آن آرامشی است از پروردگار به شما".

۳- عبرت: در آیه: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً﴾ [البقرة: ۲۴۸] "همانا که در این تعبیر عبرتی

است".

۴- شگفت: مثلاً در آیه: ﴿وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً﴾ [المؤمنون: ۵۰] "و پسر مریم

و مادرش را شگفت جهان کردیم".

۵- برهان و دلیل: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتَلَفُ اللَّسَنَاتِ

وَأَلْوَانِكُمْ﴾ [الروم: ۲۲]

"از براهین او (وجود و توانائی و یگانگی خداوند). آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف

زبان‌های شما و گوناگونی رنگ‌های شما است".

۶- جماعت: چنان‌که گفته‌اند: "خرج القوم بآيتهم" یعنی قوم با جماعتش بیرون

رفت.^۱

ب- معنی اصطلاحی:

آیه قرآنی عبارت است از قسمتی از کلمات قرآن مجید که از ما قبل و ما بعد خود

منقطع بوده، و در ضمن سوره‌ای آمده باشد.

"طائفة ذات مطلع ومقطع مندرجة في سورة من القرآن".

۱- زرقانی، مناهل العرفان ج ۱ ص ۳۳۸-۳۳۹، تاریخ قرآن ۵۴۹-۵۵۰.

مناسبت میان معنی اصطلاحی و معنی لغوی که گذشت، روشن و آشکار است؛ زیرا آیه قرآنی خود معجزه است و نشانه است بر راستی پیامبر ﷺ، عبرت و پندی است بر بندگان خدا، و از لحاظ اعجاز و جایگاه بزرگ و بلندی که دارد، شگفت آور است. در آن براهین و ادله‌ای است شامل هدایت و علم و نیز از داستان‌ها و قصص گذشته بازگو است.

معنی جماعت و گروه نیز در آیه اصطلاحی منطبق است؛ چون از کلمات و حروف ترکیب یافته است.^۱

ج - شناسایی آیه:

تشخیص اینکه: کلام و کلمات یک سوره از کجا تا کجا یک آیه است، این امر کار شارع حکیم است، قیاس و رأی را درین باره مجالی نیست.^۲ مثلاً (المص) و (یس) هر کدام یک آیه به شمار آمده‌اند، در صورتیکه نظایر آن‌ها (الممر) و (طس) هیچکدام آیه به شمار نیامده‌اند. (حم عسق) دو آیه شمرده شده و نظیر آن (کهیعص) یک آیه محسوب می‌گردد.

در صورتیکه اگر مبنای کار قیاس و رأی می‌بود، بی‌گفتگو حکم دو مورد همانند را مانند هم می‌نهادند و تقسیم آیات چنین گونه پیش نمی‌آمد.^۳

و همچنان روایت‌های صحیح مانند: خواندن پیامبر ﷺ در نماز صبح از شصت تا صد آیه و اینکه شخصی در نماز شب ده آیه بخواند، از غافلین محسوب نمی‌شود و اگر پنجاه آیه بخواند از جمله حافظین و صد آیه بخواند از قانتین شمرده می‌شود و... نیز دلیل بر اینست که آیه‌های قرآنی و تعداد آن‌ها در زمان پیامبر ﷺ طبعاً - از جانب شارع - تعیین و مشخص شده بود.^۴

۱- همان مآخذ.

۲- اتقان ج ۱ ص ۲۲۶، مناهل العرفان ج ۱ ص ۳۴۰.

۳- مناهل العرفان ج ۱ ص ۳۴۰.

۴- اتقان ج ۱ ص ۲۲۶، مناهل العرفان ج ۱ ص ۳۴۰ - ۳۴۱.

۲- ترتیب آیه‌ها

سخن مسلم و قطعی در باره ترتیب آیه‌ها و طرز قرارگرفتن آن‌ها در سوره‌ها، به این صورتیکه امروز در مصاحف موجوده می‌یابیم، بی‌گفتگو اینست که این ترتیب وابسته به توقیف نبی اکرم ﷺ و فرود آمده از جانب خدای تعالی است، برای رأی و اجتهاد، در این زمینه مجال و جولانگاهی باقی نمانده است.

این جبرئیل بوده که طبق روایات وارده، هرگاه فرود می‌آمد و آیتی به‌مراه داشت، موضع و جایگاه هر آیه‌ای را در سوره مربوطه‌اش تعیین می‌کرد، آنگاه رسول الله ﷺ آن را بر یارانش فرو می‌خواند و به نویسندگان وحی فرمان می‌داد که آن را در جای خود بنگارند.

پیامبر ﷺ در طی زندگی آیات قرآنی را بارها ضمن نمازها، خطبه‌ها، حکم‌ها، موعظه‌ها و بخصوص بهنگام نزول آیات و بعد از آنهم بارها و بکرات بر بندگان خدا فروخوانده است.

به اساس روایت صحیح هر سال جبرئیل یکبار قرآن را با او برابر می‌کرد، و در سال وفات مقابله و برابری دو بار پیش آمد.^۱

ترتیب آیه‌ها در آن هنگام بهمین سان بود که امروز در میان داستان ما و پیش روی ما است

و برای هیچکس - اعم از یاران وفادار او و خلفای راشدین و یا بعدی‌های آنان - در ترتیب چیزهای از آیات قرآنی جای کوچکترین تصرف و تغییری نمانده است.

گرد آوری زمان ابوبکر، چیزی جز این نبود که قرآن را از روی سنگ‌های سفید و استخوان شانه‌ها در صحفی تدوین کند.

و جمع آن در عهد عثمان تنها نقل آن صحف به مصاحفی بود (نسخه برداری و

تکثیر نسخه‌ها) و هر دوی این عمل، درست بهمان ترتیبی بود که پیامبر گرامی ﷺ تعیین فرموده بود.

اجماع و نصوص مترادفه بر اینکه ترتیب آیات توقیفی است، جای گفتگوئی نمی‌گذارد.^۱

زرکشی در کتاب البرهان اجماع علما را در این مسأله نقل کرده می‌گوید:
 "ترتیب آیات هر سوره و قرار دادن بسمله در اول سورها، بدون تردید توقیفی است.
 یعنی: جایگاه هر آیه در سوره‌های قرآن بدستور پیغمبر اکرم ﷺ تعیین شده است و
 بهیچ وجه، در این باره اختلافی میان علمای اسلامی نیست؛ بهمین جهت، برهم زدن
 ترتیب آیات در هر یک از سوره‌های قرآن جایز نیست."^۲
 سیوطی نیز به اجماع فوق اشاره کرده می‌گوید: "این اجماع متکی به دلایل
 متعددی از احادیث صحیحه می‌باشد."^۳

زرکشی در این رابطه به حدیثی که در صحیح البخاری از ابن زبیر نقل شده است
 استناد کرده می‌گوید: به عثمان گفتم: آیه ۲۴۰، سوره بقره که می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ
 يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِّأَزْوَاجِهِمْ مَّتَلَعًا إِيَّاهُ﴾ [البقرة: ۲۴۰] را آیه
 دیگری در همین سوره (آیه ۲۳۴) نسخ کرده است. آیا این آیه را در جای خودش
 می‌نویسی و باقی می‌گذاری یا آن را حذف می‌کنی؟ عثمان پاسخ داد: "یا ابن‌اخی! لا
 أُغیر شیئا منه من مکانه."^۴

"برادر زاده! من هیچ چیز را جا به جا نمی‌کنم!"

از اینجا معلوم می‌شود که عثمان جرأت ندارد آیه‌ای را جا به جا کند، حتی منسوخ
 بودن آن مسلم باشد (و چند آیه بعد از آیه ناسخ هم قرار گرفته باشد!). زیرا می‌داند که
 در جایگاه جبرئیل امین پیغمبر اکرم ﷺ را به رعایت ترتیب آسمانی آیات قرآن موظف
 گردانیده است و آنحضرت نیز به نوبه خود کاتبان وحی را به رعایت این ترتیب مکلف
 ساخته است، نه او و نه هرکس دیگر، حق دخالت در ترتیب آیات قرآن را ندارد!

احمد بن حنبل بسند حسن از عثمان بن ابی العاص نقل کرده است که گفت:

"كُنْتُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ جَ جَالِسًا إِذْ شَخَّصَ بِبَصْرِهِ ثُمَّ صَوَّبَهُ حَتَّى كَادَ أَنْ يُلْزِقَهُ بِالْأَرْضِ
 قَالَ ثُمَّ شَخَّصَ بِبَصْرِهِ فَقَالَ أَتَانِي جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَمَرَنِي أَنْ أَصْعَ هَذِهِ الْآيَةَ بِهَذَا

۱- مناهل العرفان ج ۱ ص ۳۴۶-۳۴۷ از آنانیکه اجماع را در این باره نقل کرده‌اند، زرکشی در البرهان
 ج ۱ ص ۲۶۰ و سیوطی در اتقان ج ۱ ص ۲۰۹ است.

۲- البرهان ج ۱ ص ۲۶۰.

۳- اتقان ج ۱ ص ۲۰۹-۲۱۰.

۴- صحیح البخاری ج ۹ ص ۷۰.

الْمَوْضِعِ مِنْ هَذِهِ السُّورَةِ ﴿۹۰﴾ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿۹۰﴾ [النحل: ۹۰] ^۱

"در محضر مبارک رسول خدا ﷺ نشستہ بودم، چند لحظه دیدگایش را به آسمان دوخت و بعد فرمود: جبرئیل نزد من آمد و مرا دستور داد که این آیه را در این جایگاه از سوره قرار بدهم:

﴿۹۰﴾ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿۹۰﴾ [النحل: ۹۰]

در کتب حدیث روایات بسیاری آمده است که رسول خدا را در حال املا کردن آیات قرآن به نویسندگان وحی نشان می‌دهد، و حاکی از آنست که آنحضرت ﷺ ضمن نظارت دقیق برنگارش قرآن، جایگاه آیات قرآن را نیز به آنان خاطر نشان می‌سازد و ترتیب آیات را نیز مانند متن آیات به آنان می‌آموزد.

این اجماع که زرکشی در رابطه به توقیفی بودن آیات قرآن عنوان کرده است، مستند بانصوص فراوانی است که قسمتی از آنها در ضمن سخنان زرکشی ذکر شد و اینک پاره‌ای دیگر از نصوص:

از جمله روایتی است که ابو داود، ترمذی، حاکم و... از ابن عباس - با سندیکه حاکم آن را صحیح گفته و ذهبی بر صحت آن موافقت نموده است. - آورده‌اند که می‌گوید:

" قلت لعثمان: ما حملکم علی أن عمدتم إلى الأنفال و هي من المثاني و إلى براءة و هي من المثین فقرنتم بينهما و لم تکتبوا بسم الله الرحمن الرحیم و وضعتموها في السبع الطوال فما حملکم علی ذلك؟ فقال عثمان: کان رسول الله ﷺ مما يأتي عليه الزمان و هو ينزل عليه من السور ذوات العدد قال: و کان إذا نزل عليه الشيء دعا بعض من یکتب له فیقول: ضعوا هذه في السورة التي فيها کذا و کذا و كانت الأنفال من أوائل ما نزلت بالمدينة و كانت براءة من آخر القرآن و كانت قصتها شبيهة بقصتها فظنت انها منها

۱- مسند احمد ج ۴ ص ۲۱۸ و سند آن نسبت راوی لیث بن ابی سلیم ضعیف است.

فقبض رسول الله ﷺ و لم یبین لنا أنها منها فلم أکتب بینهما سطر بسم الله الرحمن الرحیم".^۱

"به عثمان گفتم: چه وا داشت شما را که انفال را که از مثانی است و براءت را که از مؤین است کنار هم گذاشته و بین آنها بسم الله ننوشتید و در میان سبع طول قرار شان دادید؟

عثمان گفت: سوره‌ها بر پیغمبر ﷺ نازل می‌شد، پس هرگاه چیزی از قرآن بر او نازل می‌گشت، یکی از نویسندگان وحی را فرا می‌خواند و می‌فرمود: این آیات را در سوره‌ای قرار دهید که در آن چنین یاچنان ذکر گردیده است. انفال از نخستین سوره‌هایی بود که در مدینه نازل شد، و براءت از آخرین سوره‌های نازل شده قرآن بود و مطلبش شبیه مطلب آن، پس من گمان کردم که این سوره از آن است، پیغمبر ﷺ پدرود حیات گفت و برای ما بیان نکرد که این از آن است، بدین جهت آن دو را قرین هم قرار دادم و بین شان بسم الله ننوشتیم، و در سبع الطوال قرار شان دادم."

۳- شناخت نخستین آیه

شناسائی نخستین آیه نازل شده و آخرین آن، بهره و فایده‌ای خاص دارد. این شناسائی ما را به معرفت ترتیب آیات رهبری می‌کند و یک چنین معرفتی موجب بینائی و دانشی می‌گردد که برای شناختن احکام و علوم قرآنی در بایست است.

بدین ترتیب است که هرگاه آیه‌هایی در موضوع واحدی داشته باشیم و فرمان در یکی از آنها با فرمان در آیه دیگر فرقی داشته باشد، می‌توانیم میان آنان حکم کنیم و ناسخ را از منسوخ باز شناسیم.

معرفت این آیات که به تاریخ نزول و اسباب آن نیز بستگی دارد، ما را به شناسائی تاریخ قانون‌گذاری اسلامی و روشن شدن سیر تدریجی آن و پی بردن به هدف‌های پرورشی و اجتماعی و سیاسی اسلامی هم رهبری می‌کند.^۲

۱- مسند احمد بن حنبل ج ۱ ص ۵۷، مستدرک ج ۲ ص ۳۶۰ ذهبی بر صحت این حدیث موافقت نموده است.

۲- تاریخ قرآن ص ۵۵۷-۵۵۸.

و با این شناسائی توجه و نهایت عنایت مسلمانان نسبت به قرآن کریم که چگونه این نسخه آسمانی را حرف به حرف و آیه به آیه با تاریخ و مکان نزول آن ثبت و ضبط نمودند و با همان دقت بدون کم و کاست به نسل بعدی انتقال داده‌اند، روشن می‌گردد. در باره اینکه نخستین آیه نازل شده کدام آیه قرآن است، سیوطی چهارقول به ترتیب ذیل نقل کرده است:

۱- پنج آیات صدر سوره علق نخستین آیاتی است که بر پیامبر ﷺ فرود آمده، و با نزول این آیات وحی آغاز یافت، به دلایل ذیل:

الف- روایت صحیح از عایشه رضی الله عنها که می‌گوید:

"أَوَّلُ مَا بُدِيَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنَ الْوَحْيِ الرَّؤْيَا الصَّالِحَةُ فِي النَّوْمِ فَكَانَ لَا يَرَى رُؤْيَا إِلَّا جَاءَتْ مِثْلَ مَثَلِ فَلَقِ الصُّبْحِ ثُمَّ حُبَّبَ إِلَيْهِ الْخَلَاءُ وَكَانَ يَخْلُو بِعَارِ حِرَاءٍ فَيَتَحَنَّنُ فِيهِ وَهُوَ التَّعَبُ الدَّلِيَالِي ذَوَاتِ الْعَدَدِ قَبْلَ أَنْ يَنْزِعَ إِلَى أَهْلِهِ وَيَنْزُودُ لِذَلِكَ ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى خَدِيجَةَ فَيَنْزُودُ لِمِثْلِهَا حَتَّى جَاءَهُ الْحَقُّ وَهُوَ فِي عَارِ حِرَاءٍ فَجَاءَهُ الْمَلَكُ فَقَالَ اقْرَأْ قَالَ مَا أَنَا بِقَارِئٍ قَالَ فَأَخَذَنِي فَغَطَّنِي حَتَّى بَلَغَ مِنِّي الْجَهْدَ ثُمَّ أَرْسَلَنِي فَقَالَ اقْرَأْ قُلْتُ مَا أَنَا بِقَارِئٍ فَأَخَذَنِي فَغَطَّنِي الثَّانِيَةَ حَتَّى بَلَغَ مِنِّي الْجَهْدَ ثُمَّ أَرْسَلَنِي فَقَالَ اقْرَأْ قُلْتُ مَا أَنَا بِقَارِئٍ فَأَخَذَنِي فَغَطَّنِي الثَّلَاثَةَ ثُمَّ أَرْسَلَنِي فَقَالَ: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۝ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ۝﴾ فَرَجَعَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَرْجُفُ فُؤَادُهُ...".^۱

"آغاز وحی به رسول خدا ﷺ به صورت رؤیای صالحه‌ای بود در خواب، و او رؤیای نمی‌دید مگر مانند سپیده دم تحقق پیدا می‌کرد، سپس خلوت‌گزینی مورد پسند او گردید، و در غار حرا گوشه می‌گرفت....."

تا اینکه نورحق براو تابید، و فرشته وحی بر او نازل شد..... و پنج آیه صدر سوره

علق را بر او فرو خواند...".

۲- ﴿يَتَأْتِيهَا الْمُدَّثِّرُ ۝﴾ نخستین آیه نازل شده است:

مستند این رأی روایتی است که شیخین از ابو سلمه بن عبدالرحمن بن عوف نقل می‌کنند که او گفت: "سألت جابر بن عبد الله رضي الله عنهما عن ذلك وقلت له مثل الذي قلت فقال جابر لا أحدثك إلا ما حدثنا رسول الله ﷺ قال (جاورت بجراء فلما

قضیت جواری هبطت فنودیت فنظرت عن یمینی فلم أر شیئا ونظرت عن شمالی فلم أر شیئا ونظرت أمامی فلم أر شیئا ونظرت خلفی فلم أر شیئا فرفعت رأسی فرأیت شیئا فأتیت خدیجة فقلت دثرونی وصبوا علی ماء باردا قال فدثرونی وصبوا علی ماء باردا قال فنزلت ﴿يَأْتِيهَا الْمُدَّثِّرُ ۱﴾ فَمُ فَأَنْذِرْ ﴿۲﴾ وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ ﴿۳﴾.^۱

"از جابر در مورد نخستین سوره پرسیدم، او گفت: "یا ایها المدثر" است. گفتم: "اقرأ باسم ربك" نبود؟ گفت: سخن گویم تو را چنان که از آن سخن گفت به ما رسول خدا. نبی اکرم ﷺ فرمود: "من در غار حرا مجاور بودم. چون جوادم را بیابان رساندم فرودآمدم قدم به وادی که نهادم کسی مرا صدا کرد. پس به پیش رو و پشت سر نگریدم، بجانب چپ و راستم، سپس به آسمان نگاه کردم. او (جبرئیل). بود که برتختی میان آسمان و زمین نشسته بود. هراسی مرا فرا گرفت. نزد خدیجه رفتم، به او گفتم: مرا پوشانید. پس خدای تعالی فرو فرستاد: ﴿يَأْتِيهَا الْمُدَّثِّرُ ۱﴾ فَمُ فَأَنْذِرْ ﴿۲﴾." ۳- سوره فاتحه:

جمعی از مفسران و دانشمندان فن علوم قرآن با استناد به روایت زیر سوره فاتحه را نخستین وحی و سوره‌های قرآن از لحاظ نزول قرار داده‌اند: از ابو میسره: عمرو بن شرحبیل نقل است که پیامبر ﷺ به خدیجه فرمود: "چون خلوت می‌گزینم و تنها می‌شوم آوایی میشنوم. به خدا بر خود می‌ترسم که این کاری شود...."

خدیجه گفت: معاذالله! خدا بر تو بد نخواهد خواست. همانا که تو امانت می‌گذاری و صله رحم به جا می‌آوری. سخن بر راست می‌گوئی. چون ابوبکر درآمد خدیجه آن سخن را بر او بازگفت و فرمود: با محمد ﷺ به نزد ورقه برو.

پس رفتند و داستان را به او گفتند. پیامبر ﷺ گفت: "چون به تنهایی خلوت می‌کنم ندائی از پشت سر میشنوم که ای محمد! ای محمد! پس مرا هراسی و ترسی فرا می‌گیرد که می‌خواهم بگریزم و برجای نمانم" ورقه گفت: چنین نکن این بار که تو را برخواند، برجای باش تا آنچه می‌گوید بشنوی، سپس نزد من بیا و مرا آگاه کن.

پس چون رسول خدا خلوت گزید، فرشته او را ندا کرد که ای محمد! بگو: ﴿بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۱﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۲﴾... وَلَا الضَّالِّينَ ﴿۷﴾﴾.^۱

۴- ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ اولین وحی نازل شده است:

دلیل این قول اثری است از عکرمه و حسن که می‌گویند: "نخستین چیزیکه از قرآن نازل شد، بسم الله الرحمن الرحيم، واولین سوره "اقرأ" بود.^۲

بررسی آرا و نظریات فوق:

جمهور علمای تفسیر و حدیث نظریه اول را که نخستین آیات قرآن - پنج آیات صدرسوره علق است - مورد تأیید قرار داده و آن را صحیح و درست‌ترین اقوال می‌دانند و در باره اقوال دیگر چنین می‌گویند:

الف - حدیث جابر:

دقت در الفاظ حدیث جابر می‌رساند که این روایت بیانگر اولیت مطلق "سوره مدثر" نبوده و باروایت عایشه که دلیل قول اول است، منافات ندارد؛ زیرا:

۱- در حدیث جابر سؤال در باره نزول نخستین سوره کامل بود و جابر هم بیان داشت که تمامی سوره المدثر به طور کامل قبل از سوره "اقرأ" فرود آمده است.

۲- منظور جابر از نزول اولین سوره، بعد از فترت وحی است، نه اولین سوره نازل شده به طور مطلق، جمله: "فإذا الملك الذي جاءني بحراء جالس على الكرسي....." در حدیث جابر مطلب فوق را تأیید می‌کند.

۳- منظور آنست که نخستین سوره‌ای که فرمان ابلاغ رسالت را داشته این بوده و به تعبیر بعضی: اولین آیه‌ای که برای نبوت نازل شد ﴿أَقْرَأُ بِأَسْمِ رَبِّكَ﴾ واولین آیه‌ای که برای رسالت فرود آمد ﴿يَتَأْتِيهَا الْمُدَّثِّرُ﴾^۳ بود.

ب- روایت ابومیسره:

۱- دلایل النبوة ج ۲ ص ۱۵۹ این روایت طوریکه درآینده واضح خواهد گردید، مرسل است.

۲- واحدی، اسباب النزول ص ۶.

۳- اتقان ج ۱ ص ۹۷.

این روایت مرسل وقابل استدلال نیست؛ بیهقی پس از نقل آن می‌گوید: "اگر این خبر محفوظ باشد، احتمال می‌رود که خبر از نزول سوره حمد پس از نزول اقرأ و المدثر باشد."^۱

وهمچنان حافظ ابن کثیر این روایت را مرسل و غیر قابل استدلال می‌داند.^۲

ج- استدلال قول چهارم:

دلیل این قول علاوه بر اینکه: آثار مقطوع و مرسل است، قول مستقل به شمار نمی‌رود؛ زیرا از ضروریات نزول سوره این است که ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ با آن نازل شود.^۳ (۱۲۰: ۹۸-۹۹).



نخستین آیه در چند موضوع

برای اینکه اهمیت مطلب بخوبی روشن شود و معلوم گردد که بسط مقال بی‌جهت و سبب نبوده چند نمونه از اوایل مخصوصه در چند امر که حاکی از سیر تدریجی تشریح و قانون‌گذاری اسلامی است بدست می‌دهیم، سپس برگزیده‌ای از آنچه علمای فن در این باره بیان داشته‌اند ذکر خواهیم کرد:

۱- در باره شراب:

بطور کلی تحریم شراب در اسلام به تدریج پیش آمد. نخستین بار این آیه فرود آمد:

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعَةٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا﴾ [البقرة: ۲۱۹].

"تو را می‌پرسند از می و قمار، بگو: در این دو زیان بزرگ است و مردمان را در آن منفعت‌ها است، اما زیان آن بزرگتر است از سود آن....".

بعد از نزول این آیه برخی بر این اعتقاد شد که می حرام شده، اما بعضی هم به رسول خدا ﷺ می‌گفتند: یا رسول الله، بگذار ما را که از آن بهره‌گیریم همچنان که خدا

۱- دلایل النبوة ج ۲ ص ۱۵۹.

۲- البداية والنهاية ج ۳ ص ۱۱.

۳- اتقان ج ۱ ص ۹۸-۹۹.

فرموده، ولی رسول اکرم ﷺ چیزی نمی‌فرمود و در پاسخ آنان خاموش می‌ماند، بعد این آیه نازل شد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ﴾

[النساء: ۴۳].

"ای مؤمنان! در حالت مستی به نماز نزدیک نشوید تا بدانید که چه می‌خوانید...".
 باز گفته شد که می‌حرام گردید ولی بودند کسانی که می‌گفتند: یار رسول الله، به هنگام نماز از آن نمی‌آشامیم. رسول خدا در برابر ایشان خاموشی گزید تا این آیه فرود آمد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [المائدة: ۹۰].

"ای افراد با ایمان! می‌وقمار، سنگ‌ها و تیرهای قمار (انصاب وازلام) پلید و از کارهای شیطان است، پرهیزید از آن تا راستگار گردید"^۱.

۲- دربارهٔ جهاد:

چنان‌که در تاریخ اسلام ضبط است باهمهٔ آزاری که مشرکان بر مسلمانان روا می‌داشتند و از هیچ زشتی و دشمنی باز نمی‌ایستادند، جهاد در صدر اسلام برای دفاع تشریع نشد و خداوند به عفو و گذشت فرمان می‌داد.

در سال دوم هجرت فرمان نبرد با ایشان تنها به هنگام دفاع فرا رسید. چنان‌که فرمود:

﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾ [الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ] [الحج: ۳۹-۴۰].

"برای افراد مظلوم نسبت ظلمی که به آن‌ها روا داشتند، دستور داده شد که جنگ کنند و خداوند بر یاری ایشان تواناست. آن‌ها که بیرون شدند از خانه‌هایشان به هیچ حقی، جز اینکه می‌گفتند: پروردگار ما الله است"^۲.

۳- در مورد قتل مؤمن:

۱- تاریخ قرآن ص ۵۶۶-۵۶۷.

۲- مناهل العرفان ج ۱ ص ۱۰۱-۱۰۲.

در مورد قتل مؤمن آیه: ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ﴾ [الإسراء: ۳۳] اولین آیه است.

۴- در موضوع طعام:

در باره خوراکی‌ها و حلال و حرام آن چهار آیات به ترتیب ذیل نازل شده است.

اولین آیه‌ای که در باره غذاها در مکه نازل شد، آیه ۱۴۵ از سوره انعام بود. ﴿قُلْ لَا أُجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا﴾ [الأنعام: ۱۴۵] سپس آیه ۱۱۵ سوره نحل: ﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ﴾ [النحل: ۱۱۵]

و در مدینه آیه ۱۷۳ از سوره بقره: ﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ﴾ [البقرة: ۱۷۳] سپس آیه ۳ از سوره مائده: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ﴾ [المائدة: ۳] نازل گردید.^۱

شناخت آخرین آیه

در تعیین آخرین آیه نازل شده نیز دانشمندان اختلاف نظر دارند بدین ترتیب:

۱- نسائی از طریق عکرمه از ابن عباس نقل می‌کند که آخرین آیه نازل شده آیه ۲۸۱ سوره بقره است: ﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۲۸۱].

البته کسانی دیگری هم نظیر آن را از ابن عباس نقل کرده‌اند و گفته‌اند که: پیامبر اکرم ﷺ ۹ و یا ۱۲ و یا ۸۱ روز پس از نزول آن بدرود حیات گفت.

۲- بخاری از ابن عباس و بیهقی از ابن عمر نقل کرده‌اند که آخرین آیه، آیه ربا است:

﴿يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا اتَّقُوا اللّٰهَ وَذَرُوْا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبٰوِ اِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ﴾ [البقرة: ۲۷۸] محمد بن جریر طبری از سعید بن مسیب و عامر شعبی نقل می‌کند که عمر و ابن عباس گفته‌اند که: آیه ربا آخرین آیه نازل شده است.

ولی شناسایان حدیث آن را ضعیف شمرده‌اند؛ زیرا هر چند اسنادش صحیح است ولی مرسل می‌باشد. شعبی زمان عمر را درک نکرده و سعید بن مسیب چیزی از او نشنیده است.

۳- گفته‌اند که آیهٔ دین "وام" آخرین آیه است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ﴾ [البقرة: ۲۸۲]

ابوعبید نیز در فضایل القرآن از ابن شهاب نقل کرده است که می‌گوید:
آخر قرآن، نزدیک‌ترین آیهٔ قرآنی به عرش از نظر زمانی "آیهٔ ربا و آیهٔ وام" دین است.
روایت ابن ابی حاتم است که پیامبر اکرم پس از آن ۹ روز بزیست، و بعد در دوم ربیع الأول بدرود حیات گفت و در روایات دیگر چنین نصی نمی‌توان یافت.

۴- آیه: ﴿فَأَسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَمَلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْتِ﴾
[آل عمران: ۱۹۵]

دلیل آن روایتی است که از طریق مجاهد از ام سلمه نقل شده که وی گفت: این آخرین آیه بود.

ولی متن همین روایت خود حاکی است که مطلق آخرین نزول مورد نظر نبوده و منظور آخرین آیه دربارهٔ زنان و آخرین سه آیه در این مورد بوده است.

۵- آیه: ﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُّؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۹۳] آخرین آیه است.

دلیل آن هم چیزی است که بخاری و دیگران از ابن عباس نقل کرده‌اند که گفت:
این آیه آخرین آیه است و چیزی آن را نسخ نکرد.

البته خود روایت می‌رساند که منظور آخرین آیه در بارهٔ حکم قتل عمدی مؤمن است نه آخرین آیه به طور مطلق.

۶- گفته‌اند که آیه: ﴿يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ﴾ [النساء: ۱۷۶]

طبق روایتی از براء بن عازب آخرین آیه است.

ولی ممکن است این آیه را هم آخرین نزول در بارهٔ موارث دانست نه آخرین آیه.

۷- سورهٔ مائده آخرین نزول بوده است:

روایت ترمذی و حاکم از عایشه چنین است. چه بسا که مراد آخرین سوره‌ای باشد که در بارهٔ حلال و حرام آمده و حکمی در آن منسوخ نگشته است.

برخی هم گفته‌اند که آیه:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾ [المائدة: ۳]

آخرین نزول بوده است؛ زیرا این آیه در حجة الوداع فرود آمد و پیامبر اکرم ﷺ ۸۱ روز پس از آن بزیست.

ولی چنان که گفته‌اند پس از آن نهی و حکمی فرود نیامده، نه اینکه آخرین نزول به نحو اطلاق باشد.

۸- برخی هم بنا بر قول ابی بن کعب آخر سورة توبه را پایان نزول دانسته‌اند که شاید آنهم منظور آخرین نزول از سورة براءت باشد، نه آخر به طور مطلق.

۹- مسلم از ابن عباس نقل می‌کند که آخرین نازل شده سورة ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾ [النصر: ۱] می‌باشد. این سورة مشعر بر وفات نبی اکرم ﷺ بود و موجب اندوه فراوان یاران پیامبر ﷺ گشت.

ممکن است منظور ابن عباس آخرین سورة از لحاظ نزول باشد، نه آخرین آیه.^۱

علت اختلاف:

سیوطی علت این اختلاف را از قاضی ابوبکر نقل کرده می‌گوید:

"در این مورد چیزی که از قول شخص نبی اکرم ﷺ باشد نیست و هرکس از روی اجتهاد خود وطن غالب سخنی گفته، محتمل است که هریک از آنان از آخرین آیه‌ای که از نبی گرامی ﷺ بهنگام وفات وی و یا اندکی قبل از آن شنیده خبر داده است و دیگری بعد از او آیتی دیگر شنیده باشد...".^۲

تحقیق و بررسی این اقوال:

درمیان اقوال سه گانه اول (روایات مربوط به آیه ربا، آیه: ﴿وَأْتَقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ

فِيهِ﴾ [البقرة: ۲۸۱] و آیه دین منافاتی نیست؛ زیرا این آیات سه گانه طبق ترتیبی که در قرآن دارند، به همان ترتیب یکبار نازل شده‌اند، پس بر هر کدام صدق می‌کند که نسبت به غیر آن آخر باشد.^۳

زرقانی قول اول آیه ﴿وَأْتَقُوا يَوْمًا﴾ را ترجیح داده می‌گوید:

۱- اتقان ج ۱ ص ۱۰۵-۱۰۷، مناهل العرفان ج ۱ ص ۹۶-۱۰۰.

۲- سیوطی، اتقان ج ۱ ص ۱۰۵-۱۰۷، مناهل العرفان ج ۱ ص ۹۶-۱۰۰.

۳- سیوطی، اتقان ج ۱ ص ۱۰۷.

"سیاق آن برای ختام مناسبتر است و طبق روایت ابن ابی حاتم پیامبر اکرم ﷺ پس از نزول آن ۹ روز بزیست و بعد در دوم ربیع الأول بدرود حیات گفت و در روایات دیگر چنین تصریح وجود ندارد."^۱

روایات واقوال دیگر طوریکه در ضمن بیان نظریات و نقل اقوال اشاره گردید، آخرین نزول نسبی است، نه آخر به طور مطلق.



مناقشه:

آیه قرآنی عبارت است از قسمتی از کلمات قرآن مجید که از ما قبل و ما بعد خود منقطع بوده و در ضمن سوره‌ای آمده باشد.

تشخیص اینکه: کلام و کلمات یک سوره از کجا تا کجا یک آیه است، این امر کار شارع حکیم است، قیاس و رأی را در این باره مجالی نیست.

- ترتیب آیات وابسته به توقیف نبی اکرم ﷺ و فرود آمده از جانب خدای تعالی است، برای رأی و اجتهاد، در این زمینه مجال و جولانگاهی باقی نمانده است. در باره اینکه نخستین آیه نازل شده کدام آیه قرآن است، اختلاف نظری وجود دارد که جمهور علمای تفسیر و حدیث این نظریه را که نخستین آیات قرآن - پنج آیات صدر سوره علق است - مورد تأیید قرار داده آن را صحیح و درست‌ترین اقوال می‌دانند.
- در تعیین آخرین آیه نازل شده نیز دانشمندان اختلاف نظر دارند، براساس دلایل صحیح آیه ربا:

﴿وَأَتَقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ﴾ [البقرة: ۲۸۱] آخرین آیه از لحاظ نزول است.



۱- معنی سوره

الف - حکمت تجزیه قرآن به سوره‌ها:

تجزیه قرآن به سوره‌ها فواید و حکمت‌هایی دارد از آنجمله: آسان کردن کار بر مردم و تشویق آنان بر یاد گرفتن، آموختن و حفظ کردنش می‌باشد؛ زیرا اگر چون یک حلقه تنها می‌بود، نه حلقه‌های بهم پیوسته، حفظ و فهمش دشوار می‌گشت. اما بدینسانی که هست، همه می‌توانند که در این دریای بیکران خروشان و پر نعمت فرو روند و از مواهب بیکران آن بهره مند گردند.

و نیز بر موضوع سخن و محور کلام دلالت می‌کند؛ چه در هر سوره‌ای موضوع روشنی است که از آن گفتگو می‌کند مانند سوره بقره، سوره یوسف، سوره نمل و... و هر سوره‌ای، هر قدر که هم کوتاه باشد چون سوره کوثر، خود در کمال اعجاز قرار گرفته است.

زمخشری صاحب کشف می‌گوید: چون به انواع و اصناف تقسیم گردد نیکوتر و جلیل‌تر از آن است که در یک باب تنها قرار گیرد. از آنجمله اینکه چون قاری و خواننده‌ای سوره یا بابی از کتاب را پایان برده و دیگری را آغاز کند شادمان‌تر و خرسندتر می‌گردد و بر تحصیل بقیه آن بیشتر بر انگیزه می‌شود. و یا همچون مسافری است که فرسنگ‌ها راه می‌پیماید... و بهر فرسنگی نفسی تازه می‌سازد و نشاطی نو برای راه می‌یابد... بدین جهت قرآن به اجزاء تقسیم شده است.^۱

ب- تعریف لغوی:

سوره جمع آن "سُور" چون خطبه و خطب و غرفه و غرف، از ریشه سور (بدون همزه) گرفته شده، در لغت به سه معنی آمده است:

۱- مقام و منزلت، جایگاه بزرگ و بلند.

نابغه ذبیانی در مدح نعمان بن منذر می‌گوید:

ألم تر أن الله أعطاك سورة تری كل ملك دونها يتذبذب.

۱- مناهل العرفان ج ۱ ص ۳۵۱، البرهان ج ۱ ص ۲۶۴ اتقان ج ۱ ص ۲۲۴.

"نمی‌بینی که خداوند چنان جایگاه بلندی به تو داده که کاخ‌های پادشاهان در برابر آن کوتاه است".

۲- مبنای بلند و زیبایی که سر به آسمان کشیده باشد، و همچنان دیوار شهر را "سور المدینه" می‌نامند؛ چون دیوار شهرها بلندتر از خود شهر می‌باشد.

۳- پس مانده وزیادی چیزی:

برخی سوره را "سوره" (باهمه). خوانده‌اند که در لغت به معنی: نیم خورده، و پس مانده

و زیادی چیزی آمده است. بدین مناسبت آبی را که کسی آشامیده کمی از آن در ظرف مانده، آن باقی مانده را "سور" خوانند.^۱

ج - معنی اصطلاحی:

سوره به زبان قرآن عبارت است از:

بخش کم یا بسیاری از آیه‌های هماهنگ قرآن که شارع حکیم، خود آغاز و انجام آن را معین کرده است. "إنها طائفة مستقلة من آیات القرآن ذات مطلع ومقطع".^۲

د - مناسبت معنی اصطلاحی سوره با مفهوم لغوی:

معنی مصطلح سوره با یکایک معناهای لغوی پیوستگی و وابستگی خاصی دارد؛ زیرا سوره چون سخن خدائی است دارای شرف و منزلت و پایگاه بلند و رفیع است.

و همچنان قرائت هر سوره‌ای موجب بلندی مرتبه و منزلت قاری آن می‌شود. و یا از این نظر که چون در بلند بالا و غیر قابل نفوذ و رسوخی است.

و همچون دیوار شهر که بر همه شهر و هر چه در آن است احاطه دارد، سوره نیز گرداگرد آیه‌ها را فرا گرفته و آن‌ها را بهم پیوسته و در برابر هر باطل و مکابره ای حصن حصین و جاودانه ای برپا ساخته است.

و یا بسان کاخ پر جلال و شکوه و با عظمت و پرهیمنه ای است که هر دانشمند متفکری را به شگفتی انداخته و هر نابغه و داهیة بخردی را به اعجاب واداشته است.

۱- القاموس المحيط ص ۴۱۵ البرهان ص ۲۶۳-۲۶۴؛ اتقان ص ۱۸۷.

۲- مناهل العرفان ج ۱ ص ۳۵۰.

و یا سوره قرآنی بخشی از قرآن است همانگونه که "سور" آب باقی مانده قسمتی از آب می‌باشد.^۱



۲- ترتیب سوره‌ها

درباره ترتیب سوره‌ها که آیا توقیفی است، یعنی این ترکیب کنونی برحسب اشاره و فرمان رسول خدا ﷺ بوده و چنین ترتیبی آسمانی است؟ و یا اینکه وابسته به اجتهاد یاران پیامبر ﷺ بوده و آنان چنین ترتیبی را مقرر داشته‌اند؟ اختلاف نظری است، ولی نظریه قابل قبول مستدل و مستند اینست که: ترتیب سوره‌های قرآن بهمین ترتیبی که امروز در دسترس ماقرار دارد، مانند ترتیب آیات در هر سوره قرآن "توقیفی" است، و در زمان حیات پیامبر ﷺ به همین ترتیب مشخص و معلوم بوده است، و دلیلی برای اثبات اینکه وضع طور دیگری بوده است، نداریم؛ بنابراین نظریه بعضی از علمای اسلامی که می‌گویند: سوره‌های قرآن را صحابه بر مبنای اجتهاد خود شان مرتب کرده‌اند، مبنایی ندارد.

همچنین، نظریه دیگری که قایل به تفصیل می‌شود و می‌گوید: ترتیب بعضی از سوره‌های قرآن "اجتهادی" است و ترتیب بعضی دیگر "توقیفی"، بی‌اساس بوده و این نظریه به هیچ وجه قابل قبول نیست؛ زیرا اجتهاد صحابه در ترتیب سوره‌های مصحف‌های مربوط به خودشان یک گزینش شخصی بوده است، و هرگز نمی‌خواسته‌اند که دیگران را به رعایت ترتیب آن مصاحف و ادار کنند و هیچگاه ادعا نکرده‌اند که مخالفت با ترتیب مصحف شان حرام است.

صحابه این مصحف را برای مردم ننوشته بوده‌اند و مصحفشان شخصی خودشان بوده است و پس از آنگاه که مسلمانان به طور اجماعی ترتیب مصحف عثمانی را پذیرفتند، این صحابه نیز پیروی همان ترتیب شدند، و مصاحف شخصی را رها کردند. اگر جز این بود، و صحابه بر این اعتقاد بودند که کار به اختیار و اجتهاد آنان واگذار شده است، حاضر نمی‌شدند که ترتیب مصحف‌های خودشان را برهم بزنند و از ترتیب مصاحف عثمانی پیروی کنند.^۲

۱- البرهان ج ۱ ص ۲۶۳، اتقان ص ۱۷۸.

۲- مباحثی در علوم القرآن ص ۱۰۴-۱۰۵.

از دلایل توقیفی بودن سوره‌ها اینست:

۱- سوره‌های متجانسه کنار هم قرار نگرفته‌اند، اگر کار از روی اجتهاد و نظر شخصی انجام گرفته بود، رعایت این تجانس و تماثل می‌شد. چنانچه سور مسبحات پی در پی گذارده نشده و میان آن‌ها " قدسمع و ممتحنه و منافقین " قرار گرفته است.

یا سوره‌های "الم" پراکنده می‌باشد و یا "طس" میان دو سوره (طسم الشعراء و طسم القصص) قرار گرفته است.

و همچنان اخبار و روایات بسیاری این را تأیید می‌کند، از آن جمله:

۲- حدیث واثله که پیغمبر ﷺ فرمود: " به من بجای تورات سبع طوال عطا شده است...."^۱

۳- حدیث حذیفه ثقفی که می‌گوید: از اصحاب رسول خدا پرسیدم چگونه قرآن را حزب حزب می‌کنید؟ گفتند: گروه بندی می‌کنیم آن را ۳ سوره ۵ سوره و ۷ سوره ۹ سوره و ۱۱ سوره و ۱۳ سوره و حزب " مفصل " از سوره " ق " تا پایان قرآن.^۲

این امر دلالت می‌کند که ترتیب سوره‌ها چنان که امروز هست در زمان رسول خدا هم چنین بوده است.^۳

۴- بخاری از ابن مسعود روایت کرده که در باره سوره‌های: بنی اسرائیل، کهف، مریم، طه و انبیاء گفت: " این سوره‌ها از سوره‌های کهن اول است، و از دیرینه‌ها هستند ". سپس به همین ترتیب آن‌ها را ذکر کرد.

۵- در صحیح البخاری است که: رسول الله ﷺ هر شب هنگامی که به رخت خواب می‌رفت، دو کف دستش را کنار هم می‌آورد و در آن‌ها می‌دمید و سوره‌های قل هو الله احد و معوذتین را می‌خواند.^۴

۱- فضائل القرآن ج ۱ ص ۳۷۲، المعجم الكبير ج ۲۲ ص ۷۶، مجمع الزوائد ج ۷ ص ۱۵۸.

۲- مباحثی در علوم القرآن ص ۱۰۴-۱۰۵.

۳- البرهان ج ۱ ص ۲۴۷.

۴- زرکشی، البرهان ج ۱ ص ۲۴۷.

ابوجعفر نحاس گفته: مختار اینست که تألیف سوره‌ها بر این ترتیب از رسول اکرم ﷺ است به دلیل حدیث واثله: "به جای تورات سبع طوال بمن داده شد...".
این حدیث دلالت می‌کند که تألیف قرآن از خود پیامبر ﷺ است و این نظم از همان وقت بوده و بر یک وضع در مصحف جمع شده است؛ زیرا که این حدیث با تعبیرات و لفظ خود پیامبر ﷺ که دلالت بر تألیف قرآن دارد، آمده است.^۱

۳- اقسام سوره‌ها

ابو عبید: قاسم بن سلام و طبرانی از طریق واثله بن اسقع با سند صحیح از پیامبر ﷺ روایت نموده‌اند که فرمود: "أعطيت السبع الطول مكان التوراة، وأعطيت المثین مكان الإنجيل، وأعطيت المثانی مكان الزبور، وفضلت بالمفصل".^۲
"بجای تورات (سبع طوال) و بجای انجیل (مئین) و بجای زبور (مثنی) برایم داده شده و باعطا شدن (مفصل) برتری یافتیم".
بر مبنای این روایت دانشمندان اسلامی سوره‌های قرآن را به چهار دسته بزرگ زیر تقسیم کرده‌اند:

۱- سبع طوال (هفت سوره طولانی):

بیشتر این هفت سوره را چنین دانسته‌اند:

بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف، انفال و توبه.

در این صورت دو سوره توبه و انفال را یکی شمرده‌اند لیکن سعید بن جبیر هفتمی را سوره یونس و حاکم سوره کهف می‌داند.

۲- المثون:

سوره‌هایی که در حدود صد آیه دارند: یونس، هود، یوسف، حجر، نحل، کهف، اسراء، انبیا، طه، مؤمنون، شعراء، صافات و یا از سوره بنی اسرائیل تا هفت سوره.

۳- المثانی:

سوره‌هایی که پس از آن دو دسته قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: سوره حج و سوره قصص و سوره نمل و سوره عنکبوت و سوره رعد و سوره سبأ و سوره ملائکه و سوره

۱- اتقان ص ۲۱۵-۲۱۶.

۲- فضائل القرآن ج ۱ ص ۳۷۲، المعجم الكبير ج ۲۲ ص ۷۶؟، مجمع الزوائد ج ۷ ص ۱۵۸.

ابراهیم و سوره ص و سوره محمد و سوره لقمان و سوره غرف و سوره زخرف و سوره ق و سوره مؤمن و سوره سجده و سوره احقاف و سوره جائیه و سوره دخان و سوره احزاب.
۴- المفصل:

سوره‌های کوچک و کوتاه که در آخر قرآن قرار گرفته‌اند، این نامگذاری بدین جهت است که بین این سوره‌ها با بسم الله زیاد فاصله شده است و یا از این جهت آن‌ها را مفصل گفته‌اند که آیه منسوخه در آن کم است و از اینجا آن را محکم هم خوانده‌اند. در اینکه پایان این سوره‌ها، آخرین سوره قرآن است، میان دانشمندان اتفاق نظر حکمفرماست، ولی در نخستین سوره آن اختلاف کرده‌اند.

این دسته از سوره‌ها را به سه قسمت بگونه زیر تقسیم کرده‌اند:

۱- طوال: از سوره حجات تا سوره بروج.

۲- اوساط: از سوره طارق تا سوره بینه.

۳- قصار: از سوره زلزال تا سوره ناس.^۱

انواع سوره‌های مکی و مدنی

از این تقسیم بندی، دسته بندی‌های کوچک دیگری نیز از سوره‌های قرآن شده که از مهم‌ترین آن تقسیم‌بندی سوره‌ها از لحاظ مکی و مدنی سوره‌ها که پیوند مستقیم به موضوع مورد بحث ما دارد. سوره‌های قرآن از این جهت به چهار دسته به گونه زیر تقسیم می‌شوند:

۱- گاه سوره بتامی مکی است، و هیچ استثنا ندارد، مانند سوره المدثر.

۲- همه آیات سوره مدنی است مانند سوره آل عمران.

۳- برخی سوره‌ها مکی شمرده شده، ولی در آن یک و یا چند آیاتی یافته می‌شود که در مدینه نازل شده باشد، مانند سوره هود که استثنای آیه ۱۱۴ آن از این حکم، و نزول آن در مدینه از روایت صحیح ثابت است.^۲

۴- سوره مدنی که آیات مکی در آن گنجانده شده است. مانند سوره انفال که مدنی است، و آیات ۵۲ تا ۵۵ آن براساس بعضی آثار ضعیف مکی شمرده می‌شود.^۳

۱- اتقان ج ۱ ص ۲۱۷-۲۱۸.

۲- اتقان ج ۱ ص ۶۴.

۳- مأخذ قبلی.

۴- نام و شماره سوره‌ها

الف - شماره سوره‌ها:

سوره‌های قرآن به اجماع کسانی که - اجماع شان قابل اعتبار است - یکصد و چهارده سوره است که اولش "فاتحة الكتاب" و آخرش "الناس" می‌باشد. یک نظر دیگر هم است که انفال و توبه را - که میانشان (بِسْمِ اللّٰهِ). نیست - یک سوره شمرده تعداد سوره‌های قرآن را صد و سیزده گفته‌اند.^۱

ب - اسامی سوره‌ها:

در اسامی سوره در نظر گرفتن مسایل آتی ضروری است:

۱- درست‌ترین اقوال اینست که: نام سوره‌ها توقیفی است؛ بناءً هر فرد نمی‌تواند با تناسب معانی و محتویات هر سوره نام‌های برای آن استخراج نماید، بلکه تسمیه و نام گذاری سوره‌ها به اساس روایت‌های صحیح از پیامبر ﷺ و یاران او می‌باشد.

۲- سوره‌های قرآن از این جهت به سه دسته تقسیم می‌گردد:

الف - سوره‌هایی که تنها یک اسم دارند، مانند: سوره انعام، سوره هود و...

ب - سوره‌هایی که دارای دو اسم‌اند، مانند سوره آل عمران که طبق حدیث صحیح این سوره و سوره بقره بنام "زهرابین" نیز یاد می‌شوند.

ج - بعضی از سوره‌های قرآنی است که چند نام آن با روایات صحیح ثابت شده، از آن جمله سوره فاتحه است که سیوطی بیست و پنج نام برای آن ذکر کرده است.^۲

از آن جمله نام‌های: فاتحة الكتاب، ام الكتاب، ام القرآن، السبع المثاني، القرآن العظيم، الصلاة، الرقية والشفاء از آیه ۸۷ سوره حجر، و حدیث‌های صحیح ثابت است.^۳

۳- نام هر سوره با متن آن مناسبت و بستگی تام دارد. چنان که سوره بقره را به مناسبت داستان بقره و حکمت شگفت آوری که در آن هست، بدین نام خوانده‌اند.

۱- البرهان ج ۱ ص ۲۴۹، اتقان ص ۲۲۱.

۲- اتقان ج ۱ ص ۱۸۸-۱۹۲.

۳- تفسیر ابن کثیر ج ۱ ص: ۹-۱۰.

سوره نساء را بعلت احکام در باره زنان و سوره انعام را بجهت احوال چارپایان چنین نامیده‌اند.^۱

مناقشه:

- سوره به زبان قرآن عبارت است از: بخش کم یا بسیاری از آیه‌های هماهنگ قرآن که شارع حکیم، خود آغاز و انجام آن را معین کرده است. "إنها طائفة مستقلة من آیات القرآن ذات مطلع ومقطع".
- سوره‌های قرآن به اجماع امت یکصد و چهارده سوره است که اولش "فاتحة الكتاب" و آخرش "الناس" می‌باشد.
 - الف - گاه سوره بتمامی مکی است و هیچ استثنا ندارد، مانند سوره مدثر.
 - ب - همه آیات سوره مدنی است مانند سوره آل عمران.
 - ج - برخی سوره‌ها مکی شمرده شده، ولی در آن یک و یا چند آیاتی یافته می‌شود که در مدینه نازل شده باشد، مانند سوره هود که استثنای آیه ۱۱۴ آن از این حکم و نزول آن در مدینه از روایت صحیح ثابت است.
 - د - سوره مدنی که آیات مکی در آن گنجانده شده است مانند سوره انفال که مدنی است و آیات ۵۲ تا ۵۵ آن براساس بعضی آثار ضعیف مکی شمرده می‌شود.

بخش ششم:

تحقیق روایات در تحدید

سوره‌های مکی و مدنی

١- رواية زهري در تنزيل القرآن

محمد بن شهاب زهري در كتاب "تنزيل القرآن بمكة و المدينة " ترتيب سوره‌هاى مكى و مدنى قرآن را چنين بيان داشته است:

"هذا كتاب تنزيل القرآن وما شاء الله تعالى أن يعلم الناس ما أنزل بمكة وما أنزل منه بالمدينة فأول ما أنزل الله بمكة: اقرأ باسم ربك الذي خلق ثم سورة نون ثم يا أيها المزمل ثم يا أيها المدثر ثم سورة تبت يدا أبي لهب ثم إذا الشمس كورت ثم سورة سبح اسم ربك ثم سورة والليل إذا يغشى ثم سورة والفجر ثم سورة والضحى ثم سورة ألم نشرح ثم سورة والعاديات ثم سورة والعصر ثم سورة إنا أعطيناك الكوثر ثم سورة أهاكم التكاثر ثم سورة رأيت ثم سورة قل يا أيها الكافرون ثم سورة الفيل ثم سورة الفلق ثم سورة الناس ثم سورة الإخلاص ثم سورة والنجم ثم سورة عبس ثم سورة إنا أنزلناه ثم سورة والشمس وضحاها ثم سورة البروج ثم سورة والتين والزيتون ثم سورة الإيلاف ثم سورة القارعة ثم سورة لا أقسم بيوم القيامة ثم سورة والمرسلات ثم سورة قاف والقرآن المجيد ثم سورة الهمزة سورة اقتربت الساعة ثم سورة لا أقسم بهذا البلد ثم سورة الطارق ثم سورة صاد ثم سورة المص ثم سورة الجن ثم سورة يسن ثم سورة الفرقان ثم سورة فاطر ثم سورة كهيعص ثم سورة طه ثم سورة الواقعة ثم سورة الشعراء ثم سورة النمل ثم سورة القصص ثم سورة بني اسرائيل ثم سورة يونس ثم سورة هود ثم سورة يوسف ثم سورة الحجر ثم سورة الأنعام ثم سورة والصفات ثم سورة لقمان ثم سورة سبأ ثم سورة الزمر ثم سورة حم المؤمن ثم حم السجدة ثم حم عسق ثم حم الزخرف ثم حم الدخان ثم حم الجاثية ثم حم الاحقاف ثم والذاريات ثم العاشية ثم سورة الكهف ثم النحل ثم سورة نوح ثم سورة إبراهيم ثم سورة الأنبياء ثم سورة المؤمنون ثم سورة تنزيل السجدة ثم سورة الطور ثم سورة الملك ثم سورة الحاقة ثم سورة سأل سائل ثم سورة عم يتساءلون ثم سورة النازعات ثم سورة الانفطار ثم

سورة الانشقاق ثم سورة الروم ثم سورة العنكبوت ثم سورة المطففين. ثم يأتي ما أنزل بالمدينة:

فعدد ما أنزل بمكة خمس وثمانون سورة وعدد ما أنزل بالمدينة تسع وعشرون سورة وهي هذه:

فأول ما أنزل بالمدينة الفاتحة ثم سورة البقرة ثم سورة الأنفال ثم سورة آل عمران ثم سورة الأعراف ثم سورة الممتحنة ثم سورة النساء ثم سورة إذا زلزلت ثم سورة الحديد ثم سورة محمد صلى الله عليه وسلم ثم سورة الرعد ثم سورة الرحمن ثم سورة هل أتى على الإنسان ثم سورة الطلاق ثم سورة لم يكن ثم سورة الحشر ثم سورة النصر ثم سورة النور ثم سورة الحج ثم سورة إذا جاءك المنافقون ثم سورة المجادلة ثم سورة الحجرات ثم سورة المتحرم ثم سورة الجمعة ثم سورة التغابن ثم سورة الصف ثم سورة الفتح ثم سورة المائدة ثم سورة التوبة وهي آخر ما نزل من القرآن".^۱

الف - سند اين كتاب (صحيفه):

اين صحيفه از طريق ابو عبد الرحمن محمد بن حسين سلمى از ابراهيم بن حسين همدانى از ابو يزيد هذلى از وليد بن محمد موقرى از محمد بن مسلم زهرى نقل گرديده است.^۲

ب - درجه ثبوت اين صحيفه:

سند اين صحيفه نهايت ضعيف است؛ چون ابو عبد الرحمن سلمى از مشايخ صوفيه وبه نفع صوفى ها حديث وضع مى کرد.^۳ وهمچنان وليد بن محمد موقرى از نظر علمای حديث "متروك" است.^۴

۱- فضائل القرآن ص ۲۳.

۲- البرهان في علوم القرآن ج ۱ ص ۲۳.

۳- تذكرة الحفاظ ج ۲ ص ۱۰۴۶.

۴- تقريب التهذيب ص ۱۰۴۶.

۲- روایت ابو عبید

ابو عبید قاسم بن سلام در کتاب فضایل القرآن از عبدالله بن صالح، از معاویه بن صالح، از علی ابن ابی طلحه روایت کرده است که او سوره‌های آتی را مدنی و متباقی را مکی معرفی نموده است:

بقرة، آل عمران، نساء، مائدة، انفال، توبة، حج، نور، احزاب، محمد، فتح، حدید
مجادلة، حشر، ممتحنة، صف تغابن، طلاق، تحریم، فجر، لیل، قدر، لم یکن، إذا زلزلت وإذا
جاء نصر الله.^۱

الف - معرفی راویان اثر:

۱- ابوصالح: عبدالله بن صالح مصری مشهور به کاتب لیث که از دیدگاه اکثریت دانشمندان علم جرح و تعدیل ثقه بوده وعده‌ای هم او را به غفلت نسبت داده‌اند.

حافظ ابن حجر در مقدمه فتح الباری نتیجه گیری نموده می‌گوید: اگر ایمة فن حدیث چون یحیی بن معین، بخاری، ابو ذرعه و... از آن روایت نمایند، پذیرفته می‌شود، و در غیر آن روایت وی قابل پذیرش نیست.^۲

۲- معاویه بن صالح: ابو عمرو حمصی، امام ذهبی او را "صدوق امام" و حافظ ابن حجر درجه آن را "صدوق له اوهام" قرار داده است.^۳

ب- درجه اثر:

براساس اصل طرح کرده حافظ ابن حجر در باره ابوصالح، این اثر تا علی بن ابی طلحه به درجه حسن میرسد؛ زیرا راوی اثر از ابوصالح خود ابو عبید مؤلف کتاب است که او از بزرگترین ایمة این فن به شمار می‌رود.
ولی اثر مقطوع است؛ زیرا سخنان علی بن ابی طلحه که از علمای تابعین می‌باشد، در همچو موضوع مرسل شمرده می‌شود.

۱- فضائل القرآن ص ۳۴۰.

۲- ابن حجر، هدی الساری ص ۴۳۴.

۳- الکاشف ج ۲ ص ۱۵۷ تقریب التهذیب ص ۵۳۸.

۳- روایت حارث بن اسد محاسبی

حارث بن اسد محاسبی در کتاب "فهم القرآن" سوره‌هایی مدنی را شمرده می‌گوید:

حدثنا شريح قال: حدثنا سفيان عن معمر عن قتادة قال: السور المدنية: البقرة وآل عمران والنساء والمائدة والأنفال والتوبة والرعد والحجر والنحل والنور والأحزاب وسورة محمد صلى الله عليه وسلم والفتح والحجرات والحديد والمجادلة والممتحنة والصف والجمعة والمنافقون والتغابن والنساء القصرى ويا أيها النبي لم تحرم ولم يكن وإذا جاء نصر الله والفتح وقل هو الله أحد وهو يشك في رأيته".^۱

معرفی راویان اثر و درجه آن:

راویان این اثر: سربج بن یونس مروزی، سفیان بن عیینه و معمر بن راشد از دی‌اند که همه از علمای ثقه و قابل اعتماد نزد دانشمندان فن جرح و تعدیل می‌باشند.^۲ بناءً سند اثر مورد بحث تاقتاده صحیح است و چون قتاده از علمای تابعین به شمار می‌رود که اثر مقطوع وی در همچو موضوع قابل استدلال نمی‌باشد.

۴- روایت ابن ضریس

ابن ضریس در کتاب فضائل القرآن خود در مورد مکی و مدنی سوره‌ها از عبدالله بن عباس - رضی الله عنه - با سند ذیل چنین روایت نموده است:

"أخبرنا محمد بن عبد الله بن أبي جعفر الرازي، قال: قال عمر بن هارون قال: حدثنا عمر بن عطاء، عن أبيه، عن ابن عباس، قال: " أول ما نزل من القرآن بمكة، وما أنزل منه بالمدينة الأول فالأول، فكانت إذا نزلت فاتحة سورة بمكة فكتبت بمكة، ثم يزيد الله فيها ما يشاء، وكان أول ما أنزل من القرآن: اقرأ باسم ربك الذي خلق ثم ن والقلم، ثم يا أيها المزمل، ثم يا أيها المدثر، ثم الفاتحة، ثم تبت يدا أبي لهب ثم إذا الشمس كورت ثم سبح اسم ربك الأعلى ثم والليل إذا يغشى ثم والفجر وليال عشر، ثم والضحى، ثم ألم

۱- فهم القرآن ص ۳۹۵.

۲- تقریب التهذیب ص ۲۴۵، ۲۲۹، ۵۴۱.

نشرح، ثم والعصر ثم والعدایات ثم إنا أعطیناک الکوثر ثم أهلكم التکافر ثم رأیت الذی یکذب، ثم قل یا أيها الکافرون ثم ألم تر کیف فعل ربک ثم أعود برب الفلق ثم أعود برب الناس ثم قل هو الله أحد ثم والنجم إذا هوی ثم عبس وتولى ثم إنا أنزلناه فی لیلۃ القدر ثم والشمس وضحاها ثم والسماء ذات البروج ثم والتین والزیتون ثم لإیلاف قریش ثم القارعة ثم لا أقسم بیوم القیامة ثم ویل لكل همزة ثم والمرسلات ثم ق والقرآن ثم لا أقسم بهذا البلد ثم والسماء والطارق ثم اقتربت الساعة ثم ص والقرآن ثم الأعراف، ثم قل أوحی ثم یس والقرآن ثم الفرقان، ثم الملائکة، ثم کهیصص ثم طه ثم الواقعة، ثم طسم الشعراء، ثم طس النمل، ثم القصص، ثم بنی اسرائیل، ثم یونس، ثم هود، ثم یوسف، ثم الحجر، ثم الأنعام، ثم الصافات، ثم لقمان، ثم سبأ، ثم الزمر، ثم حم المؤمن، ثم حم السجدة، ثم حم عسق ثم الزخرف، ثم الدخان، ثم الجاثیة، ثم الأحقاف، ثم الذاریات، ثم هل أتاک حدیث الغاشیة ثم الکهف، ثم النحل، ثم إنا أرسلنا نوحا ثم سورة إبراهیم، ثم الأنبیاء، ثم المؤمنون، ثم تنزیل السجدة، ثم الطور، ثم تبارک الملک، ثم الحاققة، ثم سأل سائل ثم عم یتساءلون ثم النازعات، ثم إذا السماء انفطرت ثم إذا السماء انشقت ثم الروم، ثم العنکبوت، ثم ویل للمطففین. فهذا ما أنزل الله عز وجل بمکة، وهي ست وثمانون سورة، ثم أنزل بالمدينة سورة البقرة، ثم الأنفال، ثم آل عمران، ثم الأحزاب، ثم المتحنة، ثم النساء، ثم إذا زلزلت ثم الحدید، ثم سورة محمد، ثم الرعد، ثم سورة الرحمن، ثم هل أتى علی الإنسان ثم یا أيها النبی إذا طلقتم ثم لم یکن ثم الحشر، ثم إذا جاء نصر الله ثم النور، ثم الحج، ثم المنافقون، ثم المجادلة، ثم الحجرات، ثم لم تحرم ثم الجمعة، ثم التغابن، ثم الحواریون، ثم الفتح، ثم المائدة، ثم التوبة، فذلک ثمان وعشرون سورة فجميع القرآن مائة سورة وأربع عشرة سورة".^۱

الف - شناخت راویان اثر:

از راویان این اثر سه راوی آن با تفاوت درجات ضعیف‌اند:

عمر بن هارون بن یزید ثقفی: "متروک الحدیث".^۲

۱- فضائل القرآن ص ۲۶۳.

۲- تقریب التهذیب ص ۴۱۹.

عثمان بن عطاء بن ابی مسلم خراسانی: "ضعیف"^۱.
 عطاء بن ابی مسلم خراسانی: "مدلس، کثیر الوهم والإرسال"^۲.

ب- درجهٔ اثر:

در نتیجه این اثر روی علل سه گانهٔ ذیل ضعیف است:
 چون عمر بن هارون بن یزید ثقفی راوی نهایت ضعیف و به درجهٔ "متروک الحدیث" قرار دارد که روایت چنین راوی مردود می‌باشد.
 عثمان بن عطاء بن ابی مسلم خراسانی راوی ضعیف، و روایت آن مدار اعتبار نیست.

عطاء بن ابی مسلم خراسانی هیچ چیزی از عبد الله بن عباس نه شنیده؛ بنا بر آن روایت او از ابن عباس منقطع شمرده می‌شود.^۳
 این روایت در مورد شناخت مکی و مدنی - در صورت ثبوت آن - قابل اعتبار بود؛ چون روایت صحابی است، ولی از معرفی راویان آن واضح گردید که بنا بر علل سه گانهٔ فوق این اثر نیز مردود شمرده شد.

۵- روایت ابوجعفر نحاس در کتاب الناسخ و المنسوخ

امام ابوجعفر نحاس در کتاب ناسخ و منسوخ از عبدالله بن عباس رضی الله عنه در مورد سوره‌های مکی و مدنی قرآن باسند ذیل چنین نقل کرده است:

"حدثني يموت بن المزرع قال حدثنا أبو حاتم سه رضی الله عنه بن محمد السجستاني قال حدثنا أبو عبيدة معمر بن المثني التيمي قال حدثنا يونس بن حبيب قال سمعت أبا عمرو بن العلاء رحمه الله يقول سألت مجاهدا عن تلخيص آي القرآن المدني من المكي فقال سألت ابن عباس عن ذلك فقال نزلت سورة الأنعام بمكة جملة واحدة فهي مكية إلا ثلاث آيات منها نزلت في المدينة فهي مدنية قل تعالوا أتل ما حرم ربكم عليكم

۱- تقریب التهذیب ص ۳۸۵.

۲- تقریب التهذیب ص ۳۹۲.

۳- ابن ابی حاتم، المراسیل ص ۱۳۰.

الأنعام إلى تمام الآيات الثلاث... وما تقدم من السور فهن مدنيات أعني سورة البقرة وآل عمران والنساء والمائدة حدثني يموت بذلك الإسناد بعينه^۱
سپس نحاس در آغاز هر سوره مکی و مدنی بودن آن را با موارد استثنای آن با همان سند فوق به صورت متفرق آورده است و سیوطی در اتقان سوره‌های مکی و مدنی را با استفاده از کتاب ناسخ و منسوخ نحاس جمع آوری نموده است.^۲

الف - معرفی راویان اثر:

یموت بن المزرع: ابوبکر بصری، صاحب تألیفات و طبق تعبیر ذهبی عالم معتمد بوده، ملاحظه‌ای بر اونیست، و در سال ۳۰۴ هـ وفات یافت.^۳
ابوحاتم: سهل بن محمد سجستانی. از علمای نحو، حافظ ابن حجر در باره وی می‌گوید: "صدوق فيه دعابة".^۴

ابوعبیده: معمر بن المثنی، نحوی. امام ذهبی او را نسبت اینکه نظریه خوارج را تأیید می‌کرد در لست راویان ضعیف در کتاب "المغنی فی الضعفاء" آورده است.^۵
یونس بن حبیب: ابوعبدالرحمن نحوی که در سال ۱۸۳ هـ وفات نموده، توثیق آن از هیچ یک از علمای فن جرح و تعدیل نقل نه شده است.
ابوعمر بن العلاء: مازنی نیز از علمای علم نحو به شمار می‌رود و در سال ۲۵۷ هـ در گذشت.^۶

مجاهد: ابن جبر مکی از مؤثق‌ترین و بزرگ‌ترین علمای علم حدیث و تفسیر بوده و از شاگردان ارشد عبدالله بن عباس محسوب می‌گردد.^۷

ب - درجه اثر:

۱- ابوجعفر نحاس، الناسخ والمنسوخ ج ۱ ص ۳۱۶.

۲- اتقان ج ۱ ص ۱۴.

۳- سیر اعلام النبلاء ج ۱۴ ص ۲۴۸.

۴- تقریب التهذیب ص ۲۵۸.

۵- ج ۲ ص ۶۷۱.

۶- تقریب التهذیب ص ۶۶۰.

۷- تقریب التهذیب ص ۵۳۰.

گرچند سیوطی سند این حدیث را (جید) گفته و راویان آن را مورد اطمینان توصیف نموده است. ولی از بررسی حال راویان آن معلوم می‌شود که این روایت نیز به درجهٔ ثبوت نمی‌رسد؛ زیرا دو راوی آن: ابوحاتم و ابوعبیده با اینکه از علمای مشهور عربیت هستند، ولی از نظر امامان جرح و تعدیل مجروح‌اند. و راوی دیگر این حدیث: یونس بن حبيب از طرف هیچ عالمی توثیق نگردیده؛ بناء مجهول شمرده می‌شود.

۶- روایت ابن عبد الكافی

ابن عبد الكافی در کتاب "بیان عدد سور القرآن وآياته وکلماته و مکیه و مدنیه" از عبدالله بن عباس در مورد تحدید سوره‌های مکی و مدنی نیز روایتی را به اسناد زیر نقل کرده است:

قال ابن عبد الكافی: سمعت الإمام أبا الحسن الفارسی، سمعت أبا بكر أحمد بن الحسين انه قال: روي عن عبد الله بن عمير عن ابيه عن عثمان بن عطاء الخراساني عن ابن عباس فذكر السور المكية والمدنية معا.^۱

معرفی راویان حدیث:

ابوالحسن فارسی: نام آن علی بن عبدالله مقرئ است. و ابوبکر احمد بن حسین بن مهران. این دو راوی از علمای و مؤلفین علم قرائت به شمار می‌روند.^۲

عبدالله بن عمیر و پدر وی عمیر بن عبدالله هلالی هردو راوی‌های ثقه‌اند.^۳ در مورد عثمان بن عطاء و پدرش عطاء خراسانی معلوماتی قبلاً ارائه گردید.

درجهٔ حدیث:

این اثر نیز مانند اثرهای گذشته ضعیف است به دلایل ذیل:

۱- المکی والمدنی فی القرآن الکریم ج ۱ ص ۲۶۹-۲۷۰.

۲- ذهبی، معرفة القراء الکبار ج ۱ ص ۳۴۷، حزی، غایة النهایة ج ۱ ص ۵۵۶.

۳- تقریب التهذیب ص ۳۱۶ و ۴۳۱.

۱- ابوبکر احمد بن حسین بن مه‌ران در سال ۳۸۱ هـ وفات یافته و از علمای قرن چهارم بود و روایت وی از عبدالله بن عمیر که سال وفات ۱۱۷ هـ بود، منقطع است.

۲- درگذشته بیان داشتیم که عثمان بن عطاء ضعیف، روایت عطاء خراسانی از عبدالله بن عباس منقطع است.

۷- روایت ابوعمر و دانی

روایت دیگری که در مورد تحدید مکی و مدنی سوره‌ها نقل شده، روایت ابوعمر و دانی است که در کتاب "البیان فی عد آی القرآن" به اسناد زیر از قتاده نقل می‌کند:

"أخبرنا فارس بن أحمد قال أنا أحمد بن محمد قال أنا أحمد ابن عثمان قال أنا المفضل بن شاذان قال أنا إبراهيم بن موسى قال أنا يزيد ابن زريع قال أنا سعيد عن قتادة قال المدني البقرة وآل عمران والنساء والمائدة والأنفال وبراءة والرعد والحج والنور والأحزاب والذين كفروا وإنا فتحنا لك فتحا مبينا ويا أيها الذين آمنوا لا تقدموا بين يدي الله ورسوله والمسبحات من سورة الحديد إلى يا أيها النبي إذا طلقتم النساء ويا أيها النبي لم تحرم ولم يكن الذين كفروا وإذا زلزلت وإذا جاء نصر الله مدني وما بقي مكي".^۱

بررسی سند:

فارس بن احمد: حمصی از قاریان مشهور، و راویان موثق و با اطمینان است.^۲
احمد بن محمد بن اسماعیل بناء: محدث مصر، امام ذهبی درباره وی می‌گوید:
"وكان ثقة خيرا دينا".^۳

احمد بن عثمان که نام پدرش محمد و عثمان نام جد وی است، از قاریان مشهور علم قرائت به حساب می‌رود.^۴

المفضل: ابن شاذان رازی، از استادان علم قرائت و راوی ثقة است.^۵

۱- ابو عمرو دانی، البیان فی عد آی القرآن ص ۱۳۵-۱۳۷.

۲- معرفة القراء الکبار ج ۱ ص ۴۷۹.

۳- سیر أعلام النبلاء ج ۱۶ ص ۲۶۲.

۴- معرفة القراء الکبار ج ۱ ص ۲۶۹.

۵- ابن أبی حاتم، الجرح والتعديل ج ۷ ص ۶۳.

ورایان دیگر این سند: ابراهیم بن موسی، یزید ابن زریع و سعید بن ابی عر وبه همه تفهاند.^۱

درجه اثر:

این روایت تا قتاده به ثبوت رسیده، ولی اثر مقطوع است.

۸- روایت بیهقی در دلایل النبوه

بیهقی در کتاب دلایل النبوه از عکرمه و حسن بن ابی الحسین در مورد سوره‌های مکی و مدنی قرآن چنین نقل نموده است:

"أخبرنا أبو عبد الله الحافظ قال أخبرنا أبو محمد بن زياد العدل قال حدثنا محمد بن إسحاق قال حدثنا يعقوب بن إبراهيم الدورقي قال حدثنا أحمد بن نصر بن مالك الخزاعي قال حدثنا علي بن الحسين ابن واقد عن أبيه قال حدثنا يزيد النحوي عن عكرمة والحسن بن أبي الحسن قالوا:

أنزل الله من القرآن بمكة (اقرأ باسم ربك الذي خلق). و (نون والقلم). والمزمل والمدثر و (تبت يدا أبي لهب). وإذا الشمس كورت). و (سبح اسم ربك الأعلى والليل إذا يغشى). والفجر والضحى والانشراح (ألم نشرح). والعصر والعاديات والكواثر (وألهاكم). و (و رأيت). (وقل يا أيها الكافرون). (وأصحاب الفيل). والفلق (وقل أعوذ برب الناس). (وقل هو الله أحد). والنجم (وعبس وتولى). (وإنا أنزلناه). (والشمس وضحاها). (والسما ذات البروج والتين والزيتون). (ولإيلاف قريش). و القارعة (ولا أقسم بيوم القيامة). والهمزة والمرسلات (وق القرآن المجيد). (ولا أقسم بهذا البلد). (والسما والطارق).

ثم نزلت بالمدينة (ويل للمطففين). والبقرة وآل عمران والأنفال والأحزاب والمائدة والملتحنة والنساء (وإذا زلزلت). والحديد ومحمد والرعد والرحمن (وهل أتى على الإنسان).

والطلاق (ولم یکن). والحشر (وإذا جاء نصر الله). والنور والحج والمنافقون والمجادلة والحجرات (ویا أيها النبی لم تحرم). والصف والجمعة والتغابن والفتح وبراءة) " ^۱.

راویان اثر:

منظور از ابو عبدالله الحافظ، حاکم نیشاپوری است که یکی از بزرگترین محدث و ثقه است. ^۲

راوی دیگر آن: ابومحمد بن زیاد العدل نیز طبق تعبیر امام ذهبی ثقه و معتمد است. ^۳

راوی سوم این اثر محمد بن اسحاق صغانی نیز موثق و مورد اعتماد علمای حدیث می‌باشد. ^۴

و هم چنان یعقوب بن ابراهیم دورقی، احمد بن نصر خزاعی ثقه هستند. اما علی بن حسین بن واقد و پدرش حسین بن واقد گرچند از لحاظ عدالت هیچ اعتراضی بر آنها نیست و از لحاظ حافظه اندکی ضعیف بودند؛ بنابر این حافظ ابن حجر اولی را درجه " صدوق یهم" ^۵ و دومی را " صدوق له اوهام" داده است. ^۶

و آخرین راوی اثر که یزید بن ابی سعید نحوی است به اتفاق علمای حدیث معتمد و موثق است.

درجه اثر:

پس از تحقیق و بررسی راویان سند به این نتیجه می‌رسیم که این اثر بدرجه حسن از عکرمه و حسین بن ابی الحسین ثابت شده، ولی حیثیت مرسل را دارد.

۱- دلائل النبوه ج ۲ ص ۱۴۲-۱۴۳.

۲- سیر اعلام النبلاء ج ۱۶ ص ۶۰۱.

۳- همان مصدر ج ۱۵ ص ۳۹۸.

۴- تقریب التهذیب ص ۴۹۶.

۵- تقریب التهذیب ص ۴۰۰.

۶- تقریب التهذیب ص ۱۱۶.

نتیجه تحقیق

از تحقیق روایات فوق و بررسی راویان آن به این نتیجه می‌رسیم که هیچ کدام از روایات مزبور از ضعف و گفتگو خالی نیست؛ روایت‌های: ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، و ۷ نسبت ضعیف بودن بعضی از روایان سند به درجهٔ ثبوت نمی‌رسد.

و آثار: ۲ و ۸، از لحاظ سند بدرجهٔ حسن و یا صحیح ارتقا می‌یابد، ولی این همه آثار مقطوعی‌اند که دربارهٔ تحدید مکی و مدنی آیات و سوره‌های قرآنی مرسل شمرده می‌شوند.

با توجه به قاعدهٔ دوم مکی و مدنی تنها راه مطمئن برای شناخت جزئیات و تفصیل این موضوع، اعتماد به روایات و نقل صحیح از محفوظات صحابه است که در مکان نزول وحی شاهد بوده و از نزول آیات دقیقاً باخبر بودند.

ولی مانعی هم وجود ندارد که به آثار تابعین، بخصوص در مواردیکه همه روایت‌های تابعین متفق، و روایت‌های ضعیف از صحابه نیز در تأیید آن باشد، استثناس نمود؛ چون مطمئن‌ترین راه شناخت موضوع - پس از روایت صحابه - همین راه است.



بخش هفتم:

**دلایل تفصیلی سوره‌های مکی و
مدنی و سوره‌های مورد اختلاف**

دلایل تفصیلی سوره‌های مکی

در بخش ششم توضیح گردید که روایات وارده در این موضوع خالی از اختلاف نیست، برخی از سوره‌ها از دیدگاه عده‌ای مکی، ولی براساس روایت یاروایات دیگر مدنی معرفی گردیده است و یا عکس آن.

همانگونه که بسیاری از این آثار از لحاظ نقد حدیثی به درجهٔ ثبوت نرسیده، یا ضعیف و یا هم در صورت ثبوت سند تا شخص تابعی مقطوع و در باب تحدید سوره‌ها مرسل به حساب می‌رود.

ولی با تحقیق و مطالعهٔ کتب تفسیر به مؤثر، کتاب‌های اسباب نزول و سایر کتاب‌های حدیث در می‌یابیم که در بارهٔ نزول و اسباب نزول سوره‌ها و آیات قرآن روایات واحادیث بی‌شماری نقل است و از این مجموعه احادیثی که از میزان نقد حدیثی به سلامت بدر آمده و به درجهٔ ثبوت رسیده باشد، نیز کم نیست و مطمئن‌ترین راه برای تحدید سوره‌ها و آیات مکی و مدنی قرآن همان روایات صحیح است.

اینک در این بخشی از بحث به نقل روایات واحادیث صحیح و حسن که در تحدید بسیاری از سوره‌ها به شکل جدا گانه به ثبوت رسیده است، پرداخته و از روایاتی که به ثبوت نرسیده، صرف نظر می‌نمایم؛ زیرا روایات ضعیفه - بخصوص در موضوع مورد بحث ما - هیچ‌گاه قابل استدلال نمی‌باشد.

تعداد و ترتیب سوره‌های مکی

در بخش گذشته روایات متعددی از یاران پیامبر ﷺ و علمای تابعین در مورد ترتیب سوره‌ها که کدام سوره در مکه نازل شده، و نزول کدام یک در مدینه بوده؟ چه سوره‌ای اول، و چه سوره‌هایی به ترتیب بعد آن قرار گرفته است؟ نقل نمودیم، و اختلافاتی در میان آن‌ها در تحدید مکی و مدنی بودن بعضی موارد نیز بوده است با توجه به روایات فوق و استناد به محکم‌ترین و قوی‌ترین آن‌ها تعداد سوره‌های که به اتفاق مکی اند (۷۵) سوره است. و ترتیب سوره‌های مکی را از نظر نزول چنین می‌توان ثبت کرد.

ترتیب سوره‌های مکی به اساس قوی‌ترین از اقوال:

علق، ن والقلم، یاأیها المزل، یاأیها المدثر، الفاتحة، تبت یدا ابي لهب، إذا الشمس كورت، تسبیح اسم ربك الأعلى، واللیل إذا یغشی، والفجر، والضحی، ألم نشرح، والعصر، والعادیات، إنا أعطیناك الكوثر، ألهاكم التكاثر، أرأیت الذی، قل یاأیها الكافرون، ألم تر كيف، قل أعوذ برب الفلق، قل أعوذ برب الناس، قل هو الله أحد، والنجم، عبس، إنا أنزلناه فی لیلۃ القدر، والشمس وضحاها، والسماء ذات البروج، والتین والزیتون، لإیلاف قریش، القارعة، لا أقسم بیوم القیامة، ویل لكل همزة، والمرسلات، ق والقرآن، لا أقسم بهذا البلد، والسماء والطارق، اقتربت الساعة، ص والقرآن، الأعراف، قل أوحی، یس والقرآن، الفرقان، الملائكة (فاطر)، كهیعیص، طه، الواقعة، طسم الشعراء، طس النمل، القصص، بنی اسرائیل، یونس، هود، یوسف، الحجر، الأنعام، الصافات، لقمان، سبأ، الزمر، حم المؤمن، حم السجدة، حم عسق، الزخرف، الدخان، الجاثية، الأحقاف، الذاریات، هل أتاك حدیث الغاشية، الكهف، النحل، إنا أرسلنا نوحا، سورة إبراهيم، الأنبياء، المؤمنون، حم السجدة، الطور، الملك، الحاقة، سأل سائل، عم يتساءلون، النازعات، إذا السماء انفطرت، إذا السماء انشقت، الروم، والعنكبوت.

سورة انعام:

سورة انعام به اتفاق مفسران مکی است، ابن عبدالبر اجماع علما را در این مورد نقل نموده می گوید: "وقد أجمعوا أن سورة الانعام مكية".^۱

دلایل مکی بودن این سوره:

۱- محتوای سوره:

هدف اساسی این سوره دعوت به اصول سه گانه مهم: توحید، نبوت و معاد است، ولی بیشتر روی مسأله یکتاپرستی و مبارزه با شرک دور می زند، بطوریکه قسمت مهمی از آیات این سوره روی همین موضوع بوده، اعمال، کردار و رسومات شرک آمیز مشرکان به صورت مفصل مورد نکوهش قرار می گیرد که این همه از ویژگی های سوره های مکی می باشد.

۱- ابن عبدالبر، التمهید ج ۱ ص ۱۴۶.

۲- روایات و آثاریکه در بخش تحقیق روایات (بخش ششم) گذشت، همه به مکی بودن سوره انعام اتفاق دارند.

۳- روایات متعدد از ابن عباس، ابن عمر، ابی بن کعب، ابن مسعود و انس بن مالک حاکی از آنست که سوره انعام همه یکجا هنگام شب در مکه بر پیامبر ﷺ فرود آمد.^۱

گرچند هیچ یک از این روایات خالی از ضعف نیست، ولی به طور مجموع با شواهد به درجه حسن لغیره ارتقا یافته، قابل استدلال شده می‌تواند. سیوطی بعد از نقل عده‌ای از این آثار می‌گوید: "فَهْذِهِ شَوَاهِدُ يَقْوَى بَعْضُهَا بَعْضًا"^۲.

۴- حدیث سعد بن ابی وقاص در سبب نزول آیه ۵۲ این سوره: "كنا مع النبي صلى الله عليه وسلم ستة نفر فقال المشركون للنبي صلى الله عليه وسلم: اطرد هؤلاء لا يجترؤن علينا. قال: وكنت أنا وابن مسعود ورجل من هذيل وبلال ورجلان لست أسميهما فوقع في نفس رسول الله صلى الله عليه وسلم ما شاء الله أن يقع فحدث نفسه فأنزل الله عز وجل ولا تطرد الذين يدعون ربهم بالغداة والعشي يريدون وجهه"^۳.

"سعد بن ابی وقاص می‌گوید: ما شش نفر همراه با پیامبر ﷺ بودیم که مشرکان گفتند: این‌ها را از نزد خود دور کن... پس این آیه نازل گردید". منظور از مشرکین در این حدیث مشرکان مکه است.

۵- حدیث عباده بن صامت باسند صحیح^۴: "من يباعني على هؤلاء الآيات ثم قرأ: ﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ﴾ حتى ختم الآيات الثلاث فمن

۱- ابو عبید، فضائل القرآن ص ۳۴۰، معجم الكبير ج ۱۲ ص ۲۱۵، ومعجم الصغير ج ۱ ص ۸۱، ابو نعیم، حلیة الاولیاء ج ۳ ص ۴۴، بیهقی، شعب الایمان ج ۲ ص ۴۷۰.

۲- اتقان ج ۱ ص ۱۲۰.

۳- الصحيح ج ۴ ص ۱۸۷۸.

۴- حکمت بشری، موسوعة التفسیر الصحيح ج ۲ ص ۲۸۲.

وفي، فأجره على الله، و من انتقص شيئاً أدرکه الله بها في الدنيا، كانت عقوبته و من أخر إلى الآخرة كان أمره إلى الله إن شاء عذبه و إن شاء غفر له".^۱

منظور عبادہ بن صامت از این بیعت، بیعت عقبہ است کہ در مکہ قبل از ہجرت بود.

و از این روایت استفادہ می شود کہ آیہ فوق قبل از بیعت عقبہ نازل شدہ است.

سورۃ اعراف:

سورۃ اعراف نیز بہ اتفاق مکی است بہ دلایل ذیل:

۱- آثار واردہ در مورد مکی و مدنی سورہا ہمہ بہ مکی بودن این سورہ اتفاق دارند.

۲- محتوای سورہ:

بحث از مبدأ و معاد، اثبات توحید و مبارزہ با شرک و بت پرستی، داستان آدم با ابلیس برای احیای شخصیت انسان، سرگذشت اقوام و پیامبران پیشین برای نشان دادن پیروزی مؤمنان راستین و شکست مشرکان و طغیانگران و... این ہمہ دلیل بر مکی بودن سورہ می باشد.

۳- طبق روایت مسلم از ابن عباس آیہ ۳۱ این سورہ در نکوہش مشرکان مکہ کہ زن و مرد بہ شکل عربان طواف می کردند، نازل گردیدہ است: "كَانَتِ الْمَرْأَةُ تَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَهِيَ عُرْيَانَةٌ فَتَقُولُ مَنْ يُعِيرُنِي تَطَوَّافًا تَجْعَلُهُ عَلَيَّ فَرْجَهَا وَتَقُولُ الْيَوْمَ يَبْدُو بَعْضُهُ أَوْ كُلُّهُ فَمَا بَدَا مِنْهُ فَلَا أَحِلُّهُ فَزَلَّتْ هَذِهِ الْآيَةُ (خُدُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ)".^۲

سورۃ یوسف:

این سورہ نیز بہ اتفاق مفسران در مکہ نازل شدہ در میان سلف، و مفسران هیچ اختلافی در این مورد نیست.^۳

۱- مستدرک حاکم ج ۲ ص ۳۱۸.

۲- صحیح مسلم ج ۴ ص ۲۳۲۰.

۳- زادالمسیر ج ۴ ص ۱۷، مساعد النظر ج ۲ ص ۱۸۴.

علاوه بر آثار و روایات گذشته و علاوه بر اینکه موضوع اساسی این سوره بر محور داستان یوسف علیه السلام دور می‌زند و بیان داستان پیامبران از خصایص سوره‌های مکی است، از حدیث سعد بن ابی وقاص استفاده می‌شود که این سوره قبل از سوره زمر نازل گردیده، و سوره زمر مکی است.

حاکم از سعد بن ابی وقاص در تفسیر آیه: ﴿مَنْ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ﴾ با سند حسن^۱ چنین نقل می‌کند: "نزل القرآن على رسول الله صلى الله عليه وسلم فتلا عليهم زمانا فقالوا: يا رسول الله لو قصصت علينا فأنزل الله عز وجل:

﴿الرَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ﴾ تلا إلى قوله: ﴿مَنْ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ﴾ فتلا عليهم زمانا.. فقالوا: يا رسول الله، لو حدثتنا فأنزل الله عز وجل: ﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا﴾ [الزمر: ۲۳].^۲

"قرآن بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل گردید، پیامبر صلی الله علیه و آله آن را بر مردمان بیان داشت، سپس از پیامبر صلی الله علیه و آله خواستند تا بر ایشان داستان گذشتگان را بیان دارد، خداوند این آیات را نازل فرمود:

﴿الرَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۱﴾
مَنْ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ﴾ [یوسف: ۱-۳]

و آن را بر ایشان خواند، سپس خواستار توضیح و بیان گردیدند که خداوند آیه: الله نزل احسن ﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا﴾ [الزمر: ۲۳] را نازل نمود...".

سوره ابراهیم:

در این بحث و گفتگو نیست که این سوره به اتفاق تمام مفسران مکی است.^۳ اختلاف در مورد اینست که آیا بعضی از آیات آن از این حکم مستثنا است؟ ابن عباس - طبق یک روایت - و قتاده آیه‌های ۲۸ و ۲۹ را مدنی می‌دانند.

دلایل مکی بودن سوره:

۱- موسوعة التفسير الصحيح ج ۲ ص ۷۷.

۲- المستدرک ج ۲ ص ۳۴۵.

۳- آلوسی، روح المعانی ج ۱۳ ص ۱۷۶، ابن عاشور، التحرير و التنوير ج ۱۳ ص ۱۷۷.

۱- محتوای سوره:

در این سوره بحث از مبدأ و معاد، رسالت، داستان پیامبران گذشته و سرگذشت عبرت انگیز اقوام گذشته است، این مطالب از ویژگی‌های سوره‌های مکی می‌باشد.

روایت ابن عباس در تفسیر آیه: ﴿وَأَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا﴾ [ابراهیم: ۲۸] می‌گوید که: این آیه در باره کفار مکه نازل گردیده است.^۱ (۷۴: ۲۲۹).

سوره‌های: بنی اسرائیل، مریم، طه و انبیاء:

سوره اسرا به اتفاق سلف مکی است، دلیل این ادعا روایت‌های آتی است: حدیث متواتر که در مورد اسرا و معراج وارد شده، این همه بیانگر آنست که "اسرا" در مکه بود چنان که در مورد کیفیت اسرا می‌خوانیم: " فرج من سقف بيتي وأنا بمكة " ^۲.

"من در حالیکه در مکه بودم سقف خانه من شکافته شد".

۲- روایت بخاری از عبدالله بن مسعود: "بنو اسرائیل والکھف و مریم وطه والانبیاء من العتاق الأول، وهن من تلادي".^۳

"سوره‌های: بنی اسرائیل، کهف، مریم، طه و انبیا از سوره‌های پیشین و کهن هستند".

از این روایت مکی بودن این سوره و سوره‌های بعدی و ترتیب میان این سوره‌ها و اسامی سوره‌های متذکره استفاده می‌شود.

۳- روایت بخاری از ابن عباس در باره آیه: ﴿وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافُ بِهَا

وَأَتَّبِعَ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا﴾ [الإسراء: ۱۱۰] که این هنگامی نازل شد که پیامبر ﷺ در مکه حالت اختفا بسر می‌برد.^۴

۱- صحیح البخاری، ج ۸ ص ۲۲۹.

۲- مأخذ قبلی ج ۱ ص ۴۴۷.

۳- مأخذ قبلی ج ۸ ص ۶۵۴.

۴- همان مأخذ ج ۸ ص ۲۵۷.

۴- طبق روایت امام احمد از ابن عباس آیه: ﴿وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوْلُونَ﴾ [الإسراء: ۵۹] در پاسخ مطالبه معجزه از طرف مشرکان مکه نازل شد.^۱

۵- طبق روایت بخاری از خباب بن ارت آیه ۷۶ سوره مریم در باره عاص بن وایل نازل گردیده است، هنگامیکه خباب بن ارت از آن تقاضای قرض خود را کرد، و او از پرداخت دین وی ابا ورزید: "جِئْتُ الْعَاصَ بْنَ وَائِلِ السَّهْمِيِّ أَنْقَاضَهُ حَقًّا لِي عِنْدَهُ فَقَالَ لَا أُعْطِيكَ حَتَّى تَكْفُرَ بِمُحَمَّدٍ ﷺ فَقُلْتُ لَا حَتَّى تَمُوتَ ثُمَّ تَبِعْتُ قَالَ وَإِنِّي لَمَيِّتٌ ثُمَّ مَبْعُوثٌ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ إِنَّ لِي هُنَاكَ مَالًا وَوَلَدًا فَأَقْضِيكَهُ فَزَلَّتْ هَذِهِ الْآيَةُ ﴿أَفْرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا﴾ [مریم: ۷۷].^۲

۶- روایت ابن عباس با سند صحیح^۳ در سبب نزول آیه ۹۸ سوره انبیا که این آیه در پاسخ مشرکان نازل گردیده است: "لما نزلت ﴿إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَرِدُونَ﴾ ﴿۹۸﴾ فقال المشركون: الملائكة و عيسى و عزيز يعبدون من دون الله فقال: لو كان هؤلاء الذين يعبدون آلهة ما وردوها قال فنزلت: ﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ﴾ ﴿۱۱﴾ عيسى و عزيز و الملائكة".^۴

عاص بن وایل از سردمداران کفار قریش بود، و همچنان منظور از مشرکان در حدیث ابن عباس مشرکان مکه است؛ پس این دو سبب نزول نیز دلیل مکی بودن سوره‌های مریم و انبیا است.

سوره فرقان:

این سوره به اتفاق جمهور در مکه نازل شده است. و نظر ضحاک که این سوره را مدنی می‌داند، مبنی بر هیچ دلیلی نمی‌باشد.^۵

۱- مسند احمد بن حنبل ج ۱ ص ۲۵۸، نسائی، تفسیر قرآن ج ۲ ص ۲۶۳.

۲- صحیح البخاری ج ۸ ص ۲۸۳، صحیح مسلم ج ۴ ص ۲۱۵۳.

۳- موسوعة التفسیر الصحیح ج ۳ ص ۳۹۷.

۴- المستدرک ج ۲ ص ۳۸۴-۳۸۵، ابوجعفر طحاوی، شرح مشکل الآثار ج ۳ ص ۱۵-۱۶.

۵- اتقان ج ۱ ص ۵۶.

بلکه محتوای سوره را که مسایلی چون: مبدأ و معاد، بیان نبوت پیامبر ﷺ، مبارزه با شرک و مشرکان، انذار از عواقب شوم کفر و بت پرستی و داستان پیامبران گذشته تشکیل می‌دهد، این همه نظریهٔ جمهور را تایید می‌کند.

افزون بر آن در روایت صحیحی از ابن عباس نقل است که در بارهٔ آیهٔ ۶۸:

﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ﴾ [الفرقان: ۶۸] "نزلت هذه الآية بمكة".^۱

سوره الشعراء:

در مورد مکی بودن این سوره نیز در میان مفسران اختلافی نیست، البته در مورد استثنای چند آیات آخر آن اختلافی است که در بخش "آیات مدنی در سوره‌های مکی" خواهد آمد.

لحن آیات این سوره نیز با دیگر سوره‌های مکی کاملاً هماهنگ است که بیشتر روی اصول اعتقادی چون: توحید، معاد و رسالت تکیه کرده و پیرامون همین مسایل دور می‌زند.

و از لحاظ روایت نیز روایت‌های صحیح نزول این سوره را در مکه تایید می‌کند:

امام بخاری از ابوهریره در مورد نزول آیهٔ ۲۱۴ چنین نقل کرده است:

"لما أنزلت هذه الآية ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾^۲ دعا رسول الله ﷺ قریشا فاجتمعوا فعم وخص...".^۳

"هنگامیکه این آیه نازل گردید، پیامبر ﷺ تمام قریش را جمع کرد، و بصورت عام و خاص آن‌ها را مورد خطاب قرار داد...".

چون این جریان در مکه رخ داده بود؛ بنا بر آن از روایت فوق مکی بودن این سوره با صراحت دانسته می‌شود.

سورهٔ روم:

۱- صحیح مسلم ج ۴ ص ۲۳۱۸.

۲- سوره شعراء: ۲۱۴.

۳- صحیح البخاری ج ۸ ص ۳۶۰.

سوره روم به اجماع علمای این فن مکی است، و محتوای آن نیز محتوای عمومی سوره‌های مکی از قبیل تکیه کردن به عقاید اساسی اسلام می‌باشد.

و در این مورد روایت صحیحی^۱ نیز از ابن عباس به ثبوت رسیده که این آیه هنگام پیروزی فارس بر روم و مقابله ابو بکر صدیق با مشرکان مکه نازل گردیده است:

"كان المشركون يحبون أن يظهر أهل فارس على الروم لأنهم وإياهم أهل أوثان وكان المسلمون يحبون أن يظهر الروم على فارس لأنهم أهل كتاب فذكروه لأبي بكر فذكره أبو بكر لرسول الله صلى الله عليه وسلم قال أما إنهم سيغلبون فذكره أبو بكر لهم فقالوا اجعل بيننا وبينك أجلا فإن ظهرنا كان لنا كذا وكذا وإن ظهرتم كان لكم كذا وكذا فجعل أجل خمس سنين فلم يظهروا فذكر ذلك للنبي صلى الله عليه وسلم قال ألا جعلته إلى دون قال أراه العشر قال أبو سعيد والبضع ما دون العشر قال ثم ظهرت الروم بعد قال فذلك قوله تعالى:

﴿غَلَبَتِ الْأُرُومُ﴾^(۲) إِلَى قَوْلِهِ ﴿يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ﴾^(۳) ﴿بَنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ﴾

[الروم: ۱-۵]

قال سفيان سمعت أنهم ظهروا عليهم يوم بدر".^۲

سوره لقمان:

این سوره نیز به اجماع علما مکی بوده و ویژگی‌های کلی سوره‌های مکی را مانند: توحید شناسی و مبارزه با شرک، اصول اخلاق را در بردارد.

و از حدیث صحیح که امام بخاری از عبدالله بن مسعود روایت نموده نیز مکی بودن آن استفاده می‌شود؛ زیرا این حدیث دلالت دارد که نزول آیه‌های این سوره قبل از آیه سوره انعام بوده و سوره انعام - قبلا توضیح گردید که - به اتفاق مکی است.

"لما نزلت ﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ﴾^(۴) شق ذلك على المسلمين فقالوا يا

رسول الله، أينا لا يظلم نفسه؟ قال (ليس ذلك إنما هو الشرك ألم تسمعون ما قال لقمان لابنه وهو يعظه) ﴿يَبْنِي لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾^(۵) ".^۳

۱- صحیح سنن ترمذی ج ۳ ص ۲۴۲.

۲- سنن ترمذی ج ۵ ص ۳۴۳-۳۴۵، مسند احمد ج ۱ ص ۲۷۶.

۳- صحیح البخاری ج ۸ ص ۳۷۲.

سوره یس:

این سوره به اتفاق مکی بوده و محتوای آن نیز محتوای عمومی سوره‌های مکی است که از توحید، معاد، قرآن، انذار و بشارت سخن می‌گوید.

و همچنان روایت ابن عباس در سبب نزول آیه: ﴿أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ﴾^(۷۷) نیز مکی بودن آن را تایید می‌کند؛ چون عاص بن وایل از مشرکان مکه بود.

حاکم در مستدرک^۱ از ابن عباس با سند صحیح^۲ نقل کرده او گفت: " جاء العاص بن وائل إلى رسول الله ﷺ بعظم حائل ففته فقال: يا محمد أبعث الله هذا بعد ما أرم؟ قال: نعم يبعث الله هذا يميئك ثم يحييك ثم يدخلك نار جهنم قال فنزلت الآيات:

﴿أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ﴾^(۷۷)

"عاص بن وایل استخوان پوسیده‌ای را با خود نزد پیامبر ﷺ آورد و آنرا نرم کرد و گفت: آیا خداوند این استخوان پوسیده را از نو زنده می‌کند؟ پیامبر ﷺ فرمود: آری، خداوند این را از نو زنده می‌کند و تو را می‌میراند، سپس زنده می‌کند، سپس وارد جهنم می‌سازد، پس این آیه نازل گردید.

سوره غافر:

این سوره به اتفاق سلف مکی است و محتوای آن همانند سوره‌های مکی بحث از مسایل مختلف اعتقادی، حکایت داستان موسی و فرعون، وعده نصرت به مؤمنان و سرکوبی ظالمان و جباران است.

و در این زمینه روایات صحیحی نیز است که از آن به مکی بودن این سوره استدلال می‌شود، امام بخاری از عروه بن زبیر نقل کرده که او گفت: " قَالَ: قُلْتُ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ: أَخْبِرْنِي بِأَشَدِّ مَا صَنَعَ الْمُشْرِكُونَ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي بِفِنَاءِ الْكَعْبَةِ إِذْ أَقْبَلَ عُقْبَةُ بْنُ أَبِي مُعَيْطٍ فَأَخَذَ بِمَنْكِبِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَلَوَى

۱- ج ۲ ص ۴۲۹.

۲- موسوعة التفسير الصحيح ج ۴ ص ۱۹۲.

ثَوْبُهُ فِي عُنُقِهِ فَخَنَقَهُ بِهِ خَنْقًا شَدِيدًا فَأَقْبَلَ أَبُو بَكْرٍ فَأَخَذَ بِمَنْكِبِهِ وَدَفَعَ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَقَالَ ﴿أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ﴾.^۱

این حدیث واقعه ای را باز گو می‌کند که در مکه بوقوع پیوسته است و در آن ما جرا ابوبکر صدیق به آیه ﴿أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ﴾^۲ استشهاد نمود و این دلیل بر آنست که نزول آیه ء مذکور قبل از آن ماجرا بود.

سوره فصلت:

این سوره نیز به اجماع علما مکی است و ویژگی‌های سوره‌های مکی مانند: تأکید به مسایل اعتقادی، اقامه دلایل آفاقی و انفسی، انذار و تهدید مشرکان و... را در بر دارد.

و همچنان روایت صحیحی که امام بخاری از عبد الله بن مسعود در سبب نزول آیه ۲۲ نقل کرده، استفاده می‌شود که این سوره در باره برخی از اهل مکه و ثقیف نازل گردیده است:

"كَانَ رَجُلَانِ مِنْ قُرَيْشٍ وَحَتَّىٰ لَهُمَا مِنْ ثَقِيفٍ أَوْ رَجُلَانِ مِنْ ثَقِيفٍ وَحَتَّىٰ لَهُمَا مِنْ قُرَيْشٍ فِي بَيْتٍ فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ أَتُرُونَ أَنَّ اللَّهَ يَسْمَعُ حَدِيثَنَا قَالَ بَعْضُهُمْ يَسْمَعُ بَعْضَهُ وَقَالَ بَعْضُهُمْ لَيْنِ كَأَنَّ يَسْمَعُ بَعْضَهُ لَقَدْ يَسْمَعُ كُلَّهُ فَأَنْزِلَتْ ﴿وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَرُكُمْ﴾.^۳

سوره شوری:

این سوره به اتفاق دانشمندان این فن از سوره‌های مکی محسوب می‌شود، آیات این سوره نیز بر محور ویژگی‌های سوره‌های مکی همانند: بحث از توحید، معاد، قرآن، رسالت و اصول اخلاقی دور می‌زند.

طبق روایت ابن عباس با سند حسن^۴ آیه:

۱- صحیح البخاری ج ۳ ص ۱۴۰۰.

۲- سوره غافر: ۲۸.

۳- همان مأخذ ج ۸ ص ۴۲۴.

۴- موسوعة التفسیر الصحیح ج ۴ ص ۲۸۹.

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ در باره قریش، هنگامی که پیامبر ﷺ را تکذیب نمودند، نارل گردیده است: "کان لرسول الله ﷺ قرابة في جميع قریش، فلما كذبوه وأبوا أن يبايعوه قال: "يا قوم إذا أبيتم أن تبايعوني فاحفظوا قرابتي فيكم لا يكن غيركم من العرب أولى بحفظي ونصرتي منكم".^۱

سوره زخرف:

این سوره نیز به اجماع علما مکی است و ویژگی کلی سوره‌های مکی مانند: بحث از اصول اعتقاد، توحید با دلایل آفاقی و مبارزه با شرک، اهمیت قرآن، مسأله معاد، سرگذشت پیامبران پیشین را دارا می‌باشد.

و از سبب نزول آیه ۵۷ ﴿وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصُدُّونَ﴾^(۵۷) که امام احمد باسند حسن^۲ روایت نموده نیز مکی بودن سوره دانسته می‌شود؛ چون در پاسخ پرسش قریش نازل شده است:

عن ابن عباس: إن رسول الله ﷺ قال لقریش: " إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ فِيهِ خَيْرٌ. وَقَدْ عَلِمْتَ قُرَيْشٌ أَنَّ النَّصَارَى تَعْبُدُ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا تَقُولُ فِي مُحَمَّدٍ فَقَالُوا يَا مُحَمَّدُ أَلَسْتَ تَزْعُمُ أَنَّ عِيسَى كَانَ نَبِيًّا وَعَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ صَالِحًا فَلَيْنَ كُنْتَ صَادِقًا فَإِنَّ إِلَهَتَهُمْ لَكَمَا تَقُولُونَ قَالَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ﴿وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصُدُّونَ﴾^(۵۷) قَالَ قُلْتُ مَا يَصُدُّونَ قَالَ يَضْجُونَ ﴿وَإِنَّهُ لَعَلَّمٌ لِلسَّاعَةِ﴾ قَالَ هُوَ خُرُوجُ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ".^۳

سوره دخان:

سوره دخان مانند سایر حوامیم از سوره‌های مکی است و از لحاظ محتوی نیز این سوره بیشتر به مسایل اصول اعتقاد از قبیل: توحید، معاد و اهمیت قرآن تکیه دارد.

۱- جامع البیان ج ۱۱ ص ۱۴۲.

۲- موسوعة التفسیر الصحیح ج ۴ ص ۳۰۸.

۳- مسند احمد ج ۴ ص ۳۲۸.

روایت هم این درایت را تایید می‌کند؛ چون بر مبنای روایت امام بخاری از عبدالله ابن مسعود آیه: ﴿فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ﴾^۱ در باره قریش نازل شده است:

"إِنَّ فُرْيَسًا لَمَّا غَلَبُوا النَّبِيَّ ﷺ وَاسْتَعْصَمُوا عَلَيْهِ قَالَ اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَيْهِمْ بِسَبْعِ كَسْبِ يُوسُفَ فَأَخَذَتْهُمْ سَنَةٌ أَكَلُوا فِيهَا الْعِظَامَ وَالْمَيْتَةَ مِنَ الْجَهْدِ حَتَّى جَعَلَ أَحَدُهُمْ يَرَى مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ السَّمَاءِ كَهَيْئَةِ الدُّخَانِ مِنَ الْجُوعِ قَالُوا ﴿رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ﴾^۲ فَقِيلَ لَهُ إِنْ كَشَفْنَا عَنْهُمْ غَادُوا فَدَعَا رَبَّهُ فَكَشَفَ عَنْهُمْ فَعَادُوا فَانْتَقَمَ اللَّهُ مِنْهُمْ يَوْمَ بَدْرٍ فَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى ﴿فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ﴾^۳ لِي قَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ ﴿إِنَّا مُنْتَقِمُونَ﴾^۴."

سوره احقاف:

سوره احقاف به استثنای آیه ۱۰ آن مکی است. محتوای عمومی سوره‌های مکی را مانند: توحید و مبارزه با شرک و مشرکان، عظمت قرآن، موضوع معاد و داستان قوم عاد، ترغیب به صبر و استقامت و... را در بردارد.

و از اینکه در آیه‌های ۲۹-۳۲ این سوره اشاره به داستان ایمان آوردن طایفه‌ای از جن شده، و این داستان به اساس روایات صحیح^۲ از ابن مسعود در مکه بود؛ بنابر این داستان مذکور دلیل بر مکی بودن سوره می‌باشد.^۳

سوره نجم:

این نخستین سوره‌ای است که دارای سجده تلاوت می‌باشد و پیامبر ﷺ این سوره را در محضر کفار مکه تلاوت کرد.

وجود سجده و اینکه پیامبر ﷺ قبل از هجرت به محضر قریش تلاوت نمود، دلیل صریح بر مکی بودن سوره است.

۱- صحیح البخاری ج ۸ ص ۴۳۴-۴۳۵.

۲- صحیح سنن الترمذی ج ۳ ص ۱۲۴.

۳- سنن ترمذی ج ۵ ص ۳۸۲-۳۸۳.

امام بخاری در این مورد از عبدالله بن مسعود چنین نقل کرده است: "أول سورة أنزلت فيها سجده والنجم، قال فسجد رسول الله ﷺ وسجد من خلفه إلا رجلاً رأيته أخذ كَفًّا من ترابٍ فسجد عليه، فرأيته بعد ذلك قتل كافرًا، وهو أمية بن خلفه".^۱

"نخستین سوره ایکه در آن سجده وجود دارد، سوره النجم است، هنگام تلاوت آن پیامبر ﷺ و سایر مردمان جز امیه بن خلف سجده کردند".

سوره قمر:

سوره قمر به اتفاق سلف از سوره‌های مکی به شمار می‌رود که هم از لحاظ موضوع مسایلی چون: معاد، جنت و دوزخ، حکایت سرگذشت اقوام پیشین و هم از لحاظ اسلوب آیات کوتاه ولی با تعبیرات تکان دهنده‌ای خصایص سوره‌های مکی را دارا است، علاوه بر آن روایات ذیل نیز شاهد این ادعا است:

۱- آیات نخست این سوره از حادثه شق القمر سخن می‌گوید و این ماجرا در مکه رخ داده بود: عن انس قال: "سأل أهل مكة أن يريهم آية فأراهم انشقاق القمر".^۲

براساس روایت بخاری از عائشه رضی الله عنها برخی از آیات این سوره در مکه نازل شده است: "لقد أنزل على محمد ﷺ بمكة واني لجارية العبد: ﴿بَلِ السَّاعَةِ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَذْهَىٰ وَأَمْرٌ ﴿٥١﴾﴾" ۳- آیات ذیل: ﴿يَوْمَ يُسْحَبُونَ﴾ در مورد خصومت مشرکان قریش راجع به تقدیر نازل شده است:

عن أبي هريرة قال: جاء مشركوا قريش يخاصمون رسول الله في القدر، فنزلت: ﴿يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ ﴿٤٨﴾ إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ﴿٤٩﴾﴾^۴

سوره قلم:

۱- صحیح البخاری ج ۸ ص ۴۸۳-۴۸۴.

۲- همان مأخذ ج ۸ ص ۴۸۶.

۳- همان مأخذ ج ۸ ص ۴۸۶.

۴- صحیح مسلم ج ۴ ص ۲۰۴۶.

علاوه بر آثاریکه قبلاً گذشت، محتوای این سوره هماهنگ با سوره‌های مکی است که آیات این سوره محور رسالت پیامبر ﷺ و سرزنش منکران رسالت، دعوت به صبر و استقامت و... دور می‌زند.

طبق تفسیر ابن عباس رضی الله عنهما مصداق آیه ﴿عُتِّلَ بَعْدَ ذَلِكَ زَيْبٍ﴾^۱ مردی از قریش است^۱ و از این تفسیر نیز مکی بودن سوره استفاده می‌شود.

سوره جن:

این سوره از ایمان آوردن جن به پیامبر ﷺ خبر داده است که در لابلای آن توحید، مبارزه با شرک و توضیح عقاید خرافی در میان جن و مسأله معاد به شکل واضح مطرح گردیده است. و این همه از خصایص سوره‌های مکی شمرده می‌شود. و در مورد حدیثی نیز به دست داریم که در باره نزول سوره جن در مکه صراحت دارد. امام ترمذی از عبدالله بن عباس با سند صحیح^۲ چنین نقل میکند:

"... انصرف أولئك النفر الذين توجهوا إلى نحو تهامة إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم وهو بنخلة عامدا إلى سوق عكاظ وهو يصلي بأصحابه صلاة الفجر فلما سمعوا القرآن استمعوا له فقالوا هذا والله الذي حال بينكم وبين خبر السماء قال فهناك رجعوا إلى قومهم فقالوا يا قومنا

﴿إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا ۖ يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ ۖ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا﴾^۳

فأنزل الله على نبيه ﴿قُلْ أَوْحَىٰ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ﴾^۳ وإنما أوحى إليه قول الجن...".^۳

"پیامبر ﷺ بسوی عکاظ - بازار طایف - میرفت و در وادی نخله با اصحاب خود مشغول نماز صبح بود و در آن تلاوت قرآن می‌کرد که گروهی از جن که در صدق تحقیق علت قطع اخبار آسمان‌ها از خود بودند و بطرف تهامه آمده بودند، قرآن را شنیدند و به او گوش فرا دادند و گفتند: علت قطع اخبار آسمان همین است، و بطرف قوم خود باز گشتند و آن‌ها را به سوی اسلام دعوت کردند، پس خداوند بر پیامبرش سخنان جن را نازل فرمود: ﴿قُلْ أَوْحَىٰ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ﴾".^۳

۱- صحیح البخاری ج ۸ ص ۵۳.

۲- موسوعة التفسیر الصحیح ج ۴ ص ۵۴۶.

۳- سنن ترمذی ج ۵ ص ۴۲۶ - ۴۲۷ و امام ترمذی سند آنرا حسن صحیح گفته است.

سوره مدثر:

در مبحث "نخستین آیه از لحاظ نزول" با دلیل بیان شد که سوره مدثر نخستین سوره قرآنی بعد از پنج آیات صدر سوره علق می باشد.

سوره مرسلات:

در این سوره مسایلی چون: معاد، بعضی از حوادث قیامت، تهدید و انداز منکران و سرگذشت اقوام پیشین به طور عبرت مطرح گردیده است که این همه از ویژگی های سوره های مکی می باشد.

سوره عبس:

سوره عبس هم از لحاظ موضوع که محتوای آن به طور عمده عظمت قرآن و مسأله مبدأ و معاد است و هم از لحاظ اسلوب که دارای آیات کوتاه ولی پرمحتوا و کوبنده است، خصایص سوره های مکی را دارد.

این درایت با روایت عایشه رضی الله عنها در مورد نزول آیات نخست سوره تأیید می گردد؛ طبق روایت صحیح^۱ از عایشه - رضی الله عنها - پیامبر صلی الله علیه و آله مصروف دعوت تعدادی از سران کفار به اسلام بود که عبد الله ابن ام مکتوم آمد و از پیامبر صلی الله علیه و آله خواست که او را تعلیم و آموزش بدهد، پیامبر صلی الله علیه و آله به او اعتنا نکرد، پس آیات نخست این سوره نازل گردید:

"أَنْزَلَ ﴿عَبَسَ وَتَوَلَّى﴾ فِي ابْنِ أُمِّ مَكْتُومِ الْأَعْمَى أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَجَعَلَ يَقُولُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَرَشِدْنِي وَعِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ مِنْ عِظْمَاءِ الْمُشْرِكِينَ فَجَعَلَ رَسُولٌ يُعْرَضُ عَنْهُ وَيَقْبَلُ عَلَى الْآخِرِ وَيَقُولُ أُنْزِلَ بِمَا تَقُولُ بِأَسَا فَيَقَالُ لَا فِي هَذَا أَنْزَلَ"^۲.

سوره اقرأ:

در مبحث نخستین آیه از لحاظ نزول توضیح گردید که این سوره (پنج آیات نخست آن). نخستین وحی نازل شده به پیامبر صلی الله علیه و آله است.

۱- صحیح سنن ترمذی ج ۳ ص ۱۲۶.

۲- سنن ترمذی ج ۵ ص ۴۳۲، مستدرک ج ۲ ص ۵۱۴.

سوره مسد:

براساس روایت‌های صحیح در سبب نزول آن، این سوره از جمله نخستین سوره‌های مکی است، هنگامیکه آیه ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ نازل گردید، پیامبر ﷺ در کوه صفا بالا شد و تمام قریش را جمع کرد، بصورت عام و خاص آن‌ها را مورد خطاب قرار داده آن‌ها را از عذاب خداوند بیم داد و ابو لهب در برابر دعوت وی گفت: مرگ بر تو، آیا بخاطر همین چیز ما را گرد آوردی! پس این سوره نازل شد. امام بخاری و مسلم از عبدالله بن عباس چنین نقل کرده‌اند:

"لما نزلت ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ ورهطك منهم المخلصين خرج رسول الله صلى الله عليه و سلم حتى صعد الصفا فهتف (يا صباحاه).. فقالوا من هذا فاجتمعوا إليه فقال (أرأيتم إن أخبرتكم أن خيلاً تخرج من سفح هذا الجبل أكنتم مصدقي).. قالوا ما جربنا عليك كذبا قال: (فإني نذير لكم بين يدي عذاب شديد) قال أبو لهب تبالك ما جمعتنا إلا ل هذا ثم قام. فنزلت ﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ﴾ وقد تب."^۱

سوره اخلاص:

گرچند در مورد مکی و مدنی بودن این سوره - بنا بر اختلاف روایات در سبب نزول آن - اختلاف نظری وجود دارد، ولی روایتی که به درجه حسن ثابت شده بیانگر آنست که این سوره در پاسخ مشرکان مکه و مطالبه ایشان از پیامبر ﷺ که باید اوصاف پروردگار خود را به آن‌ها بیان بدارد، نازل گردیده است، و این روایت مکی بودن سوره مورد بحث را تأیید می‌کند، و با محتوای سوره نیز هماهنگ است.

امام ترمذی، امام احمد و حاکم از ابی بن کعب در باره سبب نزول این سوره با سند حسن^۲

چنین نقل کرده‌اند: «إن المشركين قالوا لرسول الله صلى الله عليه و سلم: انسب لنا ربك فأنزل الله ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝﴾ فالصمد الذي لم يلد ولم يولد لأنه ليس شيء يولد إلا سيموت ولا شيء يموت إلا سيورث وإن الله عز و جل لا يموت ولا

۱- صحیح الباری ج ۸ ص ۶۰۹-۶۱۰، صحیح مسلم ج ۱ ص ۱۹۳-۱۹۴.

۲- موسوعة التفسير الصحيح ج ۴ ص ۶۸۱.

یورث ﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ قال لم یکن له شبیه ولا عدل ولیس کمثله شیء.^۱

ب- انواع سوره‌های مکی

طبق روایات و آثاریکه قبلاً توضیح گردید و به اساس برخی از روایات و حقایق تاریخی، و بادر نظر داشت خصایص و ویژگی‌های سوره‌ها، سوره‌های مکی به سه مرحله: ابتدائی میانی و پایانی تقسیم می‌گردد.

سوره‌های: علق، مدثر، مزمل، فاتحه، تکویر، اعلی و... از نخستین سوره‌های نازل شده قرآن‌اند.

وسوره‌های: عبس، تین، قارعه، قیامت، مرسلات و... در مرحله میانی دعوت اسلامی در مکه نازل شده‌اند.

همانگونه که سوره‌های: صافات، زخرف، دخان، ذاریات، کهف، ابراهیم و سجده مربوط به مرحله پایانی می‌شوند.

سوره‌های هر مرحله از لحاظ موضوع و اسلوب خصایص ویژه‌ای دارد که ذیلاً به تفصیل هرکدام آن می‌پردازیم:

۱- خصایص سوره‌های مرحله نخستین مکی:

در تمام سوره‌های نازل شده در مرحله ابتدائی مکی سخن از "وحی" و "دین" است؛ و توصیف قدرت خداوند و آثار رحمت او و بیان چگونگی سرای آخرت در مقایسه با زندگی این جهان و تصویر وترسیم تابلوهای از مناظر قیامت و اخطار به مشرکان که در انتظار عذابی در همین دنیا همانند عذاب تکذیب کننده گان پیامبران پیش از وی، و تصریح به یکسانی اصول عقاید و یگانگی ادیان آسمانی و اشاره به جهانی بودن این دعوت پر برکت و فراگیری آن نسبت به همه افراد بشر.

این‌ها موضوعات اصلی سوره‌های مکی قرآن در مرحله ابتدائی هستند، اگرچند درسوره‌های مختلف با اسلوب‌های متفاوتی بیان شده‌اند و با تعبیرهای متمایزی تنظیم شده‌اند.

۱- سنن ترمذی ج ۵ ص ۴۵۱-۴۵۲، مسند احمد ج ۵ ص ۱۳۳، المستدرک ج ۲ ص ۵۴۰ و سند آن را حافظ ابن حجر حسن گفته است. فتح الباری ج ۱۳ ص ۵۶.

و نیز بسادگی می‌توانیم دریابیم که آیات این سوره‌ها همه کوتاه‌اند. ایجاز فراوانی در آن‌ها بکار رفته است. سوگند به مظاهر آفرینش در آن‌ها بسیار آمده است، امر و نهی و استفهام و دیگر صیغه‌های انشائی (غیر خبری) در لابلای مقاطع مختلف آن‌ها جاگزین شده‌اند و به این سوره‌ها حرارت دیگری می‌بخشند.

کلماتی که در این سوره‌ها بکار رفته‌اند، کلمات زبانداز و انتخاب شده‌ای هستند... فاصله‌های موزون و قافیه دار آیات‌شان با ربتم شگفتی که دارند: گاهی هموار و گاهی موج، گاهی خشن و خشمگین و گاهی آرام و متین، گاهی توفنده و کوبنده، و گاهی مهربان و پناه دهنده، گاهی فریادگر و گاهی زمزمه آسا. و همچنین، مجسم کردن معنویات، و تشخیص بخشیدن به جامدات، و نسبت دادن حرکت و حیات و گفتگو به موجودات بی‌زبان؛ مناظر ترسیم شده در این سوره‌ها را با تابلوهای هنری برخوردار از آب و رنگ‌های زنده و با نشاط تبدیل کرده‌اند.^۱

۲- ویژگی‌های سوره‌های مرحله میانی مکی:

بر مبنای آثار و روایات سوره‌های: عبس، تین، قارعه، قیامت، مرسلات و... از سوره‌های میانی مکی به شمار می‌روند و در همه سوره‌های این مرحله ویژگی‌های موضوعی و اسلوب مرحله اول را مشاهده می‌کنیم و در هریک از سوره‌های این مرحله عیناً همین تصویرها، و همین حال و هوا را درک می‌کنیم، چیزیکه است یا افزوده شدن بعضی عقاید، یا اضافه شدن بعضی حقایق. بارزترین و جوه تمایز این مرحله از مرحله نخستین از این قرار است:

بعضی مطالب اضافی که در کنار حقایق اصلی در مرحله اول مطرح شده بود، در مرحله دوم به شکل موضوعات نسبتاً مستقلاً در آمده‌اند و بعضی از رنگ‌ها که سوره‌های این مرحله (مرحله دوم) زیادتر از سوره‌های مرحله اول با آن‌ها آراسته شده‌اند، توانسته‌اند اسلوب اختصاصی و جداگانه‌ای (در مقایسه با سوره‌های مرحله اول) به این سوره‌ها بدهند، گذشته از اصولی که در سوره‌های هر دو مرحله کاملاً مشخص و بارز مشاهده می‌شوند.

همه حقایقیکه مرحله اول در رابطه با آفرینش و زندگی انسان مورد بررسی قرار داده بود، در این مرحله دوم نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند، جز آنکه میدان بیان

وسعت گرفته، و جزئیات مطلب به تفصیل کشیده شده و بر نشانه‌های مشخص موضوعات مستقیماً پرتو افکنده شده است.^۱

۳- ویژگی‌های سوره‌های مرحله پایانی مکی:

ویژگی‌های سوره‌های این مرحله عبارت‌اند از:

طولانی بودن سوره‌ها و طولانی بودن آیات.

افتتاح تعدادی از این سوره‌ها با بعضی از حروف مقطعه.

طرف خطاب این سوره‌ها همگی مردم (ناس) هستند؛ نه فقط اهل مکه.

دعوت به احسان و عمل صالح برای نایل شدن به بهشت و رهائی یافتن از دوزخ.

توضیحی در باره امور غیبی مربوط به ذات و صفات خداوندی، ملائکه و حن و انبیا

با معجزات.

رجوع دادن هدایت و ضلالت به خداوند، در کنار آزادی و اختیاری که انسان در

زندگی دارد.

ارائه داستان‌های پیامبران و بخصوص پیشوایان معظم‌شان مانند حضرت ابراهیم.

ترسیم و تبیین عقیده توحید با اسلوب نوین.^۲



ج- آیات مکی در سوره‌های مدنی

سوره بقره:

الف- آیه ۱۰۹: ﴿فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ﴾ ابو عبیده معمر بن

المثنی با تمسک به محتوای آیه و دستور عفو و گذشت این آیه را استثنا نموده

می‌گوید: " و هذا قبل أن يؤمر بالهجرة والقتال، فكل نهي عن مجاهدة الكفار فهو قبل أن

يؤمر بالقتال وهو مكي".^۳

۱- همان مأخذ ص ۳۱۴-۳۱۵.

۲- همان مأخذ ص ۳۴۴.

۳- مجاز القرآن ج ۱ ص ۵۰.

یعنی این آیه قبل از هجرت و قبل از حکم جهاد نازل گردیده است و هم چنان در هر آیه‌ای که از جنگ با کافران نهی آمده، قبل از فرضیت قتال در مکه نازل گردیده است.

ولی این استثنا هم از لحاظ روند قرآنی و هم از لحاظ روایت مردود است؛ زیرا روند آیه در مورد اهل کتاب می‌باشد، در آغاز همین آیه می‌فرماید: ﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ﴾.



و هم چنان روایت صحیح^۱ که در سبب نزول آن ثابت شده، واضح می‌سازد که این آیه در مورد کعب بن اشرف یهودی که از اهل کتاب مدینه و شخص شاعری بود و پیامبر ﷺ را در شعرهای خود هجو می‌نمود، نازل شده است:

عن عبد الله بن كعب بن مالك عن أبيه: أن كعب بن الأشرف اليهودي كان شاعراً، وكان يهجو النبي ﷺ وفيه أنزل الله: ﴿فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ﴾^۲
فرمان عفو وگذشت با مدنی بودن آیه منافات ندارد؛ زیرا این یک دستور سازنده است که مسلمانان در مدینه بویژه در آغاز دور مدینه که پیامبر ﷺ با یارانش در ساختار یک جامعه و دولت اسلامی بودند، به چنین دستورات نیاز مبرمی داشتند.

ب- آیه ۲۷۲: ﴿لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ﴾.
امام سیوطی در جمله آیه‌هایی که از سوره بقره استثنا شده، آیه فوق را نیز شمرده است، ولی به متمسک این استثنا، وقایلین آن اشاره نکرده است.^۳
شاید تمسک قایلین این استثنا سبب نزول آیه باشد که می‌گوید:

این آیه در مورد برخی از مسلمانان که به اقارب مشرک خود انفاق می‌کردند، نازل شد، و برایشان این انفاق اجازه داده شد.^۴

۱- العجاب في بيان الأسباب ج ۱ ص ۲۲۵.

۲- ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم ج ۱ ص ۳۳۱.

۳- اتقان ج ۱ ص ۶۲.

۴- تفسیر النسائی ج ۱ ص ۲۸۲ باسند صحیح، حکمت بشیر، التفسیر الصحیح ج ۱ ص ۳۸۱.

در قاعدهٔ دوم مکی و مدنی توضیح گردید که استثنا براساس دلیل قطعی و صحیح می‌باشد، بادلائل ضعیف و یا احتمالات نمی‌توان آیه‌ای را از سورهٔ مکی و عکس آن استثنا نمود.

از ورود لفظ " مشرکین " در سبب نزول این آیه لازم نمی‌آید که آیهٔ فوق مکی باشد؛ زیرا لفظ " مشرکین " مشرکان مکه، اهل مدینه و... را نیز دربر می‌گیرد؛ لذا استثنای این دوآیه از سورهٔ بقره ثابت نبوده و تمام آیه‌های این سوره براساس قول راجح - چنان‌که قاسمی و.. نقل کرده اند- به اتفاق مدنی است.^۱

سورهٔ مائده:

بر مبنای روایت عکرمة از ابن عباس آیهٔ ۶۷ این سوره مکی باشد:

"کان رسول الله ﷺ یحرس، فکان یرسل معه ابوطالب کل یوم رجلاً من بنی هاشم یحرسونه، حتی إذا نزلت علیه هذه الآیه: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ قال: فأراد عمه أن یرسل معه من یحرسه، فقال: إن الله قد عصمني من الجن والإنس".^۲

" ابو طالب تعدادی از مردان بنی هاشم را غرض حراست پیامبر ﷺ می‌فرستاد، تا اینکه این آیه:

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ نازل گردید، پس از نزول آن پیامبر ﷺ فرمود: خداوند مرا از انسان‌ها و جن در حمایت خود گرفته است."

ولی این روایت ضعیف است؛ یکی از راویان آن نصر بن عبد الرحمن "متروک" است.^۳

هیثمی نیز این روایت را در مجمع الزوائد آورده و سند آن را ضعیف حکم کرده است.

۱- محاسن التأویل ج ۱ ص ۲۳۶.

۲- المعجم الكبير ج ۱۱ ۲۵۶-۲۵۷.

۳- تقریب التهذیب ص ۵۶۲ هیثمی نیز این روایت را در مجمع الزوائد ج ۷ ص ۲۰ آورده است و سند آن را ضعیف حکم کرده است.

علاوه بر اینکه با روایت‌های صحیح نیز منافات دارد؛ زیرا روایت‌های صحیح مدنی بودن آیه را می‌رساند.^۱

لذا امام ابن کثیر بعد از نقل روایت فوق می‌گوید: "وهذا الحديث غریب، وفيه نكارة؛ فإن هذه الآية مدنية، وهذا الحديث يقتضي انها مكية".^۲

سوره انفال:

صحیح آنست که تمام آیه‌های این سوره مدنی است، ولی عده‌ای از مفسران باتوجه به محتوای آیه‌های: ۳۰-۳۶ که حکایت از حال و اوضاع مکه و اهل مکه دارد، با استناد به بعضی آثار در این زمینه هفت آیات را استثنا نموده‌اند، اینک به تفصیل نقد روایات مذکور می‌پردازیم:

۱- ابن جریر طبری از طریق ابن جریر از مجاهد و عکرمه مکی بودن این آیه‌ها را نقل کرده است و هم چنان مقاتل در تفسیر خود این آیات را مکی می‌شمارد.^۳ ابن جریر در تفسیر خود روایت دیگری نقل کرده که از آن مکی بودن آیه ۳۰ سوره استفاده می‌شود، ولی هیچ یک از این روایات از میزان نقد حدیثی صحیح و سالم بدر نمی‌آید؛ زیرا روایت‌های مقاتل، عکرمه و مجاهد مرسل محسوب می‌شود.

امام ابن کثیر روایت سومی ابن جریر را مورد نقد قرار داده می‌گوید: " ذکر أبی طالب في هذا غریب جدا، بل منکر! لأن هذه الآية مدنية".^۴

از دلایل مکی بودن این آیه‌ها روایت صحیح البخاری است که می‌گوید: آیه: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ﴾ در پاسخ این گفتار ابوجهل: ﴿اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ﴾ نازل گردید.^۵

و این روایت مکی بودن آیات مورد بحث را می‌رساند.

۱- صحیح البخاری با فتح الباری ج ۷ ص ۴۹۰، صحیح مسلم ج ۴ ص ۱۷۸۶.

۲- تفسیر ابن کثیر ج ۲ ص ۸۱.

۳- تفسیر طبری ج ۵ ص ۲۳۰-۲۳۱.

۴- تفسیر ابن کثیر ج ۲ ص ۲۳۰.

۵- صحیح البخاری ج ۸ ص ۴۰۱.

قبلاً اشاره شد که: آیات فوق از حال واوضاع مکه واهل مکه واز واقعاتی که در مکه رخ داده، حکایت دارد، و از آن مکی بودن آیات لازم نمی‌آید.

امام بغوی به همچو مورد اشاره کرده می‌گوید: "والأصح انها نزلت بالمدينة، وإن كانت الواقعة بمكة"^۱. "صحيح آنست که این آیه مدنی است گرچند حادثه در مکه رخ داده بود".

و هم چنان سیوطی در اتقان آیه: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۲ را از آیات مکی شمرده است.^۲

دلیل این استئنا حدیثی است که بزار در مسند خود از ابن عباس نقل کرده که آیه مذکور هنگام ایمان آوردن عمر بن خطاب نازل گردید:

"لما أسلم عمر، قال المشركون: قد انتصف القوم منا، وأنزل الله عزوجل: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾"^۳ این حدیث در معجم طبرانی نیز با اندک تغییر آمده است.^۴

ولی هردو سند خالی از کلام نیست؛ از راویان بزار نضر بن عبد الرحمن، ودر روایت طبرانی شخصی بنام اسحاق بن بشیر کاهلی است واین هردو راوی متروک، وروایت شان قابل قبول نمی‌باشد.^۵

سورة توبه:

مقاتل بن سلیمان، ابوالقاسم نیشاپوری و ابن عطیه آیه‌های: ۱۲۸-۱۲۹: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ را مکی می‌دانند.

۱- تفسیر معالم التنزیل ج ۳ ص ۳۳۳.

۲- اتقان ج ۱ ص ۶۳.

۳- كشف الأسرار عن زوائد البزار ج ۳ ص ۱۷۲.

۴- المعجم الكبير ج ۱۲ ص ۶۰.

۵- تقریب التهذیب ص ۵۶۲، المغنی فی الضعفاء ج ۲ ص ۱۸۶.

شاید مستندشان مفهوم این دو آیه باشد که از حرص پیامبر ﷺ نسبت به قوم خود و از لطف و مرحمت وی سخن می‌گوید.

سیوطی این استثنا را غریب و دور از واقعیت می‌داند؛ زیرا در روایت‌های صحیح ثابت شده که این آیه از آخرین آیه‌های قرآن - طبق نظریه صحیح از آخرین آیه‌های سوره توبه - به حساب می‌آید.^۱

بعضی‌های آیه: ﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أَوْلَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾ را استثنا کرده‌اند؛ زیرا طبق حدیث صحیح این آیه هنگامی نازل شد که پیغمبر ﷺ اکرم به ابوطالب فرمود: " تا وقتی که نهی نه شده‌ام برای استغفار می‌کنم."^۲

و این گفتار پیامبر ﷺ هنگام وفات ابوطالب در مکه بود.

و نیز در شأن نزول همین آیه ترمذی از علی ﷺ با سند حسن نقل کرده که این آیه در باره مردی نازل شد که برای پدر و مادر مشرک خود طلب مغفرت می‌نمود.^۳

در سبب نزول آیه فوق روایت سوم نیز ثابت است. حاکم از ابن مسعود نقل کرده که او گفت: پیامبر اکرم ﷺ روزی به سمت قبرستان رفت، و در کنار قبری نشست، مناجات کرد و سپس گریست، آنگاه فرمود: قبریکه کنارش نشستم قبر مادرم است، و من از خداوند اذن خواستم برای دعا به او اجازه ام نداد، پس این آیه را بر من نازل کرد: ﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أَوْلَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾.

زرکشی و سیوطی در میان این روایات جمع کرده می‌گویند: این آیات بیش از یکبار نازل شده است.^۴

حافظ ابن حجر این آیه را در زمره آیاتی می‌شمرد که بیش از یک سبب داشته، ولی آیه بلافاصله بعد از وفات ابوطالب نازل نشده، بلکه بعد از گذشت مدتی، و وقوع سبب‌های سه‌گانه نازل گردیده است.^۱

۱- اتقان ج ۱ ص ۶۳.

۲- صحیح البخاری ج ۸ ص ۱۹۲.

۳- مسند احمد بن حنبل ج ۱ ص ۹۹، سنن ترمذی ج ۵ ص ۲۸۱.

۴- البرهان ج ۱ ص ۳۱، اتقان ج ۱ ص ۱۲۶.

سوره مجادله:

این سوره به اتفاق اهل علم مدنی است.^۲
 ولی طبق روایت عطا ده آیات نخست آن مدنی، وبقیه اش مکی است. وکلبی آیه: ۹
 را استثنا نموده است.^۳
 این هردو روایت مرسل و ضعیف‌اند و با چنین روایات ضعیف نمی‌توان بعضی
 آیه‌های سوره را که مدنی بودن آن قطعی است، استثنا نمود.

سوره تحریم:

در بخش دلایل سوره‌های مدنی توضیح گردید که تمام آیات این سوره در مدینه
 نازل شده جز آیات: ۱۱ و ۱۲ که سیوطی از قتاده مکی بودن آن را نقل کرده، و این
 استثنا نیز مبنی بر کدام دلیل صحیح نبوده؛ بنابر آن به اتفاق تمام آیات آن مدنی
 است.^۴

**مناقشه:**

با استناد به محکم‌ترین وقوی‌ترین روایات تعداد سوره‌های که به اتفاق مکی‌اند،
 (۷۵) سوره است.
 براساس برخی از روایات و حقایق تاریخی و با در نظر داشت خصایص و ویژگی‌های
 سوره‌ها، سوره‌های مکی به سه مرحله: ابتدائی میانی و پایانی تقسیم می‌گردد که
 سوره‌های هر مرحله از لحاظ موضوع و اسلوب خصایص ویژه‌ای دارد.
 استثنای برخی از آیات سوره بقره از حکم مدنی بودن بر مبنای روایات ضعیف بوده
 و تمام آیه‌های این سوره براساس قول راجح مدنی است.
 و همچنان استثنای آیات انفال، توبه، مجادله و تحریم نیز مبنی بر کدام دلیل صحیح
 نبوده؛ بنابر آن تمام آیات این سوره به اتفاق مدنی است.



۱- فتح الباری ج ۷ ص ۱۲۲۵-.

۲- التحرير والتنوير ج ۲۸ ص ۵.

۳- همان مأخذ.

۴- نحاس، ناسخ و منسوخ ج ۲ ص ۵۶۸، اتقان ج ۱ ص ۵۶.

اسامی و ترتیب نزول سوره‌های مدنی

به اساس قوی‌ترین قول که در نتیجه بررسی آثار و روایات این باب بدست آمده، ترتیب سوره‌های مدنی قرار آتی است: مطففین، بقره، أنفال، آل عمران، ممتحنه، نساء، إذا زلزلت، حدید، محمد، طلاق، لم یکن، حشر، نور، احزاب، حج، منافقون، مجادله، حجرات، تحریم، جمعه، صف، تغابن، فتح، مائده، توبه و إذا جاء نصر الله.

دلایل تفصیلی مدنی بودن این سوره‌ها:

سوره بقره:

در گذشته (بخش ششم این اثر) اشاره شد که تمام روایات و آثار وارده در مورد مکی و مدنی، این سوره را از جمله سوره‌های مدنی شمرده، و طبق روایت عکرمه اولین سوره مدنی می‌باشد.^۱

دلیل آن روایت صحیح است که امام بخاری از عایشه رضی الله عنها نقل کرده: "وما نزلت سورة البقرة والنساء إلا وأنا عنده...".^۲

"سوره بقره و نساء در زمانی نازل گردید که من نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودم".^۳

از دواج (زفاف). پیامبر صلی الله علیه و آله با عایشه در ماه شوال سال اول هجرت در مدینه بود.^۳

سوره آل عمران:

ابن عطیه، قرطبی و بقاعی اجماع علما را در مورد مدنی بودن آن نقل کرده‌اند.^۴ در بخش تحقیق روایات خواندیم که تمام آثار وارده در این مورد نیز به مدنی بودن این سوره اتفاق دارند و از هیچ یک از سلف روایتی بر خلاف این قول نقل نیست. ب- روایت‌های صحیح که در سبب نزول بعضی از آیات این سوره ثابت شده، نیز مدنی بودن سوره را تأکید می‌کند:

۱- الدر المنثور ج ۱ ص ۴۶.

۲- صحیح البخاری ج ۴ ص ۳۵۹.

۳- الإصابة فی تمییز الصحابة ج ۴ ص ۳۵۹.

۴- المحرر الوجیز ج ۳ ص ۵، مساعد النظر ۲ ص ۶۴.

۱- طبق روایت بخاری از انس به تعقیب نزول آیه ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ ابو طلحه (یکتن از انصار). محبوب‌ترین ثروت خود را که باغی نزد مسجد نبوی بود، صدقه کرد.^۱

جمله: "وكانت مستقبله المسجد" در روایت مذکور که منظور از آن مسجد نبوی در مدینه است، وهم چنان جمله: "كان أبو طلحة أكثر أنصاري..." و به تعقیب نزول آیه متذکره صدقه کردن ابوطلحه، این همه به مدنی بودن آیه دلالت صریح دارد.

۲- روایت صحیح دیگر از انس که آیه: ﴿لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ﴾ زمانی نازل شد که پیامبر ﷺ در جنگ احد زخم برداشت و در حق کفار دعای هلاکت می‌نمود.^۲

این حادثه در سال سوم هجری در مدینه بود.

ج- محتوای سوره نیز بیانگر مدنی بودن آنست؛ زیرا بخش نخست آن به اتفاق علما در مناظره اهل نجران نازل شده که هیئت نجران در سال ۹هـ در مدینه آمدند (۴۷: ۳۵۱).

و قسمت اعظمی دیگر این سوره در مورد داستان جنگ احد و اشاره گذرای به جنگ بدر دارد که این مطلب نیز دلیل مدنی بودن آن می‌باشد.

سوره نساء:

ابوجعفر نحاس با استناد به سبب نزول آیه: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ که در باره سپردن کلید کعبه به عثمان بن طلحه نازل شده، این سوره را مکی شمرده است.

و این نظریه به هیچ وجه قابل پذیرش نیست؟ و دلیل بطلان آن بشرح زیر:

۱- روایتی که می‌گوید: این آیه در مورد کلید مکه نازل شده است، ضعیف است.^۳

۱- صحیح البخاری ج ۸ ص ۱۷.

۲- صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۴۱۷.

۳- فتح الباری ج ۸ ص ۱۹.

۲- در صورت صحت این روایت طبق اصطلاح مشهور و تعبیر صحیح از مکی و مدنی، حتی آیه مذکور را مکی گفته نمی‌شود؛ چون موضوع سپردن کلید کعبه پس از هجرت بود.

۳- از مکی بودن یک آیه لازم نمی‌گردد که تمام آیه‌های سوره مکی باشد.

۴- تشریح احکام خانواده، یتیمان، زنان، احکام میراث، توضیح محرمات، احکام جهاد، بحث از منافقان و گروه‌های اهل کتاب و دیگر محتویات این سوره بیانگر مدنی بودن آن می‌باشد.

۵- از روایت‌های صحیح و صریح زیر نیز بطلان این قول استفاده می‌شود:

الف - حدیث عایشه: "مانزلت سورة البقرة والنساء إلا وأنا عنده".^۱

"سوره بقره و نساء در زمانی نازل گردید که من نزد پیامبر ﷺ بودم".

ب- روایت‌های متعدد در اسباب نزول بعضی از آیات این سوره نیز بیانگر مدنی بودن آیات این سوره است مانند: روایت مسلم از ابوسعید خدری در سبب نزول آیه ۲۵ که در باره اسیران جنگ اوطاس است.^۲

و روایت ترمذی از علی بن ابی طالب در سبب نزول آیه ۴۳ (در مورد نشه شدن شان قبل از تحریم نهائی شراب).^۳

و روایت ابن حبان با سند صحیح از ابن عباس در سبب نزول آیه ۵۰

(که این آیه در باره کعب بن اشرف یکی از سران یهود نازل شده است).^۴

و روایت بخاری از ابن عباس در سبب نزول آیه ۵۹ (که در باره عبد الله بن حذافه هنگام فرستادن وی در رأس یک سریه نازل شد)^۵

و روایت مسلم از عروه بن زبیر در سبب نزول آیه ۶۵ (که در باره مخاصمه زبیر با یکی از اهل مدینه نازل شده است).^۶

سوره مائده:

۱- صحیح البخاری ج ۴ ص ۳۵۹.

۲- صحیح مسلم ج ۱ ص ۱۰۷۹.

۳- السنن ج ۵ ص ۲۳۸ (با سند صحیح).

۴- الاحسان ج ۱۴ ص ۵۳۴.

۵- صحیح البخاری ج ۸ ص ۱۰۱-۱۰۲.

۶- صحیح مسلم ج ۴ ص ۱۸۲۹.

محتوای سوره مایده که به طور خلاصه: توضیح قسمتی از غذاهای حلال و حرام، احکام وضوء و تیمم، احکام سوگندها، احکام حج، تقبیح عملکردهای یهود، عقاید خرافی نصاری و... است، و این مطالب از وبژگی‌های عمومی سوره‌های مدنی می‌باشد. احادیث ذیل که در سبب نزول بعضی از آیات این سوره وارد شده، نیز حقیقت فوق را تأیید می‌نماید:

۱- امام بخاری از خلیفه راشد عمر بن خطاب در مورد نزول آیه: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ

لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ چنین

نقل نموده است: "نزلت عشية عرفة يوم الجمعة عام حجة الوداع".^۱

"در سال حجة الوداع روز جمعه بعد از چاشت روز عرفه نازل گردید".

۲- طبق روایت عایشه رضی الله عنها آیه تیمم (که آیه ششم این سوره است) در برگشت از

غزوه مریسیع نازل گردید.^۲ و غزوه مریسیع در سال ششم هجرت بود.

۳- بر مبنای روایت صحیح از براء بن عازب آیه‌های: ۴۱-۴۷ ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا

يَحْزُنكَ﴾ این سوره در باره یهود مدینه و قانون گزاری خود سرانته آنها نازل

گردیده است.^۳

۴- روایت ابن ابی شیبه با سند حسن از ابو هریره رضی الله عنه: "كنا إذا نزلنا طلبنا للنبی صلی الله علیه و آله

أعظم شجرة وأظلمها، فتنزل تحت شجرة فجاء رجل فأخذ سيفه فقال: يا محمد،

من يمنعك مني؟ قال: "الله". فأنزل الله: ﴿وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾.^۴

"ما هنگامیکه در سفرها غرض راحت توقف می‌کردیم، درخت بزرگ و پر سایه را

بری پیامبر صلی الله علیه و آله تخصیص می‌دادیم، تا اینکه مردی آمد، شمشیر او را گرفت و گفت: تو را

چه کسی از من حمایت می‌کند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: الله. پس این آیه را نازل نمود:

﴿وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾ "کلمه" "کنا" در این روایت دلیل مدنی بودن آیه بلکه

دلیل بر نزول آن بعد از اسلام ابی هریره در سال ۷هـ می‌باشد.

۱- صحیح البخاری ج ۸ ص ۱۱۹.

۲- همان مأخذ ج ۸ ص ۱۲۱.

۳- صحیح مسلم ج ۳ ص ۲۷۱۳.

۴- ابن حجر در فتح الباری ج ۶ ص ۹۸ درجه این روایت را حسن گفته است.

۵- طبق روایت ابن ابی حاتم با سند حسن^۱ آیه ۶۸ ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ﴾ در باره مالک بن صیف و گروهی از علمای یهود مدینه نازل شده است.^۲

۶- براساس روایت‌های متعدد که به درجه صحت و ثبوت رسیده است، آیه‌های ۹۰، ۹۱، ۹۲ این سوره آخرین آیات قرآنی در باره خمر است که به طور قطع آن را حرام اعلام نمود.^۳

و این حرمت به سال‌های میانی دور مدینه برمی‌گردد.



سوره انفال:

براساس روایت‌های گذشته در زمینه مکی و مدنی سوره‌ها، این دومین سوره مدنی و بنابر روایت عبدالله بن عباس رضی الله عنهما در مورد نزول سوره مطفین در مدینه - سوره انفال سومین سوره مدنی، و به اتفاق نزول آن در مدینه بعد از سوره بقره، پس از پایان یافتن جنگ بدر بوده است.

امام بخاری از سعید بن جبیر نقل کرده که او می‌گوید: "قلت لابن عباس: سورة الأنفال. قال: نزلت في بدر."^۴

"به ابن عباس گفتم: سوره انفال. او گفت: این سوره بدر است که در جنگ بدر نازل شده".

و همچنان روایت‌های صحیح که در سبب نزول آیه‌های: ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۱۷، ۹، ۱، و ۶۸ این سوره وارد شده^۵ با شمول محتوای سوره، این همه مدنی بودن سوره و آیه‌های آن را می‌رساند.

۱- فتح الباری ج ۸ ص ۲۶۹.

۲- تفسیر ابن ابی حاتم ج ۴ ص ۱۱۷۴.

۳- صحیح البخاری ج ۸ ص ۱۲۸، صحیح مسلم ج ۴ ص ۱۹۱۰.

۴- صحیح البخاری ج ۸ ص ۱۵۶.

۵- نگا: صحیح البخاری ج ۸ ص ۱۶۳، صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۳۸۴، ۱۳۸۳، ۱۳۶۷، مستدرک ج ۲

سوره توبه:

این سوره از جمله آخرین سوره‌های است که بر پیامبر ﷺ در مدینه نازل گردید. دقت در آیات این سوره نشان می‌دهد که تاریخچه نزول آن به سال‌های بعد از نقض پیمان صلح از طرف مشرکان قریش و فتح مکه برمی‌گردد، به طور مشخص قسمتی از این سوره قبل از جنگ تبوک، (که در سال ۹ هـ بود). و قسمتی به هنگام آمادگی برای جنگ و بخش دیگری از آن پس از مراجعت از جنگ نازل شده است. در مورد نزول آیه‌های این سوره روایات بی‌شماری است که از آن روایات تحدید زمان نزول سوره و آیه‌های آن دانسته می‌شود، به پاره‌ای از آن روایات ذیلاً اشاره می‌گردد:

- ۱- روایت براء بن عازب که می‌گوید: "آخر سوره نزلت براءة".^۱
"سوره براءة آخرین سوره قرآن از حیث نزول است".
- ۲- سبب نزول آیه ۸۴ و ماجرای مرگ عبدالله بن ابی منافق و نماز جنازه بر آن نیز دلیل بر مدنی بودن این سوره است؛ زیرا وفات ابن ابی در سال نهم هجری بود.^۲
- ۳- اشاره آیات ۲۵-۲۶ این سوره به غزوه حنین، و احادیثی که در تفسیر آیه، و تفصیل این حادثه به ثبوت رسیده است چون غزوه حنین در سال ۸ هـ پس از فتح مکه بوقوع پیوست.^۳

سوره نور:

- سوره نور به اتفاق تمام علمای تفسیر مدنی است به دلایل زیر:
- ۱- تشریح حدود: حد زنا، حد قذف و لعان که این همه در مدینه بود و از علایم سوره‌های مدنی به شمار می‌رود.
 - ۲- تشریح آداب اجتماعی: حجاب، سلام، آداب مجلس و آداب منزل و... وهم چنان ذکر منافقان از مطالب مهم این سوره است.
 - ۳- حدیث عباده بن صامت: "خذوا عنی، خذوا عنی فقد جعل الله لهن سبیلاً...".^۱

۱- صحیح البخاری ج ۸ ص ۱۶۷.

۲- مأخذ قبلی ج ۸ ص ۱۵۸.

۳- صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۳۹۸-۱۴۰۰.

این جمله حدیث: "فقد جعل الله لهن سبیلاً" اشاره به آیه ۱۵ سوره نساء دارد:

﴿أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا﴾^{۱۵} و از این حدیث دانسته می‌شود که نزول آیه دوم این

سوره بعد از آیه ۱۴ سوره نساء بوده و سوره نساء - طوری که بیان شد - مدنی است.

۴- حدیث‌ها و روایات متعددی که با اسناد صحیح در سبب نزول آیه‌های متعدد این سوره وارد و نقل است مانند: حدیث مرثد بن ابی مرثد^۲ با سند حسن در سبب نزول آیه سوم این سوره و روایت‌های متعدد در سبب نزول آیه‌ها: ۴- ۶ (موضوع لعان)^۳.

و روایت‌ها بی‌شماری در مورد تهمت زدن به عایشه و براءت آن در سبب نزول آیه‌های: ۹- ۲۲ این سوره^۴ و روایت جابر در سبب نزول آیه: ۳۳ (که نزول این آیه در مورد کنیزان عبد الله بن ابی منافق است)^۵.

و روایت عایشه رضی الله عنها با سند صحیح در سبب نزول آیه ۶۱^۶

تمام این روایات به طور قطع مدنی بودن این سوره را می‌رساند.

سوره احزاب:

بنابر روایت ابن ضریس از ابن عباس این چهارمین سوره‌ای است که در مدینه نازل گردیده.

محتوای سوره از قبیل سخن از منافقان، سخن از ظهار و اشاره به حکم آن و سخن از پسر خوانده‌ها و ذکر داستان غزوه احزاب، اشاره به غزوه بنو قریظه و اشاره به ایلای پیامبر صلی الله علیه و آله توضیح بعضی احکام خانواده و آداب اجتماعی، مسأله حجاب و... این همه حقایق و واقعاتی است که در دوره‌های میانی زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه رخ داده بود.

۱- صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۳۱۶

۲- این روایت در سنن ترمذی ج ۲ ص ۲۲۱، با سند صحیح نقل است، امام ذهبی و علامه البانی نیز صحت این روایت را تأیید نموده اند: صحیح سنن ترمذی ج ۳ ص ۸۰، مستدرک حاکم ج ۲ ص ۱۹۳.

۳- صحیح البخاری ج ۸ ص ۳۰۳، صحیح مسلم ج ۲ ص ۱۱۳۳، ۱۱۳۳۰.

۴- صحیح البخاری ج ۸ ص ۳۰۶-۳۰۹، صحیح مسلم ج ۴ ص ۲۱۲۹.

۵- صحیح مسلم ج ۴ ص ۲۳۲۰.

۶- تفسیر ابن ابی حاتم ج ۸ ص ۲۶۴۸، مجمع الزوائد ج ۲ ص ۱۱۸ (با سند صحیح).

افزون بر آن دلایل آتی نیز مدنی بودن این سوره را تثبیت و تأکید می‌کند:

۱- روایت بخاری از عایشه رضی الله عنها که آیه: ﴿ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ

لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ﴾ در باره بطلان پسر خاندگی سالم از طرف ابوحنیفه و... نازل گردید:

"أَنَّ أَبَا حُدَيْفَةَ تَبَيَّنَ سَالِمًا وَهُوَ مَوْلَى لِمَرْأَةٍ مِنَ الْأَنْصَارِ كَمَا تَبَيَّنَ النَّبِيُّ ﷺ زَيْدًا وَكَانَ مَنْ تَبَيَّنَ رَجُلًا فِي الْجَاهِلِيَّةِ دَعَاهُ النَّاسُ ابْنَهُ وَوَرِثَ مِنْ مِيرَاثِهِ حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ﴿ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ﴾".^۱

۲- امام بخاری در تفسیر آیه ۱۰ سوره این قول را نقل کرده است: "كان ذلك يوم الخندق".^۲

"این حالت در روز خندق رخ داده بود"

۳- امام مسلم از انس روایت نموده است که آیه ۲۲: (من المؤمنین رجال صدقوا....). در مورد انس بن نصر و امثال آن نازل شده است که در غزوه احد شهید شده بودند.^۳

۴- طبق روایت‌های صحیح آیه: ﴿وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ﴾ در باره زید بن حارثه و زینب بنت حش نازل شده که موضوع طلاق زینب در مدینه بود.^۴

۵- براساس حدیث صحیح آیه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ﴾ در ارتباط ازدواج پیامبر ﷺ با زینب، وولیمه آن، ودر مورد حجاب نازل گردیده است که این همه در سال‌های پنج یا شش در دوره زندگی پیامبر ﷺ در مدینه برمی‌گردد.^۵

۱- صحیح البخاری ج ۷ ص ۳۶۵.

۲- همان مرجع ج ۷ ص ۴۶۱

۳- صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۵۱۲

۴- صحیح البخاری ج ۸ ص ۳۸۳، صحیح مسلم ج ۲ ص ۱۰۴۸

۵- صحیح البخاری ج ۸ ص ۳۸۷-۳۸۸

سوره فتح:

بزرگترین دلیل مدنی بودن این سوره، مضمون و محتوای آنست؛ زیرا این سوره از حوادث مربوط به " صلح حدیبیه " و مسأله " بیعة الرضوان " سخن می‌گوید. و از کارشکنی‌های منافقان و نمونه‌های از عذرهای واهیشان در مورد عدم شرکت جهاد پرده بر می‌دارد. و این امور همه در مدینه بود، و واقعه صلح حدیبیه در سال ۶هـ برمی‌گردد.

افزون بر این روایات صحیح نیز تأیید می‌کند که نزول این سوره بعد از بازگشت از صلح حدیبیه بود.

در حدیث صحیح البخاری می‌خوانیم که پیامبر ﷺ در سفر بازگشت از صلح عمره را مورد خطاب قرار داده فرمود:

"لقد أنزلت عليّ الليلة سورة لهي أحب إلي مما طلعت عليه الشمس، ثم قرأ: ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا﴾^۱

"امشب بر من سوره‌ای نازل گردیده که بهتر است از آنچه که خورشید بر آن می‌تابد، سپس این سوره را تلاوت نمود".

از این روایت مدنی بودن این سوره و اینکه به طور کامل در سال ششم هجری یکجا نازل گردیده، استفاده می‌شود.

سوره حجرات:

این سوره از جمله سوره‌هایی است که در ارتباط آداب پیامبر ﷺ و جامعه اسلامی و بسیاری از مسایل مهم اخلاقی در آن عنوان گردیده است، بحث از آداب اجتماعی به صورت گسترده یکی از دلایل مدنی بودن آنست.

روایت‌های صحیح که در سبب نزول بعضی از آیات این سوره ثابت شده، نیز این حقیقت را تأیید می‌کند:

۱- برمبنای روایت عبدالله بن زبیر آیات نخست این سوره هنگام ورود هیأتی از قبیله بنو تمیم در مدینه در سال ۹هـ نازل گردید.^۲

۱- صحیح البخاری ج ۸ ص ۴۴۶.

۲- صحیح البخاری ج ۸ ص ۴۵۷.

۲- طبق روایت صحیح مسلم آیه: ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ﴾ در مورد دو گروهی از انصار نازل گردید.^۱

سوره مجادله:

سوره مجادله به اتفاق مدنی است و این اجماع با درایت و هم روایت تأیید شده است.

دلیل آن از درایت اینکه: در این سوره حکم ظهار، آداب مجلس، آداب ملاقات با پیامبر ﷺ جلسه‌های محرمانه و مخفیانه و شرایط آن و حکم ولاء و براء مطرح گردیده است که این همه از خصایص سوره‌های مدنی می‌باشد.

و روایت‌های وارده در سبب نزول برخی از آیات این سوره نیز این درایت را تأکید می‌کند:

۱- ابن ماجه از عایشه رضی الله عنها با سند صحیح^۲ نقل کرده که آیات نخست این سوره در مورد ظهار اوس بن صامت با خوله نازل گردیده است. و این حادثه در مدینه رخ داده بود.^۳

۲- طبق روایت صحیح^۴ از انس بن مالک آیه ﴿وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ﴾ در باره یهودان مدینه و بی‌ادبی شان در برابر پیامبر ﷺ نازل شده است.^۵

روایت اول از عایشه که ازدواج وی با پیامبر ﷺ در مدینه شده بود، و روایت حدیث دوم از طریق انس که صحابی انصاری است و عملاً به شکل شاهد عینی نقل می‌کنند، دلیل بر اینستکه این حوادث همه در مدینه بوده، و در مورد آن آیه‌ها فرود آمده است.

سوره حشر:

این سوره از غزوه بنی نضیر و تبعید آن‌ها در مدینه و از برخورد منافقانه منافقان مدینه سخن می‌گوید که این واقعات همه در سال دوم هجرت در مدینه بود.

۱- صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۴۲۴.

۲- صحیح ابن ماجه ج ۱ ص ۳۵۲.

۳- سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۶۶۶.

۴- صحیح سنن ترمذی ج ۳ ص ۱۱۴.

۵- سنن ترمذی ج ۵ ص ۴۰۷ با سند صحیح.

و روایات هم این درایت را تأکید می‌کند؛ امام بخاری از عبدالله بن عباس نقل کرده که در مورد این سوره می‌گوید: "نزلت فی بنی النضیر".^۱
 به اساس روایت صحیح از عایشه رضی الله عنها غزوه بنی نضیر شش ماه بعد از جنگ بدر بود.^۲

سوره ممتحنه:

محتوای این سوره و روایت‌های صحیح مانند: قصه حاطب بن ابی بلتعنه که سبب نزول این سوره است، نه تنها مدنی بودن این سوره را می‌رساند، بلکه مشخص می‌سازد که آیات این سوره در اثنای مصالحه پیامبر صلی الله علیه و آله با اهل مکه که در سال ۶هـ و یا بعد از آن نازل گردیده است.^۳

سوره صف:

دلیل بر اینکه این سوره در مدینه نازل شده، ذکر فریضة جهاد و تشویق برآن در این سوره، و روایتی که امام ترمذی از عبدالله بن سلام با سند صحیح^۴ نقل کرده است:

" قعدنا نفر من أصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله فتذاکرنا، فقلنا: لنعلم أى الأعمال أحب إلى الله لعلنا، فأنزل الله تعالى: ﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿۱﴾"^۵

"ما تعدادی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله به بحث و گفتگو پرداخته گفتیم: هر عملیکه نزد الله محبوب‌تر بوده باشد، برآن عمل نماییم، سپس این آیه نازل گردید: ﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي

السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱﴾"

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿۱﴾﴾ "

۱- صحیح البخاری ج ۸ ص ۴۵۷.

۲- صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۴۲۴.

۳- صحیح البخاری ج ۸ ص ۲ و ج ۵ ص ۳۲۳، صحیح مسلم ج ۱۹۴۱.

۴- فتح الباری ج ۸ ص ۵۰۹.

۵- سنن ترمذی ج ۵ ص ۴۱۲-۴۱۳، مستدرک ج ۲ ص ۴۹۳.

از روایت فوق استفاده می‌شود که نزول این سوره پس از مسلمان شدن عبدالله بن سلام بوده، و عبدالله بن سلام از اهل مدینه و در مدینه پس از هجرت مشرف به اسلام گردید.

سوره جمعه:

از دلایل مدنی بودن این سوره:

۱- روایت ابی هریره است: "كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ النَّبِيِّ ج فَأُنزِلَتْ عَلَيْهِ سُورَةُ الْجُمُعَةِ...".^۱ (۷۴: ۵۱۰).

"ما نزد پیامبر ﷺ نشستیم که بر وی سوره جمعه نازل شد".

چون ابو هریره در سال ۷ هـ مشرف به اسلام شد.

۲- مباحله با یهود در آیه ۸ این سوره.

۳- آیه ۹-۱۲ در مورد فرضیت جمعه که در مدینه بود.

۴- طبق روایت بخاری از جابر نزول آیه ۱۱ سوره در مورد ورود کاروان تجارتی در مدینه بود.^۲

سوره منافقون:

در مورد مدنی بودن این سوره هیچ روایاتی نقل نمی‌بود، محتوای این سوره - که از آغاز تا پایان در مورد معرفی منافقان، و از عمل‌های زشت آن‌ها سخن می‌گوید- کفایت می‌کرد، و همچنان حدیث صحیح که از طریق زید بن ارقم در سبب نزول این سوره ثابت شده نیز این درایت را تأیید می‌نماید.^۳

سوره طلاق:

علاوه بر اینکه محتوای سوره تشریح و توضیح احکام طلاق است که از خصایص سوره‌های مدنی شمرده می‌شود، حدیث عبدالله بن مسعود: "نزلت سورة النساء القصری بعد الطولی".^۴ "سوره نساء کوچک بعد از سوره نساء بزرگ نازل شده است".

۱- صحیح البخاری ج ۸ ص ۵۱۰.

۲- همان مأخذ ج ۸ ص ۵۱۱.

۳- صحیح البخاری ج ۸ ص ۵۱۵، صحیح مسلم ج ۴ ص ۲۱۴۰.

۴- صحیح البخاری ج ۸ ص ۶۵۴.

در مدنی بودن این سوره صراحت دارد؛ زیرا منظور از "الطولی" سوره بقره است، و سوره بقره - قبلاً توضیح گردید که - به اتفاق مدنی است، و نزول این سوره براساس تعبیر عبدالله بن مسعود پس از بقره بود.

سوره تحریم:

دلیل مدنی بودن این سوره روایت‌های صحیح است که در سبب نزول آیات نخست این سوره وارد شده:

- ۱- طبق روایت بخاری از عایشه این آیات در مورد غسل نوشی پیامبر ﷺ نزد زینب و غیرت عایشه و حفصه در برابر وی نازل گردیده است.^۱
- ۲- براساس روایت نسائی از انس باسند صحیح^۲ سبب نزول این آیات موضوع کنیز و غیرت عایشه و حفصه در برابر او می‌باشد.^۳ (۱۵۴: ۷۸، ۱۵۶: ۴۹۲) که ازدواج پیامبر ﷺ با ایشان و همچنان ماجرای غسل و کنیز در مدینه بود.

سوره مطفین:

این سوره بر مبنای قاعده "تعیین مکی و مدنی بودن سوره‌ها به تبعیت از آغاز سوره می‌باشد" مدنی است و دلیل آن روایت عکرمه از ابن عباس با سند حسن^۴:

"لما قدم النبي ﷺ المدينة كانومن أخت الناس كيلاً، فأنزل الله سبحانه: ﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ﴾ فَأَحْسِنُوا الْكَيْلَ بَعْدَ ذَلِكَ".^۵

"هنگام ورود پیامبر در مدینه، باشندگان مدینه، از لحاظ وزن و پیمانانه کردن از بدترین مردمان بودند، خداوند این آیه: ﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ﴾ را نازل فرمود، بعد از نزول این آیه پیمانانه‌های خود را اصلاح نمودند".
از روایت فوق بخوبی استفاده می‌شود که نزول مطفین بعد از ورود پیامبر ﷺ در مدینه بود.

۱- صحیح البخاری ج ۸ ص ۶۵۶.

۲- صحیح سنن نسایی ج ۳ ص ۸۳۱.

۳- سنن نسائی ج ۷ ص ۱۵۴، مستدرک ج ۲ ص ۴۹۳.

۴- صحیح ابن ماجه ج ۲ ص ۱۹ فتح الباری ج ۸ ص ۶۹۵-۶۹۶.

۵- سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۸۱.

سوره نصر:

براساس روایت‌های صحیح این سوره نه تنها مدنی است، بلکه آخرین سوره از لحاظ ترتیب نزول می‌باشد:

عبدالله بن عباس از عبیدالله بن عباس بن عتبه در باره آخرین سوره قرآن می‌پرسد: "تعلم آخرسورة نزلت من القرآن، نزلت جميعاً؟" عبیدالله گفت: بلی، سوره ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾^۱ است. عبدالله بن عباس سخنان او را تأیید نموده فرمود: "صدقت".^۱

براساس روایت صحیح از عبدالله بن عباس نزول این سوره اعلام وفات پیامبر ﷺ است.^۲

یعنی این آخرین سوره است که با نزول آن رسالت تکمیل یافته، ومسئولیت پیامبر ﷺ پایان می‌یابد.

۲- انواع سوره‌های مدنی

سوره‌های مدنی نیز از لحاظ نزول به مراحل سه گانه: ابتدائی، میانی و پایانی تقسیم می‌گردد که مرحله ابتدائی که در سال‌های نخست هجرت تا سال پنجم هجری که آغاز ساختار یک جامعه سالم انسانی و اساس دولت اسلامی بدست پیامبر ﷺ در مدینه و از لحاظ نظامی در مرحله دفاع از جامعه و دولت تو تأسیس بود، نازل گردیده است. از سوره‌های این مرحله مطیفین، بقره، انفال و... است.

پس از شکست چشمگیر قبایل و احزاب در جنگ احزاب (خندق) دور میانی مدینه آغاز می‌گردد که در این مرحله: پایه‌های حکومت اسلامی مستحکمتر شده نه تنها توان دفاع از مرز دولت اسلامی را دارد، بلکه توان تهاجم بر طغیانگران را نیز پیدا کرده است.

سوره‌های: محمد، طلاق، حشر، نور، منافقون، مجادله و حجرات را می‌توان از مرحله تنزیل این دور شمرد.

۱- صحیح مسلم ج ۴ ص ۲۳۱۸.

۲- صحیح البخاری ج ۴ ص ۱۹۰۱.

فتح مکه صفحه جدیدی در تاریخ دعوت اسلامی می‌باشد که با این فتح نفوذ و اوج گرفتن دولت اسلامی با درهم شکستن آخرین مقاومت مشرکان آغاز می‌گردد. سوره‌های که پس از فتح مکه نازل گردیده، مرحله سوم یا نهائی نزول وحی در مدینه را تشکیل می‌دهند که نزول سوره‌های: تحریم، جمعه، مایده، توبه، نصر و... در این مدت بوده است.

ویژگی‌های مشترک سه مرحله: فرمان جهاد، تشریح احکام، سخن از منافقان و کار شکنی‌های آن‌ها، سخن از اهل کتاب و توضیح عقاید خرافه آمیز و اعمال زشت آن‌ها است.

و هرکدام از مراحل سه گانه باتناسب به شرایط، اوضاع و مقام ویژگی‌های مشخصی دارد مانند اینکه:

۱- سوره‌های مرحله آغازی اشاره به غزوات بدر، احد، بنو نضیر، مریسعی و... و سوره‌های میانی چون: سوره فتح به صلح حدیبیه، خیبر و فتح مکه... و سوره‌های پایانی از جنگ‌های: حنین، تبوک سخن می‌گوید.

۲- مرحله آغازی چون سوره بقره، آل عمران و نساء بیشتر به تربیه خانواده سالم که زیر بنای جامعه است، پرداخته، و از افراد مستضعف مانند: یتیمان و زنان حمایت نموده، و دستوره‌های لازم برای نگهداری و مراقبت از حقوق آن‌ها صادر نموده است.

مرحله میانی علاوه بر امور خانوادگی، به تشریح قوانین اجتماعی، و قوانینی که در سالم سازی جامعه مؤثر است، نیز می‌پردازد.

از آنجا که سوره‌های مرحله نهائی در زمانی نازل شده که دولت اسلامی در حال نفوذ و جامعه گسترده اسلامی تشکیل شده بود و از لوازم این جامعه و این حکومت نیازهای اقتصادی، روابط بین المللی - صلح، جنگ، جزیه و... می‌باشد؛ بنا براین در سوره‌های این مرحله تفصیل مصارف زکات، روابط بین الملل، فرمان جهاد به طور قاطعانه و... مطرح گردیده است.

۳- آیات مدنی در سوره‌های مکی

سیوطی در اتقان آیات مدنی که در سوره‌های مکی وارد شده با دلایل آن ذکر کرده است.^۱ ولی در بیشتر موارد دلایل این استثنا ضعیف بوده، ذیلاً تنها به مواردیکه با دلایل صحیح ثابت شده اکتفا می‌کنیم:

آیات مدنی در سورهٔ انعام:

سیوطی در بارهٔ آیه‌های مدنی این سوره می‌گوید: ابن الحصار گفته که: نه آیه از آن استثنا شده است، ولی روایت صحیحی در این باره نیست، بخصوص که روایت شده: تمام آیات این سوره یکجا نازل گشته است.^۲

در استثنای آیهٔ ۹۱ ﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ﴾ ابن جریر روایتی باسند حسن از طریق علی ابن ابی طلحه از ابن عباس نقل کرده که این آیه در بارهٔ یهود نازل شده است.^۳

از لحاظ موضوع نیز محتوای آیه به آیات مدنی می‌ماند، بخصوص این بخش آیه: ﴿تُبَدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا﴾ باصراحت می‌رساند که مورد خطاب در این جمله اهل کتاب است چنان که از قتاده باسند صحیح نقل شده: "هم اليهود والنصارى".^۴ و مجادله با اهل کتاب از خصایص آیه‌های مدنی می‌باشد.

سورهٔ هود:

آیهٔ ۱۱۴: ﴿وَأَقِمْ الصَّلَاةَ ظَرْفِي النَّهَارِ وَرُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ مدنی است.

دلیل استثنای آن روایت صحیحی است که از طرق مختلف نقل شده که این آیه در بارهٔ ابو الیسر در مدینه نازل گشت.^۵

۱- اتقان ج ۱ ص ۶۲-۷۰.

۲- همان مأخذ.

۳- جامع البیان ج ۵ ص ۲۶۳ دکتور حکمت بشیر این اثر را در موسوعة التفسیر الصحیح ج ۱ ص ۲۵۶ نقل کرده و سند آنرا حسن قرار داده است.

۴- تفسیر ابن ابی حاتم ج ۴ ص ۱۳۴۲.

۵- صحیح البخاری ج ۸ ص ۲۰۶، صحیح مسلم ۴۹۰ ص ۲۱۱۵-۲۱۱۶.

سوره نحل:

این سوره مکی است، ولی آیه ۱۲۶ ﴿وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ﴾^۱ براساس روایت صحیح^۱ از ابی بن کعب هنگام فتح مکه نازل گردید.^۲

سوره اسراء:

آیه: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي﴾ از آن استثنا شده است به دلیل حدیث متفق علیه از ابن مسعود که این آیه در پاسخ پرسش یهود در مدینه نازل گردید.^۳

سوره حج:

بنابر قول راجح این سوره مکی است، وچند آیات آن از این حکم مستثناست که تفصیل آن با دلایل در بخش سوره‌های مورد اختلاف توضیح خواهد گردید.

سوره قصص:

طبق روایت صحیح از مجاهد وقتاده آیات ۵۲-۵۴ این سوره در باره مسلمانان اهل کتاب، و به اساس روایتی از ابن عباس رضی الله عنهما و سعید بن جبیر در باره اصحاب نجاشی که به مدینه آمده بودند، نازل شده است.^۴

سوره سجده:

آیه شانزدهم: ﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا﴾ بر مبنای روایت صحیح^۵ از انس بن مالک مدنی است: "إن هذه الآية نزلت في انتظار هذه الصلاة التي تدعى العتمة".^۶

۱- صحیح سنن ترمذی ج ۳ ص ۶۷.

۲- مستدرک ج ۲ ص ۳۵۸-۳۵۹، سنن ترمذی ج ۵ ص ۲۹۹.

۳- صحیح البخاری ج ۸ ص ۴۰۱.

۴- جامع البیان ج ۷ ص ۸۴-۸۵، ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم ج ۴ ص ۴۰۵.

۵- صحیح سنن ترمذی ج ۳ ص ۷۹.

۶- سنن ترمذی ج ۵ ص ۳۴۶.

زیرا راوی حدیث انس بن مالک انصاری است و از انتظار نماز عشا در مدینه حکایت کرده می‌گوید که: این آیه در این مورد نازل گشته است.

و این احتمال نیز است که انس رضی الله عنه انتظار برای نماز عشا را از مصداق‌های این آیه بشمارد؛ چون صیغه: "نزلت" در سبب نزول صریح نیست.

سوره سبأ:

آیه ﴿وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ﴾ از این سوره استثنا شده است، به دلیل روایت ترمذی از فروه بن نسیک مرادی با سند صحیح^۱ که گفت: "أتيت النبي صلى الله عليه وسلم فقلت يا رسول الله ألا أقاتل من أدبر من قومي بمن أقبل منهم؟ فأذن لي في قتالهم وأمرني فلما خرجت من عنده سألت عني ما فعل الغطيفي؟ فأخبرني أني قد سرت قال فأرسل في أثري فردني فأتيته وهو في نفر من أصحابه فقال ادع القوم فمن أسلم منهم فأقبل منه ومن لم يسلم فلا تعجل حتى أحدث إليك قال وأنزل في سبأ ما أنزل فقال رجل يا رسول الله وما سبأ أرض أو امرأة؟ قال ليس بأرض ولا امرأة ولكنه رجل..."^۲.

"خدمت رسول اکرم صلى الله عليه وسلم رفتم و عرض داشتم یا رسول الله! آیا با کسانی از افراد قوم که پشت به دشمن می‌کنند جنگ نکنم؟..... در این حدیث آمده است: "...در باره سبأ نازل شد آنچه نازل شد، شخصی عرض کرد: یا رسول الله سبأ چیست؟....". این خبر دلالت می‌کند که این جریان در مدینه رخ داده؛ زیرا که فروه پس از مسلمانان شدن قبیلۀ ثقیف در سال نهم هجرت کرده بود.

سوره زمر:

براساس روایت صحیح از عمر رضی الله عنه آیه: ۵۵ آن مدنی است چنان که می‌گوید: "کنا نقول ما لمفتتن توبة، وما الله بقابل منه شيئاً، فلما قدم رسول الله صلى الله عليه وسلم المدينة، أنزل فيهم:

﴿قُلْ يَاعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ﴾

۱- صحیح سنن ترمذی ج ۳ ص ۹۶.

۲- سنن ترمذی ج ۵ ص ۳۳۷.

۳- مستدرک ج ۲ ص ۴۳۵، سند آن را ذهبی صحیح گفته، وهیثمی راویان آن را ثقہ گفته است. مجمع

الزوائد ج ۶ ص ۶۱.

"ما بر این اعتقاد بودیم که توبه اشخاص مصر بر گناه پذیرفته نمی‌شود؛ چون پیامبر ﷺ در مدینه آمد، این آیه در مورد آن‌ها نازل شد: ﴿قُلْ يٰعِبَادِىَ الَّذِيْنَ اَسْرَفُوْا عَلٰۤى اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوْا مِنْ رَّحْمَةِ اللّٰهِ﴾".

سوره احقاف:

آیه دهم این سوره: ﴿قُلْ اَرَايْتُمْ اِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَكَفَرْتُمْ بِهٖءَ وَشَهِدَ شَٰهِدٌ مِّنْ بَنِيۡ﴾

براساس روایت بخاری و مسلم از سعد بن ابی وقاص در مورد عبدالله بن سلام نازل شده است.^۲ و اسلام وی پس از هجرت در مدینه بود.

سوره واقعه:

این سوره به استثنای آیه‌های: ۷۵-۸۲ از سوره‌های مکی است.

دلیل این استثنا حدیث صحیحی است که امام مسلم در سبب نزول این آیات نقل کرده که پس از نزول بارانی پیامبر ﷺ فرمود: برخی از بندگان خدا سپاس گزار بوده و نعمت باران را از جانب خدا می‌دانند و تعدادی هم در برابر نعمت‌های الهی نا سپاسی کرده فرود آمدن باران را نتیجه توافقی برج‌ها می‌دانند، سپس این آیات نازل گردید:

"عن ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ مُطِرَ النَّاسُ عَلٰۤى عَهْدِ النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ " اَصْبَحَ مِنَ النَّاسِ شَاكِرٌ وَمِنْهُمْ كَاْفِرٌ قَالُوْا هٰذِهِ رَحْمَةُ اللّٰهِ. وَقَالَ بَعْضُهُمْ لَقَدْ صَدَقَ نُوْءٌ كَذَا وَكَذَا ". قَالَ: فَتَزَلَّتْ هٰذِهِ الْاٰیَةُ: فَلَا اُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُوْمِ). حَتّٰى بَلَغَ (وَتَجْعَلُوْنَ رِزْقَكُمْ اَنْتُمْ تُكَدِّبُوْنَ)".^۳

سوره ماعون:

۱- مستدرک ج ۲ ص ۴۳۵، سند آن را ذهبی صحیح گفته، وهیثمی راویان آن را ثقه گفته است. مجمع الزوائد ج ۶ ص ۶۱.

۲- صحیح البخاری ج ۷ ص ۱۶۰، صحیح مسلم ج ۴ ص ۱۹۳۰.

۳- صحیح مسلم ج ۱ ص ۷۳.

براساس روایت ابن جریر از ابن عباس با سند حسن^۱ قسمت اخیر این سوره: ﴿قَوْلٌ لِلْمُصَلِّينَ﴾ در باره منافقان نازل گردیده است که دلیل بر مدنی بودن این بخش از سوره می‌باشد.^۲

مناقشه:

- به اساس قوی‌ترین قول که در نتیجه بررسی آثار و روایات این باب بدست آمده، ترتیب سوره‌های مدنی قرار آتی است: مطففین، بقره، انفال، آل عمران، ممتحنه، نساء، إذا زلزلت، حدید، محمد، طلاق، لم یکن، حشر، نور، احزاب، حج، منافقون، مجادله، حجرات، تحریم، جمعه، صف، تغابن، فتح، مائده، توبه و إذا جاء نصر الله.
- سوره‌های مدنی نیز از لحاظ نزول به مراحل سه گانه: ابتدائی، میانی و پایانی تقسیم می‌گردد که مرحله ابتدائی که در سال‌های نخست هجرت تا سال پنجم نازل گردیده، پس از شکست چشمگیر قبایل و احزاب در جنگ احزاب (خندق) دور میانی مدینه آغاز می‌گردد که سوره‌های میانی در این دوره نازل شده است.
- سوره‌های که پس از فتح مکه نازل گردیده، مرحله سوم یا نهائی نزول وحی در مدینه را تشکیل می‌دهند که نزول سوره‌های: تحریم، جمعه، مائده، توبه و نصر در این مدت بوده است.
- سیوطی در اتقان آیات مدنی که در سوره‌های مکی وارد شده با دلایل آن ذکر کرده، ولی در بیشتر موارد دلایل این استثنا ضعیف بوده، تنها چند مورد آن با دلایل ثابت است.

۱- موسوعة التفسیر الصحیح ج ۴ ص ۶۷۳.

۲- جامع البیان ج ۱۹ ص ۷۰۷.

تحقیق و بررسی سوره‌های مورد اختلاف

براساس محکم‌ترین اقوال و دلایلی که ارائه گردید (۷۵) سوره قرآن به اتفاق مکی و (۱۸) سوره به اتفاق مدنی و سوره‌های ذیل مورد اختلاف است:

سوره الفاتحه، سوره النساء، سوره یونس، سوره الرعد، سوره الحج، سوره الفرقان، سوره ص، سوره الرحمن، سوره الحديد، سوره الصف، سوره التغابن، سوره الإنسان، سوره المطفیفین، سوره لم یکن، سوره الزلزلة، سوره العادیات، سوره الهاکم، سوره الماعون، سوره الکوثر، سوره الاخلاص و سوره المعوذتان.

در گذشته اشاره شد که هشت روایت از طرق متعدد در مورد تحدید سوره‌های مکی و مدنی از ابن شهاب، علی بن ابی طلحه، قتاده، ابن عباس، عکرمه و حسن بن ابی الحسین، نقل گردیده است که برخی از این آثار از لحاظ سند به درجه ثبوت نرسیده و از آزمون نقد حدیثی سلامت بدر نیامده است و برخی دیگر آن از نظر سند بدرجه ثبوت رسیده، ولی اثر مقطوعی بوده که در همچو موضوع قابل استدلال نمی‌باشد.

اینک تحقیق هریک از این سوره‌ها به صورت جداگانه با دلایل مکی و مدنی بودن هرکدام و ترجیح درست‌ترین اقوال در روشنی دلایل:

سوره فاتحه:

بیشتر صاحب‌نظران برآنند که مکی است، بلکه نقل شده است که سوره حمد نخستین سوره نازل شده است و برصحت این نقل استدلال کرده‌اند به:

۱- آیه ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي﴾:

توضیح اینکه پیغمبر اکرم ﷺ (سبع مثنائی) را به سوره الحمد تفسیر کرده است، چنان‌که در حدیث صحیح این مطلب آمده است و این آیه در سوره الحجر است که به اتفاق مکی است، می‌بینیم که در این سوره خداوند بر پیغمبر ﷺ منت نهاده که سوره الحمد را بر او نازل فرموده است، پس لازم است که سوره الفاتحه قبلاً نازل شده باشد وگرنه برجیزی که هنوز نازل نشده چه منتی؟

۲- تردیدی نیست که وجوب نماز درمکه بوده واحدی گفته است که: وقتی در اسلام نبوده که نماز بدون خواندن سوره الحمد بوده باشد.^۱

سوره نساء:

در بخش سوره‌های مدنی دلیل نزول این سوره در مدینه بعد از هجرت توضیح گردید.

ابوجعفر نحاس با استناد به سبب نزول آیه ۵۸: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ که در باره تسلیم دهی کلید کعبه به عثمان بن ابی طلحه درمکه نازل شده، این سوره را مکی می‌داند.^۲ ولی این استناد سستی است به دلایل ذیل:

۱- از نزول آیه یا آیاتی در مکه لازم نمی‌آید که او آیه یا سوره را مکی نامیده شود؛ زیرا طبق تعبیر صحیح- که قبلاً بیان شد- زمان نزول مدار اعتبار است نه مکان نزول.

۲- در مبحث دوم این بخش توضیح گردید که این قول نه تنها مخالف محتویات این سوره است، بلکه تمام روایات صحیح که در تاریخ و اسباب نزول آیات این سوره وارد شده، جملگی دلیل بر بطلان این ادعا می‌باشد.

تحقیق و مراجعه مؤلفات نحاس این حقیقت را ثابت می‌سازد که ابوجعفر نحاس از این قول خود رجوع کرده است، دلیل رجوع وی اینکه در کتاب "الناسخ والمنسوخ" سوره انعام را مکی معرفی کرده و سوره‌های قبل آن را مدنی شمرده است: "وما تقدم من السور مدنیات أعنی سورة البقرة وآل عمران والنساء والمائدة...".^۳

سوره یونس:

این سوره به اتفاق سلف مکی است، جز روایت ضعیفی از ابن عباس که ابن مردویه از طریق عثمان بن عطاء از پدرش از ابن عباس نقل کرده که او به مدنی بودنش قابل شده است.

۱- اتقان ج ۱ ص ۵۳-۵۴.

۲- معانی القرآن ج ۲ ص ۷.

۳- الناسخ والمنسوخ ج ۲ ص ۳۱۷.

وعطاء خراسانی نزد محدثین "کثیرالارسال والوهم والتدلیس" بوده و روایت وی ضعیف می‌باشد.^۱

این روایت علاوه بر اینکه ضعیف، شاذ و برخلاف محتوای این سوره است، با روایت صحیح که از ابن عباس ثابت شده، منافات دارد؛ زیرا طبق روایت صحیح از ابن عباس این سوره مکی است.

بنابر این علامه آلوسی و همچنان ابن عاشور روایت مکی بودن سوره را از ابن عباس ترجیح داده و آن را مورد اعتماد علمای تفسیر قرار داده‌اند: "وهي مكية في قول الجمهور، وهذا المروي عن ابن عباس في الأصح عنه".^۲

سوره رعد:

این سوره از جمله سوره‌هایی است که روایات مختلفی در مورد مکی و مدنی بودن آن وارد شده: مجاهد وابن ابی طلحه از ابن عباس مکی بودن آن را نقل کرده‌اند.^۳

سعید بن منصور از سعید بن جبیر نیز مکی بودن آن را نقل کرده است.^۴ و به اساس روایت عوفی و عثمان بن عطاء از ابن عباس و روایت مجاهد از ابن زبیر این سوره از سوره‌های مدنی به شمار می‌رود.^۵

وهم چنان از حدیث طولانی که طبراتی در معجم الکبیر آورده استفاده می‌شود که بعضی از آیات این سوره در مدینه نازل گردیده؛ زیرا در این حدیث موضوع ملاقات اربد بن قیس و عامر بن طفیل و گفتگوی شان با پیامبر ﷺ در مدینه مطرح گردیده است.

ابن جریر طبری از مجاهد روایت نموده که آیه: ﴿وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ﴾ در پاسخ پرسش یک شخص یهودی نازل گردیده است.^۶

۱- تقریب التهذیب ص ۳۶۰.

۲- روح المعانی ج ۱۱ ص ۵۸، التحریر والتنویر ج ۱۱ ص ۷۷.

۳- الناسخ والمنسوخ ج ۲ ص ۴۷۸، ابن جوزی، زاد المسیر ج ۴ ص ۲۹۹.

۴- در المنثور ج ۴ ص ۸۰.

۵- اتقان ج ۱ ص ۵۵.

۶- جامع البیان ج ۶ ص ۳۸۵.

و طبق روایت دیگر ابن جریر طبری از مجاهد، آیه: ﴿كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ﴾ در هنگام صلح حدیبیه، وانکار مشرکان از ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ نازل گردید.^۱

امام ترمذی از برادر زاده عبدالله بن سلام روایت نموده که آیه: ﴿وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمٌ الْكِتَابِ﴾ در باره عبدالله بن سلام نازل شده است.^۲

ترجیح:

دقت در معنای آیات این سوره، بحث و تحقیق در روایات، مکی بودن سوره و تمام آیات آن را می‌رساند؛ زیرا روایتی که از آن به مکی بودن سوره استدلال می‌شود، از نظر سند صحیح بوده، و اما آثار و احادثی که دال بر مدنی بودن بعضی از آیات این سوره می‌باشد، از آزمون نقد حدیثی صحت و سلامت بدر نیامده‌اند، و اینک تفصیل روایات:

۱- قصهٔ عامر بن طفیل وارید بن قیس: این روایت ضعیف است، هیشمی در مجمع الزوائد این روایت را از دو طریق نقل کرده سپس می‌افزاید: "وفي إسنادهما عبد العزيز بن عمران، وهو ضعيف".^۳

۲- روایت ابن جریر که آیه: ﴿وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ﴾ در پاسخ یهودی نازل گردیده، نیز مرسل و ضعیف است؛ زیرا این اثر از مجاهد از طریق لیث بن ابی سلیم روایت شده که او روای متروک است و روایتش مدار اعتبار نیست.^۴

و از سوی دیگر مجاهد از علمای تابعین است که روایت او در اسباب النزول حیثیت مرسل را دارد.

۳- روایت ترمذی نیز ضعیف و مرسل است؛ یکی از راویان این اثر حسین بن داود مصیصی مشهور به "سنید" است که نزد علمای جرح و تعدیل از راویان ضعیف به شمار می‌رود.^۵

۱- همان مأخذ.

۲- سنن ترمذی ج ۵ ص ۶۷۰.

۳- مجمع الزوائد ج ۷ ص ۴۵.

۴- تقریب التهذیب ص ۴۶۴.

۵- تقریب التهذیب ص ۳۶۳.

وهم چنان ابن جریج از راویان مدلس است و با لفظ "عنعه" روایت نموده؛ بناءً محدث بزرگ علامه البانی این حدیث را ضعیف شمرده است.^۱

۴- روایت دیگر ترمذی که آیه ﴿وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمٌ الْكِتَابِ﴾ در مورد عبدالله بن سلام نازل شده، این روایت نیز از نظر سند به درجه ثبوت نرسیده است. علامه البانی در ضعیف سنن ترمذی این روایت را ضعیف قرار داده است.^۲

از لحاظ محتوی

تفکر در محتوای این سوره و دقت در معانی آن مانند: آغاز سوره با حروف مقطعه، ورود سجده، تأکید بیشتر به توحید و اقامه دلایل بر آن، حمله شدید بر شرک، تصویر بهشت و دوزخ و... مکی بودن این سوره را تأکید می‌کند.

سوره حج:

روایتی از طریق مجاهد از ابن عباس می‌رساند که این سوره به جز آیاتی چند- که استثنا نموده است- مکی می‌باشد، ولی در بقیه آثار این سوره را مدنی معرفی نموده است. جمهور گفته‌اند: که این سوره از مکی و مدنی ترکیب یافته است.^۳

روایات و احادیث صحیح که در اسباب نزول آیات این سوره وارد شده وهم چنان محتوای سوره نظر جمهور را تأیید می‌کند؛ زیرا به اعتبار مضمون بسیاری از مطالب سوره به سوره‌های مکی می‌ماند، ولی اذن قتال در آیه‌های: ۳۹، ۴۰، و تشریح برخی از احکام حج در آیات: ۲۶- ۳۸ دلیل بر مدنی بودن آیات مذکور می‌باشد.

در مورد چهار روایت صحیح ثابت شده که روایت اول دلیل بر مکی بودن سوره، و از روایت‌های دیگر مدنی بودن بعضی آیات سوره استفاده می‌شود:

۱- حاکم از عبدالله بن مسعود روایت کرده که او می‌گوید: "نخستین سوره که در آن سجده نازل شده، سوره حج است".^۴

۱- ضعیف سنن ترمذی ص ۵۱۱.

۲- ضعیف سنن ترمذی ص ۴۱۴-۴۱۵.

۳- اتقان ج ۱ ص ۵۶.

۴- مستدرک حاکم ج ۱ ص ۲۲۰.

۲- طبق روایتی از ابن عباس آیه ﴿وَمِنَ اللَّائِسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ﴾ در باره اشخاص متردد در دین و استفاده جوی که در مدینه به قصد استفاده جوئی اسلام می‌آوردند، نازل گردیده است.^۱

۳- بر مبنای روایت صحیح از ابو ذر آیه: ﴿هَذَا خِطْمَانِ أَخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ﴾ در باره حمزه و یاران وی ورقیبانش عتبه و... در روز مبارزه بدر نازل گردید.^۲

۴- امام ترمذی از ابن عباس با سند صحیح^۳ نقل کرده که آیه: ﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظُلْمًا﴾ هنگام بیرون شدن پیامبر ﷺ از مکه به مدینه و فرضیت جهاد مسلحانه نازل گردید.^۴

ترجیح:

از حدیث اول مکی بودن سوره استفاده می‌شود؛ زیرا آیات سجده از خصایص سوره‌های مکی است؛ بنابراین (طبق قاعده دوم) مکی بودن سوره را ترجیح داده می‌شود و در باره روایات دیگر باید گفت: روایات مذکور دلیل استثنای برخی از آیات از حکم مکی بودن می‌باشد، نه تمام آیات.

سوره الفرقان:

جمهور بر آنند که این سوره مکی است.^۵

از ضحاک مدنی بودن سوره نقل شده، ولی این نقل نه مبنی بر کدام دلیل، و نه با محتوای سوره سازگار است؛ زیرا موضوع و محتویات سوره دلیل بر مکی بودن آن می‌باشد.^۶



۱- صحیح البخاری ج ۸ ص ۲۹۶.

۲- همان مأخذ ج ۸ ص ۲۹۷.

۳- صحیح سنن ترمذی ج ۳ ص ۷۹.

۴- سنن ترمذی ج ۵ ص ۳۲۵.

۵- ناسخ و منسوخ ج ۲ ص ۵۶۸، اتقان ج ۱ ص ۳۱۳-۳۱۴.

۶- التحریر و التنویر ج ۱۸ ص ۳۱۳-۳۱۴.

سوره ص:

جمهور بر مکی بودن این سوره اجماع دارند، دانی در کتاب العد مدنی بودن آن را حکایت نموده و این نظریه را اشتباه خوانده است.

دلیل جمهور حدیثی است که امام ترمذی و حاکم با سند حسن^۱ در سبب نزول این سوره نقل نموده‌اند که این سوره هنگام مریضی ابو طالب کاکای پیامبر ﷺ در مکه، و طرح پیشنهاد صلح و سازش با کفار مکه از طرف وی نازل گردید.^۲

از لحاظ محتوا نیز، ورود آیه سجده، داستان آدم و ابلیس، داستان پیامبران و تعبیرات کوتاه ولی کوبنده و تهدید آمیز این همه از خصایص سوره‌های مکی می‌باشد.

سوره الرحمن:

جمهور سلف بر آنند که این سوره مکی است.^۳ ولی از ابن مسعود - و طبق یک روایت - از ابن عباس مدنی بودن سوره نیز نقل شده است.^۴

محتوای سوره خصایص سوره‌های مدنی را در بر دارد، و هم چنان روایت ذیل نظر جمهور را تأیید می‌کند چون قصه جن در مکه بود.^۵

ترمذی و حاکم... با سند حسن^۶ از جابر نقل کرده‌اند که گفت: وقتی که رسول اکرم ﷺ سوره الرحمن را برای اصحاب خود تلاوت کرد، پس از فراغت از تلاوت آن فرمود: چرا ساکت هستید؟ جنیان از شما بهتر پاسخ می‌گفتند هیچ مرتبه ﴿فَبِأَيِّ آءِالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ را بر آن‌ها نخواندم مگر اینکه می‌گفتند: "و لا بشيء من نعمك ربنا نكذب فلک الحمد". "پروردگارا هیچ یک از نعمت‌های تو را دروغ نمی‌شماریم و حمد مخصوص تو است."^۷

۱- صحیح سنن ترمذی ج ۳ ص ۲۱۷.

۲- سنن ترمذی ج ۵ ص ۳۶۵-۳۶۶، مستدرک ج ۲ ص ۴۳۲.

۳- الناسخ والمنسوخ ج ۲ ص ۲۰، اتقان ج ۱ ص ۵۷.

۴- التحرير والتنوير ج ۲۷ ص ۲۲۸.

۵- مستدرک ج ۱ ص ۵۱۵.

۶- صحیح سنن ترمذی ج ۳ ص ۱۱۲.

۷- سنن ترمذی ج ۵ ص ۲۹۹.

سوره حدید:

جمهور برآنند که مدنی است، ولی عده‌ای آن را با استناد به روایت بزار که آیات این سوره سبب مسلمان شدن عمر بود، بخصوص آغازش را مکی دانسته‌اند.^۱ ولی این روایت از نظر سند ثابت نیست. علاوه بر روایت‌های صحیح از ابن عباس - که قبلاً به آن اشاره گردید - محتوای سوره: ترغیب به انفاق در راه خدا، ذکر منافقان و اهل کتاب به ویژه آیه ۱۰: ﴿لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ﴾ دلیل قوی بر مدنی بودن سوره می‌باشد.

ولی آیه ۱۶: ﴿أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾^۲ به دلیل روایت‌های ذیل مکی است:

حدیث ابن مسعود در صحیح مسلم^۳ و حدیث زبیر در سنن ابن ماجه با سند حسن^۴ که این آیه چهار سال پس از اسلام آوردن آن‌ها نازل شده: "لم یکن بین اسلامهم و بین أنزلت هذه الآية يعاتبهم الله بها إلا أربع سنين".^۴

زبیر و عبدالله بن مسعود از پیشتانان اسلام‌اند که در میان ایمان آوردن آن‌ها تا زمان هجرت بیش از چهار سال فاصله داشت؛ بنابراین آیه فوق را باید مکی شمرد.

سوره صف:

ابن عباس - طبق یک روایت -، مجاهد و عطا مکی گفته‌اند، قول صحیح آنست که مدنی است به دلایل ذیل:

۱ - روایتی که امام ترمذی و حاکم از عبدالله بن سلام باسند صحیح^۵ نقل کرده‌اند، دلیل این قول می‌باشد:

۱ - اتقان ج ۱ ص ۵۷.

۲ - ج ۴ ص ۲۳۱۹.

۳ - صحیح ابن ماجه ج ۲ ص ۳۴۰۸ -.

۴ - سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۴۰۲.

۵ - در فتح الباری - ج ۸ ص ۵۰۹.

عبدالله بن سلام می‌گوید: "ما چند تن از اصحاب رسول الله ﷺ نشستیم - در باره معارف اسلام - مذاکره می‌کردیم از جمله گفتیم: اگر می‌دانستیم کدام عمل در پیشگاه خداوند خوش آیندتر است، آن را انجام می‌دادیم، پس خداوند متعال این آیت رانازل فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾^۱ پس پیامبر ﷺ آن‌ها را تا آخر بر ما خواند".^۱

۲- بنا بر روایت ابن جریر طبری از ابن عباس با سند حسن^۲ آیه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾^۳ بعد از فرضیت جهاد نازل گردیده است.^۳ و جهاد در مدینه فرض گردید.

سوره تغابن:

جمهور این سوره را مدنی شمرده‌اند، روایات گذشته - در بخش تحدید سوره‌ها - این قول را تأیید می‌کند و از ابن عباس وضحاک مکی بودن آن نقل گردیده است.^۴

سوره انسان:

از عکرمة وحسن مدنی بودن این سوره نقل است، ولی بیشتر صاحب نظران: عبدالله بن عباس، عبدالله بن زبیر، قتاده و.. ابن سوره را مکی می‌دانند.^۵ و این نظر از لحاظ محتوا نیز قابل ترجیح است.

سوره مطففین:

از ابن زبیر، ابن مسعود و ابن عباس مکی بودن سوره نقل شده.^۶ و طبق روایت صحیح از ابن عباس - قبلا در بخش سوره‌های مدنی توضیح گردید - مدنی است.

۱- سنن ترمذی ج ۵ ص ۴۱۲-۴۱۳، سنن دارمی ج ۲ ص ۲۰۰.

۲- موسوعة التفسیر الصحیح ج ۴ ص ۴۸۱-۴۸۲.

۳- جامع البیان ج ۱۰ ص ۷۹.

۴- الناسخ والمنسوخ ج ۳ ص ۱۳۲، اتقان ج ۱ ص ۵۹.

۵- همان مأخذ.

۶- الناسخ والمنسوخ ج ۳ ص ۱۵۱، اتقان ج ۱ ص ۵۸.

آیه‌های این سوره از لحاظ اسلوب و موضوع به استثنای چند آیات نخست آن به سوره‌های مکی شباهت دارد؛ بنابر این باید گفت: آیات نخست سوره چنان که در روایت صحیح از ابن عباس آمده، در مدینه نازل شده و براساس قاعده^۱ که قبلاً بیان شد که در مکی و مدنی شمردن آغاز سوره مدار اعتبار است، مدنی بودن آن ترجیح داده می‌شود، ولی بعید نیست که بسیاری از آیات سوره در مکه نازل شده باشد.

سوره‌های: الفجر، البلد، اللیل والقدر:

در مورد سوره‌های فوق نیز اختلاف نظری وجود دارد، ولی قول مدنی بودن مبنی بر هیچ دلیلی نیست، بلکه محتویات این سوره‌ها و اسلوب تعبیرشان و روایت عایشه رضی الله عنها در مورد سوره‌های مفصل نظریه^۲ مکی بودن را تأکید می‌کند.

سوره لم یکن:

براساس روایت کرباب از ابن عباس سوره^۳ (لم یکن) مدنی شمرده شده، و طبق روایت دیگر از ابن عباس: سوره (القدر). و سوره (لم یکن) را مدنی قلمداد نموده است (۱۵۱: ۱۵۳).

دلیل مدنی بودن روایت صحیحی است که امام احمد بن حنبل از ابن حبه البدری نقل کرده که وی گفت: وقتی ﴿لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ﴾ نازل شد، رسول الله ﷺ فرمود: جبرئیل به من گفت: پروردگارت تو را امر می‌کند که این سوره را به ابی بخوانی...."^۱

ابن کثیر با استناد به این حدیث قول به مدنی بودن این سوره را قطعی دانسته است.^۲

سوره عادیات:

در مورد این سوره نیز دو قول است، بر مبنای آثار گذشته در بخش ششم مکی است، و دلیل مدنی بودنش روایت ابن ابی حاتم و بزار از ابن عباس است که می‌گوید: "

۱- الناسخ والمنسوخ ج ۳ ص ۱۵۳.

۲- تفسیر القرآن العظیم ج ۴ ص ۲-.

پیامبر ﷺ اسپها و سوارانی را بسوئی فرستاد، چند ماه شد از آن‌ها خبری نشد که این سوره نازل گشت".^۱

سوره الهاکم:

در باره این سوره نیز قول به مکی و مدنی بودنش نقل شده، ولی مدنی بودنش به دلیل ذیل قطعی است:

امام بخاری از ابی کعب روایت کرده است که گفت: "کنا نری هذا " لوأن لابن آدم وادياً من ذهب أحب أن يكون له واديان" من القرآن حتى نزلت: ﴿الْهَٰكُمُ الْتَّكَاثُرُ﴾".^۲ چون ابی بن کعب انصاری و از اهل مدینه بود.

سوره ماعون:

در باره سوره "ماعون" نیز دو قول نقل شده، جمهور مکی می‌دانند، براساس روایت ابن جریر از ابن عباس با سند حسن^۳ قسمت اخیر این سوره:

﴿قَوْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ﴾ در باره منافقان نازل گردیده است^۴ که دلیل برمذنی بودن این بخش از سوره می‌باشد.

ولی با توجه به آغاز این سوره و قاعده دوم مکی و مدنی، مکی بودن آن ترجیح داده می‌شود.

سوره کوثر:

در مورد این سوره نیز اقوال متضاد نقل است، ولی روایت صحیح که در باره نزول و سبب نزول آیه سوم این سوره ثابت شده است - به طور قطع - مدنی بودن سوره را می‌رساند:

۱- الدر المنثور ج ۶ ص ۶۵۱.

۲- صحیح البخاری ج ۱۱ ص ۲۵۸.

۳- موسوعة التفسیر الصحیح ۴ ص ۶۷۲.

۴- جامع البیان ج ۱۹ ص ۷۰۷.

۱- امام مسلم از انس بن مالک نقل کرده است که گفت: "بَيْنَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ بَيْنَ أَظْهُرِنَا إِذْ أَعْفَى إِغْفَاءَةً ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ مُتَبَسِّمًا فَقُلْنَا مَا أَضْحَكَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ «أُنزِلَتْ عَلَيَّ آيَةٌ سُورَةٌ». فَقَرَأَ

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ﴾ ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ﴾ ﴿إِنَّ شَانِيئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾^۱.

از جمله: "بَيْنَ أَظْهُرِنَا" مدنی بودن سوره استفاده می‌شود؛ زیرا انس صحابی انصاری است که پس از هجرت در خدمت پیامبر ﷺ قرار گرفت.

۲- بر مبنای روایت ابن حبان از ابن عباس رضی الله عنهما با سند صحیح آیه: ﴿إِنَّ شَانِيئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾^۲ بعد از جنگ بدر هنگامی به پیامبر ﷺ فرود آمد که کعب بن اشرف یهودی بخاطر بر انگیختن مشرکان مکه بر ضد پیامبر ﷺ و مسلمانان به مکه رفته بود.^۲

سوره اخلاص:

در مورد نزول این سوره نیز اختلاف اندکی وجود دارد، وانگیزه اختلاف ورود سبب نزول‌های مختلف است، ولی پس از تحقیق روشن می‌گردد که روایاتی که در مورد نزول آیه به اساس مطالبه احبار یهود وارد شده، همه ضعیف و قابل استدلال نیست. برعکس روایت ابی بن کعب با سند حسن^۳ ثابت شده که این سوره هنگامی نازل شد که مشرکان مکه از پیامبر ﷺ خواستار نسب پروردگارش شدند.

ابی بن کعب می‌گوید: "إِنَّ الْمُشْرِكِينَ قَالُوا لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ انْصِبْ لَنَا رَبِّكَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ ﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾ ﴿فَالصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ لِأَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ يُولَدُ إِلَّا سِيمُوتٌ وَلَا شَيْءٌ يَمُوتُ إِلَّا سَيُورُثُ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَمُوتُ وَلَا يُورُثُ﴾ ﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾^۴ قال لم يكن له شبيه ولا عدل وليس كمثلته شيء".^۴

۱- صحیح مسلم ج ۱ ص ۳۰۰.

۲- الإحسان ج ۱۴ ص ۵۳۴.

۳- فتح الباری ج ۱۳ ص ۳۵۶.

۴- سنن ترمذی ج ۵ ص ۴۵۱-۴۵۲، مسند احمد ج ۵ ص ۱۳۳-۱۳۴، مستدرک حاکم ج ۲ ص ۵۴۰.

سوره معوذتان:

در باره نزول این دو سوره نیز دو قول است: جابر بن زید، حسن، عطا و عکرمه مکی گفته‌اند و از ابن عباس مدنی بودن آن نقل است.

سیوطی مدنی بودن شان را ترجیح داده است؛ به دلیل اینکه به اساس روایت بیهقی در دلایل النبوه این دو سوره در باره سحر شدن پیامبر ﷺ از جانب لبید بن اعصم یهودی نازل شده است. و این واقعه در مدینه بود.^۱

موضوع سحر شدن پیامبر در صحیح البخاری و دیگر کتاب‌های حدیث باسند صحیح ثابت است، ولی در این روایت هیچ اشاره‌ای نیست که نزول این دو سوره به مناسبت سحر شدن پیامبر ﷺ بوده باشد.

ولی از روایت عقبه بن حارث بن عامر در صحیح مسلم دانسته می‌شود که این دو سوره در مدینه نازل گردیده است: "عن عقبه بن عامر قال: قال رسول الله ﷺ: "الم تر آیات أنزلت الليلة لم ير مثلهن قط؟ قل أعوذ برب الفلق وقل أعوذ برب الناس".^۲

چون عقبه پس از فتح مکه مشرف به اسلام شده و پیامبر ﷺ او را مورد خطاب قرار داده فرمود: "الم تر آیات أنزلت الليلة".

و این خطاب دلیل بر اینست که این دو سوره پس از اسلام آوردن وی نازل گردیده است؛ لذا مدنی بودن این دو سوره قطعی می‌گردد.

مناقشه:

با توجه به روایات وارده و استناد به محکم‌ترین و قوی‌ترین آن‌ها تعداد سوره‌های که به اتفاق مکی‌اند (۷۵) سوره است.

و (۱۸) سوره به اتفاق مدنی و سوره‌های ذیل مورد اختلاف است:

سوره فاتحه، سوره نساء، سوره یونس، سوره رعد، سوره حج، سوره فرقان، سوره ص، سوره رحمن، سوره حدید، سوره صف، سوره تغابن، سوره انسان، سوره مطفیفین، سوره

۱- اتقان ج ۱ ص ۶۱.

۲- ج ۱ ص ۵۵۸.

لم یکن، سورۀ زلزله، سورۀ عادیات، سورۀ الهاکم، سورۀ ماعون، سورۀ کوثر، سورۀ
اخلاص و سورۀ معوذتان.

بر مبنای دلیل صحیح سوره‌های فاتحه، یونس، رعد، فرقان، ص، رحمن، انسان،
زلزله، عادیات، ماعون و اخلاص مکی و سوره‌های دیگر مدنی است.



نتایج تحقیق

الله متعال را سپاس گزارم که به فضل و الطاف او این اثر علمی را که کار بسی بزرگ و مهم بود به پایه تکمیل رسانیده و در پایان آن آخرین کلمات خود را به عنوان نتایج ثبت می‌نمایم:

۱- علم مکی و مدنی قرآن کریم یکی از مهمترین موضوعات علوم القرآن به شمار می‌رود؛ چون علم بازشناسی آیات و سوره‌های مکی و مدنی قرآن از یک سو زمان نزول وحی الهی را بیان می‌کند و از سوی دیگر آیات را چه از نظر مکان نزول و یا اشخاص مورد نظر و یا از جهت زمان نزول، تقسیم‌بندی می‌کند و خود روشن است که این تقسیم‌بندی‌ها برای تعیین زمان نزول آیات عامل بس مهمی شمرده می‌شود.

۲- علما و دانشمندان فن در اصطلاح مکی و مدنی بودن سوره‌ها و آیات قرآنی، سه ملاک و ضابطه دارند، ولی تعریفی که جامع و مانع بوده شامل تمام آیه‌ها و سوره‌های قرآنی بوده باشد، همان تعریف مشهور است:

"المکی ما نزل قبل الهجرة، والمدنی ما نزل بعد الهجرة سواء كان بالمدينة أو غيرها من آی البلاد کان حتی ولو کان بمکه أو عرفة".

۳- علم مکی و مدنی مانند سایر علوم قرآنی بامداد خود را در همان عصر پرمیمنت پیامبر اکرم ﷺ طی نمود. سپس اصحاب گرامی پیامبر ﷺ و علمای تابعین و سایر دانشمندان- اعم از علمای پیشین و معاصر- با درک اهمیت این موضوع کمرهمت را در ره توضیح و تبیین آن بستند و بانظرداشت فرهنگ عصر خود تألیفات ارزشمندی در این موضوع نگاشته‌اند.

۴- یگانه راه مطمئن و معتمد در شناخت جزئیات و تفصیل موضوع مکی و مدنی نقل است، طریق اجتهاد یکی از راه‌های شناخت موضوع است، ولی مطمئن نیست و همچنان جزئیات موضوع به طور مفصل از راه اجتهاد دانسته نمی‌شود.

۵- استثنای آیات مدنی از سوره‌های مکی و آیات مکی از سوره‌های مدنی بستگی به روایات صحیح دارد.

۶- آیات مدنی ناسخ آیات مدنی سابق وهم ناسخ آیات مکی شده می‌تواند.

۷- گاهی نزول برخی از سوره‌های قرآنی مدت طولانی را در بر گرفته که از آغاز نزول تا پایان یافتن آن چند سوره دیگر نازل گردیده است.

۸- علما و دانشمندان علوم قرآن برای تشخیص سوره‌های مکی از مدنی - علاوه بر طریق روایت، از طریق درایت نیز - خصایص و ویژگی‌های تعیین کرده‌اند و این ویژگی‌ها عبارت از نشانه‌ها، امارات و قراینی‌اند که ما را به شناسائی مکی از مدنی رهبری می‌کند و از سوی دیگر همین نوع تفاوت‌های موجود، در کمیت و کیفیت آیه‌ها و سوره‌های مکی و مدنی همه اندیشمندان ژرف نگر را به الهی بودن طبیعت مکتب اسلام هدایت می‌نماید.

۹- آیه قرآنی عبارت است از قسمتی از کلمات قرآن مجید که از ما قبل و ما بعد خود منقطع بوده و در ضمن سوره‌ای آمده باشد. "طائفة ذات مطلع ومقطع مندرجة فی سورة من القرآن".

۱۰- تشخیص اینکه: کلام و کلمات یک سوره از کجا تا کجا یک آیه است، این امر کار شارع حکیم است، قیاس و رأی را در این باره مجالی نیست.

۱۱- همچنان ترتیب آیه‌ها وابسته به توقیف نبی اکرم ﷺ و فرود آمده از جانب خدای تعالی است، برای رأی و اجتهاد، در این زمینه مجال و جولانگاهی باقی نمانده است.

۱۲- در باره اینکه نخستین آیه نازل شده کدام آیه قرآن است، اختلاف نظری وجود دارد که جمهور علمای تفسیر و حدیث این نظریه را که نخستین آیات قرآن - پنج آیات صدر سوره علق است - مورد تأیید قرار داده و آن را صحیح و درست‌ترین اقوال می‌دانند.

۱۳- در تعیین آخرین آیه نازل شده نیز دانشمندان اختلاف نظر دارند، براساس دلایل صحیح آیه ربا: ﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ﴾ آخرین آیه از لحاظ نزول است.

۱۴- سوره به زبان قرآن عبارت است از: بخش کم یا بسیاری از آیه‌های هماهنگ قرآن که شارع حکیم، خود آغاز و انجام آن را معین کرده است. "إنها طائفة مستقلة من آیات القرآن ذات مطلع ومقطع".

۱۵- نظریه قابل قبول، مستدل و مستند در ترتیب سوره‌های قرآن اینست که: ترتیب سوره‌های قرآن بهمین ترتیبی که امروز در دسترس ما قرار دارد، مانند ترتیب آیات در هر سوره قرآن "توقیفی" است و در زمان حیات پیامبر ﷺ به همین ترتیب مشخص و معلوم بوده است.

۱۶- سوره‌های قرآن به اجماع امت یکصد و چهارده سوره است که اولش "فاتحة الكتاب" و آخرش "الناس" می‌باشد.

۱۷- سوره‌های قرآن از لحاظ مکی و مدنی به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

الف- گاه سوره بتمامی مکی است و هیچ استثنا ندارد، مانند سوره المدثر.

ب- همه آیات سوره مدنی است مانند سوره آل عمران.

ج- برخی سوره‌ها مکی شمرده شده، ولی در آن یک و یا چند آیاتی یافته می‌شود که در مدینه نازل شده باشد، مانند سوره هود که استثنای آیه ۱۱۴ آن از این حکم، و نزول آن در مدینه از روایت صحیح ثابت است.

د- سوره مدنی که آیات مکی در آن گنجانیده شده است، مانند سوره انفال که مدنی است، و آیات ۵۲ تا ۵۵ آن براساس بعضی آثار ضعیف مکی شمرده می‌شود.

۱۸- در مورد تحدید تمام سوره‌های مکی و مدنی هشت روایات از طرق متعدد از ابن شهاب، علی ابن ابی طلحه، قتاده، ابن عباس، عکرمه و حسن بن ابی الحسین، نقل گردیده است که برخی از این آثار از لحاظ سند به درجه ثبوت نرسیده و از آزمون نقد حدیثی سلامت بدر نیامده است و برخی دیگر آن از نظر سند بدرجه ثبوت رسیده، ولی اثر مقطوعی بوده که در همچو موضوع قابل استدلال نمی‌باشد.

ولی مانعی هم وجود ندارد که به آثار تابعین، بخصوص در مواردیکه همه روایات‌ها متفق و روایات‌های ضعیف از صحابه نیز در تأیید آن باشد، استثناس نمود؛ چون مطمئن‌ترین راه شناخت موضوع - پس از روایت صحابه - همین راه است.

۱۹- با توجه به روایات وارده و استناد به محکم‌ترین وقوی‌ترین آن‌ها تعداد سوره‌های که به اتفاق مکی‌اند (۷۵) سوره است. و (۱۸) سوره به اتفاق مدنی، و سوره‌های ذیل مورد اختلاف است:

سوره الفاتحه، سوره النساء، سوره یونس، سوره الرعد، سوره الحج، سوره الفرقان، سوره ص، سوره الرحمن، سوره الحديد، سوره الصف، سوره التغابن، سوره الإنسان، سوره المطفیفین، سوره لم یکن، سورة الزلزلة، سوره العاديات، سوره الهاکم، سوره الماعون، سوره الکوثر، سوره الاخلاص و سوره المعوذتان.



مناقشه

از علما و دانشمندان علوم القرآن، امام سیوطی نخستین کسی است که در کتاب خود "الإتقان في علوم القرآن" در علم مکی و مدنی به طور تفصیل و طولانی قرآن سخن گفته، بسیاری از جزئیات این موضوع و همچنان مکی و مدنی بودن بیشتر سوره‌های قرآنی را با دلایل ذکر کرده است.

چون امام سیوطی موضوع را به عنوان یکی از موضوعات علوم القرآن بررسی نموده؛ بنابراین برخی از جزئیات در کتاب آن به صورت مختصر و مواردی هم بدون دلیل و از بعضی جزئیات دیگری نام نبرده است.

این تحقیق ادامه و تکمیل همان سعی علمی است: مواردی که سیوطی ذکر نکرده و یا به شکل گذرا آورده، آن را تفصیل و توضیح داده، و موضوعاتی را که بدون دلیل آورده، برای آن دلیل اقامه نموده است.

و با به وجود آمدن نهضت علمی جدید تحقیقات در موضوعات علوم القرآن نیز آغاز گردید، موضوع مکی و مدنی نیز از این نهضت علمی بی‌بهره نماند، علمای معاصر با تأسی از علمای پیشین و با درک اهمیت موضوع، تحقیقاتی در عرصه موضوعات علوم قرآنی بویژه علم مکی و مدنی انجام داده‌اند که از آن جمله سه کتاب قابل ذکر است:

۱- أهم خصائص السور والآيات المكية و مقاصدها:

این کتاب پایان نامه دکتورا است که توسط دکتور احمد عباس بدوی در پوهنتون ام القرى مکه مکرمه تهیه گردیده است.

۲- أهم خصائص السور والآيات المدنية ضوابطها و مقاصدها:

این تحقیق نیز یک تحقیق علمی است که توسط دکتر عادل ابی العلا غرض حصول دیپلوم ماستری در پوهنتون ام القری تهیه و ترتیب گردیده است.

موضوع اساسی این دو اثر - چنان که از نام آن‌ها پیدا است - خصایص و بیان ویژگی‌های سوره‌ها و آیات مکی و مدنی است و سایر جزئیات موضوع مکی و مدنی در این دو اثر به طور ضمنی آمده است.

۳- المکی والمدنی فی القرآن الکریم:

این کتاب رساله ماستری است که توسط عبد الرزاق حسین احمد در پوهنتون اسلامی مدینه منوره تهیه گردیده است.

بدون تردید این کتاب در موضوع مورد بحث ما کتاب جامعی شمرده می‌شود، ولی ناقص است، تنها سوره‌های نیم اول قرآن را در بر دارد.

از ویژگی‌های این تحقیق: «خصوصیات و فواید شناخت آیات و سوره‌های مکی و مدنی قرآن» اینست که: جزئیات موضوع را بصورت گسترده مورد بحث قرار داده، آیات کریمه و سوره‌های شریفه قرآن را از نظر مکی و مدنی بودن با دقت بررسی می‌کند، آثار و روایات را در ارتباط موضوع نقل می‌کند، بر احادیث و روایات صحیح که از بوتة آزمون و میزان نقد حدیثی سلامت بیرون آمده باشد، تکیه نموده و به اساس آن ترجیح می‌دهد و شامل تمام آیه‌ها و سوره‌هایی است که در مورد آن روایتی به ثبوت رسیده است.

نتیجه گیری

علم بازشناسی آیات و سوره‌های مکی و مدنی قرآن از یک سو زمان نزول وحی الهی را بیان می‌کند و از سوی دیگر آیات را چه از نظر مکان نزول، و یا اشخاص مورد نظر، و یا از جهت زمان نزول، تقسیم‌بندی می‌کند و فایده بزرگی در شناخت ناسخ و منسوخ قرآن داشته، سیر تدریجی تعالیم قرآن و بیان معارف اسلامی را بازگو می‌کند؛ پس شناسائی این علم در حقیقت شناسائی تاریخ تشریح و حکمت در چگونگی نزول و کشف مراحل مختلفه‌ای است که دعوت اسلامی گذرانده است.

در تعریف مکی و مدنی سه ملاک وضابطه است، ولی تعریفی که جامع و مانع بوده شامل تمام آیه‌ها و سوره‌های قرآنی بوده باشد، همان تعریف مشهور است. راه مطمئن و معتمد در شناخت جزئیات و تفصیل موضوع مکی و مدنی نقل است، و علما در شناخت این موضوع علاوه بر آن ضوابطی نیز استخراج نموده‌اند که در شناخت این موضوع می‌توان به آن استیناس نمود، ولی قطعی نیست.

- تحدید آیه‌های سوره کار شارع حکیم است، قیاس و رأی را در این باره مجالی نیست. همچنان ترتیب آیه‌ها وابسته به توقیف نبی اکرم ﷺ و فرود آمده از جانب خدای تعالی است، برای رأی و اجتهاد، در این زمینه مجالی نیست. در مورد نخستین آیه نازل شده اختلاف نظری وجود دارد ولی طبق صحیح‌ترین و درست‌ترین اقوال پنج آیات صدر سوره علق است.

- در تعیین آخرین آیه نازل شده نیز دانشمندان اختلاف نظر دارند، براساس دلایل صحیح آیه ربا: ﴿وَأْتَقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ﴾ آخرین آیه از لحاظ نزول شمرده می‌شود.

- قول مستدل و مستند در ترتیب سوره‌های قرآن اینست که: ترتیب سوره‌های قرآن مانند ترتیب آیات در هر سوره قرآن "توقیفی" است، و در زمان حیات پیامبر ﷺ به همین ترتیب مشخص و معلوم بوده است.

تعداد سوره‌های قرآن که ۱۱۴ سوره است، از آن جمله (۷۵) سوره به اتفاق مکی‌اند و (۱۸) سوره به اتفاق مدنی و سوره‌های دیگر مورد اختلاف است.

سفارشات

هر موضوعی از موضوعات این علم به تحقیقات تخصصی، علمی و عصری نیاز دارد؛ لذا به مؤسسات تحصیلی، حوزه‌های علمی، مراکز تحقیقاتی، پژوهشگران و دانشمندان اسلامی - بویژه - دانشمندان علوم قرآنی امور ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱- برخی از موضوعات علوم قرآنی که هنوز مورد تحقیق دانشمندان و متخصصان پیشین و معاصر قرار نگرفته، آن موضوعات را تفکیک نموده، هم از لحاظ درایت برابر با فرهنگ و زبان عصر و هم از لحاظ روایت با در نظر داشت شرایط فن علم روایت در پذیرش و عدم پذیرش روایت‌ها مورد بحث قرار دهند.

۲- در سال‌های اخیر خاورشناسان و مستشرقان به بهانه‌آشنایی به اوضاع و احوال ملل مشرق زمین به بحث و بررسی آثار و علوم اسلامی پرداختند، تحقیقات و تألیفاتی در علوم و فنون مختلف از جمله علوم قرآنی داشتند نه بخاطر خدمت علمی، بلکه - بنابر نظر خود آن‌ها - نقطه‌های ضعف اسلام را کشف نموده، برای دیگران نمایان سازند.

و از طرف دیگر با تحریف مفاهیم نصوص حقیقت را دگرگون جلوه دهند و با ایراد شبهات و شکوک افراد نافهم و ضعیف‌الایمان، از دین منحرف گشته و کسانیکه تازه به اسلام علاقه می‌گیرند، از پذیرش آن منصرف شوند.

موضوع مورد بحث ما (علم مکی و مدنی) و سایر موضوعات علوم القرآن نیز از تلاش‌های تحریف آمیز و نظره‌های مغرضانه و ایرادهای حسودانه خاورشناسان ممتثنا نبوده است.

برای توضیح حقایق یکی از مسایل مهم و جدی که دانشمندان علوم قرآنی باید به آن اولویت دهند، پاسخ به شبهات آن‌ها و پاک‌سازی معارف و علوم قرآنی از لوث تحریف آن‌ها است.

۳- چون قرآن معجزه جاودان آفریدگار جهان برجهانیان است، باگذشت زمان، و انکشافات علمی جنبه‌های مختلف اعجاز آن نمایان می‌گردد و کشف جنبه‌های اعجاز قرآنی نیاز به تحقیقات علمی بیشتر دارد؛ لذا به وزارت‌های ذیربط چون: تحصیلات عالی، معارف، حج ارشاد و اوقاف و پوهنچی‌های

شرعیات، حوزه‌های علمی، مراکز تحقیقات اسلامی، دانشمندان مسلمان، داکتران و دانشمندان علوم ساینس و... پیشنهاد می‌گردد که با هماهنگی یکدیگر مرکز تحقیق و پژوهشی را به عنوان: "مرکز تحقیقات اعجاز علمی قرآن" ایجاد نموده، با استفاده از وسایل مدرن و عصری به جنبه‌های علمی این کتاب آسمانی پرداخته و نتیجه تحقیقات خود را در خدمت همگان قرار دهند.

سبحانك اللهم وبحمدك أشهد أن لا إله إلا أنت أستغفرك وأتوب إليك.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن أبي حاتم، ابو محمد عبد الرحمن الرازى. تفسير القرآن العظيم مسندا عن الرسول والصحابة والتابعين. ج ۱، چاپ اول ۱۴۱۷هـ ق، مكتبة نزار الباز، مکه مکرمه.
- ۳- ابن أبي حاتم، ابو محمد عبد الرحمن الرازى. تفسير القرآن العظيم مسندا عن الرسول والصحابة والتابعين. ج ۲، چاپ اول ۱۴۱۷هـ ق، مكتبة نزار الباز، مکه مکرمه.
- ۴- ابن أبي حاتم، ابو محمد عبد الرحمن الرازى. تفسير القرآن العظيم مسندا عن الرسول والصحابة والتابعين. ج ۴، چاپ اول ۱۴۱۷هـ ق، مكتبة نزار الباز، مکه مکرمه.
- ۵- ابن أبي حاتم، ابو محمد عبد الرحمن الرازى. تفسير القرآن العظيم مسندا عن الرسول والصحابة والتابعين. ج ۸، چاپ اول ۱۴۱۷هـ ق، مكتبة نزار الباز، مکه مکرمه.
- ۶- ابن أبي حاتم، ابو محمد عبد الرحمن الرازى. الجرح والتعديل. ج ۷، دار المعارف العثمانية، هند (ب ت).
- ۷- ابن أبي حاتم، ابو محمد عبد الرحمن الرازى. المراسيل، تحقيق. شكر الله قوجانى، چاپ اول ۱۳۹۷هـ ق.
- ۸- ابن أبي شيبه، ابو بكر محمد بن عبد الله. المصنف في الأحاديث والآثار. ج ۶، دار المعرفة، بيروت (ب ت).
- ۹- ابن أبي شيبه، ابو بكر محمد بن عبد الله. المصنف في الأحاديث والآثار. ج ۱۰، دار المعرفة، بيروت (ب ت).
- ۱۰- ابن تيميه، احمد بن عبد الحليم. مجموع الفتاوى. ج ۱۵، مجمع الملك فهد، مدينه منوره ۱۹۹۵م.

- ١١- ابن جوزی، ابی الفرج عبد الرحمن. زاد المسیر فی علم التفسیر. ج ١، چاپ اول ١٣٨٤ هـ ق، المكتب الاسلامی، بیروت.
- ١٢- ابن جوزی، ابی الفرج عبد الرحمن. زاد المسیر فی علم التفسیر. ج ٣، المكتب الاسلامی.
- ١٣- ابن جوزی، ابی الفرج عبد الرحمن. زاد المسیر فی علم التفسیر. ج ٤، المكتب الاسلامی، بیروت چاپ اول ١٣٨٤ هـ ق.
- ١٤- ابن حبان، الاحسان فی تقریب صحیح ابن حبان ج ٢ تحقیق شعیب الارناؤوط، مؤسسة الرسالة، بیروت چاپ اول ١٤٠٨ هـ ق.
- ١٥- ابن حبان، الاحسان فی تقریب صحیح ابن حبان. ج ٤، تحقیق شعیب الارناؤوط، مؤسسة الرسالة، بیروت چاپ اول ١٤٠٨ هـ ق.
- ١٦- ابن حبان، الاحسان فی تقریب صحیح ابن حبان. ج ١٤، تحقیق شعیب الارناؤوط، مؤسسة الرسالة، بیروت چاپ اول ١٤٠٨ هـ ق.
- ١٧- ابن حبان، الاحسان فی تقریب صحیح ابن حبان. ج ١٦، تحقیق شعیب الارناؤوط، مؤسسة الرسالة، بیروت چاپ اول ١٤٠٨ هـ ق.
- ١٨- ابن حجر، حافظ احمد بن علی. الإصابة فی تمييز الصحابة ج ٤، مكتبة ابن تیمیة، القاهرة (ب ت).
- ١٩- ابن حجر، حافظ احمد بن علی. تقریب التهذیب. دار البشائر الإسلامية، بیروت چاپ اول ١٤٠٦ هـ ق.
- ٢٠- ابن حجر، حافظ احمد بن علی. فتح الباری شرح صحیح البخاری. ج ٦ دار المعرفة، بیروت (ب ت).
- ٢١- ابن حجر، حافظ احمد بن علی. فتح الباری شرح صحیح البخاری. ج ٧، دار المعرفة، بیروت (ب ت).
- ٢٢- ابن حجر، حافظ احمد بن علی. فتح الباری شرح صحیح البخاری. ج ٨، دار المعرفة، بیروت (ب ت).
- ٢٣- ابن حجر، حافظ احمد بن علی. هدی الساری. دار المعرفة، بیروت (ب ت).
- ٢٤- ابن حنبل، احمد بن محمد. المسند. ج ١، دار صادر، بیروت (ب ت).
- ٢٥- ابن حنبل، احمد بن محمد. المسند. ج ٤، دار صادر، بیروت (ب ت).
- ٢٦- ابن حنبل، احمد بن محمد. المسند. ج ٥، دار صادر، بیروت (ب ت).

- ۲۷- ابن حنبل، احمد بن محمد. المسند. ج ۵ به تحقیق د. عبد الله ترکی، مؤسسة الرسالة، چاپ دوم ۱۴۲۰هـ.ق.
- ۲۸- ابن ضریس، ابو عبد الله محمد بن ایوب. فضایل القرآن. تحقیق د. مسفر بن سعید الغامدی، دار حافظ للنشر، چاپ اول ۱۴۰۸هـ.ق.
- ۲۹- ابن عاشور، محمد طاهر. تفسیر التحریر والتنویر. ج ۱، الدار التونسية، تونس (ب ت).
- ۳۰- ابن عاشور، محمد طاهر. تفسیر التحریر والتنویر. ج ۱۱، الدار التونسية، تونس (ب ت).
- ۳۱- ابن عاشور، محمد طاهر. تفسیر التحریر والتنویر. ج ۱۳، الدار التونسية، تونس (ب ت).
- ۳۲- ابن عاشور، محمد طاهر. تفسیر التحریر والتنویر. ج ۱۸، الدار التونسية، تونس (ب ت).
- ۳۳- ابن عاشور، محمد طاهر. تفسیر التحریر والتنویر. ج ۲۷، الدار التونسية، تونس (ب ت).
- ۳۴- ابن عاشور، محمد طاهر. تفسیر التحریر والتنویر. ج ۲۸، الدار التونسية، تونس (ب ت).
- ۳۵- ابن عبدالبر، ابی عمر یوسف بن عبد الله. التمهید لما فی الموطأ من المعانی والاسانید. ج ۱، نشر وزارت او قاف عربستان سعودی ۱۴۱۱هـ.ق.
- ۳۶- ابن عطیه، ابو محمد عبد الحق بن غالب الاندلسی. المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز. ج ۳، دار الكتاب الاسلامی، القاهرة ۱۳۹۵هـ.ق.
- ۳۷- ابن عطیه، ابو محمد عبد الحق بن غالب الاندلسی. المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز. ج ۴، دار الكتاب الاسلامی، القاهرة ۱۳۹۵هـ.ق.
- ۳۸- ابن عطیه، ابو محمد عبد الحق بن غالب الاندلسی. المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز. ج ۵، دار الكتاب الاسلامی، القاهرة ۱۳۹۵هـ.ق.
- ۳۹- ابن عطیه، ابو محمد عبد الحق بن غالب الاندلسی. المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز. ج ۹، دار الكتاب الاسلامی، القاهرة ۱۳۹۵هـ.ق.
- ۴۰- ابن عطیه، ابو محمد عبد الحق بن غالب الاندلسی. المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز. ج ۱۰، دار الكتاب الاسلامی، القاهرة ۱۳۹۵هـ.ق.

- ٤١- ابن عقيل، عبد الله بن عبد الرحمن همداني. شرح ابن عقيل على ألفية ابن مالك. ج ٤، به تحقيق: محمد محيي الدين عبد الحميد، دار التراث، القاهرة: چاپ بيستم سال ١٤٠٠ هـ ق - ١٩٨٠ م.
- ٤٢- ابن كثير، ابو الفداء حافظ عماد الدين اسماعيل. البداية والنهاية. ج ٣، دار الكتب العلمية، بيروت (ب ت).
- ٤٣- ابن كثير، ابو الفداء حافظ عماد الدين اسماعيل. تفسير القرآن العظيم. ج ١، دار المعرفة، بيروت چاپ اول ١٤٠٧ هـ ق.
- ٤٤- ابن كثير، ابو الفداء حافظ عماد الدين اسماعيل. تفسير القرآن العظيم. ج ٢، دار المعرفة، بيروت چاپ اول ١٤٠٧ هـ ق.
- ٤٥- ابن كثير، ابو الفداء حافظ عماد الدين اسماعيل. تفسير القرآن العظيم. ج ٣، دار المعرفة، بيروت چاپ اول ١٤٠٧ هـ ق.
- ٤٦- ابن كثير، ابو الفداء حافظ عماد الدين اسماعيل. تفسير القرآن العظيم. ج ٤، دار المعرفة، بيروت چاپ اول ١٤٠٧ هـ ق.
- ٤٧- ابن كثير، ابو الفداء حافظ عماد الدين اسماعيل. فضائل القرآن. دار القبلة للثقافة الإسلامية، جدة ١٤٠٨ هـ ق.
- ٤٨- ابن ماجه، ابو عبد الله محمد بن يزيد القزويني. السنن. ج ١، تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء الكتب العلمية، القاهرة.
- ٤٩- ابن ماجه، ابو عبد الله محمد بن يزيد القزويني. السنن. ج ٢، تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء الكتب العلمية، القاهرة.
- ٥٠- ابن منظور، محمد بن مكرم افريقي. لسان العرب. ج ٦، دار الكتب العلمية - بيروت ١٩٨٨ م.
- ٥١- ابن منظور، محمد بن مكرم افريقي. لسان العرب. ج ٨، دار الكتب العلمية - بيروت، ١٩٨٨ م.
- ٥٢- ابن منظور، محمد بن مكرم افريقي. لسان العرب. ج ١١، دار الكتب العلمية - بيروت ١٩٨٨ م.
- ٥٣- ابن نديم، محمد بن اسحاق. الفهرست. دار المعرفة، بيروت (ب ت).
- ٥٤- ابوعبيد، قاسم بن سلام. فضائل القرآن. دار ابن كثير، دمشق چاپ اول ١٤١٥ هـ ق.

- ۵۵- ابو عبیده، معمر بن مثنیٰ. مجاز القرآن. مكتبة الخانجي، مصر (ب ت).
- ۵۶- ابونعیم، احمد بن عبد الله الاصفهانی. حلیة الاولیاء. ج ۳، دار الكتاب العربی، بیروت ۱۹۸۰ م.
- ۵۷- احمدیان، ملا عبد الله. قرآن شناسی. نشر احسان چاپ دوم ۱۳۸۲ هـ ش.
- ۵۸- البانی، شیخ محمد ناصر الدین. صحیح سنن ابن ماجه. ج ۲، المکتب الاسلامی، بیروت چاپ سوم ۱۴۰۸ هـ ق.
- ۵۹- البانی، شیخ محمد ناصر الدین. صحیح سنن ترمذی. ج ۱، المکتب الاسلامی، بیروت چاپ اول ۱۴۰۸ هـ ق.
- ۶۰- البانی، شیخ محمد ناصر الدین. صحیح سنن ترمذی ج ۲، المکتب الاسلامی، بیروت چاپ اول ۱۴۰۸ هـ ق.
- ۶۱- البانی، شیخ محمد ناصر الدین. صحیح سنن ترمذی. ج ۳، المکتب الاسلامی، بیروت چاپ اول ۱۴۰۸ هـ ق.
- ۶۲- البانی، شیخ محمد ناصر الدین. صحیح سنن نسائی. ج ۳، المکتب الاسلامی، بیروت چاپ اول ۱۴۰۸ هـ ق.
- ۶۳- البانی، شیخ محمد ناصر الدین. ضعیف سنن ترمذی. المکتب الاسلامی، بیروت چاپ اول ۱۴۱۱ هـ ق.
- ۶۴- آلوسی، ابی الفضل شهاب الدین السید محمود. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی. ج ۱، دار الفکر، بیروت (ب ت).
- ۶۵- آلوسی، ابی الفضل شهاب الدین السید محمود. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی. ج ۱۳، دار الفکر، بیروت (ب ت).
- ۶۶- بخاری، محمد بن اسماعیل. الجامع الصحیح با فتح الباری. ج دار المعرفة، بیروت (ب ت).
- ۶۷- بخاری، محمد بن اسماعیل. الجامع الصحیح با فتح الباری. ج ۱، دار المعرفة، بیروت (ب ت).
- ۶۸- بخاری، محمد بن اسماعیل. الجامع الصحیح با فتح الباری. ج ۲، دار المعرفة، بیروت (ب ت).
- ۶۹- بخاری، محمد بن اسماعیل. الجامع الصحیح با فتح الباری ج ۶، دار المعرفة، بیروت (ب ت).

- ٧٠- بخاری، محمد بن اسماعیل. الجامع الصحيح با فتح الباری. ج ٧، دار المعرفة، بیروت (ب ت).
- ٧١- بخاری، محمد بن اسماعیل. الجامع الصحيح با فتح الباری. ج ٨، دار المعرفة، بیروت (ب ت).
- ٧٢- بخاری، محمد بن اسماعیل. الجامع الصحيح با فتح الباری. ج ٩، دار المعرفة، بیروت (ب ت).
- ٧٣- بخاری، محمد بن اسماعیل. الجامع الصحيح با فتح الباری. ج ١١، دار المعرفة، بیروت (ب ت).
- ٧٤- بخاری، محمد بن اسماعیل. الجامع الصحيح با فتح الباری. ج ١٢، دار المعرفة، بیروت (ب ت).
- ٧٥- بزار، ابوبکر احمد بن عمرو. مسند بزار (البحر الزخار. ج ٦، مؤسسة علوم القرآن، بیروت چاپ اول ١٤٠٩ هـ ق.
- ٧٦- بغوی، محی السنة ابو محمد الحسین بن مسعود. معالم التنزیل. ج ٣، تحقیق محمد عبدالله نمروز و...، دار الطیبة، ریاض چاپ اول ١٤٠٩ هـ ق.
- ٧٧- بقاعی، برهان الدین ابی الحسن ابراهیم بن عمر. مصاد النظر للإشراف علی مقاصد السورج ١، مكتبة المعارف، ریاض چاپ اول ١٤٠٨ هـ ق.
- ٧٨- بقاعی، برهان الدین ابی الحسن ابراهیم بن عمر. مصاد النظر للإشراف علی مقاصد السور. ج ٢، مكتبة المعارف، ریاض چاپ اول ١٤٠٨ هـ ق.
- ٧٩- البلخی، مقاتل بن سلیمان، التفسیر. تحقیق دکتر عبد الله شحاتة، الهيئة المصرية للكتاب، القاهرة (ب ت).
- ٨٠- بیهقی، ابو بكر احمد بن حسین. دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة. ج ٢، تعليق عبد المعطی قلجی، دار الكتب العلمية، چاپ اول ١٩٨٠ م.
- ٨١- بیهقی، ابو بكر احمد بن حسین. دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة. ج ٧، تعليق عبد المعطی قلجی، دار الكتب العلمية، چاپ اول ١٩٨٠ م.

- ٨٢- ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی. الجامع السنن. ج ٥، دار الکتب العلمیة، بیروت (ب ت).
- ٨٣- جرجانی، الشریف علی بن محمد. التعریفات. دار الکتب العلمیة، بیروت ١٩٩٨ م.
- ٨٤- حرزی، شمس الدین ابی الخیر محمد بن محمد. غایة النهایة فی طبقات القراء. ج ١، مکتبة الخانجی، مصر ١٩٣٢ م.
- ٨٥- جوهری، اسماعیل بن حماد. الصحاح تاج اللغة وصحاح العربیة ج ٢، دار العلم للملایین، بیروت چاپ دوم ١٣٩٩ هـ ق.
- ٨٦- حسین احمد، عبد الرزاق. المکی والمدنی فی القرآن الکزیم. ج ١، دار ابن عفان، القاهرة چاپ اول ١٤٢٠ هـ ق.
- ٨٧- حکمت، بشیر یاسین. موسوعة التفسیر الصحیح. ج ١، دار المآثر، مدینه منوره، چاپ اول ١٤٢٠ هـ ق.
- ٨٨- حکمت، بشیر یاسین. موسوعة التفسیر الصحیح. ج ٢، دار المآثر، مدینه منوره، چاپ اول ١٤٢٠ هـ ق.
- ٨٩- حکمت، بشیر یاسین. موسوعة التفسیر الصحیح. ج ٣، دار المآثر، مدینه منوره، چاپ اول ١٤٢٠ هـ ق.
- ٩٠- حکمت، بشیر یاسین. موسوعة التفسیر الصحیح. ج ٤، دار المآثر، مدینه منوره، چاپ اول ١٤٢٠ هـ ق.
- ٩١- دانی، أبو عمرو عثمان بن سعید الأموی. البیان فی عد آی القرآن، تحقیق. غانم قدوری الحمد، مرکز المخطوطات والتراث، کویت: چاپ اول ١٩٩٤ م
- ٩٢- داودی، شمس الدین محمد بن علی. طبقات المفسرین. ج ٢، دار الکتب العلمیة، چاپ اول ١٤٠٣ هـ ق.
- ٩٢- دهخدا، علی اکبر. لغت نامه. ج ١٠، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم ١٣٧٧.
- ٩٣- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد. تذکرة الحفاظ. ج ٢، دار احیاء التراث العربی، بیروت (ب ت).

- ٩٤- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد. تذکرة الحفاظ، ج٣، دار احیاء التراث العربی، بیروت (ب ت).
- ٩٥- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان. سیر اعلام النبلاء. ج١١، تحقیق شعیب الارناؤوط، المكتب الاسلامی، بیروت (ب ت).
- ٩٦- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان. سیر اعلام النبلاء. ج١٤، تحقیق شعیب الارناؤوط، المكتب الاسلامی، بیروت (ب ت).
- ٩٧- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان. سیر اعلام النبلاء. ج١٥، تحقیق شعیب الارناؤوط، المكتب الاسلامی، بیروت (ب ت).
- ٩٨- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان. سیر اعلام النبلاء. ج١٦، تحقیق شعیب الارناؤوط، المكتب الاسلامی، بیروت (ب ت).
- ٩٩- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان. سیر اعلام النبلاء. ج١٧، تحقیق شعیب الارناؤوط، المكتب الاسلامی، بیروت (ب ت).
- ١٠٠- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد عثمان. الکاشف فی معرفة من له الروایة فی الکتب الستة. ج٢، دار القبلة للثقافة الإسلامية، جدة، چاپ اول ١٤١٣هـ ق.
- ١٠١- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد عثمان. معرفة القراء الکبار علی الطبقات والاعصار. ج١، مؤسسة الرسالة، چاپ اول ١٤٠٤هـ ق.
- ١٠٢- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد عثمان. المغنی فی الضعفاء. ج٢، نشر دار المعارف، حلب: چاپ اول ١٣٩١هـ ق.
- ١٠٣- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد عثمان. میزان الاعتدال. ج١، دار الفکر، بیروت (ب ت).
- ١٠٤- رامیار، محمود. تاریخ قرآن. انتشارات امیر کبیر، تهران چاپ پنجم ١٣٨٠هـ ش.
- ١٠٥- رشید رضا، محمد رشید. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر المنار. ج١، دار الفکر، بیروت (ب ت).
- ١٠٦- رشید رضا، محمد رشید. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر المنار. ج٤، دار الفکر، بیروت (ب ت).

- ۱۰۷- رشید رضا، محمد رشید. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر المنار). ج ۷، دار الفکر، بیروت (ب ت).
- ۱۰۸- رشید رضا، محمد رشید. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر المنار. ج ۱۱، دار الفکر، بیروت (ب ت).
- ۱۰۹- رشید رضا، محمد رشید. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر المنار. ج ۱۲، دار الفکر، بیروت (ب ت).
- ۱۱۰- زحیلی، وهبة. التفسیر المنیر. ج ۲، دار الفکر، بیروت چاپ اول ۱۴۱۱ هـ.ق.
- ۱۱۱- زحیلی، وهبة. التفسیر المنیر. ج ۶، دار الفکر، بیروت چاپ اول ۱۴۱۱ هـ.ق.
- ۱۱۲- زحیلی، وهبة. التفسیر المنیر. ج ۱۵، دار الفکر، بیروت چاپ اول ۱۴۱۱ هـ.ق.
- ۱۱۳- زرقانی، محمد عبد العظیم. مناهل العرقان فی علوم القرآن. ج ۱، دار الفکر، بیروت (ب ت).
- ۱۱۴- زرکشی، بدر الدین محمد بن عبد الله. البرهان فی علوم القرآن. ج ۱، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، دار المعرفة، بیروت (ب ت).
- ۱۱۵- زهری، محمد بن مسلم بن شهاب. تنزیل القرآن بمکة والمدینة. تحقیق د. صلاح الدین المنجد، دار الکتب الجدید، بیروت چاپ اول ۱۳۸۳ هـ.ق.
- ۱۱۶- السبت، خالد بن عثمان. قواعد التفسیر جمعا ودراسة. ج ۱، دار ابن عفان، القاهرة، چاپ اول ۱۴۲۶ هـ.ق.
- ۱۱۷- سجستانی، ابوداود سلیمان بن اشعث. السنن. ج ۱، تحقیق عزت الدعاس و...، دار الحدیث، بیروت چاپ اول ۱۳۸۸ هـ.ق.
- ۱۱۸- سجستانی، ابوداود سلیمان بن اشعث. السنن. ج ۵، تحقیق عزت الدعاس و...، دار الحدیث، بیروت چاپ اول ۱۳۸۸ هـ.ق.
- ۱۱۹- سید، قطب. فی ظلال القرآن. ج ۶، ترجمه مصطفی خرم دل، نشر احسان، تهران چاپ دوم ۱۳۸۲.
- ۱۲۰- سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن. الاتقان فی علوم القرآن. ج ۱، ترجمه. سید مهدی قزوینی، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ سوم ۱۳۸۲ ش.
- ۱۲۱- سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن. الدر المنثور فی التفسیر بالمنثور. ج ۱، دار الکتب العلمیة، بیروت چاپ اول ۱۴۱۱ هـ.ق.

- ١٢٢- سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن. الدر المنثور في التفسیر بالمنثور. ج ٤، دار الکتب العلمیة، بیروت چاپ اول ١٤١١ هـ.ق.
- ١٢٣- سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن. الدر المنثور في التفسیر بالمنثور. ج ٦، دار الکتب العلمیة، بیروت چاپ اول ١٤١١ هـ.ق.
- ١٢٤- شاطبی، ابو اسحاق ابراهیم بن موسی. الموافقات في أصول الفقه. ج ٣، دار المعرفة، بیروت چاپ دوم ١٩٧٥ م.
- ١٢٥- صبحی، دکتر صبحی صالح. مباحثی در علوم قرآن. ترجمه. دکتر محمد علی لسانی، نشر احسان، چاپ اول ١٣٧٩ هـ.ش.
- ١٢٦- صنعانی، عبدالرزاق بن همام. تفسیر القرآن. ج ٢، تحقیق الدكتور مصطفى مسلم، مكتبة الرشيد، رياض، چاپ اول ١٤١٠ هـ.ق.
- ١٢٧- صنعانی، عبدالرزاق بن همام. تفسیر القرآن. ج ٣، تحقیق الدكتور مصطفى مسلم، مكتبة الرشيد، رياض، چاپ اول ١٤١٠ هـ.ق.
- ١٢٨- طبرانی، حافظ أبي القاسم سليمان بن احمد بن أيوب. المعجم الصغير. ج ١، المكتب الإسلامي، دار عمار - بیروت، چاپ اول ١٤٠٥ هـ.ق - ١٩٨٥ م.
- ١٢٩- طبرانی، حافظ أبي القاسم سلطمان بن احمد بن أيوب. المعجم الكبير. ج ١١، تحقیق حمدي سلفی، نشر وزارت اوقاف عراق ١٤٠٥ هـ.ق.
- ١٣٠- طبرانی، حافظ أبي القاسم سلطمان بن احمد بن أيوب. المعجم الكبير. ج ١٢، تحقیق حمدي سلفی، نشر وزارت اوقاف عراق ١٤٠٥ هـ.ق.
- ١٣١- طبرانی، حافظ أبي القاسم سلطمان بن احمد بن أيوب. المعجم الكبير. ج ٢٢، تحقیق حمدي سلفی، نشر وزارت اوقاف عراق ١٤٠٥ هـ.ق.
- ١٣٢- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. جامع البيان في تأويل القرآن. ج ٥، دار الکتب العلمیة، بیروت چاپ اول ١٤١٢ هـ.ق.
- ١٣٣- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. جامع البيان في تأويل القرآن. ج ٦، دار الکتب العلمیة، بیروت چاپ اول ١٤١٢ هـ.ق.
- ١٣٤- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. جامع البيان في تأويل القرآن. ج ٧، دار الکتب العلمیة، بیروت چاپ اول ١٤١٢ هـ.ق.
- ١٣٥- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. جامع البيان في تأويل القرآن. ج ١٠، دار الکتب العلمیة، بیروت چاپ اول ١٤١٢ هـ.ق.

- ١٣٦- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. جامع البیان فی تأویل القرآن. ج ١١، دار الکتب العلمیة، بیروت چاپ اول ١٤١٢ هـ.ق.
- ١٣٧- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. جامع البیان فی تأویل القرآن. ج ١٢، دار الکتب العلمیة، بیروت چاپ اول ١٤١٢ هـ.ق.
- ١٣٨- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. جامع البیان فی تأویل القرآن. ج ١٧، دار الکتب العلمیة، بیروت چاپ اول ١٤١٢ هـ.ق.
- ١٣٩- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. جامع البیان فی تأویل القرآن. ج ١٩، دار الکتب العلمیة، بیروت چاپ اول ١٤١٢ هـ.ق.
- ١٤٠- طحاوی، ابو جعفر محمد بن سلامة. شرح مشکل الآثار. ج ٣، تحقیق شعیب الارناؤوط، مؤسسة الرسالة، چاپ اول ١٤١٥ هـ.ق.
- ١٤١- عبدالنبی، قیّم. فرهنگ فارسی و عربی. کتابخانه ملی ایران، تهران، چاپ سوم ١٣٨٢ هـ.ش.
- ١٤٢- عزة، د. عزة. فهرس مخطوطات دار الکتب الظاهرية - علوم القرآن، مطبوعات المجمع العلمی العربی، دمشق ١٣٨١ هـ.ق.
- ١٤٣- قاسمی، محمد جمال الدین. محاسن التأویل. ج ١، دار إحياء التراث العربی - بیروت چاپ اول ١٤٠٥ هـ.ق.
- ١٤٤- قاسمی، محمد جمال الدین. محاسن التأویل. ج ٧، دار إحياء التراث العربی - بیروت چاپ اول ١٤٠٥ هـ.ق.
- ١٤٥- قرطبی، أبو عبد الله محمد بن احمد الأنصاری. الجامع لاحکام القرآن. ج ٤، دار الکتب العلمیة، بیروت چاپ اول ١٤٠٨ هـ.ق.
- ١٤٦- قرطبی، أبو عبد الله محمد بن احمد الأنصاری. الجامع لاحکام القرآن. ج ٩، دار الکتب العلمیة، بیروت چاپ اول ١٤٠٨ هـ.ق.
- ١٤٧- قیسی، مکی بن أبی طالب. الايضاح لناسخ القرآن ومنسوخة. تحقیق دکتر احمد حسن فرحات، دار المنارة، جدة چاپ اول ١٤١٨ هـ.ق.
- ١٤٨- محاسبی، حارث بن اسد. فهم القرآن. تحقیق حسین قوتلی، دار الفکر، بیروت چاپ دوم ١٣٩٨ هـ.ق.
- ١٤٩- نحاس، ابو جعفر احمد بن محمد بن اسماعیل. معانی القرآن. ج ٢، مرکز البحث العلمی جامعة أم القرى، مكة، چاپ اول ١٤٠٩ هـ.ق.

- ١٥٠- نحاس، ابو جعفر احمد بن محمد بن اسماعيل. الناسخ والمنسوخ. ج٢، تحقيق: دكتور سليمان بن ابراهيم اللاحم، مؤسسة الرسالة، بيروت: چاپ اول ١٤١٨هـ.ق.
- ١٥١- نحاس، ابو جعفر احمد بن محمد بن اسماعيل. الناسخ والمنسوخ. ج٣، تحقيق: دكتور سليمان بن ابراهيم اللاحم، مؤسسة الرسالة، بيروت: چاپ اول ١٤١٨هـ.ق.
- ١٥٢- نسائي، ابو عبد الرحمن احمد بن شعيب. التفسير. ج١، تحقيق صبرى عبد الخالق، مؤسسة الكتب الثقافية، بيروت چاپ اول ١٤١٠هـ.ق.
- ١٥٣- نسائي، ابو عبد الرحمن احمد بن شعيب. التفسير. ج٢، تحقيق صبرى عبد الخالق، مؤسسة الكتب الثقافية، بيروت چاپ اول ١٤١٠هـ.ق.
- ١٥٤- نسائي، ابو عبد الرحمن احمد بن شعيب. السنن المجتبي. ج٧، مصطفى البابى، مصر چاپ اول ١٣٨٣هـ.ق.
- ١٥٥- نيشاپورى، ابو عبد الله الحاكم. المستدرک على الصحيحين ج١، مكتب المطبوعات الاسلامية، حلب (ب ت).
- ١٥٦- نيشاپورى، ابو عبد الله الحاكم. المستدرک على الصحيحين. ج٢، مكتب المطبوعات الاسلامية، حلب (ب ت).
- ١٥٧- نيشاپورى، مسلم بن حجاج قشبرى. الصحيح. ج١، دار الحديث، القاهرة ١٩٩١م.
- ١٥٨- نيشاپورى، مسلم بن حجاج قشبرى. الصحيح. ج٢، دار الحديث، القاهرة ١٩٩١م.
- ١٥٩- نيشاپورى، مسلم بن حجاج قشبرى. الصحيح. ج٣، دار الحديث، القاهرة ١٩٩١م.
- ١٦٠- نيشاپورى، مسلم بن حجاج قشبرى. الصحيح. ج٤، دار الحديث، القاهرة ١٩٩١م.
- ١٦١- نيشاپورى، مسلم بن حجاج قشبرى. الصحيح. ج٥، دار الحديث، القاهرة ١٩٩١م.
- ١٦٢- واحدى، ابو الحسن على بن أحمد النيسابورى. أسباب نزول الآيات. دار الباز للنشر والتوزيع، مكة المكرمة ١٣٨٨ هـ ق - ١٩٦٨ م.

- ١٦٣- هيثمى، نور الدين على بن أبى بكر. كشف الأستار عن زوائد البزار على الكتب الستة. ج٣، مؤسسة الرسالة، چاپ اول ١٣٩٩ هـ.ق.
- ١٦٤- هيثمى، نور الدين على بن أبى بكر. مجمع الزوائد. ج٢، مؤسسة المعارف، بيروت ١٤٠٦ هـ.ق.
- ١٦٥- هيثمى، نور الدين على بن أبى بكر. مجمع الزوائد. ج٦، مؤسسة المعارف، بيروت ١٤٠٦ هـ.ق.
- ١٦٦- هيثمى، نور الدين على بن أبى بكر. مجمع الزوائد. ج٧، مؤسسة المعارف، بيروت ١٤٠٦ هـ.ق.
- ١٦٧- هيثمى، نور الدين على بن أبى بكر. مجمع الزوائد. ج١٠، مؤسسة المعارف، بيروت ١٤٠٦ هـ.ق.

